

**چگونه
فرزندانت
را در این زمان تربیت می‌کنی؟**

تألیف:

دکتر حسان شمسی باشا

مترجم:

ابراهیم زاهدی فرد فاروقی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار نویسنده.....	۱۱
فصل اول: تربیت فرزندان هنر و مهارتی است که مبانی و اصولی دارد.....	۱۷
۱- مشارکت در تربیت:.....	۱۷
۲- مسئولیت تربیت:.....	۱۸
۳- کار مادران:.....	۱۹
۴- رفتار والدین و مشکلات روانی کودک:.....	۲۰
۵- درگیری‌ها و دشمنی‌های والدین:.....	۲۱
۶- اختلاف والدین؛ میان «بله» و «خیر»:.....	۲۲
۷- با فرزندت دوستی کن:.....	۲۲
۸- محبت و پرورش:.....	۲۳
۹- پرسش‌های کودکان:.....	۲۴
۱۰- پدری منظم باش:.....	۲۵
۱۱- الگوی فرزندان باش:.....	۲۵
۱۲- دستورات قاطع ... ولی با آرامش:.....	۲۶
۱۳- کی به فرزندت می‌گویی: «نه»؟.....	۲۶
۱۴- در حد معقول آزادش بگذارد:.....	۲۷
۱۵- باید او را نوازش کنی:.....	۲۸
۱۶- برانگیختن حس رقابت:.....	۲۹
۱۷- کودک دوم در راه است:.....	۲۹

- ۱۸- آیا کودک تخریب‌گر به دنیا می‌آید؟ ۳۰
- ۱۹- بخیلی یا اسرافکاری: ۳۰
- ۲۰- کودکان در اردو و مسافرت: ۳۱
- ۲۱- انتخاب دوست: ۳۱
- ۲۲- چرا مادر بزرگ و پدر بزرگ کارهایی انجام می‌دهند که پدران و مادران از انجام آن عاجزند؟ ۳۴
- ۲۳- نقش کلفت یا خادمه در خانه: ۳۵
- ۲۴- چگونه اعتیاد کودک را در تماشای برنامه‌های تلویزیونی کاهش می‌دهی؟ ۳۷
- فصل دوم: توصیه‌های تربیتی** ۳۸
- ۱- به فرزندان گوش فرا ده: ۳۸
- ۲- فرزندان را به رک‌گویی و صراحت لهجه عادت بده! ۳۹
- ۳- توصیه‌های در مورد گوش فرا دادن ۴۰
- ۴- روان فرزندان را بشناس: ۴۲
- ۵- به فرزندان احترام بگذار: ۴۴
- ۶- فرزندان را تشویق کن: ۴۴
- ۷- سرزنش را کاهش بده: ۴۶
- ۸- دیدگاه‌های شان را بشنو! ۴۷
- ۹- به آنان اعتماد به نفس بیاموز! ۴۸
- الف: اسباب ضعف اعتماد بنفس در کودکان چیست؟ ۴۸
- ب: چگونه فرزندانمان را با اعتماد بنفس بارآوریم؟ ۴۹
- ۱۰- فرزندان را به موفقیت عادت بده: ۴۹
- ۱۱- به فرزندان مسئولیت‌پذیری را بیاموز! ۵۰

الف: واقعیت‌هایی از زندگی کودکان و راه حل آن:.....	۵۱
ب: توصیه‌های تربیتی در مورد مسئولیت‌پذیری:.....	۵۲
۱۲- پول تو جیبی!.....	۵۳
۱۳- در ناز پروردگی زیاده‌روی نکن!.....	۵۴
۱۴- در سختی زیستن را به او بیاموز!.....	۵۵
۱۵- از خداوند بترسید و میان فرزندان‌تان عدالت کنید:.....	۵۶
فصل سوم: بازی کودکان.....	۵۷
۱- اهمیت بازی کودکان.....	۵۷
۲- توصیه‌هایی برای مربیان:.....	۵۸
۳- بازی کودکان در اسلام:.....	۶۰
فصل چهارم: فرزندانم با یکدیگر درگیر می‌شوند چکنم؟.....	۶۳
۱- علل درگیری فرزندان.....	۶۳
۲- وقتی که فرزندانم در خانه درگیر می‌شوند، چه کنم؟.....	۶۳
۳- فرزندانم توی ماشین با همدیگر درگیر و گلاویزند:.....	۶۶
۴- عدالت میان فرزندان:.....	۶۷
۵- ستیزه‌جویی با همتایان:.....	۶۸
فصل پنجم: گریه‌ی کودکان.....	۶۹
۱- اسباب گریه‌ی کودکان:.....	۶۹
۲- توصیه‌هایی برای جلوگیری از دفعات گریه:.....	۷۰
فصل ششم: کودکم عصبی است ... چه کنم؟.....	۷۲
سرآغاز:.....	۷۲
۱- اسباب عصبی شدن کودکان چیست؟.....	۷۲

- ۲- پدیده‌های عصبی بودن کودکان چیست؟ ۷۵
- الف: علایم عمومی: ۷۵
- ب: حرکات مخصوص عصبی بودن: ۷۶
- ج: حرکات عصبی ناخواسته (غیرارادی): ۷۷
- ۳- عصبی بودن کودکان را چگونه درمان می‌کنی؟ ۷۸
- ۴- با فرزند عصبانی‌ات چگونه رفتار می‌کنی؟ ۷۹
- ۵- کودکم در مهدکودک عصبانی می‌شود: ۸۰
- فصل هفتم: فرزندم لجباز است؛ چه کنم؟** ۸۱
- ۱- اسباب لجبازی کودکان: ۸۱
- ۲- چرا گاهی کودکان از دستورات پدر و مادرشان سرپیچی می‌کنند؟ ۸۲
- ۳- کورکورانه اطاعت مکن! ۸۴
- ۴- توصیه‌هایی برای غالب شدن بر مشکلات رفتاری کودکان: ۸۵
- فصل هشتم: روش‌های پاداش** ۸۶
- ۱- اهمیت پاداش و مجازات: ۸۶
- ۲- قوانین تربیتی پاداش و مجازات: ۸۹
- فصل نهم: روش‌های مجازات** ۹۱
- ۱- مجازات درست و نادرست: ۹۱
- ۲- انواع مجازات: ۹۴
- ۳- مجازات تحریم یا توقف کوتاه: ۹۷
- الف: «تحریم کوتاه» از دید کودکت: ۹۸
- ب: کودکان در فاصله‌ی سنی دو تا دوازده سالگی: ۹۹
- ج: «تحریم کوتاه» در اصلاح خطاهای زیر استفاده نشود: ۹۹

۹۹.....	د: یک یا دو رفتار را هدف قرار ده:
۱۰۰.....	هـ: اجرای «تحریم کوتاه»:
۱۰۱.....	۴- شرط مجازات:
۱۰۲.....	۵- توصیه‌هایی در مورد روش مجازات:
۱۰۳.....	۶- کتک زدن:
۱۰۴.....	۷- توصیه‌هایی برای کاهش خشم مادر:
۱۰۶.....	فصل دهم: تربیت یک دقیقه‌ای
۱۰۶.....	پیشگفتار:
۱۰۶.....	۱- یک دقیقه سرزنش شان کن:
۱۰۹.....	۲- یک دقیقه، ستایش شان کن:
۱۱۰.....	۳- خواندن اهداف یک دقیقه‌ای:
۱۱۱.....	۴- توصیه‌های ده‌گانه در تربیت فرزندان:
۱۱۳.....	فصل یازدهم: فرزندم رفتن به رختخواب را دوست ندارد، چه‌کنم؟
۱۱۵.....	فصل دوازدهم: فرزندم از غذا خوردن ابا می‌ورزد، چه‌کنم؟
۱۱۸.....	فصل سیزدهم: فرزندم کمرو است و خجالت می‌کشد
۱۱۸.....	۱- خجالت و کمرویی طبیعی یا
۱۱۸.....	۲- پدیده‌های خجالت و کمرویی شدید چیست؟
۱۱۹.....	۳- اسباب خجالت و کمرویی چیست؟
۱۲۰.....	۴- کودک خجالتی و کمرو را چگونه درمان می‌کنی؟
۱۲۳.....	فصل چهاردهم: فرزندم می‌ترسد
۱۲۳.....	۱- ترس طبیعی یا ترس به عنوان یک بیماری:
۱۲۴.....	۲- ترس‌های کودکان چند دسته است؟

- ۳- ترس‌های غیرحسی: ۱۲۵
- ۴- ترس از تاریکی: ۱۲۷
- ۵- ترس‌های کودکان را چگونه معالجه می‌کنی؟ ۱۲۸
- فصل پانزدهم: فرزندم در تلفظ کلمات اشتباه می‌کند ۱۳۱
- ۱- بیان مشکل و علت‌های وقوع آن: ۱۳۱
- ۲- چه کنم؟ ۱۳۲
- ۳- چگونه به پیشبرد زبان و توسعه گفتار فرزندت کمک می‌کنی؟ ۱۳۳
- ۴- فرزندت لکنت زبان دارد، چه می‌کنی؟ ۱۳۴
- فصل شانزدهم: فرزندم به مدرسه می‌رود ۱۳۶
- ۲- خو گرفتن به مدرسه: ۱۳۸
- ۳- زود به مدرسه رفتن: ۱۳۸
- ۴- یادگیری زبان‌های بیگانه: ۱۳۹
- فصل هفدهم: چرا فرزندم دروغ می‌گوید؟ ۱۴۱
- ۱- یادگیری از الگو: ۱۴۱
- ۲- چرا بچه‌ها دروغ می‌گویند؟ ۱۴۱
- ۳- بچه‌ها را چگونه از عادت دروغ‌رهایی بخشیم؟ ۱۴۲
- فصل هجدهم: چرا کودکان به زشتی‌ها گرایش می‌یابند؟ ۱۴۵
- ۱- فرزندم دزدی می‌کند ... چه کنم؟ ۱۴۵
- فصل نوزدهم: کودک را در راه خدا دستگیری کن ۱۴۹
- ۱- پایه‌ریزی عقیده‌ی درست در کودک: ۱۴۹
- ۲- آماده‌سازی کودک برای عبادت خدا: ۱۵۳

۳- آموزش و حفظ قرآن برای کودکان:	۱۵۴
۴- کودک چه چیزی را حفظ کند؟	۱۵۶
۵- ساختمان دینداری را در فرزندت تخریب مکن:	۱۵۷
۶- تربیت اخلاقی و دینی:	۱۵۸
فصل بیستم: داستان‌های کودکان	۱۶۰
۱- تأثیر داستان بر کودک	۱۶۰
۲- آیا داستان‌های فوق جایگزین دارند؟	۱۶۱
۳- از این گونه داستان‌ها بر حذر باش:	۱۶۵
۴- داستان قبل از خواب:	۱۶۵
فصل بیست و یکم: به فرزندان‌تان ارزش‌ها را آموزش دهید	۱۶۷
۱- اخلاق رسول الله ﷺ	۱۶۷
۲- امانتداری:	۱۶۸
۳- شجاعت:	۱۶۹
۴- رفتار شایسته پیشه کنید:	۱۶۹
۵- اعتماد بنفس:	۱۷۱
۶- میانه‌روی و انضباط:	۱۷۲
۷- عفت و اخلاص:	۱۷۳
۸- وفا به عهد و پیمان:	۱۷۴
۹- احترام:	۱۷۵
۱۰- دوست داشتن:	۱۷۵
۱۱- ایثار:	۱۷۶
۱۲- خوش برخورد بودن:	۱۷۷

- ۱۳- عدالت: ۱۷۷
- فصل بیست و دوم: فرزندان تان را ادب کنید ۱۷۹
- ۱- آموزش ادب با الگو: ۱۷۹
- ۲- راز داری: ۱۷۹
- ۳- فرزندان را عادت بده، خوش سلیقه باشند! ۱۸۰
- ۴- کاربرد تلفن: ۱۸۱
- ۵- آداب اسلامی غذا خوردن را به فرزندان بیاموز: ۱۸۲
- ۶- به آنان بیاموز با شخصیت‌های علمی چگونه تعامل کنند؟ ۱۸۲
- فصل بیست و سوم: تربیت جنسی ۱۸۳
- ۱- مسئولیت والدین در تربیت جنسی: ۱۸۳
- ۲- بازی‌های جنسی میان کودکان: ۱۸۴
- فصل بیست و چهارم: نوجوانی... چگونه با آن رفتار می‌کنی؟ ۱۸۶
- ۱- پدیده‌های جسمی و روانی نوجوانی و مسئولیت پدران در قبال آن: ۱۸۶
- ۲- نوجوان... نیازمند دوستان است: ۱۹۱
- ۳- نوجوان... نیازمند امنیت است: ۱۹۴
- ۴- نوجوان... نیازمند خداپرستی است: ۱۹۵
- ۵- دینداری را چگونه در نوجوان بارور و تقویت می‌کنی؟ ۱۹۶
- ۶- نوجوان و مسایل جنسی: ۱۹۸
- ۷- مسئولیت پذیری را به او بیاموز: ۲۰۰
- ۸- نوجوان در کشورهای ما و کشورهای غربی: ۲۰۲
- ۹- فرزند نوجوانم صبح به سادگی بیدار نمی‌شود: ۲۰۳
- ۱۰- بازگشت نوجوان در شب: ۲۰۳

-
-
- ۱۱- اگر چشم‌ات به کار خاصی از کارهای فرزندت افتاد، که او دوست نداشت تو
از آن اطلاع یابی، چه می‌کنی؟ ۲۰۵
- ۱۲- فرزندم شانزده ساله است ... دوست دارد رانندگی کند: ۲۰۵
- ۱۳- توصیه‌هایی به والدین: ۲۰۶



خداوند به انسانی رحم کند که
برای شایستگی فرزندش بکوشد.
علی بن ابی طالب ﷺ

پیشگفتار نویسنده

تعامل با فرزندان، هنری است که در مراحل زندگی برای بسیاری پدران و مادران دشوار می‌شود، لذا بسیاری از آنان در جستجوی مفید و مؤثرترین راه تعامل با فرزندان‌شان هستند.

امام غزالی رحمته الله علیه گوید:

«کودکان ما گوه‌راند». می‌شود به این جمله نکته‌ای افزود و گفت: «ولی بسیاری از بزرگان (پدران و مادران) آهنگرند: و خود بیش از فرزندان نیازمند توجیه‌اند!». ابن قیم رحمته الله علیه در حالی که اهمیت نقش خانواده را در تربیت، مورد تاکید قرار می‌دهد، می‌گوید:

انحراف و فساد بیشتر فرزندان توسط پدران صورت می‌پذیرد، چون پدران نسبت به تربیت (فرزندان بی‌پروا و کم توجه‌اند! واجبات و وظایف دینی و اخلاقی را به آنان نمی‌آموزند و در خردسالی آنان را از دست می‌دهند. چنین فرزندانی نه برای خود، نفع (و خیری) دارند و نه در بزرگسالی برای پدرشان!.

چنانکه برخی از این پدران، از نافرمانی فرزندش شکوه و او را سرزنش کرد؛ ولی فرزند در جواب چنین گفت:

«پدرم! تو در خردسالی مرا تباه کردی و من در بزرگی تو را تباه کردم. تو در کوچکی از من غفلت کردی و من در کهنسالی تو را فراموش کردم»^۱.

والدین گرامی!

کارشناسان و پژوهشگران به این نتیجه قطعی دست یافته‌اند که سال‌های نخست عمر انسان بر بقیه ایام زندگی‌اش اثرگذار است؛ لذا ذهنیت کودک از خودش، چیزی است که از رفتار تو با او نشأت می‌گیرد؛ اگر تو این احساس را در او ایجاد و تقویت کردی که او

۱- تحفة المودود بأحكام المولود، ابن قیم، ص ۱۳۹.

بچه‌ی خوبی است! و محبت‌ات را به او اثبات کردی و او محبت تو را لمس کرد، قطعاً از خود این ذهنیت را خواهد داشت که او انسان خوب و محترمی است؛ اما اگر با او کم صبری کردی و شب و روز او را آماج ملامت و سرزنش کردی؛ این ذهنیت را برایش اثبات کردی که تو بچه‌ی ناشایستی هستی و او ناخواسته بر این منوال رشد خواهد کرد و از خود ذهنیت بدی خواهد داشت و کارش یا به افسردگی و شکست، یا به سرکشی و نافرمانی می‌انجامد.

اگر او را دیدی که کارهای نادرست و ناهنجاری را انجام می‌دهد، به او بفهمان که عیب در او نیست، بلکه رفتارش خطا است!

خیلی مهم است که پدر و مادر بدانند، همراه با رعایت احساسات بچه، چگونه با او همزمان به نرمی و قاطعیت برخورد کنند، چنان که شایسته است رفتار والدین بر اساس مبانی و معیارهای از پیش تعریف و تعیین شده باشد؛ لذا نباید امروز بچه را بر کاری تحسین کنی که دیروز او را بر انجام آن توبیخ کردی، امروز او را بر کاری سرزنش نکن که دیروز او را تایید کردی! و همیشه از ارتکاب عملی پرهیز که او را از ارتکاب آن باز می‌داری!

تربیتی بدون محبت امکان‌پذیر نیست؛ لذا با محبت کودکان تان، اهتمام بورزید؛ ولی سنجیده و حساب شده! معنای محبت ورزیدن این نیست که کودکان بر امور خانه یا مدرسه، سیطره یابند و امر و نهی کنند. یقیناً محبت رسول الله ﷺ نسبت به یارانش او را از آن باز نداشت که مسئولیت‌ها و وظایفی را به آنان بسپارد یا آنان را به میدان مبارزه بفرستد.

پدران و مادران!

از حجم سرزنش و نکوهش اتوماتیک و غیرضروری بکاهید، چون کودک ما ابزاری نیست که او را به روش دلخواه خود مدیریت کنیم!

خیلی وقت‌ها مادر از سرزنش فرزندانش که حرف شنوی ندارند و به درگیری و

دردسرافرینی با بچه‌های همسایه ادامه می‌دهند؛ خسته می‌شود. جالب اینکه وقتی صبرش لبریز گشت بر بچه‌ها می‌شورد و تهدیدکنان به آنان می‌گوید:

بگذارید پدرتان از سرکارش برگردد، حتما شما را ادب خواهد کرد! ولی مشکل اینجاست که پدر خسته و از پا افتاده از کارش بر می‌گردد و در خانه به استراحت و آرامش، نیاز دارد. به محض اینکه وارد خانه می‌شود، زنش شکوه‌کنان و غرولندکنان در مقابلش می‌ایستد و می‌گوید: من دیگر به تنهایی تحمل بچه‌هایت را ندارم! باید کاری بکنی!

والدین می‌باید از قضا و قدر الهی غفلت نوزند، چون بسا والدینی که به تربیت فرزندشان همت گمارند، اما دراین زمینه موفقیتی به دست نیاورند؛ لذا برادر عزیزم! از رحمت خدا ناامید مباش و دعای خیر را برای فرزندان غنیمت بشمار و تأثیر آن را کم مپندار! چون ثوبان رضی الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«با گناهی که شخص مرتکب می‌شود یقیناً از روزی محروم می‌گردد و قدر (الهی) را جز دعا بر نمی‌گرداند و عمر را چیزی نمی‌افزاید (و به آن برکت نمی‌دهد) جز نیکوکاری!». ^۱

و فرمود: «خودتان را نفرین نکنید! فرزندان‌تان را نفرین نکنید!». ^۲

سیدنا داود (در مناجاتش با خداوند) گفت:

خداوند! «نسبت به فرزندم چنان باش که برای من بودی». خداوند به او وحی کرد: ای داود! به فرزندت بگو؛ برایم چنان باشد که تو برایم بودی، (آنگاه) من (هم) برایش آنگونه خواهم بود که برای تو بودم!.

۱- روایت مسند احمد، ج ۳۷، ص ۶۸، ح ۲۳۸۶ (چاپ رساله).

۲- روایت صحیح مسلم.

دست فرزندان را بگیر و آنان را به سوی خدا راهنمایی کن. آنان را بر محبت خدا و رسولش پرورش ده. در دلشان خداپرستی و خداترسی را بکار و به آنان کمک کن تا هنگامی که بزرگ و پیر شدی به تو نیکی کنند.

همیشه به یاد داشته باش که فرزندان، امانت‌اند و پس از مدتی خانه‌ات را ترک خواهند کرد، لذا به تربیت، آموزش و راهنمایی‌شان پرداز. وقت و توجهت را صرف آنان کن. روحیات‌شان را بررسی کن و دریاب و شخصیت‌شان را بشناس و درک کن، چون این امر به تو کمک خواهد کرد تا آنان را به نیکی تربیت کنی. اگر با شرایط سختی مواجه شدی، بدان که آن گذرا است و اگر در لحظات خوش و لذت بخش با فرزندان، همراه شدی، پس آن را برایشان غنیمت بشمار و آن زمان را ارج بنه و بدان که امروز را با آنان هستی و فردای نزدیک، آنان جدا خواهند شد، لذا از زندگی و کار با آنان لذت ببر و از آنان غافل مشو و آنان را به حال خود مسپار که چیزهایی اتفاق می‌افتد که تصورشان را نداشتی و پشیمانی هم سودی نخواهد داشت.

عرب‌ها می‌گویند: «کودک پدر مرد است». یعنی در درون هر بچه، سیمای یک مرد نهفته است که در آینده آن را می‌سازد. این سخن به این معنا نیز هست؛ که اتفاقات (و خاطرات) کودکی بخش مهم و بزرگی از شخصیت و رویکرد ما را مشخص می‌کند.^۱

امام غزالی گوید: اگر کودک در آغاز رشدش مورد بی‌توجهی قرار گیرد، اغلب بداخلاق، دروغگو، حسود، دزد و راهزن، سخن‌چین، کله شق، گستاخ، پرده‌در و پررو خواهد شد و از همه‌ی این رذالت‌ها فقط با تربیت درست، رهایی خواهد یافت و محافظت خواهد شد.

پدران و مادران باید در مقابل عظمت کودک از سر احترام، تواضع کنند و بدانند که کودک هم‌ردیف پادشاه است و متوجه باشند، کسیکه هم اکنون با لباس کودک در

۱- دکتر المنسی قنديل، محمد، عطاء في طفولتهم.

آغوش‌شان می‌خواهد، او خود آینده‌اش است و کسیکه هم اکنون در میان‌شان غرق بازی است، او خود تاریخ است.

دوست و برادرم استاد عدنان سیبعی می‌گوید:

ای پدرها و مادرها!

فرزندانتان، ارزشمندترین مردمان‌اند، این چیزی است که خود می‌گویید؛ ولی باید این گفتار را کردار، پشتیبانی کند! آیا نمی‌بینید بیشتر مردم سخنان نغز و روش برخورد سنجیده و پسندیده را به غریبه‌ها تقدیم می‌کنند و شاید چیزی از آن را به فرزندان و همسران‌شان عرضه نکنند، با اینکه اینان در برخورداری از سخن نیک و تعامل دلنشین از دیگران سزاوارتراند.

شاعر گوید:

بهترین میراث مردم برای فرزندانش، ادب و آوازه‌ی نیک است. این سرمایه در روز سختی و آسایش از دینار و اسکناس‌های کاغذی، ارزشمندتر است؛ چون این نابود گردد؛ اما شخصیت و ادب نیک تا وقت دیدار (با مرگ، برقرار است و) از میان نرود!

پیگیر بودم و خواستم در این کتاب، خلاصه‌ای از تجربه‌ی مربیان گذشته و معاصر را در کنار تجربه‌ی بیست ساله‌ی خودم در تربیت فرزندانم و چکیده‌ای از تجارب دیگران را برگزینم و گردآورم.

معنای این سخن این نیست که هر انسانی، موفق می‌شود تمام توصیه‌ها و رهنمودهای مربیان را مو به مو پیاده و اجرا کند! شاید بعضی‌ها صبرکافی و انعطاف‌پذیری لازم را ندارند، ورنه پدر یا مادر نمونه می‌شوند! به هر حال این مهم است که همه‌ی ما برای بهتر شدن بکوشیم و بخواهیم خودمان را تغییر بدهیم و رفتارمان را عوض و آراسته کنیم؛ آن وقت است که رفتار فرزندان ما نظام می‌یابد و معقول و سنجیده می‌گردد و وضعیت‌شان رو به شایستگی می‌گذارد.

خدایا! یقیناً تو نیک می‌دانی من از این کتاب، هدفی جز این نداشتم که به پدران و

مادران در تربیت فرزندان‌شان کمک‌کنم و آنان را به سوی رفتار و تعامل بهتر راهنمایی کنم.

خدایا! اگر من به این هدف نایل گشتم پس فقط تو را می‌ستایم و فقط از تو ممنونم ولی اگر به خطا رفته باشم، کوتاهی کردم و از او عذر می‌خواهم پس مرا بیامرز. یقیناً من جز به خواست الله، هیچ موفقیتی ندارم. خودم را به او سپردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

سوریه. حمص

جمادی الاولی ۱۴۲۱ هـ

مصادف با ۲۰۰۰ م

دکتر حسان شمسی باشا

فصل اول:

تربیت فرزندان هنر و مهارتی است که مبانی و اصولی دارد

۱- مشارکت در تربیت:

اغلب پدران به دلیل مشغولیت‌های روزانه، به سرپرستی و مراقبت فرزندشان توجهی نمی‌کنند، و همسر هم در خانه مشغول سرپرستی و نگهداری از فرزندان بوده که خسته شده و نیاز به توجه و قدردانی شوهر دارد.

شاید این کار خیلی هم برای شوهر زحمت نداشته باشد، همین که بچه‌اش را از آغوش همسرش بگیرد؛ اثرگذار است و اهداف بسیاری را تحقق می‌بخشد، از جمله ارتباط میان او و فرزندش را برقرار و تقویت می‌کند. دیگر اینکه او با این کارش به همسرش ابراز محبت کرده و از نقشی که او عهده‌دار است قدردانی بعمل آورده است و بیش از همه‌ی اینها اینکه همسرش در می‌یابد که شوهرش هنوز به او علاقه دارد و همانند پیش از زایمان به او اهتمام می‌ورزد.

دسته‌ای دیگر از پدران هستند که شب به خانه باز می‌گردد؛ شام می‌خورد و بلافاصله خانه را ترک می‌گوید و تا پاسی از شب دوستانش را همراهی می‌کند در حالی که همسرش را با نوزاد یا بچه‌هایش در خانه تنها گذاشته است! چه بسا استنادش این باشد که این روند، برنامه‌ی گذشته و پیش از ازدواجش بوده که به آن خو گرفته و عادت کرده است. او در این حال فراموش یا خود را به فراموشی می‌زند که خداوند، نوزاد جدیدی را به او عطا کرده است و باید روند زندگی‌اش را عوض کند؛ چون مسئولیت‌ها و زندگی جدیدی بر دوش‌اش است؛ چون او دیگر پدر شده است و باید همسرش را در ادای مسئولیت‌هایش در نگهداری و سرپرستی فرزندش همراهی و نوازش کند و با او در مسئولیت‌های زندگی مشارکت ورزد.

در چنین شرایطی که نوزادی به دنیا آمده است و در دل مادر جا خوش کرده و در جلب توجه و عنایت مادر با پدر به رقابت برخاسته است؛ شاید پدر نسبت به این

جایگاه نوزاد در دل مادر احساس حسادت کند که چرا این نوزاد تا این حد توجه ویژه‌ی همسرش را به خود جلب کرده است؛ لذا باید همسر از این امر غفلت نرزد و شوهرش را مورد عنایت و محبت خودش قرار دهد، به محض رسیدنش به خانه، به او خیر مقدم بگوید؛ آنچه تقاضا می‌کند با روی باز و بزرگ منشی و رعایت حرکت، تقدیم کند. و با استناد به اینکه مردان توان نگهداری کودکان را ندارند، فرزندش را از شوهرش دور نگه ندارد.

۲- مسئولیت تربیت:

شکی نیست که مسئولیت تربیت، بر دوش پدر و مادر است. شایسته نیست مادر مانع کمک پدر در تربیت کودک شود، بلکه باید پدر را به تربیت تشویق و اسباب و زمینه‌ها را برایش فراهم کند.

پسندیده نیست که مادر در تربیت فرزندش به پدر متکی باشد و فرزند را به مجازات پدر تهدید کند، - چنان که کارشناسان گفته‌اند -: پدر در دید فرزندش، همچون پلیس برای مجرم جلوه خواهد کرد و جز در هنگام بروز اختلاف، هیچ ارتباطی میان‌شان نخواهد بود.

شایسته است از آسیب اختلاف، میان پدر و مادر در خانه غافل نشویم؛ زیرا این امر تأثیر آنان را بر کودک کاهش خواهد داد. کودک از اختلاف والدین به نفع خود بهره‌برداری خواهد کرد و به کجروی‌اش ادامه خواهد داد، در حالیکه ضرورت دارد کودک سلطه پدر و مادر را یکپارچه تلقی کند شاید بدترین چیزی که در دوران کودکی بر کودک اثر منفی می‌گذارد، اختلاف میان والدین باشد که او هم از آن اطلاع یابد. این باعث اضطراب، نگرانی و آشفتگی خردسال می‌گردد. بدتر از آن اینکه هریک از والدین نفرت خود را از دیگری نزدش ابراز دارد و بدین‌سان نفرت را در دلش پایه‌ریزی کند که در آنصورت خانواده به گروه‌های متخاصم تبدیل خواهد شد.

گروهی از خانواده‌ها بر این باوراند که تربیت با ابراز خشونت، سنگدلی و اخم کردن

میسر است؛ لذا پدر همیشه در خانه ترشرو و اخمو است. او در این حال گویا یا ابزاری است برای انتقام و یا نمادی است برای کشتار. به این خاطر بچه‌ها همیشه از او گریزان‌اند و از ترس او هر یک به گوشه‌ای می‌خزد و از خشم و فریادش دوری می‌کنند. اینکه بچه‌ها از او حساب می‌برند؛ نه از سر احترام است و نه اینکه از او می‌شرمند. این رفتاری است که با مقررات تربیت همخوانی ندارد و اسلام آن را تحریم کرده است.

ابن خلدون گوید:

کسیکه روش تربیتی‌اش فشار، بدرفتاری، سرکوب و اعمال سلطه بر دانش‌آموزان، زیردستان و خادمان باشد؛ مغلوب سلطه خواهد شد، روانش در تنگنا خواهد افتاد و شادابی روحی‌اش را از دست خواهد داد. او با این روش آموخته‌اش را به تنبلی واداشته و دروغ و پلشتی را بارش کرده است، چون آموخته همیشه از فشار و زور می‌ترسد؛ لذا مربی به دست خود مکر و فریب را به او آموزش داده است.^۱

۳- کار مادران:

حقیقت آن است که سرگرم شدن مادران و غفلت شان از تربیت فرزندان‌شان در سال‌های نخست تولد؛ فاجعه‌ی بزرگی است تا جایی که تبلیغات درغرب درگیر و پیگیر احیای نقش مادران‌اند. وزیر سابق آموزش در ایالات متحده «تیرل بال» نگرانی شدید خوشی را از آنچه در خانواده‌ها اتفاق می‌افتد، ابراز داشته و گفته است:

آفت سطح آموزش در مدارس امریکا در بعضی ابعاد آن به حدی زیاد است که بیانگر فروپاشی خانواده است، زیرا خانواده‌های بسیاری‌اند که زن و مرد آن کار می‌کنند و خانواده‌های بسیاری‌اند که جز یکنفر، آن را اداره نمی‌کند؛ مادر یا پدر^۲

۱- مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۱۰۴۳، چاپ دارالکتاب اللبنانی.

۲- مجله‌ی «البيان» شماره نهم، به نقل از مجله‌ی «برین تروس» شماره اکتبر ۱۹۸۷ میلادی. این مجله‌ای است تبشیری که به مسیحیت فرا می‌خواند و به هفت زبان چاپ می‌شود و ماهیانه بیست میلیون نسخه از آن مجانی توزیع می‌شود.

استاد جورج دی فوس از دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید:
یقیناً مادر ژاپنی در تربیت فرزندانش عنصری پر اهمیت و تأثیرگذار؛ چون او خودش را تنها مسئول آموزش فرزندش می‌داند و از نقش و جایگاه مدرسه با تمام توانش حمایت و پشتیبانی می‌کند. در این جامعه تربیت کودک از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شود^۱.

۴- رفتار والدین و مشکلات روانی کودک:

شاید رفتار والدین در مشکلات روانی که کودک به آن مبتلا می‌گردد تأثیر بسزایی داشته باشد. رفتار والدین یکی از رویکردهای زیر را در پیش می‌گیرد:

۱- **سلطه‌جویی:** یعنی سیطره‌ی بی‌حد و مرز والدین بر کودک و دخالت در ریز و درشت کارها و برنامه‌هایش. شخصیت کودک در اثر این رفتار، ضعیف می‌گردد. و شاید به مشکلات روانی مبتلا گردد.

۲- **زیاده‌روی در حمایت و نگرهبانی:** یعنی انجام همه‌ی تکالیف و مسئولیت‌های کودک و برآورده کردن همه خواسته‌هایش؛ دراین حالت کودک اعتماد به خودش را از دست می‌دهد.

۳- **طرد و بی‌پروایی:** در این حالت کودک اهمال می‌شود. نه موفقیتش تشویق و تحسین می‌شود و نه غفلت و کوتاهی‌اش مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

۴- **نازپروردگی:** در این حالت برخورد تربیتی سنجیده با کودک نادیده گرفته می‌شود، یا به تأخیر می‌افتد، یا همه‌ی خواسته‌هایش تأمین می‌شود، در نتیجه کودک بی‌پروا و بی‌محابا بار می‌آید.

۵- **سنگدلی:** دراین حالت پدران روش‌های مجازات بدنی و روحی سختی را در پیش می‌گیرند. در نتیجه کودک ترسو و مردد بار می‌آید.

۶- **مردد و مضطرب بودن:** طوری که کودک به علت انجام یک کار؛ یک مرتبه تشویق و بار دیگر مجازات شود. در این حالت کودک دچار تناقض شدید و اضطراب و نگرانی دائم می‌شود و درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص نمی‌دهد.

۷- **تبعیض میان فرزندان:** در این حالت کودک دچار حساسیت، حسادت، نفرت و انتقام‌جویی می‌شود.

هریک از این رویکردها به شخصیت کودک آسیب می‌زند. بهترین رویکرد (تربیتی) میانه‌روی و اعتدال است که ما آن را از این رهنمود پیامبر ﷺ؛ استنباط و استخراج کردیم «کسی که رحم نکند مورد رحمت قرار نمی‌گیرد».

شکی نیست وقتی که رحمت و دلسوزی به دل والدین راه یابد، یقیناً به فرزندان نیز سرایت می‌کند و بر اخلاق و روش آنها تاثیر می‌گذارد. و در نتیجه، آنان نسبت به یکدیگر دلسوز بار می‌آیند و از رفتاری که صفای دل را مکدر کند دوری خواهند کرد.^۱

۵- درگیری‌ها و دشمنی‌های والدین:

جو پرتنش و درگیری‌ها و فریادهای والدین، فکر و ذهن کودک را پریشان می‌کند. ترس و آشفتگی را بر می‌انگیزد و هر گونه لذتجویی را برایش دشوار می‌گرداند و شب هنگام، لحظه‌ای که کودک در بستر خواب دراز کشیده است چیزی جز شنیدن صدای درگیری والدین، کودک را آزار نمی‌دهد. در چنین فضایی، لحظه‌ای که کودک از مدرسه سوی منزل بازگردد؛ احساس می‌کند دوباره به کانونی باز می‌گردد، که از خشم و درگیری، سرشار از وقتی که کودک پیایی در معرض چنین آسیب‌ها و صدمات روحی و آشفتگی‌های خانوادگی قرار می‌گیرد، رنجور و حساس می‌گردد و هر قدر حساسیت‌اش افزایش یابد، رنجش‌اش دوچندان می‌شود.

۱- دکتر بدیوی، احمدعلی، طفلك ومشكلاته النفسية.

بنابر این، والدین می‌باید از اختلافات و درگیری‌ها به ویژه از اختلاف درمقابل کودکان دوری کنند و آن را به وقتی تحول کنند که بچه‌ها حضور نداشته باشند. آنوقت هر یک از دو طرف تمرکز و آرامش بیشتری دارند (و بهتر نتیجه می‌گیرند!)

برخوردها و واکنش‌هایی که کودک در خانه با آن مواجه هست، طبیعی است که بر رفتار او در مدرسه اثر بگذارد؛ در نتیجه با بچه‌های دیگر و با معلم‌اش دچار دشمنی و آزار می‌شود و گاهی رفتارهای ناسنجیده‌ای از او سر می‌زند؛ وسایل مدرسه را می‌شکند بادیگران درگیر می‌شود، به همین دلیل همیشه، معلم او را شیطان، شلوغ و کینه‌توز می‌خواند. بدین سان مشکلات کودک افزایش می‌یابد. یک مرتبه در مدرسه و بار دیگر در منزل. و به علت رفتارهای بچه در مدرسه، مشکلات پدر هم افزایش می‌یابد و رفته رفته کارها وارد فاز جدیدی می‌شود که راه حلی برای آن نمی‌یابند، و حال خانواده به وخامت می‌گذارد و هر یک مسئولیت جریانات را به دوش دیگری می‌اندازد.

۶- اختلاف والدین؛ میان «بله» و «خیر»:

گاهی والدین در دستوراتشان به کودک اختلاف می‌کنند؛ مثلاً مادر به بچه اجازه می‌دهد با دوستانش بیرون رود و بازی کند؛ ولی پدر با او مخالفت می‌کند. در این میان کودک سرگردان می‌ماند؛ حرف مادر را بشنود، یا از پدر پیروی کند؟ راه حل، هماهنگی قبلی میان والدین و جواب یکسان و یکپارچه‌ی آنان است؛ اما در قضایایی که به طور ناگهانی پیش می‌آید، هماهنگی والدین امر ناممکنی است؛ ولی پسندیده است؛ اگر یکی از آنان چیزی گفت، دیگری با آن مخالفت نکند. بلکه مخالفتش را به وقتی دیگر موکول کند که کودک حضور نداشته باشد و شاهد اختلاف والدین نگردد.

۷- با فرزند دوستی کن:

برای اینکه پدر به دوستی فرزندانش دست یابد، به همکاری، محبت و احترام

همسرش نیاز دارد؛ زیرا زن شایسته، عظمت و شایستگی پدر را به فرزندانش آموزش می‌دهد و آنان را به دوست داشتن و احترام گذاشتن به او تربیت می‌کند و سرمایه‌های اخلاقی و خصلت‌های شایسته‌ی او را به آنان می‌شناساند.

او به آنان می‌گوید: به این رفتار پایبند باش که پدرت را خوشحال می‌کند. از این اخلاق دوری کن که پدرت را ناراحت می‌کند. آن وقت است که کودک عظمت اخلاق پدر را در می‌یابد.

اگر خواستی با کودک دوستی کنی، بدان که دهان کودک از عقلش بیدارتر است، جعبه‌ی شیرینی برایش از کتاب جدید و لباس نقش‌دار از سخن آبدار، زیباتر و جذابتر است. و چنانکه استاد محمود مهدی استانبولی می‌گوید: پدر زرنگ کسی است که چون وارد خانه شود هدیه یا تحفه‌ای همراه دارد، اگر این فرصت را از دست داد، اسکناسی را به کودکش تقدیم کند و همیشه به یاد داشته باشد، در دنیا چیزهایی وجود دارد که در دید ما وهم و خیال است؛ ولی از دید کودکان حقیقت است و تا زمانی که ما دنیا را از چشم آنان ننگریم هرگز به دوستی‌شان دست نخواهیم یافت و شاید آنان از ما آگاه‌تر و صادق‌تر باشند^۱.

۸- محبت و پرورش:

تربیت و پرورش بدون محبت امکان‌پذیر نیست، چون کودکانی که از مربیان‌شان عاطفه و توجه بیشتری را می‌یابند، جذب آنان می‌شوند و با جان و دل به سخن‌شان گوش فرا می‌دهند، به همین دلیل والدین می‌باید به محبت کودکان‌شان اهتمام ورزند کاری نکنند که در چشم فرزندان‌شان منفور گردند کارهایی مثل اهانت، مجازات پیاپی، نادیده انگاشتن نیازشان، محدود کردن آزادی‌شان، برآورده نکردن خواسته‌های مشروع‌شان.

۱- الاستانبولی، محمود مهدی، کیف نربي أطفالنا؟

اگر روزی ناچار شدند، کودک خود را مجازات کنند؛ برای اینکه محبت از میان نرود، سنجیده بکوشند تا رضایتش را جلب کنند، چون محبت، اساس تربیت است و بدون آن تربیت ممکن نیست.

مفهوم محبت این نیست که کودکان زمام امور خانه و مدرسه به دست گیرند و هر کاری را که دل‌شان خواست بکنند؛ هیچ بازدارنده و نظمی وجود نداشته باشد؛ این محبت نیست، بلکه عین ضعف و نابودی است. محبت رسول الله ﷺ نسبت به یارانش مانع نشد که مسئولیت‌هایی را بر دوش‌شان گذارد و آنان را به میدان‌های کار زار فرستد و خطاکاران و متخلفان‌شان را مجازات کند. این اقدامات باعث نشد محبت پیامبر ﷺ در دل یارانش کم شود، بلکه محبت و فرمانبرداری آنان بیشتر گشت.

در یکی از کودکسراها کودکی را دیدم که احساس‌اش را در مورد نبود امنیت و عاطفه ابراز میداشت شکوه از این وضع او را تا مرز بیهوشی پیش برده بود چون خانم معلم‌های زیادی تغییر کرده بود و به مجرد اینکه یکی از خانم معلم‌ها او را در آغوش گرفت و نوازش کرد و به او گفت: تو دوست داشتنی هستی! دیگر خانم معلمی عوض نخواهد شد؛ این پدیده از بین رفت، گویا چنین اتفاقی نیافتاده بود.

۹- پرسش‌های کودکان:

معمولاً کودک در سن ۳-۴ سالگی هر روز شروع به طرح سؤالی می‌کند، چرا این کار را انجام می‌دهی؟ چرا اینطور؟ این کیست؟ اینجا کجاست؟ و...

○ به پرسش‌های کودک به این دید نگاه کن که این پرسش‌ها در زندگی‌اش بخشی از فرآیند یادگیری طولانی است.

○ کوشش کن به شکل معقول و به اندازه به پرسش‌هایش پاسخ دهی. اطلاعات را به قدر کافی به او بده و وارد جزئیات مشو.

○ از این نوع پاسخ دادن‌ها به او دوری کن. «تو باید این کار را بکنی چون من به تو دستور دادم»!

- با این گفته همتش را کُند و کنجکاوی‌اش را متوقف مکن: «تو با این سؤالات خسته‌کننده و باعث آزار هستی».
- عوض اینکه همیشه فرمان صادر کنی و بس؛ بکوش به قدر امکان برای فرزندت توضیح دهی؛ چرا او باید چنین و چنان کند!
- در خردسالی همیشه فرزندت را بپذیر و به سؤالاتش پاسخ بده، تا او در بزرگی‌اش به پرسش‌های تو پاسخ دهد و همیشه تو را بپذیرد و چیزی از کارهایش را از تو پنهان نکند!

۱۰- پدری منظم باش:

- پیش از اینکه رفتار زشت کودک تو را به شناسایی نیازهایش وادار کند، باید نیازهای او را پیش‌بینی کنی.
- اگر با بچه‌هایت مشغول خرید بودی، پیش از اینکه خستگی آنان را از پا درآورد، سعی کن به منزل بازگردی!
- شایسته است لحظه‌ی مشغول شدن به تماس‌های تلفنی پیش از غذا نباشد یا حداقل طولانی نگردد، به ویژه اگر بچه‌ها گرسنه و خسته باشند و با یکدیگر درگیر شوند.
- اگر با بچه‌هایت به دیدار دوستان رفتی؛ سعی کن زمان دیدارت از ساعت خواب معمول بچه‌ها نگذرد^۱.

۱۱- الگوی فرزندان باش:

خانم دبیرهای یکی از شهرهای کوچک چین از کودکان خردسال خواستند هر روز هنگام بیرون شدن از خانه‌ها و رفتن به مدرسه، پلاستیک کوچکی را با خود بردارند و هر

۱- دکتر کلارک، لین، دلیل الآباء في تربية الأبناء، چاپ ۲۰۰۰ م.

اشغالی را در راه دیدند بردارند و توی پلاستیک بریزند؛ بدین‌سان شهر کوچک‌شان به شهر تمیزی تبدیل شد.

آیا نباید ما به بچه‌های مان یاد بدهیم چگونه توی ماشین یک پلاستیک داشته باشند و به جای اینکه اشغال‌ها را از شیشه توی راه بریزند، آن را توی پلاستیک بریزند سپس پلاستیک را به زباله‌دان بیندازند!

زیبنده است کودکان به انجام کارهای پسندیده تشویق شوند. نباید به کودک القا کنیم؛ این پیشه برتر است یا پیشه‌ی دیگر را تحقیر کنیم چنان که نباید او را به نوع خاصی از سرگرمی‌ها وادار کنیم.

۱۲- دستورات قاطع ... ولی با آرامش:

فرمان‌ها و دستورات باید جدی و قاطع باشد، نوع گفتار پدر و مادر هم باید بیانگر آمادگی آنان برای کمک به کودک باشد، لذا اگر کودک اسباب بازی‌هایش را روی سطح اتاق پهن کرده باشد؛ پسندیده است مادر بگوید: بیا اسباب بازی‌هایت را با همدیگر جمع کنیم و به طور همزمان مادر شروع کند به جمع‌آوری اسباب بازی‌ها، با این وصف فوراً کودک به کمک مادر می‌شتابد.

خیلی وقت‌ها می‌بینیم کودک دچار لکنت است و گریه می‌کند و چیغ می‌کشد؛ چون مادر با لحن تهدیدآمیز از او تقاضا می‌کند؛ برود دست‌هایش را بشوید! یا به حمام برود! در حالی که اگر بچه همین فرمان را با لحن آرام دریافت کند؛ فرمان را با نهایت آرامش اجرا خواهد کرد.

لذا گفتنی است هر قدر لحن، تحکم‌آمیز و اصرار افزایش یابد کودک بیشتر به لجباعت روی می‌آورد و به اجرای تقاضاهای ما رغبت نشان نمی‌دهد.

۱۳- کی به فرزندت می‌گویی: «نه»؟

شکی نیست مادری که همه‌ی خواسته‌های فرزندش را برآورده می‌کند؛ روش

تربیتی‌اش خطا است، چون این مطلب در ذهن کودک جا می‌گیرد که باید به همه چیز دست یابد، او دیگر تشخیص نخواهد داد چه چیزی مفید و چه چیزی مضر است؟ او در آینده آسیب می‌بیند، چون نمی‌تواند به همه‌ی خواسته‌هایش دست یابد.

مادر، کی و چگونه به فرزندش می‌گوید: «نه»؟

- هنگامی‌که کودک خواسته‌ای دارد که تحقق آن مانعی ندارد؛ به کودک «نه» مگو! اگر کودک تکلیف شب‌اش را به پایان رساند و پس از آن از مادرش اجازه خواست تا بازی کند؛ یقیناً کلمه‌ی «نه» در اینجا مناسب نیست.
- اما اگر از تو اسباب بازی تقاضا کرد. در حالیکه فقط سه روز پیش برایش اسباب بازی خریده‌ای، می‌شود برایش بگویی: نه، بعداً برایت خواهم خرید.
- دلایل ابورزیدنت را برایش توضیح بده. توضیح دادن، ابتدا او را آرام خواهد کرد و به او خواهد قبولاند که تو او را دوست داری سپس اثر انکار و ابا ورزیدنت را برایش قابل تحمل خواهد کرد. و چون به خواسته‌اش احترام گذاشتی، اعتماد به نفس را به او هدیه کردی و به او فهماندی که هدف از خودداری‌ات، تحریم او از خواسته‌هایش نبوده است.
- بکوش برای موردی که مخالفت کردی جایگزین داشته باشی. اگر با رفتنش به منزل دوستش که اخلاق پسندیده‌ای ندارد، مخالفت کرد به او بگو: چرا نزد فلانی نمی‌روی که از آن دوست اخلاق بهتری دارد؟ و اگر با خریداری یک اسباب بازی نامناسب مخالفت کرد؛ می‌توانی خرید اسباب‌بازی دیگری را به او پیشنهاد بدهی و بگویی: آیا این اسباب بازی از آن یکی بهتر نیست؟

۱۴- در حد معقول آزادش بگذارد:

چنان که یکی از مربیان گفته است؛ بدترین چیز در خانه و مدارس ما نظارت پیوسته و دایمی است که کودک را در تنگنا قرار می‌دهد و زندگی را برایش دشوار می‌گرداند

قدری او را آزاد بگذار و سعی کن او را بفهمانی و قانع کنی، که اگر از این آزادی سوءاستفاده کند؛ محدود و این مقدار آزادی از او سلب خواهد شد. همیشه او را زیر ذره‌بین نگیر و در محاصره نداشته باش. اگر با برنامه، مخالفت کرد؛ به او تذکر بده که نظارت وجود دارد. وقتی که به سن معینی رسید (که از سلامت جسم و اخلاقش درمان بودی) به او اجازه بده تا به تنهایی بیرون شود اگر از این آزادی سوء استفاده کرد به او یادآور شو که این آزادی در گرو نوع استفاده‌ی او از آن است.

۱۵- باید او را نوازش کنی:

به یاد داشته باش کودک نیازمند دست کشیدن نوازشگرانه پدر و مادرش هست. احادیثی را به یادآور که بیانگر آن است، رسول الله ﷺ سر کودکان را با دست مبارکش دست می‌کشید.

انس رضی الله عنه گوید: رسول الله ﷺ به دیدار انصار می‌رفت، بر کودکان‌شان سلام می‌کرد و سرشان را دست می‌کشید.^۱

هنگام صبح که کودک از خواب بیدار می‌شود در دست کشیدن سرش تردید و تأخیر نکن. پیش از اینکه کودک، منزل را به مقصد مدرسه یا کودکستان ترک کند؛ او را در آغوش بگیر. هنگامی که به خانه باز می‌گردد، او را ببوس و در حالی که از برنامه‌ای امروز مدرسه‌اش می‌پرسی؛ پشتش را دست بکش.

همین طور پیش از اینکه شب به رختخواب رود، او را در آغوش بگیر و ببوس. رسول الله ﷺ با کودکان بازی می‌کرد و به آنان مهر می‌ورزید و نوازش‌شان می‌کرد. صحنه‌های نوازشگرانه‌ی پیامبر ﷺ با نوه‌ها و کودکان یاران‌اش مشهور است.

ابوهریره رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول الله ﷺ حسن بن علی رضی الله عنه را بوسید در حالیکه اقرع بن حابس تمیمی آنجا نشسته بود او گفت: من ده بچه دارم هیچ یک از آنها را نبوسیدم.

۱- روایت نسائی.

سپس رسول الله ﷺ به او نگریست و فرمود: کسیکه (به دیگران) رحم نکند، مورد رحمت (و دلسوزی) قرار نمی‌گیرد.^۱

معاویه رضی الله عنه می‌گفت: «هر کس کودکی داشته باشد، باید با او کودکی کند». گروهی از صحراشینان عرب نزد رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: آیا شما بچه‌های‌تان را می‌بوسید؟ او فرمود: بله! آنان گفتند: ولی به خدا سوگند ما نمی‌بوسیم. آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «اگر خداوند رحمت را از دل شما در آورده باشد؛ مگر من کاری می‌توانم بکنم؟»^۲

۱۶- برانگیختن حس رقابت:

بسیاری از خاندان‌ها در تحریک حس رقابت میان برادران به خطا می‌روند چون فکر می‌کنند؛ این کار باعث ایجاد انگیزه و تشویق آنان خواهد شد... اشکالی ندارد شخصیت کودک را به طور متعادل، برجسته کنیم، درمورد برنامه‌ها و کارهای ویژه‌ی او مثل لباس، دوش، وقت و میزان خواب و ... به او مشوره بدهیم.

برخی خانواده‌ها هم در تحریک حسن غیرت میان فرزندان‌شان به خطا می‌روند تا جایی که آنان تحریک حسن غیرت را به سان انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر کودک استفاده می‌کنند. مثل اینکه پیوسته یک کودک را با کودک دیگر مقایسه کنند تا حدی که مبالغه‌آمیز بودن مقایسه در نهایت به شکست یکی و برتری دیگری می‌انجامد.

۱۷- کودک دوم در راه است:

چه بسا وقتی بچه‌ی دوم در راه است و می‌خواهد پا به وجود گذارد، بچه‌ی اول رها می‌شود، در حالیه پدر و مادر باید به بچه‌ی اول بگویند: اگر خوش رفتاری، هوشیاری و مهربانی تو نبود؛ ما هرگز به فکر زایمان بچه‌ی دیگری نمی‌افتادیم.

۱- روایت صحیح بخاری و صحیح مسلم.

۲- روایت احمد، ج، ص ۷۰.

بچه‌ی اول باید در استقبال از بچه‌ی دوم سهم داشته باشد، مثلاً در انتخاب و خرید لباس نوزاد مشارکت ورزد. در مرتب کردن تخت خوابش به مادر کمک کند. چنان که زبیده است به کودک اول یادآور شویم، هیچکس جای او را نخواهد گرفت. هنگامی پدر از سر کارش برمی‌گردد و وارد منزل می‌شود، ابتدا حال **طفل** بزرگ را پرسد سپس حال نوزاد را جویا شود.

۱۸- آیا کودک تخریب‌گر به دنیا می‌آید؟

کودک در حالی متولد می‌شود که سرانجام کارهایش را نمی‌داند، اگر گنجشکی را آزار دهد و از آزارش لذت ببرد، به این معنا نیست که از شکنجه دادن گنجشک لذت می‌برد، خیر ولی او هنوز معنای دلسوزی را درک نکرده و نمی‌داند آیا گنجشک درد می‌کشد یا نه؟

گاهی کودک اسباب بازی‌های و هر چه را که در دسترس‌اش قرار گیرد خراب می‌کند. او نمی‌خواهد چیزی را خراب بکند، بلکه می‌خواهد حس کنجکاوی‌اش را ارضا نماید و نادانسته‌ها را کشف کند، لذا نباید فراموش کرد که تعدادی اسباب بازی ساز و باز را در اختیارش قرار دهیم تا بتواند آن را باز و بسته کند و بدین سان کشش‌ها، کنجکاوی و علاقه‌اش به شکل سودمندی ارضا شود.

۱۹- بخیلی یا اسرافکاری:

گاهی کودک میان بخیلی و اسراف پدران از دست می‌رود، چون بعضی پدران، به قصد ثروت‌اندوزی و انباشتن پول، فرزندان‌شان را از خیلی نیازهای زندگی محروم می‌دارند. و گاهی فرزند بزرگ می‌شود، و پدر وفات می‌کند، و ثروت انباشته‌ی پدر بخیل‌اش را به باد می‌دهد. و گروهی از پدران به تمام خواسته‌های فرزندان‌شان جواب مثبت می‌دهند حتی اگر خواسته‌های‌شان پوچ و بی‌ارزش باشد. آنوقت است که کودک طوری پرورش می‌یابد که قدر و اندازه هیچ چیز را نمی‌داند.

۲۰- کودکان در اردو و مسافرت:

زمانی که با بچه‌ها و خانواده برای تفریح بیرون می‌شویم، باید از لحن تهدیدآمیز که بعضی پدران و مادران کم صبر به آن مبتلا می‌شوند؛ بپرهیزیم چون چنین تهدیدها و هشدارهایی، ذهن و روان و مزاج کودک را پیش از آغاز تفریح، ناآرام می‌کند و در پایان به آلوده شدن فضای تفریح می‌انجامد.

اگر دختر یا پسر را طی تفریح ناراحت، ساکت و اخم کرده دیدی بر او نهیب نزن و او را مورد بازخواست قرار نده؛ زیرا اخم و آشفتگی‌اش افزایش می‌یابد و صفایش را از کف می‌دهد. تلاش کن علت اینگونه بودن او را (بدون پرسش) بدانی؛ آیا برای اینکه در اثر سفر دچار سرگیجه شده است؟ یا به آنفلونزا یا اسهال یا دردی دیگر مبتلا شده است؟ خیلی وقت‌ها در مسافرت‌ها و تفریحات، چنین‌اموری اتفاق می‌افتد، در حالی که پدر، فرزند را به ناسازگاری و بازی‌گوشی متهم می‌کند که قصد دارد صفای جمعی را خراب کند و بر هم بزند. این پدر فراموش می‌کند که شاید اسباب و علل معقولی وجود دارد که به آزدگی خاطر و ناآرامی مزاج و روان کودک انجامیده است.

در اثنای سفر و تفریح خانوادگی، پدر و مادر باید از کاربرد لحن تهدیدآمیز بپرهیزند و همیشه نگویند: «به فلان چیز دست نزن! نزدیک نشو!» چنین و چنان مکن! چون در اینصورت، تفریح و مسافرت برای کودک، فقط امر و نهی و هشدار خواهد بود نه آزاد شدن از قید و بند فضا و محیط روتینی خانه!

به جای هشدارهای جدی و سخت این چنینی، که مثلاً «مواظب باش غرق نشوی» می‌توانی در لحظه‌ی شنا کردن بچه را همراهی کنی!

به جای هشدار جدی و بیم دادن از کوهنوردی، باید در زمان کوهنوردی فرزندت را تنها نگذاری و او را همراهی کنی.

۲۱- انتخاب دوست:

○ بیشتر بچه‌های کوچک پیش از سن هفت سالگی، دختر و پسر با همدیگر بازی

می‌کنند و فرق میان این و آن قایل نیستند؛ ولی پس از این سن غالباً پسرها با پسران و دخترها با دختران به بازی می‌پردازند.

در سنین اولیه‌ی دوران کودکی، ارتباط کودک با دوستانش یک ارتباط کوتاه و گذرا است؛ اما در مقطع راهنمایی، بچه به برقراری روابط طولانی و دائمی علاقمند می‌شود و غالباً دوستانش را از میان همسایگان و نزدیکان بر می‌گزیند، چون همیشه آنان را می‌بیند و با آنان در یک محیط زندگی می‌کند؛ لذا انتخاب محل سکونت و نوع و سطح فرهنگی - دینی همسایگان، نقش مهمی در انتخاب دوستان فرزندت دارد.

○ اگر دوست فرزندت به منزلت آمد، به او توجه کن و خیر مقدم بگو و اگر طی بازی‌های کودکانه، یکی از آنها بدرفتاری کرد، او را نکوهش نکن و به او نگو: «دوست ندارم با این رفتار زشتات به خانه‌ی بیایی» بلکه به آرامی رفتار مورد نظرت را برایش توضیح بده.

○ فرزندت را در مقابل دوستانش نکوهش و سرزنش مکن، چون این رفتار او را در چشم دوستانش کوچک می‌کند. مثلاً برایش بگو: آیا توافق نکردیم این رفتار را در پیش نگیری؛ به جای اینکه بهش بگویی: آیا بهت نگفتم: که این رفتار زشت است؟! مثلاً به جای اینکه بهش بگویی: «هنگامی که می‌بینم اینطوری حرف می‌زنی مرا عصبانی می‌کنی! کی می‌خواهی بفهمی؟!؛ بهش بگو: «تو میدانی که روش بهتری هم برای سخن گفتن وجود دارد!»

○ تلاش کن به دوستانش نگویی: «من اجازه نمی‌دهم بچه‌ام چنین کند!» چون این گفته این ذهنیت را بر ایشان تداعی می‌کند که آزادی بچه‌ی تو محدود است و چه بسا که دوستانش او را بر این حالت مسخره کنند.

○ وقتی که دوستانش شب دیر وقت خواستند، بیرون منزل بازی کنند، به آنان نگو: «من اجازه نمی‌دهم بچه‌ام در این ساعت بازی کند» بلکه به ایشان بگو: «الآن دیره و برای بچه‌هایی درس‌ن شما مناسب نیست این وقت شب، بیرون بازی کنند». در این صورت تو

ممانعت را عمومی و گروهی کردی و پیامات خیرخواهانه خواهد بود؛ اگر لحنات هم لطیف و آرام باشد.

○ وقتی فرزندی، با یکی از دوستانش قطع رابطه کرد، به او نگو: «اشکالی ندارد... در فکر آن دوست مباش، زیرا در آینده با ده‌ها نفر دیگر دوست خواهی شد!» چون این طور حرف‌ها باعث می‌شود فرزند فکر کند، خانواده‌اش او را درک نمی‌کنند و به احساسات و عواطفش ارزش قایل نیستند. چون گاهی بچه‌ها پس از قطع رابطه با دوستان صمیمی‌شان، مرحله‌ی دشواری را طی می‌کنند و دچار واکنش‌هایی تا حد گریه می‌شوند. در چنین شرایطی بهتر است از تجربه‌های ویژه‌ی خود با او حرف بزنی و مثلاً بگویی: یک مرتبه یادم هست زمان از دست دادن دوستم خیلی دچار رنج و اندوه شدم!

○ به فرزندان‌تان بیاموزید چگونه و بر چه اساسی دوستانشان را انتخاب کنند. دخترت را تنهایی به منزل دوستش نفرست، مگر اینکه از جو عمومی منزلشان اطلاع کافی و دقیق داشته باشی.

به دختر بیاموز، تا زمانی که دوستش را دم در منزل ندید و با او مصافحه نکرد، وارد خانه‌شان نشود، اما اگر به او گفتند: بفرما در حالی که دوستش حضور ندارد شاید برادران دوستش حضور داشته باشند! در چنین حالت نباید وارد خانه شود.

○ دوستان کودکت را تشویق کن تا به منزل تو بیایند! به سخنانی که به کودکان‌تان می‌گویند، توجه کن، بدون این که این توجه جنبه‌ی استراق سمع یا گوش دادن داشته باشد. به گفته‌های فرزندان با بچه‌های همسایه‌ها گوش فراده و از این دیدارها در جهت شناخت اخلاق، مزاج و شخصیت کودکان بهره گیر و روش برخورد با آنان را کشف کن. شاید یکی از قضایای هول‌انگیز آن است که بشنویم بچه‌ی ما به یکی از مهمانان بگوید: «برو به خانه‌ات، چون دوست ندارم با تو بازی کنم»^۱.

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

۲۲- چرا مادر بزرگ و پدر بزرگ کارهایی انجام می‌دهند که پدران و مادران از انجام آن عاجزند؟

خیلی وقت‌ها مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها می‌پرسند، چرا آن‌طور که از بازی با نوه‌هایم لذت می‌برم؛ از بازی با فرزندانم لذت نمی‌برم؟
یقیناً راز و پاسخ این سوال در این است که پدر بزرگ و مادر بزرگ در تعامل با کودک از مهارت کافی برخوردارند. در حالیکه تعامل پدر و مادر با کودک همیشه آمیخته با حس مسئولیت کامل است، چون پدر گاهی با پسرش بازی می‌کند، ولی دوست دارد بازی‌اش آمیخته با راهنمایی باشد.

پدر بزرگ و مادر بزرگ دوست دارند در تعامل با کودک، خودشان را تا سطح کودک و خواسته‌هایش همراه سازند با او حرف بزنند، او را مجاب کنند که بخورد، کمکش کنند که کفش‌اش را بپوشد، به او آموزش دهند چگونه از صحنه‌ی خطر بگریزد، از کلیدهای برق، اجاق گاز یا محل‌های نگهداری دارو دوری کند؛ اما پدران و مادران خیلی وقت‌ها دچار حس بی‌صبری و کم‌حوصلگی و تنگنا می‌شوند و بلافاصله امر و نهی‌های تهدیدآمیز صادر می‌شود: «اگر حرفم را گوش و اجرا نکنی؛ دیگر دوستات ندارم»؛ «اگر غذایت را نخوری، از تلویزیون خبری نیست.»؛ «اگر مؤدب نباشی، تو را با خودم نمی‌برم.» «اگر سروقت نخوابی، برایت اسباب‌بازی نمی‌خرم».

پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، به دقت و ظرافت از این حقیقت آگاه‌اند، آنان بر این اساس با کودک رفتار می‌کنند، که در زندگی او را صاحب حق می‌دانند و معتقداند تا زمانی که خواسته‌هایش معقول باشد باید آن را برآورده کرد؛ ولی گاهی یک خطای بزرگ سر می‌زند و آن اینکه پدر بزرگ و مادر بزرگ یک پیام فوق‌العاده خطرناک را القا می‌کنند و به پدر یا مادر می‌گویند:

دخترم! پسر! «ای کسیکه نوه‌ام را به دنیا آوردی تو لیاقت آن را نداری که مادر یا پدر باشی!»

شایسته است پدربزرگ و مادربزرگ بدانند که کودک موجود بسیار زرنگی است و با زیرکی می‌توند از درگیری‌ها بهره برداری نماید و از محبت پدربزرگ یا مادربزرگش سوءاستفاده کند و هرگاه پدر یا مادرش خواستند او را تنبیه یا ادب کنند، خود را در پناه آنان قرار دهد.

خیلی مهم است که پدربزرگ و مادربزرگ بدانند، منبع قدرت و تصمیم‌گیری در امور و برنامه‌های کودک، پدر و مادرش هستند و آنان آموزه‌های متضاد و متناقض را به او نیاموزند و در کارشان دخالت نکنند.^۱

ولی از درون کودک چه خبر؟

یقیناً کودک خردسال، پدربزرگ و مادربزرگ را دوست دارد؛ چون با آنان از آزادی بیشتری برخوردار است، حتی می‌تواند بعضی موارد ممنوع و قدغن را از آنان درخواست کند و به خواسته‌اش برسد؛ ولی با این همه کودک دوست ندارد همچون پدربزرگ و مادربزرگ، پیر باشد، بلکه دوست دارد همچون بابا و مامان، جوان و نیرومند باشد، چنان که دختر بچه دوست دارد، همچون مادر زیبا و خوش قیافه باشد.

۲۳- نقش کلفت یا خادمه در خانه:^۲

پسندیده است مادر، کار سرپرستی فرزندان را به کلفت یا خادم منزل نسپارد، چون آنان با مبانی تربیت آشنایی ندارند حتی اگر در میان‌شان کسانی با تربیت آشنا باشند، نگاه‌های مهرآمیز و تأثیرگذار مادر و لبخند شیرین او را که بهترین مربی و زیباترین

۱- منیر عامر و شریف عامر، *تربیه الأبناء في الزمن الصعب*.

۲- شاید این موضع برای خیلی از خوانندگان فارسی زبان موضوعیت نداشته باشد، چون نویسنده این مطلب را با وجود مشکلات خادمان در خانواده‌های کشورهای عرب خلیج نوشته است، به همین دلیل ترجمه‌ی این موضوع خلاصه و بعضی مثال‌هایش حذف شده است. مترجم

بازدارنده است را خواهند داشت؟ و از کجا مهر و نوازش پدرانه را دارا خواهند بود که کودکان را زیر سایه‌ی عشق، دوستی و آرامش‌اش گرد می‌آورد و پناه می‌دهد؟ چنان که نیکو است به کودک اجازه ندهند تا در تأمین نیازهایش به کلفت و خادم، متکی باشد به این ترتیب که به کودک بگویند: مسئولیت کلفت و خادم منزل، تأمین نیازها و خدمات عمومی منزل است، نه انجام کارهای خصوصی هر فرد از اعضای خانواده! این کار به قصد تقویت اعتماد بنفس در کودکان مهم است.

لازم است مدنظر باشد، پیشرفت فرهنگی در تأمین رفاه و آسایش و فراهم بودن کلفت و خادم در منزل نیست، بلکه پیشرفت در این است که محصول تربیت مبتنی بر آگاهی، شناخت و تحقیق باشد؛ امری که شاید از دست خادمان برنیاید. شاید کلفت بتواند کارهای منزل را به خوبی انجام دهد؛ ولی کسیکه سرویس دهی مستقیم بچه‌ها را عهده دار است، فقط مادر است تا کودکان نسبت به مادرشان احساس محبت، توجه و نزدیکی کنند.

یقیناً کودک، نوازش مادر را به هنگام غذا دادن و لبخند او را هنگام انجام درست یک کار و نگاه عتاب‌گرانه و نکوهشگر او را فراموش نمی‌کند نگاه تیزی که کودک خطاکار را به مسیر درست باز می‌گرداند این اقدامات اگر سنجیده و دقیق انجام شود، اثری خواهد گذاشت که هیچگاه از ذهن کودک پاک نخواهد شد.

پدیری که با دست پر از وسایل خریداری شده، وارد منزل می‌شود و آن را به دست همسر و فرزندان می‌دهد؛ کجا مساوی است با خانه‌ای پر از اثاثیه، لباس، اسباب‌بازی، شیرینی باشد که همه و همه را خادم خانه تهیه کرده باشد؟^۱

۱- نویسنده در این بخش داستان‌هایی را به ثبت رسانده و با استفاده از آن خواسته است آثار منفی عدم نظارت بر امر تربیت در خانه را مورد توجه قرار دهد و خطری را یادآور شود که کلفت‌ها و خادمان مرد و زن در منزل دارند. این خادمان غالباً در کشورهای غیرعربی و گاهی غیرمسلمان هستند.

۲۴- چگونه اعتیاد کودک را در تماشای برنامه‌های تلویزیونی^۱ کاهش می‌دهی؟

- از خردسالی کودک را به خواب زودهنگام و بیدار نماندن عادت بده.
- اسباب بازی‌های متعددی را در اختیار کودک بگذار تا قدری با آن سرگرم شود.
- در یکی از فعالیت‌ها مثل شنا کردن یا موارد دیگر کودک را همراهی کن.
- کودک را به حضور و مشارکت در جلسات و کلاس‌های حفظ قرآن تشویق کن.
- بچه‌ها را به مطالعه کردن تشویق کن و مجلات مفید و کتاب‌های داستان و اطلاعات عمومی آموزنده را برایش خریداری کن.
- کاست سرودهای اسلامی و داستان‌های آموزنده‌ی کودکان را در اختیارش قرار بده.
- فرزندان را به تماشای فیلم‌های آموزنده مثلاً: کارتون سلطان محمد فاتح «سفر جاویدان» «جزیره‌ی نور» «مسافرت سلام» و ... تشویق کن.
- در گشت‌های کوچک به اماکن و محلات عمومی و دیدار خویشاوندان و دوستان کودک را همراه خودت ببر.
- (در رابطه با برنامه‌های تلویزیون) سعی کن برنامه‌های مفیدی را برایش برگزین و آنچه را بر صفحه‌ی تلویزیون می‌بیند، برایش تصحیح یا تخطئه کن (این مستلزم آن است که یکی از والدین کودک را در هنگام تماشای فیلم‌ها همراهی کند)^۲.

۱- الناصر، محمد حامد و درویش، خوله، تربية الأطفال في رحاب الإسلام .

۲- العبد، عاطف عدلی، برامج الأطفال التلفزيونية؛ سیچ آرام، لویی لوبر، التلفزيون وأثره في حياة أطفالنا.

فصل دوم:

توصیه‌های تربیتی

۱- به فرزندان گوش فرا ده:

وقتی که فرزندت به نزدت آمد تا از آنچه در مدرسه با آن مواجه شده است؛ با تو صحبت کند؛ گفته‌اش را به دیوار مکوب و به او بی‌توجهی نکن و همزمان رادیو یا تلویزیون را روشن نکن!!؛ زیرا در آن لحظه سخن‌اش با تو از هر کار و فکری مهم‌تر است ... او می‌خواهد احساسات و دغدغه‌ها و رنجش‌هایش را در مدرسه با تو در میان گذارد یا شاید شادی و خوشحالی‌اش را در ارتباط با لوح تقدیر که امروز دریافت کرده است برای تو ابراز دارد.

اگر بچه‌هایت به تو گزارش داد؛ امروز در فلان درس امتیاز بالایی را کسب کرده است، او را تشویق کن تا عوض اینکه ببیند نسبت به او بی‌توجه هستی؛ احساس کند که به او و گفته‌ها و دغدغه‌هایش خیلی اهمیت می‌دهی.

اگر روزی فرزند خردسالت، از ماجراهای مدرسه گزارش داد و گفت: «فلانی مرا کتک زده است» و تو بهش گفتی: «مطمئنی که اول تو او را کتک نزدی یا به او اهانت نکردی؟!» واقعاً باب گفتگو با فرزندت را بسته، چون در چشم او از یک دوست که به تو پناه آورده به یک بازپرس یا قاضی تبدیل شده‌ای که توان مجازات و پاداش را دارد.

شاید بچه‌ات تو را بازپرس ظالمی تصور کند که دنبال متهم کردن قربانی می‌گردد و چون او تلاش دارد که برائت خود را اثبات کند؛ لذا وقتی که فرزند گفتگویی را (با یکی از والدین) شروع کرد؛ پدر یا مادر در آغاز باید کاملاً به سخن او توجه کند و به ادامه‌ی آن اهمیت دهد و از انتقاد و بی‌توجهی به گفته‌های کودک بپرهیزد!^۱

۱- استاد عبدالصمد، محمد کامل، طفلك الصغير هل هو مشكلة؟

۲- فرزندت را به رک‌گویی و صراحت لهجه عادت بده!

اگر روزی بچه‌ات از مدرسه بازگردد و الفاظ زشتی را به کار برد؛ چه می‌کنی؟ به یاد داشته باش اگر از اول منفعل و عصبانی شوی و او را سرزنش کنی، چه بسا بچه را وادار کنی در آینده پنهان کاری کند و جریانات بیرون منزل را از تو کتمان کند و آن را به تو نگوید.

لذا با آرامش به سخنش گوش فرا ده و به او بفهمان که تو پشتیبان او هستی! از او به آرامی بپرس این حرف زشت را کجا شنیده است؟ و معنای آن چیست؟ به او توضیح بده که کاربرد الفاظ زشت، برای تعبیر خواسته‌ها، روش نادرست و غیرمؤدبان‌های است و برای انتقال و بازگوکردن احساسات و اندیشه‌ها، الفاظ و کلمات زیباتر و پسندیده‌ای وجود دارد.

سعی کن این توصیه‌ها یا یادآوری‌ها را به آرامی و با نوعی شوخی و مزاح به او بگویی، برایش اعتراف کن که خیلی از مردم متأسفانه این الفاظ را در هنگام عصبانیت و منفعل بودن به کار می‌برند.

اگر بچه‌ات از مدرسه بازگشت و خواست با تو صحبت کند؛ به او نگوئی: «اکنون صحبت را رها کن .. برو فلان چیز را برایم بیاور!» یا «آیا نمی‌بینی که حالا مشغولم .. بعداً صحبت می‌کنیم...».

بلکه کاملاً به حرف‌هایش گوش بده و به او اهتمام بورز و اجازه بده با آزادی تمام حرفش را برایت بازگوید؛ حتی این هم کافی نیست، بلکه تو باید پیش دستی کنی و باب گفتگو را باز نمایی!

هنگامی که از مدرسه بازگشت، اجازه بده تا از دوستانش، از پاسخ‌هایش به سؤالات معلمان‌ش سخن بگوید.

هنگامی که خواست قصه‌ای را خواند، از او بخواه تا آن را برایت حکایت کند. اگر او را دیدی که اندوهگین یا ناراحت است؛ مشکلتش را جویا شو.

به یاد داشته باش که گفتگو با فرزندت به او آموزش می‌دهد تا روان سخن بگوید و به او کمک می‌کند تا افکار و اندیشه‌هایش را دسته‌بندی کند و شخصیتش را توسعه و ترقی بخشد و بیشتر به تو نزدیک گردد.

مادر (و پدر) خود را به گفتگوی آرام با کودک عادت دهند؛ بعضی سؤالات را برایش طرح کنند و نحوه‌ی پاسخ‌اش را ببینند و در هنگام صحبت کردن او را عادت دهند که صدایش را بلند نکند و سخن دیگران را قطع نکند.

مثلاً از او بپرس: اگر ببینی دوستان برادرت او را کتک می‌زنند؛ چه می‌کنی؟ یا اگر درمسیرت بچه‌ای را ببینی که زخمی است چه می‌کنی؟ چون کودکانی که پدران‌شان با آنان صحبت نمی‌کنند یا کم صحبت می‌کنند، اعتماد به نفس کمتری دارند از کودکانی که پدران‌شان آنان را به صحبت کردن و گفتگوی آرام و می‌دارند.^۱

۳- توصیه‌های در مورد گوش فرا دادن

○ نه تنها با گوش‌هایت بلکه با تمام وجودت، گوش فرا بده. دست از کار بکش. همزمان با صحبت فرزندت، خواندن یا تماشای تلویزیون را کنار بگذار و به کودک نگاه کن و حرفش را بشنو! تلاش کن در هنگام صحبت کردن کودک، او را قدری نوازش کنی و به او ابراز عاطفه داشته باشی، مثلاً دستت را بر دوش‌اش بگذار یا در دستش قرار بده.

○ مطمئن شو که داری به سخنان فرزندت گوش می‌دهی و همان چیزی را احساس می‌کنی که او احساس می‌کند، و بعضی از کلمات او را (در قالب سؤال یا تاکید) تکرار کن و برداشتت را از گفته‌هایش ابراز دار.

۱- دکتر ایلگ، فرانسیس، سلوک الطفل.

- سعی کن نتیجه‌ای را که ابراز احساساتش همراه دارد، درک کنی: مثلاً هنگامی می‌گوید: نیازی نیست که دستوراتت را تکرار کنی! یعنی او از فرمان تو، احساس ذلت و حقارت می‌کند، گویا او حرف تو را نفهمیده است.
- هنگامی که می‌گوید: «من از مدرسه متنفرم»؛ در واقع او احساس خستگی‌اش را ابراز می‌دارد و از عدم خوشبختی‌اش سخن می‌گوید.
- هنگامی که می‌گوید: «خوابم نمی‌آید» یعنی اینکه ناآرام است و از چیزی تنفر دارد.
- با فرزندت جر و بحث نکن. او را مسخره مکن. او را پیوسته پند و نصیحت مده.
- هنگامی که از مدرسه باز می‌گردد، به طور ویژه‌ای به سخنان فرزندت گوش بده، چنانکه در هنگام رفتن به خواب یا هنگامی که احساس تنفر و اندوه شدیدی دارد به دقت به حرف‌هایش گوش می‌دهی!
- هنگامی که به سخنانش گوش می‌دهی، از نظر جسمی خودت را در سطح او قرار ده. این به او این احساس را می‌دهد که آرامش یابد و نسبت به تو احساس نزدیکی کند. مثلاً اگر او ایستاده است، تو بنشین تا هم سطح او گردی.
- هنگامی که رنجیده یا اندوهگین است، او را در آغوش بگیر. اینطوری فرصت بیشتری به او می‌دهی تا احساساتش را ابراز دارد.
- او را تشویق کن تا حرف بزند و احساسات درونی و ذهنی‌اش را ابراز کند.
- هنگامی که کودکان عصبانی است، از پند دادن بپرهیز، مثلاً بهش نگو: «قبلاً به تو گفته بودم که این را نکنی!»
- به گفته‌های فرزندت در خصوص مدرسه و فعالیت‌هایش گوش فرا ده.
- به فرزندت بفهمان که او برای پدر و مادرش، آدم مهمی است با او هدفمندانه و با احترام، رفتار کن.
- فرزندت را مجبور نکن. برای او چیزی را تحمیل مکن. قدرش را مکاه. دیدگاه‌هایش را در مقابل دیگران به تمسخر مگیر!

- الفاظ اهانت‌آمیز و تحقیرآمیز تو احمق، کودن، دیوانه، دروغگو یا ... هستی به کار
میر!
- او را تشویق کن تا هنگام صحبت کردن به سیمای کسانی نگاه کند که با آنان
حرف می‌زند.
- اجازه بده فرزندان دیدگاه‌ها و نظرات خوب را ابراز دارند و در مورد آن با تو
صحبت کنند.
- هنگامی که کودک منفعل می‌شود، بهش نگو: تو دیگر حالا مرد شدی و مرد‌ها
گریه نمی‌کنند؛ چون یاد خواهد گرفت که واکنش‌ها و احساساتش را سرکوب کند؛ گویا
چنین احساسی وجود ندارد.

۴- روان‌فرزندت را بشناس:

کودک، شکل کوچک مرد یا زن نیست. اصلاً درست نیست که بگوییم: غریزه‌ها،
کشش‌ها، خواسته‌ها و روش تفکر کودک، عین مرد (یا زن) است؛ ولی در قالبی کوچکتر.
به همین دلیل بسیاری کودکان در اثر وجود این باور نادرست؛ رنج می‌کشند، چون
وقتی که بازی کند، مورد سرزنش قرار می‌گیرد، که کارش با کار مرد‌ها همخوانی ندارد و
وقتی که چوبی را سوار شود و آن را یک اسب، تصور کند، اطرافیانش او را مسخره
می‌کنند. وقتی که در باغچه‌ی منزل بنشیند و از خاک آن، کوه و قصر بسازد، او راز این
کار باز دارند که بی‌فایده است و سودی در آن نیست!

اگر فرزندت اراده‌ی محکمی دارد، سعی نکن بر اراده‌اش سیطره یابی و او را تابع
اراده‌ی خودت کنی، ولی تلاش کن تا اراده‌اش را درست جهت دهی کنی. فرزند هم باید
بداند که همیشه نمی‌تواند کارهای دلخواه و خواسته‌های خود را عملی کند (و گاهی
همراهی پدر را لازم دارد).

اما اگر فرزندت حساس بود و زود احساس رنجش می‌کرد، پس هرگز او را با
بچه‌های دیگر مقایسه نکن و همیشه نسبت به او ابراز عاطفه داشته باش، ولی همه‌ی

خواسته‌هایش را برآورده نکن. و اگر فرزندی از گونه‌های ساده و لطیف بود، در اثر انجام کارهای دیگر هرگز از او غافل مشو و او را وامسپار تا خودش کارهایش را اداره کند، چون در این صورت شاید او به خودش بسنده کند و فکر کند به کس دیگری نیاز ندارد. اما اگر بچه‌ات گوشه‌گیر بود، برایش فرصتی را فراهم آور تا توجه و علاقه‌اش را نسبت به بعضی کارها ابراز دارد. او را به طور همزمان تشویق کن، تا افق دید و فعالیت‌هایش توسعه یابد.

اگر بچه‌ات آموخت که به پدر و مادرش اعتماد کند؛ این را هم خواهد آموخت که به دیگران اعتماد کند. والدین باید در ارتباطشان با بچه‌ها اصل «تداوم و پیوستگی» را دریابند، یعنی با دو فرزند براساس یک نگرش و موضع یگانه و ثابت رفتار کنند.

باری کودکی وارد مغازه اسباب بازی فروشی شد. چشمش به یک اسباب بازی شکسته افتاد و با عصبانیت پرسید: چه کسی این اسباب بازی را شکسته است؟ مادر پاسخ داد: چه چیزی در این اسباب بازی مهم است؟ کودک گفت: باید بدانم چه کسی آن را شکسته است، چون این اسباب بازی خلی ارزشمند است!

خردسال این سؤال را نه برای این می‌پرسید تا نام کسی را بداند که اسباب بازی را شکسته است، بلکه می‌خواست بداند چه اتفاقی رخ داده که به این روز رسیده است؛ آیا مجازات شده است؟ چطوری؟ و چقدر؟

جواب ساده این بود که اینجا یک مغازه اسباب بازی فروشی است و مردم در آن اسباب بازی را بازدید و شناسایی (و خریداری) می‌کنند تا کودکان با آن بازی کنند. این اسباب بازی‌ها گاهی همینطوری می‌شکند و کسی آن را نمی‌شکند. این پاسخ این ذهنیت و برداشت را به کودک می‌دهد که بگوید:

این آدم بزرگ‌ها، آدم‌های خوبی هستند و اگر یک اسباب بازی ناخواسته بشکند، آنان زود عصبانی نمی‌شوند. آنان خیلی با گذشت‌اند و کودکان را دوست دارند پس ضرورتی

ندارد از آنان بترسم، بلکه زندگی‌ام در میان آنان سرشار از اطمینان و آرامش خواهد بود.^۱

۵- به فرزندت احترام بگذار:

کودک برای رشد و تقویت شخصیتش به احترام نیاز دارد، اگر این شخصیت مورد بی‌توجهی قرار گیرد و در هم ریزد، در آینده کودک از موفقیت و پیروزی محروم خواهد شد و از ارتکاب پستی‌ها پرهیز نخواهد کرد، چون احساس حقارت و پستی می‌کند. احترام گذاشتن به کودک به این معنی نیست که والدین تسلیم همه‌ی خواسته‌هایش شوند و به همه‌ی تقاضاهایش جواب مثبت دهند، بلکه احترام عبارت است از کنجاوی برای شناخت استعدادهای کودک و تلاش برای رونق بخشیدن به آن و ایجاد اعتماد بنفس در او و سعی برای تشویق کردن او و برانگیختن روحیه‌ی خوشبینی و مثبت‌اندیشی و ... در او.

طبیعتاً این سخنان، همانطور که نسبت به پسر بچه مصداق دارد برای دختر بچه هم همین روند را خواهد داشت، اما رفتار برخی از مردم در نادیده انگاشتن دختر و توجه بیشتر به پسر ترجیح دادن او بر خواهرش در همه چیز باعث خواهد شد که دختر احساس حقارت و کم‌ارزشی کند و این رفتار ناشایستی است که نه هیچ عقل آن را می‌پذیرد و نه با موازین شرعی منطبق است! آیا این افتخار برای زن کافی نیست که رسول الله ﷺ در وصفش فرمود: «او (مادر) را ملازمت و همراهی کن، چون یقیناً بهشت در زیر پایهای او است».^۲

۶- فرزندان را تشویق کن:

○ بر خطاهای فرزندان تمرکز نکن. از سرزنش، نکوهش، ملامت کردن و خجالت کردن آنان پرهیز. در کمین لغزشها و اشتباهاتشان مباش.

۱- یوسف عبدالنواب، دلیل الآباء الأذکیاء فی تربية الأبناء.

۲- روایت نسائی و احمد.

- به جای توجه به جانب منفی عملکرد آنان همیشه بر بعد مثبت‌شان تاکید و تمرکز کن. مثلاً این گفته: «تو از ۲۰ امتیاز ۱۰ امتیاز گرفتی» خیلی بهتر است از این که بگویی: «تو از ۲۰ امتیاز ده تای آن را اشتباه جواب دادی»؛ با اینکه نتیجه‌ی هر دو گفته یکی است.
- توجهت را بر رفتار درست متمرکز کن و آن را مورد تشویق قرار بده.
- در عموم قرار دادن مبالغه نکن (و همیشه نگو: تو از هر نظر خوبی!) بچه را با دیگران مقایسه نکن؛ زیرا عوض همکاری و سازگاری با دیگران به دشمنی با آنان واداشته خواهد شد.
- به جای عموم قرار دادن نادرست، از تعبیرات و انگیزه‌های پسندیده و زیبا استفاده کن: مثلاً بگو: «فلان و فلان رفتارت را دوست دارم...» «این و آن خصلت و خوی تو را ارج می‌نهم...»؛ عوض اینکه بگویی: «تو خیلی جذابی!» یا «تو از فلانی بهتری!»
- تعبیراتی را به کار ببر که بازگوکننده‌ی خوشحالی‌ات از عملکرد و رفتارهای درست او است: مثلاً بگو: «الآن احساس می‌کنم که می‌توانی این کار را انجام دهی...» عوض اینکه بگویی: «تو به نسبت سن‌ات خیلی بچه‌ی خوبی هستی!»
- پیشرفت و بهتر شدن کودک را مورد توجه قرار بده: مثلاً به او بگو: «در فاصله‌ی اخیر ملاحظه کردم که رفتارت با برادرت بهتر شده است». و بگو: «چند ماه پیش نمی‌توانستی بیش از ده صفحه بخوانی، اما حالا همه‌ی داستان را خواندی و کامل کردی».
- از بی‌نتیجه کردن تلاش‌هایش پرهیز!
- مثلاً به او نگو: «چرا مثل فلانی نمی‌شوی؟» یا «تو بچه‌ی تنبلی هستی!» یا «تو همیشه بچه شلوغی هستی!» و «اتاق همیشه نامرتب است!».
- سعی نکن هر خطایی را در لحظه‌ی وقوع آن فوراً اصلاح کنی، بلکه قدری آن را به تأخیر انداز تا از اوضاع آرام گیرد.
- هنگامی که فرزندان به تو می‌گویند: به من نگو: باید چکار بکنم! به او نگو: «من پدرت هستم و هر کاری را که می‌گویم باید انجام دهی!»

- هنگامی که به تو می‌گوید: «من از فلانی متنفرم و دیگر با او بازی نمی‌کنم» به او نگو: نباید از او بدت بیاید و باید با او بازی کنی!
- اگر به تو گفت: «من ریاضی بلد نیستم» به او نگو: «ریاضی که خیلی آسان است چرا آن را یاد نمی‌گیری؟!»^۱.

۷- سرزنش را کاهش بده:

پدران مادران!

به طور قطع کوشش کنید تا از سرزنش اتوماتیکی و غیرضروری بر رفتار کودک تان کم کنید... نظارت و کنترل انعطاف‌ناپذیر و سختگیرانه را بر رفتار کودکان کاهش دهید، چون کودک یک ابزار نیست تا آن را هر طور خواستیم مدیریت کنیم. یقیناً او در اداره‌ی امور مخصوص خویش، ابتکار خاص خود را دارد، پس چرا ما او را از لذت ابتکارش محروم کنیم؟!

خیلی وقت‌ها کودک به گونه‌هایی از پرسش‌ها و اوامر مواجه می‌شود؛ «چرا اینگونه می‌خندی؟»، «چرا اینطوری راه می‌روی؟»، «با موهایت ور نرو!...» «الفاظ را درست تلفظ کن»، «برو دندان‌هایت را تمیز کن» و ...

همه‌ای این موارد، چه بسا در روان کودک، حالتی از عدم آرامش یا از دست رفتن اعتماد بنفس را به پی داشته باشد.

خیلی وقت‌ها کودک اول از طرف پدر و مادر، سهم بیشتری از توجه آزمندانه و نظارت بی‌رحمانه را دریافت می‌کند سپس دیری نمی‌گذرد که والدین احساس می‌کنند از کودکشان چیزهای بسیاری فرا گرفته اند؛ لذا احساس می‌کنند حال که قدری آگاه شده‌اند به نوزاد بعدی آزادی بیشتری بدهند؛ بنابراین برخلاف کودک اول با کودک دوم با اعتماد بیشتری رفتار می‌کنند.

۱- دکتر مبین، مأمون، اولادنا؛ دکتر جرجبس، ملاک، سیکولوجیة الطفولة.

کودک برای کسب آزادی‌اش انگیزه‌ی جدی دارد. او دوست دارد برای به دست آوردن آزادی، مبارزه کند تا پدرش به او اجازه دهد تا خواست خود را عملی نماید؛ او مبارزه می‌کند تا جوراب را به نحو احسن (با توصیه و گفته‌ی دیگران) بپوشد. حقیقت اساسی آن است که بچه به محبت نیاز دارد؛ و اینکه او را در آغوش بگیری، نه اینکه او را محاصره کنی. به سرپرستی آمیخته به اعتماد نیاز دارد. به اینکه هر مطلب جدید را به او بیاموزی بدون اینکه او را دلزده و آزرده کنی.^۱

او نیاز دارد تا در مورد او از انتقاد، سختگیری و جریحه‌دار کردن احساسات بپرهیزی! از جملاتی که قلب فرزندان را جریحه‌دار می‌کند این است:

«سرت بزرگ است ولی نمی‌فهمد!»

«تو مرد ابله و چشم بسته‌ای خواهی شد!»

«بی زبان، لال! ای کودن!»

۸- دیدگاه‌های شان را بشنو!

حتی کودکی که به سن دو سالگی رسیده است، باید از او بپرسیم: «آیا لیوان بزرگ پر از شیر را دوست داری یا لیوان کوچک پر شیر را؟».

کودکی که هنوز چهار سال را پشت سر نگذاشته است؛ لازم است از او بپرسیم: «تخم مرغ آب پز را دوست داری یا نیم رو و یا روغنی را؟»

کودکی که به سن شش سالگی رسیده است، باید از او بپرسیم: برای صبحانه پنیر و گردو دوست داری یا کره و مربا...؟

باید کودکان در شرایطی قرار گیرند تا در آن انتخاب کردن را بیاموزند!^۲

۱- دکتر ابراهیم، عبدالستار، العلاج السلوكي للطفل؛ عامر، منیر و عامر، شریف، تربية الأبناء في الزمن الصعب.

۲- یوسف، عبدالنواب، دليل الآباء الأذکیاء في تربية الأبناء.

۹- به آنان اعتماد به نفس بیاموز!

بعضی از کودکان از رویارو شدن با مهمانان یا حضور در جاها و شرایط خاص هراس دارند، چون حرف نمی‌زنند و آثار شرم و استرس یا لکنت زبان در آنان نمایان است و به چشم می‌خورد.

خیلی وقت‌ها بچه‌ها در اثر ضعف اعتماد بنفس یا از دست دادن احساس امنیت و آرامش به این حالت‌ها مبتلا می‌شوند که علت آن بکارگیری روش‌های تربیتی اشتباه از قبیل برحذر داشتن دایم، سرزنش پیاپی یا دیگر موارد است.

الف: اسباب ضعف اعتماد بنفس در کودکان چیست؟

اسباب فراوانی وجود دارد که در ایجاد حس بی‌اعتمادی کودک، مؤثر است از جمله:

۱- سرزنش و نکوهش فراوان در هنگام رفتن کودک با چیزی که باعث پیدایش نگرانی در روان او می‌گردد و اعتماد بنفس را در او کاهش می‌دهد.

۲- متکی بارآوردن کودک به دیگران که مادر او را نگذارد خودش غذا بخورد یا لباس بپوشد. چنین است متکی بودن کودک در تمام کارهایش به کلفت منزل. این او را متکی به دیگران بار می‌آورد، در نتیجه اطمینان و اعتماد بنفس در او رشد نمی‌کند.

۳- مقایسه‌ی کودک با کودکان دیگر به قصد تشویق او بر ادامه و تقویت تحصیل. این عمل خیلی وقت‌ها نتیجه‌ای معکوس به پی دارد، چون عزم و اراده‌ی کودک را سست می‌کند و اعتماد بنفس‌اش را از بین می‌برد.

۴- زیاده‌روی پدران در تسلط بر کودکان‌شان، آزادی اندیشه را در آنان از کار می‌اندازد و مختل می‌کند.

۵- بگو مگو و درگیرهای میان پدر و مادر احساس آرامش و امنیت را در روان کودک نابود و اعتماد بنفس را متزلزل می‌کند.

۶- مبتلا شدن کودک به عوارضی همچون چاقی یا لاغری شدید یا کوتاه قد بودن یا لنگ بودن و ... شاید به ضعف اعتماد بنفس انجامد.

ب: چگونه فرزندانمان را با اعتماد بنفس بارآوریم؟

امکان ندارد کودک با اعتماد بنفس بارآید، مگر اینکه به او اعتماد کنیم و انجام برخی کارها را که از عهده‌اش بر می‌آید به او واگذار کنیم و مادامی‌که او به برادران و خواهران کوچکتر از خودش احترام می‌گذارد و به آنان مهر می‌ورزد؛ از آنان بخواهیم از او اطاعت کنند و احترامش را حفظ کنند. یقیناً کودک دوست دارد بخش اعظم کار را انجام دهد، ولی هر قدر اصرار افزایش یابد؛ به لجبازی روی می‌آورد و کارها را درست انجام نمی‌دهد و تقاضاهای ما را درست برآورده نمی‌کند.

نظارت دلسوزانه، سخن با آرامش، راهنمایی سرشار از اعتماد و جلوگیری نکردن از انجام هر کاری جز پس از گفتگوی اطمینان بخش به کودک و سرزنش‌های پیاپی را همچون موشک رها نکردن، باعث می‌شود کودک در کلام ما جدیت و قاطعیت را بیابد و اعتماد بنفس را در او پایه‌ریزی کند.

اگر به کودک اعتماد نکنیم و همیشه به او بگوییم: از انجام هر کاری عاجز است؛ به ضعف شخصیتی و کاستن اعتماد بنفس در او خواهد انجامید، در نتیجه از انجام مسئولیت‌هایش عاجز می‌شود و در خود می‌پیچد و شکست می‌خورد.^۱

۱۰- فرزندت را به موفقیت عادت بده:

ما همچون پدران باید از کوچکی در دل فرزندانمان احساس موفقیت را پرورش دهیم؛ هر گاه در کاری موفق شدند، آنان را تشویق کنیم. این داستان بازی «بولینگ» است. هنگامی‌که راز موفقیت «نیلسون پرتون» قهرمان جهانی بولینگ را از او پرسیدند، گفت:

۱- دکر کلمن، دانیل، الذكاء العاطفي.

پدرم از چهارسالگی بسکتبال را به من آموزش داد؛ ولی او در آغوش‌اش روش عجیبی را دنبال کرد که شاید خیلی از پدران آن را نفهمند. او یک سبد آورد و توپ را به من داد و از من خواست تا توپ را پرتاب کنم. او در مقابل پرتاب‌های من سبد را جا به جا می‌کرد تا من همیشه بتوانم توپ را داخل سبد بیندازم. هنگامی که توپ به درون سبد می‌افتاد ابراز خوشحالی می‌کرد و تشویق‌کنان مرا در آغوش می‌گرفت و هدف‌گیری من دقیق‌تر می‌شد و اعتماد بنفس‌ام افزایش می‌یافت. بدین منوال حرکت کردم تا به موفقیت دست یافتم و مشهورترین بازیکن حرفه‌ای شدم!

اگر با فرزندان‌مان بر این اساس رفتار کنیم که آنان هرگز کاری را درست انجام نخواهند داد؛ خواهیم دید آنان تصمیمات نادرستی را به کار می‌برند؛ لذا ما باید آنان را راهنمایی کنیم تا درست حرکت کنند، نه صرفاً با خواست خودشان؛ بلکه با کمک ما!

مثلاً به کودک بیاموز، چگونه توپ را در سبد بیندازد. توپ را به او بده و از او بخواه آن را پرتاب کند. در مقابل پرتاب‌هایش سبد را جا به جا کن تا همیشه توپ را به سمت هدف پرتاب بکند، در هر بار موفقیتش، ابراز خوشحالی کن، چون این کار باعث افزایش اعتماد بنفس کودک می‌گردد. او بدین منوال دوستدار موفقیت، بار می‌آید.

عمر بن خطاب رضی الله عنه در زمان خلافتش داشت در راهی حرکت می‌کرد. گروهی از کودکان داشتند در راه بازی می‌کردند، چون او را دیدند جز یک نفر بقیه گریختند. او عبدالله بن زبیر رضی الله عنه بود. عمر رضی الله عنه تعجب کرد و علت عدم گریختن‌اش را جویا شد، او پاسخ داد: من خطا کار نبودم تا از تو بگریزم و از تو نترسیدم تا راه را برایت باز کنم.^۱

۱۱- به فرزندان مسئولیت‌پذیری را بیاموز!

برای این که کودک توان رویارو شدن با زندگی را داشته باشد، ناگزیر باید از خردسالی، مسئولیت‌پذیری را به او آموزش داد. حقیقت آن است که وقت معین یا سن

۱- ابن عدیم، تذکرة الآباء وتسلية الأبناء، ص ۶۱.

معینی وجود ندارد که آن را برای آغاز مرحله‌ی قطعی مسئولیت‌پذیری همه‌ی کودکان شایسته دانست؛ ولی یک قانون ساده وجود دارد که می‌گوید:

«هر گاه خردسال برای انجام کاری ابراز رغبت و اعلام آمادگی کرد، سنش هر قدر باشد، همین وقت، وقت مناسب آموزش مسئولیت‌پذیری در آن کار است!»

ولی متأسفانه بسیاری از مادران و پدران به نیابت از او همه‌ی کارهایش را انجام می‌دهند، به او دستور می‌دهند تا لباسش را بپوشد، سپس او این کار را انجام نمی‌دهد! و آنان لباس‌اش را به تنش می‌کنند. کودک لباسش را بر زمین می‌اندازد و آنان آن را بر می‌دارند و این روند ادامه می‌یابد.

این چیزی است که به کودک آسیب می‌زند و او را به تنبلی می‌کشاند و رفته رفته او به دیگران متکی بار می‌آید.

به بچه‌هایت اجازه بده تا تصمیمات شخصی‌شان را خودشان آزادانه بگیرند، ولی اندک اندک مسئولیت‌هایشان را به خودشان واگذار کن و از فرزندانت توقع نداشته باش تا مسئولیت جدید را به طور ناگهانی بپذیرند!

برایش توضیح بده و آنان را آموزش بده و تشویق‌شان کن و الگوی‌شان باش! در انجام کارها توسط کودک، رغبت کودک خیلی مهم است نه انجام خود کارها؛ ولی شکی نیست که تشویق مادر و پدر، نقش اساسی دارد تا کودکان توان پذیرش مسئولیت را بیابند!

الف: واقعیت‌هایی از زندگی کودکان و راه حل آن:

○ هنگام صبح که پسر را بیدار می‌کنم، بلند نمی‌شود!

یک بار او را صدا بزن یا یک ساعت شماته‌دار (زنگی) به او بده (تا خودش تنظیم کند و بیدار شود) و بگذار اندکی از مدرسه بازماند سپس مسئولیت بیدار شدنش را هنگام صبح عهده دار گردد.

- فرزندم دندان‌هایش را مرتب مسواک نمی‌زند!
- به او اجازه بده میان مسواک زدن و خوردن شیرینی و خوراکی‌های دیگر یا مسواک نزدن و محرومیت از خوردن شیرینی و خوراکی‌های دیگر یکی را انتخاب کند.
- دخترم از انجام مسئولیت‌های منزل طفره می‌رود!
- بر تقسیم کارهای منزل توافق کنید. بهترین نتیجه را وقتی می‌گیرید که در اثر تأخیر در انجام کارهای منزل همه‌ی بچه‌ها از تأخیر در تهیه‌ی غذا شاکی شوند.

ب: توصیه‌های تربیتی در مورد مسئولیت‌پذیری:

- مادر گرامی!
- هر چند گاهی کودک را با توجه به سنش مسئولیت انجام بعضی کارهای مناسب را به او بسپار.
- وظایفی را برایش برگزین که با جنسیت (دختر یا پسر بودن) اش مناسبت داشته باشد! مثلاً پسر را به شستن ظرف‌ها موظف نکنی و دختر را برای خرید به مغازه بفرستی!
- وظایف را متناسب با سنش انتخاب کن!
- مناسب نخواهد بود اگر از کودک تقاضا کنی بار سنگینی را بردارد.
- اندک اندک به آنان مسئولیت بده!
- مثلاً برای اولین بار کودک را به مغازه‌ای نفرست که دور باشد تا از آنجا خرید کند یا اولین خریدش کالایی گرانقیمت نباشد!
- اگر خطا کرد، سرزنش‌اش نکن!
- اگر او را فرستادی تا چیزی را خرید کند و در شمارش پول خطا کرده بود یا کالای خریداری شده را در مسیر شکست. به او نگو: «کاش تو را نفرستاده بودم» یا «من اشتباه کردم که به تو اعتماد و تکیه کردم».

اگر از بچه‌ات خواستی تا کاری را در آشپزخانه انجام دهد؛ ولی موفق نشد، به او نگو: «برو بازی کن، هنوز بچه‌ای» یا «باید خودم این کار را انجام می‌دادم». با آرامش اشتباهی فرزندت را به او بازگو کن و به او یادآور شو که همه‌ی ما در اول کار اشتباه می‌کنیم و خطا در کار به معنای عجز و ناتوانی یا شکست و ناکامی نیست!

○ در ابتدا همیشه بر کارش نظارت و او را همراهی کن!

○ در وقت‌های نامناسب که خودت عجله داری، کاری را به او مسپار! یا او را به

انجام کاری موظف مکن!

هنگامی که کودک با دوستانش غرق بازی است، او را با موظف کردن به انجام کاری از لذت بازی‌اش محروم مکن و هنگامی در مقابل تلویزیون غرق تماشای یک برنامه است، او را به دنبال چیزی نفرست تا از تماشای برنامه‌اش محروم گردد و انجام کار برایش تنفرانگیز شود!

○ اگر کاری را که به انجام آن موظف گشته بود، درست انجام داد؛ اندکی او را تشویق کن!^۱

۱۲- پول تو جیبی!

پول تو جیبی پاداش رفتار نیک کودک نیست چنان که محرومیت از آن مجازات بدرفتاری‌شان نمی‌باشد که باید آن را متحمل شوند. در حقیقت پول تو جیبی یک درس اخلاقی است که اهداف معینی دارد. زیبنده است، یاد بگیرد، پول را درست استفاده کند و مسئولیت دخل و تصرف در آن را بپذیرد.

به دخترت مگو: «عزیزم! اگر در شستن ظرف‌ها به من کمک کنی، پول خوبی به تو می‌دهم» یا «تو پسر! اگر درختها را آب بدهی یا بروی نانوایی، پول توجیبی خوبی به تو

۱- العوید، محمد رشید، مشکلات تربویة فی حياة طفلك.

می‌دهم، چون با مثل این گفتارها و رفتارها، باعث شده‌ایم کودکان ما چنین بار آیند؛ کاری را انجام دهند سپس دست دراز کنند و پول آن را دریافت کنند! اساساً چنین شعار و تقاضایی مردود است که خردسال در قبال کاری که انجام داده است، چیزی را تقاضا کند.

اگرما مدیریت، نگهداری و محبت پول را با این وضع در روان شان بکاریم؛ آنان را به انسان‌های بخیل و ثروت اندوزان پنهان کار مبدل کرده‌ایم چنان که اگر به آنان چگونه مصرف کردن را نیاموزیم؛ آنان را به سمت ولخرجی پیش برده‌ایم! به کودک بیاموز همه چیز در زندگی پول نیست و چیزهای بسیاری هست که با پول تهیه نمی‌شود و اصلاً با پول سنجیده نمی‌شود، خصلت‌هایی همچون، شرافت، صداقت، نجابت را نمی‌شود به پول سنجید^۱.

۱۳- در ناز پروردگی زیاده‌روی نکن!

ناز پرورده بار آوردن کودک، خودخواهی و خودکامگی را در روان او می‌پروراند؛ لذا مادر باید محبت بیش از حدش را نسبت به او، پنهان کند، تا کودک آن را ابزار حمایتی خویش نگرداند و در سایه‌ی آن رفتارهای زشتی را پیشه کند و از مؤاخذه و مجازات، پروایی نداشته باشد و لجباز، یکدنده و خشونت پیشه شود.

نازپروردگی خیلی وقت‌ها کودک را در تنگنا قرار می‌دهد و نسبت به او حساسیت پدید می‌آید، طوری که اگر بخواهد گشتی بزند، مادرش او را در کنار خودش قرار می‌دهد و به او اجازه نمی‌دهد تا از او دور شود. او رفته رفته دیگران را آزرده خاطر می‌کند، چون نه به راحتی سرگرم می‌شود و نه آه و ناله‌اش را باز می‌دارد. یکی از خانم مربی‌ها نقل کرده است که بچه‌ی لال و ناز پرورده‌ای را برای درمان به نزدش آوردند که بعداً روشن شده است او سالم است؛ ولی علت ابتلایش را چنین توضیح داده است؛

۱- عبد‌الخالق، حامد، خذي بيد طفلك إلى الله.

هنگامی که در کنار مادر بوده، مادر از اشاره‌ی چشم او، متوجه خواسته‌اش می‌شده است و بدین ترتیب همه‌ی خواسته‌هایش را برآورده می‌کرد و آزادی هم نداشته است؛ تا اینکه او را از مادر جدا می‌کنند و به خویشاوندانش می‌سپارند، آنان بر خلاف مادرش خیلی به او اعتنا نمی‌کردند و همین امر باعث شده تا او حرف بزند.^۱

۱۴- در سختی زیستن را به او بیاموز!

لازم است کودک به سختی عادت کند و همیشه همه‌ی خواسته‌هایش را برآورده نکنند تا گرفتار نازپروردگی و رفاه زدگی نشود، لذا پسندیده است گاهی لباس درشت و زمخت بپوشد. از کوه بالا رود و متناسب با سن و توانش مسافتی را پیاده روی کند. هر قدر کودک ثروتمند باشد، برایش خوب است که در خوراک، پوشاک و نوشیدنی‌هایش به میانه روی عادت کند.

ولی شایسته است همیشه در سختی، بهداشت و سلامت کودک، سن و استعداد و توانش را رعایت کنیم و اینکه این سختی (آموزشی یا دایمی) با مشورت پزشک، تدریجی و در همه چیز باشد.

چنان که مریبان می‌گویند: باید کودک را از سه چیز باز داریم:

- ۱- عادت کردن به لذتجویی، چون به او صدمه می‌زند و او را تباه می‌کند.
- ۲- دوست داشتن بیکاری و تنبلی؛ لذا پسندیده است کودک از دوران خردسالی و از ابتدای زندگی‌اش به کار کردن عادت کند و آن را بیاموزد.
- ۳- اسراف و ولخرجی در همه چیز، تا به رفاه زدگی و نازپروردگی عادت نکند و همیش نازک نارنجی باشد.

۱- الاستانبولی، محمود مهدی، نحو أسرة مسلمة.

۱۵- از خداوند بترسید و میان فرزندان تان عدالت کنید:

جمله‌ی بالا حدیثی است در صحیحین، لذا باید در ثروت، هدیه و همه چیز عدالت میان فرزندان را پاس داشت؛ تا آنان به شما نیکی کنند. چه بسا آدم‌هایی که خطا کردند و ثروت شان را به نام بعضی از ورثه کردند و این کار به حقد و کینه و دشمنی میان آنان انجامیده است. سر از دادگاه‌ها در آوردند و پولشان را به وکیل و قاضی و دادگاه دادند و همه چیز را از کف دادند.

رسول الله ﷺ فرمود: «لَا تُكْرِهُوا الْبَنَاتِ فَإِنَّهُنَّ الْمُؤْنِسَاتُ الْعَالِيَاتُ»^(۱). «از وجود دختران کراهت نداشته باشید که آنها انس دهندگان گرانقدرند».

رسول الله ﷺ تشویق می‌کردند تا در برخورد میان فرزندان پسر و دختر، مساوات و برابری رعایت شود، و فرمودند:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ أُنْثَى فَلَمْ يَيْدُهَا، وَلَمْ يُهْنِهَا، وَلَمْ يُؤْثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا، - قَالَ: يَغْنِي الذُّكُورَ - أَذْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ»^(۲). «هرکس صاحب فرزند دختر باشد او را زنده به گور نکند، و به او اهانت ننماید و فرزند ذکورش را بر او ترجیح ندهد، خداوند او را وارد بهشت می‌کند».

و همچنین رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثُ أَخَوَاتٍ أَوْ ابْنَتَانِ أَوْ أُخْتَانِ فَأَحْسَنَ صُحْبَتَهُنَّ وَاتَّقَى اللَّهَ فِيهِنَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^(۳). «کسی که سه دختر یا سه خواهر و یا دو دختر یا دو خواهر دارد و با آنان به نیکوئی رفتار می‌کند و تقوی الهی را درباره آنان رعایت می‌آید (منظور اینکه به آنان ظلم نمی‌کند) وارد بهشت می‌شود».

۱- مسند احمد و معجم کبیر طبرانی.

۲- سنن ابوداود.

۳- سنن ترمذی.

فصل سوم: بازی کودکان

۱- اهمیت بازی کودکان

بازی برای کودکان همچون آب برای انسان است؛ چون کودک نیازمند بازی است و هرگز نباید کودک را از این لذت بازدارد. امام محمد غزالی در حالی اهمیت بازی کودکان را یادآوری می‌کند می‌گوید:

زیبنده است پس از اینکه کودک از آموزش خواندن و نوشتن قرآن فارغ شد، به او اجازه بده تا بازی کند و خستگی آموزش را از تن به در کند، چون کودک از بازی خسته نمی‌شود، یقیناً جلوگیری بچه از بازی و خسته کردنش با آموزش دایمی، دل را می‌میراند و هوش را از کار می‌اندازد و زندگی را مکدر می‌کند.^۱

پدران هرگز نپندارند که کودکان را با اسباب بازی مختلف گرانقیمت، سرگرم کردن آنان را خوشبخت می‌کند، چون بسا کودک آن را کنار گذارد و با یک کارتون خالی سرگرم شود؛ آن به نخی ببندد و به دنبالش بکشد.

نیکو است که برای بازی کودک، جایی اختصاص دهند که به آن دسترسی داشته باشد، اگر خانواده بیش از یک کودک دارند، باید هر یک از آن‌ها یک زاویه، رف یا صندوق و کمده (الماری) مخصوص داشته باشد، چنانکه پسندیده است پس از پایان بازی مسئولیت جمع‌آوری اسباب بازی‌ها و گذاشتن آن در جای مخصوص آن بر عهده‌ی خود او باشد. از طرفی دیگر همیشه روحیه‌ی احترام به حقوق دیگران در او پرورش یابد تا آنان نیز از حق بازی کردن برخوردار و او در این زمینه به حقوق شان تجاوز نکند!^۲

۱- المذهب من إحياء علوم الدين، ج ۲، ص ۵۳.

۲- دکتر تام، دوگلاس، مشکلات الطفل اليومية.

بازی، فرصتی است برای تربیت؛ لذا نباید کودکان را آزاد گذاشت تا در میادین عمومی (و خیابان‌ها) سرگرم بازی شوند یا باعث آزار همسایگان گردند یا زنگ در خانه‌ها را به صدا درآورند یا ...

هنگامی که برای کودک اسباب بازی می‌خری، یک اسباب بازی برایش انتخاب و تهیه کن که در سطح درک او باشد. از خریداری اسباب بازی پیچیده بپرهیز. کار باز و بسته کردن یا تجزیه و ترکیب آن را به خودش واگذار کن. به او فرصت کافی بده تا این مهارت را کسب کند اگر به جایی رسید که راه بر او بسته شد و نیاز به کمک داشت به او کمک کن.

۲- توصیه‌هایی برای مربیان:

- ۱- هنگام بازی در کارهای کودک دخالت مکن، مگر اینکه برنامه خوراک یا خوابش آن را می‌طلبید یا اینکه کودک در معرض خطری قرار گیرد.
- ۲- برنامه‌های معینی را در بازی بر او تحمیل نکن!
- ۳- براساس سطح و علاقه خاص فرزندت به او فرصت بازی بده.
- ۴- هر از چند گاهی در بازی با کودک مشارکت داشته باش!
- ۵- در بازی میانه روی و اعتدال را رعایت کن؛ چون بازی وسیله است نه هدف و البته بازی یکی از نیاز اساسی کودک است.
- ۶- هر از چند گاهی کودک را به بازی دستجمعی تشویق کن تا از گوشه‌گیری مصون بماند.
- ۷- یک باره و یکجا اسباب بازی‌های زیادی را به کودکانت نده تا همه‌ی آن‌ها از چشم‌اش نیفتد و از آن‌ها دلزده شود.
- ۸- مانعی ندارد گاهی بدون اینکه کودک بداند، او را تعقیب کنیم تا بدین سان از حوادث مصون بماند و خطاهایش اصلاح شود و مورد یادآوری و آموزش قرار گیرد.

۹- ارزش وقت را به کودک بیاموز، مثلاً اگر دیدی به بازی خاصی خیلی توجه دارد؛ به او بگو: «پنج دقیقه دیگر وقت داری تا بازی فلان را شروع کنی».

۱۰- اگر کودک کم نشاط بود یا سرحال نبود او را به بازی تشویق کن. اگر از بازی خودداری ورزید، علت را جستجو کن، چون شاید مریض باشد یا علت دیگری داشته باشد.^۱

۱۱- اگر ممکن بود در منزل اتاقی را برای کودک اختصاص بده تا وسایلش را در آن بگذارد حتی المقدور بر دیوارهایش تابلوهایی از طبیعت نصب شده باشد که کودکان آن را بپسندد.

در اتاقش چند صندلی کوچک و میز کوچک، چند جعبه خالی، ریگ، بسته‌های مداد رنگی، ماژیک و وایت برد یا گچ و تخته، اسباب بازی ساز و باز و ملعب‌های چوبی و... قرار بده.

نباید کودک را در اتاقش همیشه تنها گذاشت، بلکه باید هر از چند گاهی به دیدارش رفت تا بر نظم و ترتیب وسایلش نظارت کنیم و رفتارهای درست از قبیل نظافت، نظم و... را به او بیاموزیم.

۱۲- در اثنای بازی، قوانین و دستورات دشواری را بر کودکان اعمال نکنیم و از حجم امر و نهی‌ها بکاهیم.

۱۳- هنگام بازی در حمایت از کودکان زیاده‌روی مکن، چون بعضی از پدران یک لحظه کودک شان از چشمشان پنهان نمی‌شود و در اثنای بازی همیشه آنان را تحت حمایت خود دارند.

۱۴- هنگام بازی اصرار نکن کودک نظافتش را کاملاً رعایت کند، چون گریزی نیست

۱- خانم دکتر سلوی، عبدالباقی، اللعب بین النظرية والتطبيق؛ الناصر، محمد حامد و درویش خوله، تربية الأطفال في رحاب الإسلام.

و آنان هنگام بازی قدری کثیف خواهند شد.

۱۵- همیشه از خودت بپرس: «اگر در سن و جایگاه این کودک می‌بودم چه می‌گفتم؟

و چه می‌کردم؟

۱۶- در جای مناسب به فرزندان اجازه بده تا بدونند یا بپرند، چون آنان نیازمند تحرک آزاد هستند.

۱۷- رفتار کودک هر چه بود، به او نخند و او را مورد تمسخر قرار مده.

۱۸- تلاش کن تا در مقابل تخیلات کودک منفی بافی نکنی! مثلاً اگر در مورد یک کارتون به تو گفت: این ماشین است! رؤیا و خیالش را در هم مریز و مگو: این که ماشین نیست!

او و رؤیاهایش را رها کن. بگذار آنچه به ذهنش می‌رسد، خودش آن را تجربه کند. اگر از تو تقاضای کمک کرد، کمکت را بر او عرضه کن.

۱۹- او را تشویق کن تا به وسایل و توانمندی‌هایش اعتماد کند. اجازه بده خودش سختی‌ها و دشواری‌هایش را حل کند.

۲۰- هنگامی که کودک ساخته‌ی گلی یا ریگی خودش را خراب می‌کند، از او انتقاد مکن، چون به دور از اینکه نتیجه‌ی نهایی چیست؛ کودک از بازی لذت می‌برد.

۲۱- کودک را از بازی کردن بازی‌های خطرناک، برحذر دار. خطر برق را به او یادآوری کن. ابزارهای تیز و برنده همچون چاقو، قیچی و .. را از دسترس او دور نگهدار. خطر خیابان و جاده را به او آموزش بده و اجازه نده در خیابان میان ماشین‌ها سرگرم شود. سموم مبارزه با حشرات و انواع داروها را از او دور کن و آن را در جای امن و مخصوص بگذار.

۳- بازی کودکان در اسلام:

اسلام به آموزش، تمرین و انجام انواع بازیهای کودک اهمیت داده است، چون عمر بن خطاب رضی الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به فرزندان‌تان، شنا، تیراندازی و اسب سواری

را آموزش دهید».

رسول الله ﷺ میان کودکان فرزندان عمویش عباس ؓ مسابقه‌ی دوش گذاشت و از برنده‌ی با آغوش‌اش استقبال نمود سپس از برنده‌ی دیگر و همچنان ...

رسول الله ﷺ عبدالله، عبیدالله و بسیاری از فرزندان عمویش عباس را به صف می‌کرد و می‌فرمود: هرکس به سوی من پیشی گیرد، پاداش چنین و چنان دارد. راوی گوید: آنان به نزد او سبقت می‌گرفتند و به پشت و سینه‌ی او می‌افتادند و او آنان را می‌بوسید و بر آنان می‌چسبید.^۱

رسول الله ﷺ با کودکان بازی می‌کرد؛ بزار از سعد بن ابی وقاص ؓ نقل کرده است که گفت: در حالی بر رسول الله ﷺ وارد شدم که حسن و حسین ؓ بر شکمش بازی می‌کردند، من گفتم: یا رسول الله! آیا دوستشان داری؟ فرمود: چرا دوستشان نداشته باشم در حالی که آن دو گل‌های خوشبوی من هستند؟

رسول الله ﷺ کودکان را در چند جا دیدند که بازی می‌کند، او آنان را سرزنش نکرد و (کارشان را) ناپسند ندانست. طبرانی از جابر ؓ روایت کرده است که گفت: با رسول الله ﷺ بودیم، ما را به غذایی فراخواندند در مسیر راه حسین ؓ را دیدیم که با بچه‌ها بازی می‌کرد پیامبر ﷺ جلوی جمع، شتاب گرفت سپس دستش را دراز کرد و او اینطرف و آنطرف می‌گریخت و رسول الله ﷺ با او می‌خندید تا اینکه او را گرفت سپس یکی از دستهایش را بر چانه و دیگری را میان سر و گوش‌هایش قرار داد و او را در آغوش گرفت و بوسید.

رسول الله ﷺ خودش در کودکی با خردسالان بازی کرد. در آن هنگام جبریل ؑ آمد و او داشت با بچه‌ها بازی می‌کرد، سپس او را گرفت و سینه‌اش را شکافت ... مطلبی که آن را احمد در مسندش بازگفته است.^۲

۱- روایت احمد.

۲- روایت مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸۸.

رسول الله ﷺ بازی دختران را با مجسمه‌ها رد و محکوم نکرد، چون بخاری از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که گفت: من در حضور رسول الله ﷺ با اسباب بازی‌ها (مجسمه‌هایی که دختر بچه‌های خردسال با آن بازی می‌کنند) بازی می‌کردم و دوستانی داشتم که با من بازی می‌کردند. وقتی که رسول الله ﷺ وارد می‌شد آنان از او پنهان می‌شدند و او آنان را به نزد من باز می‌گرداند تا با من بازی کنند^۱.

۱- روایت بخاری.

فصل چهارم:

فرزندانم با یکدیگر درگیر می‌شوند چکنم؟

۱- علل درگیری فرزندان

شاید خانه‌ای نباشد که از درگیری کودکان خالی باشد، و خیلی وقت‌ها از اینکه بچه‌ها با یکدیگر گلاویزند، لذت می‌برند، چون آنان از لابلای این درگیری‌ها با نقاط قوت و ضعف خویش آشنا می‌شوند و مستی شوریدن و پیروز شدن را تجربه می‌کنند. مهم‌ترین اسباب درگیری میان برادران، غیرت، احساس کمبودی، سرکوب شدن توسط بزرگترها و غفلت پدر و مادر از فرزندان است.

چنانکه پسر بچه‌ها تلاش دارند بر خواهرانشان سیطره یابند. گاهی کودکان به شکل ظاهری، کوتاه قدی، یا چاق و هیکلی بودن و... یکدیگر ایراد می‌گیرند و درگیر می‌شوند. خیلی وقت‌ها علت درگیری بچه‌ها، در اختیار گرفتن بعضی وسایل و اسباب بازی‌ها است.

به طور طبیعی این درگیری‌ها، اعصاب پدر و مادر را به هم می‌ریزد آنان وقتی که نمی‌توانند بچه‌ها را از درگیری باز دارند دچار شوک و صدمه‌ی روحی می‌شوند، تا جایی که برخی پدران در توان خویش نسبت به تربیت کردن شک می‌کنند و از خود می‌پرسند: چرا بدون خصومت و درگیری توان تربیت کردن بچه‌هایش را ندارد؟ لذا باید ابتدا وضعیت بهداشتی کودک مورد بررسی قرار گیرد چون شاید عصبانیت سریع یا درگیری در اثر ترشح عدد تیروئید، سوء تغذیه یا عوامل دیگر باشد.

۲- وقتی که فرزندانم در خانه درگیر می‌شوند، چه کنم؟

والدین گرامی!

۱- هر گاه یکی از بچه‌ها در معرض آزار جسمی قرارداشت، باید فوراً دخالت کنی تا خطری را که در کمین است، مانع شوی، اینکه همه‌شان را صدا کنی تا فوراً از درگیری و گلاویز شدن دست بکشند. این چیزی که معمولاً در درگیری پسران

رخ می‌دهد، اما دختران معمولاً در چنین شرایطی عوض کاربرد زور و بازو به داد و فریاد کشیدن پناه می‌برند.

۲- پس از فراهم گشتن آرامش، تلاش کن تا قدری از وقت را در گوش دادن به چند و چون درگیری سپری کنی؛ هر چند غالباً محال است به جریان واقعی دست یابی؛ ولی مهم است به آنان بفهمانی که تو نسبت به همه‌ی شان بیطرف و عادل هستی و به حرف همگام گوش فرا می‌دهی.

۳- اگر در ماجرای گلاویز شدن، کتک و کاربرد زور و بازو نبود، نیازی نیست سریعاً دخالت و درگیری را حل کنی؛ زیرا بچه‌ها به امثال این درگیری‌ها و اختلافات نیاز دارند و چیزهای زیادی را از آن یاد می‌گیرند و اگر بکوشی تا کاملاً جلوی هر درگیری را بگیری، یقیناً آنان برای آزاد کردن انرژی خویش دنبال جایگزین می‌گردند.

اگر بخواهی همیشه بر همه‌ی صحنه‌ها سیطره و کنترل داشته باشی، به این معنا است که ارتباط میان آنان طبیعی نیست و همیشه رفتارشان توسط تو کنترل می‌شود؛ لذا هنگامی که تو منزل را ترک کنی و بیرون شوی، قطعاً آنان بر یکدیگر خواهند برد؛ یا اینکه روحیه‌ی ستیزه جویی میان آنان حکمفرما است؛ روحیه‌ای که طول دوران کودکی از آنان دور نشده است و در آینده ارتباطشان بسیار سست خواهد بود؛ چون ترجیح خواهند داد در اولین فرصت از یکدیگر جدا و دور باشند.

اما بچه‌هایی در خردسالی قدری به آنان اجازه‌ی درگیری می‌دهند، معمولاً در بزرگی به یکدیگر نزدیکتر و با همدیگر مهربان‌ترند.

۴- به یاد داشته باش اختلاف میان بچه‌ها، همه‌اش مضر نیست و آنقدر که برای بزرگان زشت جلوه می‌کند، زشت نیست.

۵- به فرزندان توضیح بده که تو مخالف این نیستی که خودشان اختلاف خود را حل کنند؛ ولی با سر و صدایی که برای حل اختلاف ایجاد می‌کنند، مخالف

هستی. اگر اختلاف شان بر سر یک اسباب بازی بود آن از همه شان بگیر و به آنان بگو: اگر به تفاهم و توافق رسیدند، اسباب بازی را به آنان بر می‌گردانی. شاید گاهی نیاز باشد هر یک از آنان را برای لحظاتی در گوشه‌ای، اتاقی یا جای حبس کنی.

۶- هنگامی که تفاوت سنی میان کودکان باعث درگیری زیاد باشد، حل مشکل دشوارتر می‌شود و علیرغم اینکه کودک بزرگتر نیرومندتر است؛ ولی کوچکتر هم می‌تواند او را آزار دهد، بویژه که کوچکتر، کوچکی خود را بهانه می‌آورد و به آن پناه می‌برد و گاهی حتی برای اثبات این امر شکوه و گلایه می‌کند و می‌گرید و ابراز درد می‌کند.

۷- تلاش کن تا به نفع هیچ یک جانب دیگری را نگیری. به بزرگ بفهمان و توصیه کن که باید برادر کوچکترش را دوست بدارد و در قبال رفتارش صبور باشد و از او تقاضا کن زمانی که دیگر توان صبر کردن نداشت یا به عبارتی صبرش لبریز شد؛ فوراً به تو اطلاع دهد.

۸- کمک کن تا بچه‌ی کوچکتر، احترام بزرگتر را حفظ کند و تلاش نکند تا او را بیازارد چون او قوی‌تر است و از او انتقام می‌گیرد.

۹- برای مجازات خطاکار عجله نکن؛ زیرا این امر روحیه‌ی دشمنی و انتقامجویی را در آنان پرورش می‌دهد و شاید تو بیگناه را مجازات کنی، که در آنصورت هر دو در آینده به قضاوت و داوری‌ات شک خواهند کرد.

۱۰- هیچ یک از آنان را با دیگری مقایسه نکن، مثلاً به یکی از آنان مگو: «وقتی برادرت در سن تو بود قطعاً از تو بهتر بود». یا «تو دقیقاً بر عکس برادرت هستی، چون به محض اینکه چیزی به او می‌گفتیم؛ فوراً انجام می‌داد» چون با این روند، کودک نسبت به خودش احساس گناه و نسبت به برادرش احساس دشمنی و نفرت می‌کند و تکرار مقایسه کردن باعث خواهد شد، علیرغم اینکه برادرش

صفات خوبی را دارا است، به او اقتدا نکند و او را الگوی خودش قرار ندهد و برعکس از او منتفر شود.^۱

۱۱- شاید یکی از راه‌های مناسب برای مدیریت اصطکاک و درگیری میان کودکان آن است که درگیری شان را به گونه‌ای از فعالیت‌های سالم و مثبت تغییر کند مثلاً به دیگری یا به مادرشان کمک کنند یا کارهایی که هم در آن سرگرمی، رقابت و مشغولیت وجود دارد خطا خواهد بود که پدران توقع داشته باشند، فرزندان رفتاری مطابق اندیشه‌ی پدران داشته باشند.

۱۲- هنگام عصبانیت پسر، یا درگیری‌اش با برادرانش مادر باید حتی المقدور آرامش خود را حفظ کند.

۱۳- پدر و مادر باید الگوی شایسته باشند و مقابل فرزندشان دست از تعصب و لجبازی برای کارهای کم ارزش یا بی‌ارزش بردارند.

۱۴- اجازه ندهید تا فرزند شما برای بدست آوردن چیزی که به خاطر آن به گریه افتاده و خشمگین شده است، شیرینی انتقام را بچشد.

۱۵- پدرها باید ابتدا خودشان را اصلاح کنند، چون علت خیلی از درگیری‌های کودکان، خود پدران هستند از جمله:

- سیطره‌ی کامل بر کودک
- دوست دارند همه‌ی دستوراتشان هر طور شده، حتی کورکورانه اجرا شود.
- به خاطر کم ارزش‌ترین اسباب در منزل می‌شورند و درگیر می‌شوند.
- رفتار قاطع مبالغه‌آمیزشان.^۲

۳- فرزندانم توی ماشین با همدیگر درگیر و گلاویزند:

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

۲- دکتر فهیم، کلیر، مشاكل الطفل النفسية.

شکی نیست که درگیری میان کودکان در صندلی‌های عقب ماشین یکی از اسباب آزار والدین است.

شایسته است هر یک از سرنشینان ماشین کمربند ایمنی را ببندد چون این مانع آن می‌شود که کودکان بر یکدیگر فشار آورند و هر یک از آنها جای دیگری را تصاحب کند.

در مسافرت‌های دور و طولانی که وقت بیشتری صرف می‌شود، می‌شود که مادر در صندلی عقب بنشیند و آزار کودکان را به یکدیگر کاهش دهد.

به فرزندان یادآوری کن تا بعضی اسباب بازی‌های سبک و کم حجم یا تعدادی کتاب را با خود بردارند و داخل ماشین با آن سرگرم شوند ... و اگر کودکان توی ماشین درگیر شدند، برای چند لحظه ماشین را متوقف کن و اگر از کنار ساحل یا نزدیک پارک در حال حرکت بودی، قدری از آنجا فاصله بگیر تا بچه‌ها احساس کنند از لذت تفریح و لو برای چند دقیقه محروم شدند.

۴- عدالت میان فرزندان:

اگر روزی کودکت از تو پرسید: «آیا مرا دوست داری؟» یا با جوش عصبانیت و خشم گفت: «خیلی طبیعی شما مرا اهمال می‌کنید».

مادر گرامی! در این صورت کودکت نیازمند محبت و نوازش بیشتر است و اینکه نباید میان او و برادرانش تبعیض قایل بشوی و آنان را بر او برتری ببخشی یا برتر بدانی و از او غفلت بورزی و به او توجه نکنی!

گاهی کودکی، برادر کوچکش را با کینه و ناراحتی کتک می‌زند یا وسایل و لباسهایش را پرتاب می‌کند و این طبیعی است، چون بچه‌ی بزرگ با یک مهمان ناخوانده‌ی جدیدی مواجه شده است که احساس می‌کند او رقیبش شده و پدر و مادرش را تصاحب کرده است، بنابراین باید با هر یک از این صحنه‌ها با حکمت و صبر برخورد کرد.

لذا رعایت عدالت و طنازی نکردن با کودک کوچکتر در مقابل کودک بزرگتر خیلی از مشکلات را حل خواهد کرد.^۱

رسول الله ﷺ فرمود: «از خداوند بترسید و میان فرزندان تان عدالت کنید».^۲

انس رضی الله عنه گوید: مردی نزد رسول الله ﷺ نشسته بود. یکی از پسرانش آمد. مرد او را بر پایش نشاند. آنگاه دخترش آمد پس او را در مقابلش نشاند. رسول الله ﷺ (به او) فرمود: «چرا میانشان مساوات نکردی؟» چنین است مساوات میان فرزندان حتی در مورد بوسیدنشان، لذا اگر یکی از آنان را بوسیدی، پس دیگران را هم ببوس!

۵- ستیزه‌جویی با همتایان:

ستیزه‌جویی میان کودکان در یکی از اشکال سه‌گانه زیر قابل دسته‌بندی است:

- ۱- از خودش در مخالفت با یکی از همتایانش دفاع می‌کند.
- ۲- پیوسته با دیگران درگیر می‌شود تا بر همتایانش سیطره یابد.
- ۳- بعضی وسایل منزل را هنگام عصبانیت در هم می‌شکند و نمی‌تواند بر خودش مسلط شود.

حقیقت آن است که بیشتر درگیری‌های کودکان در مرحله‌ی پیش از مدرسه، به خاطر حفظ اسباب و وسایلشان صورت می‌گیرد، مثل اینکه کودک تلاش می‌کند اسباب بازی خود را از کودک دیگر باز پس بگیرد.

گاهی علت ستیزه‌جویی‌شان الگوسازی رفتار دوستان، برادران یا حتی پدر و مادر است. شاید نبود پدر برای مدتهای طولانی نقش بسزایی در پیدایش درگیری و ستیزه‌جویی کودکان باشد، چون پسر بچه‌ها علیه سلطه‌ی مادر تمرد و قیام می‌کنند.

۱- ناصح علوان، عبدالله، تربية الأولاد في الإسلام.

۲- روایت صحیح بخاری.

فصل پنجم: گریه‌ی کودکان

۱- اسباب گریه‌ی کودکان:

گریه‌ی کودک در سال‌های اول عمرش، وسیله‌ی ارتباطش با اطرافیان است، چون او به خوراک و سرپرستی و حمایت نیاز دارد و هر یک از اینها را با تنها ابزار ارتباطی که بلد است، می‌طلبد، لذا اگر در حد کافی هر یک از نیازهایش را دریافت نکند، یقیناً به گریه‌ی بسیار متوسل می‌شود، به همین دلیل باید نیازهای اساسی و حیاتی کودک را برآورده کنیم؛ ولی درست در پس هر بار گریه، زود بسویش بدویم. اما اگر علت گریه‌ی او، ترس، عصبانیت، خشم یا درد باشد شایسته‌تر آن است که او را تنها نگذارند تا فریاد بکشد به خصوص اگر شب هنگام با شنیدن صدایی از خواب بپرد یا یکی از دندان‌هایش درد کند یا در اثر دیدن خواب ترسناکی هراسان شود؛ در این صورت محبت ورزیدن و اطمینان دادن و نوازش کردن مادر، ترس و هراس را از بین می‌برد و بلافاصله دوباره آرامش به او بر می‌گردد.

منزلی که کودک در آن زندگی می‌کند، هر قدر آشفته و ناآرام باشد به گریه پناه می‌برد تا با استفاده از آن به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی، آشفتگی‌اش را ابراز دارد. با این همه هر قدر عمرش افزایش یابد، اندک اندک گریه‌اش کاهش می‌یابد.

در فاصله‌ی سن شانزده ماهگی تا سه سالگی عمر کودک، اگر خواسته‌ها و نیازهایش بویژه نیازهای فیزیولوژیکی‌اش برآورده نشود یا تنها در اتاقی رها شود یا در جلب توجه اطرافیانش شکست بخورد؛ می‌بینیم عصبانی و برافروخته می‌شود، چنان که گاهی در حین حمام کردن یا در آوردن لباس‌هایش به هیجان می‌آید و ناراحت می‌شود. بیشترین اسباب خشم کودکان در سنین اولیه‌ی عمرشان به نوع ارتباط کودک با پدر، مادر و برادرانش بر می‌گردد، چنان که تحمیل خواسته‌هایی به او از قبیل خواب، خوردن خوراکی، تمیز کردن دندان‌ها و... در عصبانیت او نقش دارد.

علیرغم اینکه بیشتر عوارض خشم در سنین بالا، رفتاری طبیعی محسوب می‌شود، اما ابتدا درمان آن با بررسی وضعیت بهداشتی کودک، ضروری است؛ چون شاید علت زود عصبانی شدن یا گریه کردن، اختلال در ترشح غدد تیروئید یا احساس خستگی یا بعلت سوءتغذیه ابتلا به یبوست مزمن، یا بیدار خوابی و ... باشد.^۱

بیشترین گریه را کودکان نازپرورده دارند، چون اشک را ابزاری قرار می‌دهند برای دستیابی به خواسته‌هایشان.

در چنین حالتی پدر و مادر به کودک بگویند: گریه نکن، چون اگر گریه کنی هرگز به شکوهات توجه نمی‌کنیم .. تا گریه به شکوه (گفتاری) تبدیل شود، آنگاه به حرفت گوش می‌دهیم.

بدین سان کودک می‌آموزد که باید خودش را کنترل کند و هنگام عرضه‌ی شکوه‌اش از گریه پرهیز کند.

۲- توصیه‌هایی برای جلوگیری از دفعات گریه:

۱- پدران باید آرام باشند و از عصبانیت و برافروختگی پرهیزند و در مقابل بچه‌ها به خاطر بی‌ارزش‌ترین اسباب و عوامل درهم نریزند.

۲- خیلی از کودکت انتقاد نکن و هیچگاه بویژه در حضور کودکی دیگر یا در مقابل مهمانان او را مسخره نکن و عاجز نخوان!

۳- نباید پدران، در میان خانواده یا در حضور مهمانان، کودکشان را ابزار سرگرمی، بازی و تفریح قرار دهند!

۴- نباید به مجرد فریاد کشیدن، عصبانیت یا لجبازی کودک، خواسته‌هایش را برآورده کنیم.

۵- زبینه است هنگام درگیر شدن کودکان - هر قدر ممکن است - اجازه بدهیم

۱- دکتر فهیم، کلیر، مشاكل الطفل النفسية.

خودشان اختلاف و مشکلاتشان را حل کنند.

۶- نباید به اسباب بازی‌ها و وسایل کودک آسیب یا صدمه‌ای وارد یا آن را در هم

بریزیم یا به بچه‌های دیگر اجازه چنین رفتاری را بدهیم.

در پایان گفتنی است که تحقیقات علمی نشان داده است که منشأ بسیاری از عصبانیت‌ها و لجبازی کودکان، خود پدران اند، چون رفتار جدی و انعطاف ناپذیر و مبالغه‌آمیز آنان و علاقه‌شان به فرمانبرداری ولو فرمانبرداری کورکورانه باشد و برافروختگی آتشین‌شان در منزل آن هم بعثت‌های ناچیز؛ مشکل می‌آفریند یا مشکلات را شدیدتر می‌کند!!^۱

۱- دکتر جرجس، ملاک، سیکولوژیة الطفولة.

فصل ششم: کودکم عصبی است ... چه کنم؟

سرآغاز:

گروهی از کودکان به آرامش، گوشه‌گیری و در دنیا آمیختن علاقه دارند... گروهی دیگر به فعالیت، جنب و جوش و مشارکت علاقه دارند... گروه‌هایی با واکنش‌های گوناگون، احساسی لطیف و مهارت‌های تحرکی شناخته می‌شوند.

بعضی از عصبانیت، خشم و برافروختگی، تمایز دارند. گاهی یک کودک میان همه‌ی این شاخصه‌ها بالا و پایین می‌رود. اما برخی کودکان هستند که به طور آشکار به بیتابی و ناآرامی تمایز دارند، آنان به عوارض عصبی یک‌دست مبتلا می‌شوند که در حرکات غیرحسی ناگهانی و ناخواسته نمایان می‌گردد، مثل جویدن ناخن‌ها، گاز گرفتن خودکار، مکیدن انگشتان، **ور رفتن** با موها یا چشمک زدن غیرارادی و ...

۱- اسباب عصبی شدن کودکان چیست؟

روانشناسان معتقدند: مهمترین اسباب عصبی شدن و اضطراب روحی کودکان در موارد زیر ریشه دارد:

۱- محرومیت از گرمای عاطفی در خانواده و عدم اشباع نیاز کودک از محبت و پذیرش.

۲- سیطره‌ی قهرآمیز پدران و بی‌توجهی به احترام آگاهانه‌ی کودک از جمله‌ی سنگدلی پدران و تبعیض قایل شدن میان برادران.

۳- وجود پیچیدگی و تناقض در محیط و جامعه از قبیل فریبکاری، کلک زدن، کلاهبرداری و ...

مانند وعده خلافی پدران نسبت به قول‌هایی که به بچه‌ها می‌دهند یا محروم کردن آنان از نیازهای ضروری.

۴- آموزش عصبی بودن از والدین:

مثلاً مادر عصبی یا خانم معلم هیجانی، عصبی بودن و فرو ریخته بودن را به کودکان آموزش می‌دهند، چنانکه مادر سیطره‌جو، منشأ ثابتی است برای در تنگنا قرار دادن کودک، از آن طرف کودک در همه چیز علیه او مقاومت می‌کند ... نقطه‌ی مقابل چنین مادری؛ مادر انعطاف‌پذیر مهربانی است که محبتش را نسبت به کودکش ابراز می‌دارد، یقیناً کودک، رام او می‌شود و پیشنهادات او را با خوشحالی اجرا می‌کند و هر قدر کودک رشد کند و بزرگ شود از کسی که به او آموزش داده است؛ پیروی می‌کند و هر چه را یاد گرفته است پیاده می‌کند. در چنین شرایطی خانم معلم نقش مادر را ایفا می‌کند و آقای معلم در جایگاه پدر قرار می‌گیرد.

۵- زیاده‌روی در محبت و طنازی:

آری نازپروردگی اغراق آمیز، روحیه‌ی خودکامگی و خودخواهی را در کودک پرورش می‌دهد و احساس می‌کند همگان موظفند، خواسته‌ها و نیازهای او را برآورده کنند و اگر خیلی سریع خواسته‌هایش برآورده نشد، برافروخته و عصبانی می‌شود سپس دیری نمی‌پاید که اگر افراد جامعه هم خواسته‌هایش را مثل خانواده‌اش در کودکی برآورده نکنند؛ احساس می‌کند، جامعه سرکوبگر است.

۲- اسباب جسمی:

بعضی بیماری‌ها هستند که باعث عصبی شدن و ناآرامی و بی‌قراری کودک می‌گردد، از جمله:

۱- بی‌نظمی یا بیش از حد طبیعی ترشح کردن غدد تیروئید.

۲- مبتلا بودن کودک به انگل.

۳- بیماری صرع.

۴- آشفتگی سوءهاضمه.

شایسته است پیش از اینکه این نتیجه را برای خود قطعی کنیم عصبی بودن کودک ما، اسباب روحی - روانی دارد؛ باید از سلامت او از بیماری‌های اندامی و جسمی مطمئن شویم، چون گاهی اسباب ابتلای کودک به عصبی بودن دوگانه است؛ یعنی هم اسباب بهداشتی - جسمی و هم اسباب روحی - روانی دارد.

۲- نارسایی عقلی و ضریب هوشی پایین:

افرادی که از ضریب هوشی پایینی برخوردارند، هر گاه محیط منزل یا مدرسه بر آنان فشار آورند که مسئولیت شان را بهتر انجام دهند؛ عصبی بودنشان افزایش می‌یابد، یعنی گویا از آنان درخواست می‌شود، کاری بیش از توان ذهنی‌شان به انجام رسانند، چنان که سرزنش و مقایسه‌ی آنان با دیگران در امر تحصیل یا امور دیگر به افزایش عصبیت شان کمک می‌کند.

۳- کودک نابغه:

کودک نابغه، گاهی از عصبی بودن و ناامنی رنج می‌کشد، طوری که همیشه احساس می‌کند سطح فکری او از همقطارانش تفاوت دارد و بیشتر است، چون هر چه به او می‌گویند، درک می‌کند و می‌فهمد سپس هنگامی که مربی یا معلم در کلاس به شرح و توضیح ادامه می‌دهد، او احساس خستگی می‌کند. از همین رهگذر گاهی او درس و تحصیل را سبک می‌شمارد و تلاش زیادی را صرف یادگیری نمی‌کند. گاهی هم دچار غرور و اعتماد بنفس بیش از حد می‌شود.

برخی از مربیان یا پدران از چنین فرزندان به خاطر پرسش‌های فراوان‌شان عصبی می‌شوند و به خود می‌پیچند و او را فیلسوف و پرحرف می‌خوانند و این چیزی است که او را به احساس دلتنگی و استرس روانی می‌کشاند.

کودک نابغه، گاهی احساس می‌کند که وقت خالی بسیاری دارد که نمی‌داند آن را چگونه پر کند، چون او همه‌ی درسهایش را خوب بلد است و مفهومی ندارد، چیزی را که

کاملاً بلد است؛ دوباره آنرا بازخوانی و تکرار کند، بنابراین این کودک گاهی زندگی خشک و بی‌روحي را سپری می‌کند و اگر ما اسباب و وسایل مفیدی را برایش فراهم نکنیم؛ زندگی او هیچ آسایشی ندارد، پس پسندیده است وسایل ورزشی و زمینه‌ی استفاده از کامپیوتر را برایش مهیا کنیم یا کتاب‌های مناسبی را برایش تهیه کنیم تا کنجکاوی و علاقه‌ی شدیدش را به شناختن، اشباع کند.

شایسته است پدران، مربیان و معلمان، هنگامی که استعداد و توانایی کودک نابغه را کشف و شناسایی می‌کنند؛ بدون اینکه او را با سخنان شان دچار غرور کنند، به او کمک کنند تا استعدادی خود را شکوفا کند و رشد بخشد. آنان نباید از پرسش‌های فراوان او انتقاد کنند یا خسته شوند، بلکه با تمام جدیت و حفظ احترام به همه‌ی سؤالاتش پاسخ دهند.

چنان که به دلیل اینکه آنان با هوش و نابغه‌اند، پدران و مادران نباید آنان را در مرکز توجه قرار دهند و در اتمام دادن به آنان زیاده‌روی و افراط کنند، چون در آن صورت نمی‌دانند که به شخصیت‌شان آسیب می‌زنند چون شاید ارزیابی پدران، خطا باشد و فرزندانشان صاحب نبوغ نباشند و با این تعریف و تمجید از آنان، حس غرور را در آنان تحریک کنند و اگر نتوانند در سطح انتظار بدرخشند؛ دچار عصبی بودن، دل افسردگی و دل سردی شوند^۱.

۲- پدیده‌های عصبی بودن کودکان چیست؟

الف: علایم عمومی:

شاید مهمترین علایم عصبی بودن کودکان این موارد می‌باشد:
عدم استقرار، تحرک بسیار زیاد، تشویش در توجه، حواس پرتی، تجاوز به هم

۱- دکتر جرجس، ملاک، مشاكل الأطفال النفسية؛ دکتر سلیمان، علی، طفلك الموهوب.

قطاران، بی‌جهت برافروخته شدن، خشم، گریه، بی‌ملاحظگی، بی‌فکری، هر چیزی را به مسخره گرفتن و بازیچه قرار دادن، گاز گرفتن، درگیر شدن یا کتک زدن برادران.

ب: حرکات مخصوص عصبی بودن:

حرکات عصبی به شکل ویژه‌ای نمود دارد و جلب توجه می‌کند. مثل مکیدن انگشتان، جویدن ناخن‌ها، گاز گرفتن خودکار و ...

۱- مکیدن انگشتان:

مکیدن انگشتان فرآیندی است عادی که همه‌ی کودکان در ماه‌ها یا حتی سال‌های نخست عمرشان به آن روی می‌آورند؛ ولی مکیدن انگشتان گاهی به شکل غیرعادی تا سن بالایی مثلاً ده سالگی ادامه می‌یابد. مکیدن انگشت در این مرحله‌ی سنی چیزی بیش از یک نشانه‌ی استرس روانی و عصبی نیست... که معمولاً حواس پرتی، غمزدگی و خیالات. آن را همراهی می‌کند، چنان که این علایم در هنگام رویارویی با بعضی مشکلات یا شکست در تحصیلات، افزایش می‌یابد.

برای خودداری، از این عادت و پدیده تهدید و هشدار پدران به فرزندان هم سودی ندارد.

به طور کلی درمان این وضعیت بدون در نظر گرفتن درمان وضعیت روحی و خانوادگی که کودک در آن زندگی می‌کند، امکان پذیر نیست، بویژه ارتباط کودک با پدر و مادرش، برادران و مربیان.

پسندیده است که نیازهای روحی اساسی کودک اشباع شود، به او اعلام کنند که نزد دیگران دوست داشتنی، عزیز، محترم و گرامی است، چنانکه می‌شود کودک با یک فعالیت دستی سرگرم کرد تا از فرو کردن دستش به دهانش یا جویدن ناخن‌هایش جلوگیری بعمل آید... و لذت تولید و سرگرمی را بچشد.

اما کاربرد مجازات و سرزنش، این عارضه را شدت می‌بخشد و به درمانش

نمی‌انجامد.

۲- جویدن ناخن و گاز گرفتن خودکار:

این پدیده، نشانگر بی‌ارادگی و عصبانیت است و شاید علتش ناتوانی در سازگاری با محیط یا عدم توان رویارو شدن با صحنه‌ها و موقعیت‌های دشوار باشد. این پدیده در هنگام حضور در آزمون‌ها بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

برای درمان این پدیده، سرزنش و نکوهش هیچ سودی ندارد بلکه باید اسباب ناسازگاری‌اش را با محیط بررسی و شناسایی کرد و برای اثبات شخصیتش و حل مشکلات تحصیلی یا ارتباطش با خانواده‌اش به او کمک کرد.

ج: حرکات عصبی ناخواسته (غیرارادی):

گاهی برخی از کودکان را می‌بینیم که از حرکات عصبی غیرارادی رنج می‌برند. این حرکات برایشان عادت می‌شود و آنان را رها نمی‌کند. از این حرکات، حرکت کردن پا به شکل شبه مکرر، پرش اطراف دهان، همیشه با موی سر ور رفتن، حرکت گردن به راست و چپ را می‌شود نام برد.

حقیقت آن است که کودک توان جلوگیری از این حرکات را ندارد چه به او تذکر دهند یا کودک به خاطر آن نکوهش یا مجازات شود، چون فی‌الواقع این تنها راه رهایی او از حساسیت عصبی است.

متأسفانه بسیاری از پدران یا مربیان را می‌بینیم، تلاش دارند تا با نکوهش یا تمسخر، کودک را از انجام این حرکات باز دارند، ولی مانع شدن هیچ سودی ندارد.

حقیقت آن است که جز با درمان اسبابی که کودک را به آن سو کشانده است؛ هیچ وسیله‌ای برای درمانش وجود ندارد. آن اسباب عبارت است از تشویق کردن او به درآمیختن در محافل و پرورش دادن شخصیتش و توصیه‌ی والدین به تغییر و تعدیل رفتارشان با کودک.

چنانکه تشویق کودک به مشارکت در تیم پیش‌آهنگی (و اردوهای مختلف) در مدرسه، مؤثر است. از طرفی او باید تلاش کند تا این حرکات عصبی را نادیده بگیرد تا خودبه‌خود ناپدید شود.

۳- عصبی بودن کودکان را چگونه درمان می‌کنی؟

درمان: ابتدا باید از سلامت کودک اطمینان یافت و اسباب پیدایش و انگیزه عصبانیت را شناسایی کرد و با درایت آن را درمان نمود. بخشی از درمان‌ها اقدامات والدین است، اگر آنان دوست دارند که فرزندان شان عصبی نشوند و از حرکات غیرارادی و تیک‌های عصبی رنج نبرند، باید رفتارشان را کنترل کنند و جو منزل را از آرامش و خوشبختی سرشار گردانند.

حقیقت آن است که عصبی بودن کودکان ژنتیکی نیست که از طریق خون از پدران به فرزندان انتقال یابد، بلکه آن رفتاری است که فرزندان آن را از پدران می‌آموزند، یا سرشتی است سلطه‌جویانه که در اثر فشار و سختگیری پدران فرزندان، پدید می‌آید. یا نازپروردگی پدران به گونه‌ای است که از فرزندان افرادی می‌پرورد که دوست دارند طبق خواسته‌های خود بر خانه سیطره یابند.

○ برای کودکت شرایطی را پدید آور تا با وسایلی که او را آزار ندهد؛ مثلاً ساز و بازهای مختلف، مکعب‌ها، آجرهای پلاستیک و ... بازی کند.

○ اجازه بده تا در میدان بازی یا ورزشگاه و یا باشگاه بازی کند.

○ هر از چند گاهی او را به پارک و تفریح گاه‌های عمومی ببر.

○ هیچگاه او را با دیگران مقایسه نکن و به خاطر خطایش او را تحقیر و رسوا مکن.

○ اجازه بده تا بپرسد! و سؤالش را مهار نکن. به او پاسخ‌های ساده‌ای بده که با عمر

و هوش‌اش تناسب داشته باشد.

○ شاید یکی از بهترین ابزارهایی یافتن از گریه‌ی کودک آن باشد که مادر دست و

صورتش را بشوید سپس با او دراز بکشد و داستانی را برایش تعریف کند ... و

حواس‌اش را از خشم و عصبانیت منحرف کند.

۴- با فرزند عصبانی‌ات چگونه رفتار می‌کنی؟

یکی از صحنه‌های طبیعی و عادی این است که کودک با اسباب بازی‌های غرق بازی باشد؛ ناگهان مادر او را صدا زند که فوراً لباس‌هایش را بپوشد و برای رفتن به بازار آماده شود. این جا است که کودک خودداری و از بیرون رفتن ابا ورزد؛ چون لذت بازی از رفتن به بازار بیشتر است.

شاید مادر در چنین وضعیتی بگوید: «من به طور قطعی میدانم که تو عصبانی هستی و من هم گاهی اوقات که نمی‌توان خواسته‌هایم را به انجام رسانم؛ عصبانی می‌شوم، ولی ما همیشه نمی‌توانیم هر کاری که دلمان خواست انجام بدهیم، لذا با همدیگر تلاش کنیم تا با بیرون شدن برای خرید نیازهای خانه، قدری از وقت‌مان لذت ببریم».

این نوع برخورد و سخن شاید نتواند خیلی سریع، خشم بچه را فرونشاند، ولی مادر باید پیگیر شود و تأکید نماید تا آنچه را که از او خواسته است؛ اجرا نماید. بچه در چنین حالتی است که پی خواهد برد که مادر احساسات او را درک می‌کند و متوجه است که این احساسات طبیعی است. این امر باعث خواهد شد که بدون تنفر بچه این احساسات را بپذیرد.

اما اگر مادر به بچه‌اش چنین فهماند که پذیرفته نیست انسان در چنین شرایطی متنفر یا عصبانی شود، لذا از اینکه از عصبانیت‌اش سخن گفته است، او را دوست ندارد؛ قطعاً احساسات سرکوب و مهار شده‌اش انباشته می‌شود و افزایش می‌یابد و اگر چنین صحنه‌هایی تکرار شود، شاید بچه در خود فرو رود و احساساتش را شدیداً مهار کند و بدون هیچ علت روشنی، همیشه احساس گناه کند یا در حالی بزرگ شود که شخصیتی پریشان و ناآرام داشته باشد و اعتمادش به خودش ضعیف باشد.^۱

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

۵- کودک در مهد کودک عصبانی می‌شود:

- روش‌ها و اقداماتی وجود دارد که خانم مربی مهد کودک با استفاده از آن می‌تواند کودکان را از شرایط عصبانیت برهاند و دور کند
- ۱- نیاز خوراک و استراحت و آسایش کودک را برآورده ساز.
 - ۲- کودک را با فعالیت‌هایی سرگرم کن که انرژی‌اش را بگیرد، مثلاً یک توپ به او بده تا با آن بازی کند یا بالشی به او بده تا با آن مشت بازی کند.
 - ۳- تلاش کن هنگامی که درگیر تنش است به او توجه نکنی. او را به حال بگذار تا آرام گیرد.
 - ۴- در اثنای وضعیت عصبی بودن، از تهدید کردن و کتک زدن کودک بپرهیز!
 - ۵- با او صحبت کن و بگو: که او کودکی است عادی و صمیمی. تو هم باید او را بپذیری؛ چون این رفتار مهربانانه‌ات او را آرام خواهد کرد و طوری خواهد شد که با تو همکاری بیشتری داشته باشد^۱.

۱- دکتر الخضیر، خضیر السعود، المرشد التربوي لمعلمات رياض الأطفال.

فصل هفتم:

فرزندم لجباز است؛ چه کنم؟

۱- اسباب لجبازی کودکان:

خیلی وقت‌ها پدران و مادران از لجبازی فرزندان شان شکوه دارند به طور آشکار لجبازی کردن کودک در پنج یا چهارده سالگی از عمرشان نمودار می‌شود. در سن پنج سالگی به این دلیل لجبازی نمود می‌یابد که کودک وجود دیگران را احساس می‌کند و می‌ترسد در میان آنان نابود شود یا جایگاه خود را از دست دهد؛ لذا تلاش می‌کند تا شخصیت و جایگاه خود را با لجبازی تثبیت کند. در چهارده سالگی هم، چون مرحله‌ی کودکی را پشت سر گذاشته و پا دنیای نوجوانان و بزرگان می‌گذارد. در هر دو مرحله از پیدایش لجبازی هراسی نیست، چون می‌دانیم این لجبازی اگر درست و همراه با لطافت با آن تعامل کنیم و نخواهیم با آن به خشونت، رفتار کنیم؛ یقیناً خیلی زود خود به خود از بین می‌رود. گاهی لجبازی علت های دیگر دارد، مثلاً اینکه کودک در تحصیلش با مشکل مواجه شده است یا دوستان و همکلاسی‌هایش او را اذیت می‌کنند یا از یک ناکامی رنج می‌برد یا کسی می‌خواهد به او گستاخی کند. گاهی ما باعث بروز لجبازی فرزندان مان می‌شویم مثلاً بدون توضیح از آنان تقاضاهای شتابزده‌ای می‌کنیم یا درخواست می‌کنیم در یک لحظه چند کار را انجام دهد یا خواسته‌های مبهم، نامفهوم و غیرضروری داریم و به آنان اجازه نمی‌دهیم دلایل خودشان را بازگویند.

- برحذر باش که لجبازی به سرپیچی و سرکشی تبدیل نشود.
- از اجرای چند خواسته در یک لحظه پرهیز.
- تلاش نما تا اسباب و انگیزه‌های سرکشی و سرپیچی را شناسایی کنی (دوستان ناباب، دردمندی و اختلال سلامت، ناکامی‌رویی و ...)

- به فرزندت تاکید کن که او همیشه عزیز و دوست داشتنی خواهد ماند و فقط رفتارش نیاز به اصلاح دارد.
- از قطع ارتباط با کودک سرکش بپرهیز و سعی کن تحت هر شرایطی ارتباط را با او حفظ کنی و قطع رابطه نکنی (که دیگران سوءاستفاده نکنند!)
- از کودک سرکشات (و سرکشی‌هایش) نزد دیگران سخن مگو!
- به نازپروردگی ویرانگر یا رشوه دادن رو مکن!^۱
- به خواسته‌های کودک سرکشات تن نده و تسلیم او مشو (ولی در عین حال از خشونت بپرهیز!)

۲- چرا گاهی کودکان از دستورات پدر و مادرشان سرپیچی می‌کنند؟

- ۱- راستی خیلی از دستورات والدین با کشش و علاقه‌ی کودک، همخوانی ندارد؛ بازی نکن! نپرا! شنا مکن، تو آب مرو! از درخت بالا نرو! و .. کارهایی که کودک دوست دارد بخشی از وقتش را با آن سپری کند و خوش باشد.
- ۲- گاهی کودک غرق کاری است که از نظر او خیلی مهم است، مثل درست کردن ساز و بازها یا ور رفتن با اسباب بازی، ناگهان مادر او را صدا می‌زند تا بیاید و غذا بخورد، ولی کودک جواب مادر را نمی‌دهد، چون لذتش از بازی بیش از خودرن خوراکی و نوشیدنی است.
- در چنین شرایطی بهتر است مادر لحظاتی پیش از آماده شدن سفره به او اطلاع دهد که چند لحظه‌ی دیگر آماده شود تا غذا بخورد.
- ۳- گاهی کودک به خاطر نازپروردگی لجبازی از دستورات والدین سرپیچی می‌کند. علت هم نازپرورده بار آوردن بچه در گذشته است.

۱- السببعی، عدنان، الصحة النفسية لأطفال المدرسة الابتدائية.

۴- خیلی وقت‌ها دستورات پدر و مادر مبهم است و بچه آن را نمی‌فهمد تا آن اطاعت کند مثلاً: «لباسهایت را کثیف نکن، حرف پدر و مادر را اجرا کن». در حالی که بهتر است بگوییم، ظرف را بگذار روی میز و وقتی که با آن ور می‌روی لباس‌هایت از آن دور باشد!

۵- بعضی الفاظ و عبارتهای والدین حاوی مفهوم نافرمانی و لجبازی است مثل اینکه به کودک بگوییم: آیا دوست داری وسایلت را مرتب کنی؟ در حالی که باید می‌گفتیم: بیا وسایلت را مرتب کنیم، چون نظم و ترتیب خوب و زیبا است! ما بچه را با این جمله بیچاره می‌کنیم؛ «من قطعاً نمی‌گذارم تو این کار را بکنی» در حالی که پسندیده بود بگوییم: «بابا! انجام این کار جالب نیست! این کار را انجام بده! یا اینطوری جالب نیست، اینطوری انجام بده!».

یکی از مربیان می‌گوید: اگر با صدای آرام و آهسته‌ای به کودک بگویی: «لطفاً سکوت!» قطعاً او آمادگی بیشتری دارد تا این خواسته را اجرا کند تا اینکه با درشتی و فریاد این را از او تقاضا کنی و داد بکشی: «از داد و فریادتان نزدیک است دیوانه بشوم!» قابل یادآوری است که ریشخند کردن کودک هیچ سودی ندارد و مثلاً ریشخند کنان به او بگویی: «امیدوارم با این لباس خوش باشی!»

۶- در اندیشه‌ی کودک، ناممکن، وجود ندارد؛ لذا او هر چه را که ببیند درخواست می‌کند، چون فکر می‌کند که پدر و مادرش می‌توانند آن را تهیه کنند.

۷- بعضی حالت‌های بیماری وجود دارد که شاید (پدر و) مادر متوجه آن نشوند، ولی آن کودک را از فرمانبرداری باز می‌دارد. این امر نیازمند ارزشیابی و نظر پزشک است.^۱

۱- دکتر بدیوی، احمدعلی، طفلك و مشكلاته النفسية.

۳- کورکورانه اطاعت مکن!

اگر از فرزند توقع تلاش و کوشش داری، پیوسته این جملات را برایش تکرار کن؛ «عاقبت جوینده، یابنده است»، «هر چه کاری بدروی» «فرزند عزیزم! بیا تا تلاش کنیم و بکوشیم!».

مجبور کردن کودک به فرمانبرداری کورکورانه به طور مداوم، روحش را از کار می‌اندازد و شخصیتش را می‌کشد و او را به جا زدن، فریب و دروغ و بی‌اعتمادی می‌کشاند.

زیبنده است وقتی که فرزندان به سن تشخیص رسید، او را قانع کنی از چیزهایی او را باز می‌داری که مضر و به چیزهایی فرمان می‌دهی که مفید است. این امر را باید با روشی پسندیده و قابل فهم برایش ارائه دهی.

شایسته است ما هم این نکته را بفهمیم که دوران کودکی، همیشه سن اطاعت و فرمانبرداری محض نیست، بلکه مرحله‌ی آزادی و رشد است و اسلام هم در این مرحله کودک را به اجرای هیچ فرمانی، مکلف نکرده است، بلکه از ما خواسته که فقط او را تمرین بدهیم و تشویق کنیم. پس آیا زیبنده نیست در این زمینه عملکرد اسلام برای ما الگوی پذیرفتنی باشد؟ و صبح و شب از مقدار دستورات خویش برای کودک بیچاره بکاهیم!

اگر دوست داری فرزندان را بر فرمانبرداری عادت دهی؛ بکوش تا موارد زیر را تمرین کنی و به آن پایبند باشی:

۱- هنگامی که فرزندت سرگرم دوست داشتنی خودش است، در همان لحظه او را به چیزی فرمان مده، بلکه توقعات و دستورات لازم را به سادگی برایش بگو و علت آن را برایش توضیح بده.

۲- چند فرمان را یکجا به او نده!

۳- به قاطعیت، سختی، زورگویی و تهدید پناه مبر.

- ۴- اگر کودک کار خوبی را انجام داد، به او پاداش بده.
- ۵- چیزی را به او اجازه مده که قبلا او را از آن بازداشته‌ای!
- ۶- چیزی معینی را تقاضا کن. دستورات نامفهوم و گنگ نباشد مثل اینکه به بچه بگویی: «برای پر کردن یا کوک کردن اسباب بازی فنرش را به عقب بپیچ».
- ۷- در سریع انجام دادن کاری، کودک را به شتاب بیش از حد وادار مکن و به او مگو: «تند باش!» «دیر شد!»
- ۸- به یاد داشته باش که تقاضا همراه با لطف خوش از سرزنش و نکوهش مؤثرتر و مفیدتر است.

۴- توصیه‌هایی برای غالب شدن بر مشکلات رفتاری کودکان:

- تلاش کن تا این نکته را کشف کنی و بدانی که چه چیزی کودک را آزرده و می‌دهد.
- دارد و آزار دادن را برایش لذتبخش جلوه می‌دهد.
- کودک را بر درک کامل رفتار و کردارش یاری کن و اینکه اگر او رفتار دیگری و بهتری را در پیش گیرد، حتما بهتر خواهد شد.
- به کودک فرصت بده تا علت رفتار نادرستش را برای توضیح دهد.
- کودک را تشویق کن تا با دوستان و اسباب بازی‌هایش بازی کند.
- به او آسایش و اعتماد بنفس را اهدا و به او بفهمان که دوستش داری^۱.

۱- منصور، محمد جمیل، قراءات في مشكلات الطفولة.

فصل هشتم: روش‌های پاداش

۱- اهمیت پاداش و مجازات:

شاید بعضی از ما زرنگ نباشد، تا در قبال کار نیک فرزندش، به موقع به او پاداش دهد، در حالی که سلف صالح ما به این نکته توجه داشتند، نقل است که یکی از تابعین فرزندش را به کسب علم حدیث تشویق می‌کرد و به او می‌فرمود: «فرزندم! علم حدیث را یاد بگیر، چون هر گاه بشنوم حدیثی را شنیده و حفظ کرده‌ای، من به تو یک درهم می‌دهم». ابراهیم بن ادهم گوید: «و چنین شد که من حدیث را به این منوال فرا گرفتم». این هم صلاح الدین ایوبی است، او روزی در بحبوحه‌ی نبرد در اردوگاه (سربازانش) قدم می‌زد، خردسالی را دید که نزد پدرش قرآن را زیبا تلاوت می‌کند. او ابتدا قرائتش را تحسین کرد سپس او را به خود نزدیک گرداند و از خوراکی خود به او داد و بخشی از مزرعه‌اش را به او و پدرش هدیه کرد.^۱

پاداش‌ها متفاوت است، از یک لبخند شیرین تا سخنی شیوا و دلنشین تا خرید یک اسباب بازی تا هدیه دادن یک شیرینی و...

امام غزالی در «إحياء علوم الدین» می‌نویسد:

«هر قدر از بچه رفتار نیک و اخلاق پسندیده مشاهده شود، شایسته است بر انجام آن، مورد تکریم قرار گیرد و پاداشی به او دهند تا شاد شود و میان مردم مورد تمجید قرار گیرد»^۲.

شکی نیست که روش پاداش و مجازات باید سنجیده و متوازن باشد مثلاً همانطور که در قبال کار زشت او را سرزنش می‌کنیم، هنگامی که کار پسندیده‌ای انجام می‌دهد، باید او را بستاییم و مورد تمجید قرار دهیم.

۱- مسویه، محمدنور، منهج التربية النبوية للطفل.

۲- المذهب من إحياء علوم الدین، ج ۲، ص ۵۲.

خطا خواهد بود اگر پاداش‌ها به جوایز مادی، محدود شود، چون اگر چنین رفتار کنیم، کودک منفعت طلب بارمی‌آید و دوست دارد در قبال هر کار نیکی آن پاداش را دریافت کند. پاداش معنوی از قبیل تعریف و تمجید از رفتارها و موفقیت‌های او در مقابل دیگران در کودک انگیزه ایجاد می‌کند و تأثیر بسزایی دارد.

○ هنگامی که کودک کار پسندیده و نیکی را انجام می‌دهد؛ جملات محبت آمیز و تحسین برانگیز را از او دریغ مکن؛ کلمات و جملاتی که کم حجم‌اند اما در روح و روان فرزندان اثر گذار و ماندگار؛ «آفرین فرزندم! ممنونم!»، «الهی خیر ببینی نازنینم!»، «خدا به تو توفیق بدهد و پیروزت کند!» و ...

○ از کار نیکش در مقابل دیگران تمجید و تقدیرکن، مثلاً بگو: «خالد امروز بچه‌ی حرف گوش کنی بود، من از او راضی و خوشحالم، چون او آقا و مؤدب است».

○ وقتی که خطایی را مرتکب شد و تو او را عفو کردی، به او بگو: «به خاطر فلان کار نیکت تو را بخشیدم».

○ هر از چند گاهی با او مزاح کن. چون در این زمینه الگوی ما سیدنا رسول الله ﷺ هست، طبرانی از جابر رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: در حالی بر پیامبر ﷺ وارد شدم که داشت چهار دست و پا راه می‌رفت و حسن و حسین علیهما السلام بر پشتش سوار بودند و او می‌فرمود:

«نِعْمَ الْجَمَلُ جَمَلُكُمْما وَنِعْمَ الْعِدْلَانِ أَنْتُمَا»^(۱). «شترتان چه شتر نیکی است، و شما چه نیکو سوارکارانی هستید».

○ به یاد داشته باش کسی که فرزندانش را زیر تازیانه ناسزاگویی و رگبار شلاق و کتک قرار می‌دهد، در دنیا فرزندانش از او متنفرند و چه بسا مرگش را آرزو کنند و انسان با چنین رفتاری خودش را از خیر بسیار که می‌تواند بعد از مرگ او، به عنوان اعمال نیک و ثواب‌های جاری باشد، محروم می‌کند. همانا آن اعمال نیک و ماندگار،

۱- المعجم الکبیر، طبرانی؛ یکی از راویان آن بنام «مشروح، أبوشهاب»، ضعیف است.

«فرزند صالحی است که برایش دعای خیر می‌کند».

○ به یاد داشته باش که «انجام وظیفه پاداش ندارد»؛ لذا اگر کودک خوراکش را بخورد، که ضروری است؛ یا در وقت مقرر و مناسب بخواند؛ فقط به رضایت ما دست یافته است و پاداشی به او تعلق نخواهد گرفت! اما اگر آمد و هدیه‌ای را به خواهرش تقدیم کرد یا برای برادر کوچکش یا برای یکی از همسایگان کاری را انجام داد، در آنصورت قطعاً مستحق دریافت پاداش و تقدیر خواهد بود.

○ بکوش تا هر از چند گاهی فرزندان را ببوسی دراین راستا احساس دلتنگی و زحمت نکن، چون این سنت و منش پیامبرمان ﷺ است به آنان انگیزه خواهد داد و باعث تشویق شان خواهد شد. مثلاً یک بوسه بر صورت یا پیشانی بچه در هنگام رفتن‌اش به مدرسه و بازگشتنش از آن تأثیر بسزایی را در روان کودک بر جای خواهد گذاشت.

○ به فرزندان رحم کن و در مجازات یا تنبیه‌شان زیاده‌روی مکن چون حبس کردن یا مسخره کردن کودک در مقابل برادران یا نزدیکان، آزدن ترساندنش با سنجاق یا سوزن، دشنام دادن یا کتک زدن و آزدن یا یادآوری خطاهایش یا دنبال کردنش در هنگامی که خطایی را مرتکب می‌شود؛ همه و همه‌ی اینها آثار بد فراموش ناشدنی را به جا می‌گذارد که نفرت از والدین را به دنبال دارد. این بچه‌ها برای چنین والدینی آرزوی مرگ می‌کنند.

○ در سیمای پسر و دختر لبخند بزن، چون پیامبر ﷺ فرمود: «لبخندت... صدقه است»^۱.

○ هنگامی که می‌پرسد یا پاسخ می‌دهد، او را تشویق کن، چون این رفتارت، روان صحبت کردن و شجاعت را در او تقویت می‌کند، ورنه او سکوت خواهد کرد و هراسان و بزدل خواهد شد.

- با نرمی، مشخص و هدفمند با او به تبادل نظر پرداز، اگر دیدگاه خوب و درستی داشت بپذیر و تشویقش کن تا دیدگاه‌ها و پیشنهاداتش را مطرح کند.
- در مناسبت‌های مختلف یا هنگام بازگشت از سفر به فرزندان، هدیه بده هر چند هدیه کوچک باشد و با دست خالی به منزل وارد مشو.^۱
- در میان فرزندان به عدالت رفتار کن، پس هیچگاه به یکی‌شان اسباب بازی مده درحالی که دیگران را از آن محروم می‌کنی، هیچگاه به یکی سلام نکن و دیگران را رها کنی. اگر با یکی مصافحه کردی با برادران و خواهرانش هم مصافحه کن؛ چون پیامبر ﷺ فرمود: «سُوُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْعَطِيَّةِ»^۲. «در هدیه میان فرزندان‌تان مساوات برقرار کنید!».
- و فرمود: «إِنَّ لَهُمْ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ أَنْ تَعْدِلَ بَيْنَهُمْ، كَمَا أَنَّ لَكَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يَبْرُوكَ»^۳. «یقیناً آنان برگردنت حق دارند که در میانشان عدالت کنی چنان که تو را برآنان حق است که به تو نیکی کنند».

۲- قوانین تربیتی پاداش و مجازات:

- رفتار نیک و درست را سریع و دایم تشویق کن و پاداش بده.
- از جمله پاداش‌های خیلی مؤثر؛ لبخند زدن، دست کشیدن بر شانه، گفتن کلمات و جملات تشویق و تمجید و توجه کردن است.
- پسندیده است این پاداش‌ها بلافاصله به دنبال رفتار نیک و درست باشد پاداش‌ها نباید با تأخیر صورت پذیرد!
- بعضی از رفتارهای زشت را مجازات کن؛ ولی مجازات صرفاً سبک و اندک.

۱- مرسی، محمد سعید، فن تریة الأولاد فی الاسلام.

۲- روایت طبرانی و بیهقی.

۳- روایت سنن ابی داود.

○ رفتار جایگزین درست را پاداش بده.
مثلا اگر فرزندت معمولا هنگام تقاضای چیزی نق می‌زده و بهانه گیری می‌کرده است؛ ولی حالا چنین نمی‌کند تمجید کن. رفتار نیک جایگزین را پاداش بده تا تقویت شود در نتیجه رفتار نادرست ضعیف می‌شود^۱.

۱- دکتر کلارک، لین، دلیل الآباء في تربية الأبناء.

فصل نهم: روش‌های مجازات

۱- مجازات درست و نادرست:

از صحنه‌های تکراری روزانه‌ی بعضی خانه‌ها این است که کودک کاری را انجام می‌دهد و پدر او را به باد کتک می‌گیرد. کودک به تخت خوابش پناه می‌برد و گریه‌کنان می‌خوابد. دیری نمی‌پاید که مورد هجوم کابوس قرار می‌گیرد و فریاد زنان از خواب می‌پرد و مادر دست در دست می‌کوبد و تلاش دارد تا کودک را آرام کند. اینجا است که پدر داد می‌زند: «این بچه مامانی و نازپرورده است، و چون تو همه‌ی خواسته‌هایش را برآورده کردی او را تباه کردی و به فساد کشاندی!» مادر در جواب می‌گوید: «**خیر با بی‌توجهی به مهر و محبت که زیاد مورد تاکید است و روی آوردن به سنگلی، قطعاً تو بچه را بیچاره و آلوده کردی.**» (دقیق نیست، باید دوباره ترجمه گردد، عربی آن:

من المشاهد اليومية في عدد من البيوت أن الطفل يفعل شيئاً ما، فينهال عليه الأب ضرباً، فيهرب الطفل إلى سريره وينام باكياً، وما تلبث الكوايس أن تداهمه فيستيقظ صارخاً وتضرب الأم كفاً بكفٍّ محاولة تهدئة الطفل، وهنا يصرخ الأب: «إنه ولد مدلل، إنك تفسدينه بالاستجابة لكل رغبته»، فتقول الأم: «إنك أنت الذي تفسد الولد بالانتقال من الحنان المبالغ فيه إلى القسوة».

در این فضای آشفته، پدر با خودش می‌گوید: «من شایسته نیستم تا پدر باشم... چگونه فرزندی را بدون تجربه تربیت کنم؟!». و مادر با خود می‌گوید: «من دنیایی از غم و اندوه را برای خود فراهم کردم. کافی بود که بیش از یک بچه زایمان نکنم!».

بدین سان، بار و بنه پشیمانی و آشفته‌گی میان والدین به کودک انتقال می‌یابد و فکر می‌کند که موجود آزاردهنده‌ای است، لذا به آزاررسانی ادامه می‌دهد و در آن غرق می‌شود.

خطای اول: درچنین حالاتی، احساس پشیمانی پدر و مادر از عدم لیاقت و کفایت شان در عهده دار بودن مسئولیت پدر و مادر بودن است؛ چون تربیت به اندازه‌ای که به شناخت کارها و کنار آمدن با آن‌ها نیاز دارد، به نظریه پردازی نیاز ندارد.

خطای دوم: رد و بدل شدن اتهامات میان پدر و مادر پیرامون روش تربیت فرزند^۱. امام غزالی برای اصلاح خطا، روش زیبایی را توصیف می‌کند و می‌گوید: «اگر گاهی کودک خطای را مرتکب شد، بهتر است که از آن چشم‌پوشی شود و خطایش بر ملا نگردد تا جسور نشود و ارتکاب خطا برایش عادی نشود این پرده‌پوشی بویژه باید وقتی رعایت شود که کودک خود بکوشد خطایش را کتمان کند؛ در صورتی که خطایش بارز و آشکار گردد، وی جسور گردیده، و به آشکار شدن گناهش بی‌پروا خواهد شد.

و اگر دگر بار خطا را تکرار کرد، زبیده است مخفیانه تنبیه شود و درشتی خطایش گوشزد شود و به او بگویند: مبدا دوباره چنین کنی یا چنین رفتاری از تو دیده شود که رسوا شوی و آبرویت برود. کودک نباید در هر مرحله مورد سرزنش قرار گیرد تا شنیدن ملامت و ارتکاب زشتی‌ها برایش عادی گردد در روح و روانش، حرف کم اثر شود.

پدر باید هیبت سخن را به او نگهدارد و همیشه او را توبیخ نکند و مادر هم او را از پدر نترساند، بلکه زشتی زشتی‌ها و بدیها را یادآور شود و او را از آن برحذر دارد^۲.

زبیده است تنبیه یا مجازات بلافاصله پس از ارتکاب خطا باشد تنبیه نباید سخت و سنگین باشد تا کودک احساس ظلم نکند و شخصیتش جریحه‌دار نشود.

ابن خلدون در مقدمه‌اش، آسیب‌های کاربرد خشونت در تربیت را یادآور شده و گفته است:

«کسیکه روش تربیتی‌اش، فشار، بدرفتاری، سرکوب و اعمال سلطه بر دانش‌آموزان،

۱- عامر، شریف و عامر، منیر، تربية الأبناء في الزمن الصعب.

۲- المذهب من إحياء علوم الدين، ج ۲، ص ۵۲.

زیردستان و خادمان باشد؛ مغلوب سلطه و زور خواهد گشت. روانش در تنگنا خواهد افتاد و شادابی روحی‌اش را از دست خواهد داد. او با این روش شاگردش را به تنبلی واداشته و دروغ و پلشتی را نثارش کرده است، چون شاگردش همیشه از فشار و زور می‌ترسد؛ لذا مربی به دست خود مکر و فریب را به او آموزش داده است»^۱.

از جمله رهنمودهای پیامبر ﷺ این است که کودک باید هیبت خانواده را احساس کند و تنبیه خطاکار بر خطایش امکان‌پذیر باشد، پیامبر ﷺ فرمود:

«عَلِّقُوا السَّوْطَ حَيْثُ يَرَاهُ أَهْلُ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ لَهُمْ أَدَبٌ»^۲.

«شلاق را طوری بیاویزید که اهل بیت آن را ببینند؛ چون آن باعث ادبشان می‌گردد». زیرا گاهی صرف دیدن شلاق، کافی است و نیاز به کاربرد آن نخواهد بود.

حقیقت آن است که توبیخ ساده و سبک با لحن جدی و قاطع، در کودک اثری می‌گذارد به مراتب بیشتر از اثر تنبیه شدید بدنی به دنبال دارد و هر قدر تنبیه بدنی، افزایش یابد تأثیرش در کودک کاهش می‌یابد، بلکه در آینده گاهی باعث افزایش نافرمانی و سرکشی کودک می‌گردد.

نکته‌ی دیگر جالب توجه اینکه مجازات باید با عمر کودک تناسب داشته باشد مثلاً تنبیه کودک در دو سال نخست از تولدش، عاقلانه و عادلانه نیست بلکه گاهی اخم کردن کافی است، چون کودک مفهوم مجازات یا تنبیه را نمی‌فهمد. کودک سه ساله اگر کار نادرستی انجام دهد، گاهی با گرفتن بعضی از اسباب بازی‌هایش تنبیه شود.^۳

۱- مقدمه ابن خلدون، ص ۱۰۴۲-۱۰۴۳، دارالکتاب اللبنانی، بیروت.

۲- روایت طبرانی در المعجم الکبیر با اسناد حسن، آلبانی، سلسلة الأحادیث الصحیحة، شماره حدیث ۱۴۴۷.

۳- دکتر الغبره، محمد نبیه، المشكلات السلوکیة عندالأطفال.

سیلی زدن به صورت اصلاً درست نیست، چون رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا ضَرَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَّقِ الْوَجْهَ»^۱. «اگر یکی از شما کتک زد، از زدن به صورت پرهیزد!». چنان که متهم کردن و صدا زدن کودک با این الفاظ، (ای دروغگو!... ای دزد!... و...) درست نیست!

مجازات یا تنبیه برای نخستین خطاهای کودک، باید سبک و کم حجم باشد و هر یک از والدین که قصد تنبیه او را داشت باید دیگری با او موافق باشد ورنه تنبیه هیچ سودی ندارد. چنان که باید به کودک فهمانده شود که هدف از تنبیه، تلافی جویی یا انتقام گرفتن یا آزار دادن نیست، بلکه حفظ و تأمین مصلحت خودش است.

۲- انواع مجازات:

○ به خاطر داشته باش اگر هیچ یک از ابزارهای تربیتی از قبیل، صحبت کردن، راهنمایی کردن، آموزش و یادآوری، نوازش و الگوسازی و ... با کودک سودمند نباشد، مجازات آخرین ابزار تربیتی است.

○ کتک زدن، تنها ابزار مجازات نیست؛ چون گاهی هیچ سودی ندارد و نتیجه معکوس به پی دارد. ابزارهای دیگری هم وجود دارد که گاه در کودک اثر گذارتر است و حتی به جای کتک زدن استفاده از این ابزارها زیبنده است.

○ گروهی از مردم فرزندان را به «خیره شدن» و «نگاه تیز» عادت می‌دهند، که پدر به فرزند خطاکارش می‌نگرد و خیره می‌شود و او متنبه می‌شود و چه بسا برخی کودکان از شدت تأثیر آن گریه می‌کنند.

○ گروهی دیگر با درآوردن صدایی از حنجره به فرزندان هشدار می‌دهند، این نشانگر زشتی کردار کودک است؛ لذا با این روش او را از آنچه رخ داده یا رخ خواهد داد، برحذر می‌دارند.

۱- روایت سنن ابی داود.

○ گاهی مجازات به این ترتیب است که پدر وارد می‌شود و به همه‌ی فرزندانش می‌کند؛ ولی به بچه‌ای که امروز خطا کرده است سلام نمی‌کند تا با این روش خطایش را به او بفهماند، آنجا است که کودک خطاکار به خطایش پی می‌برد، ولی توای پدر! نباید به این روند و اهمیت ندادن به فرزندت ادامه دهی چون نقش تو آموزش است نه سرزنش و نکوهش!

○ مجازات گاهی با تحریم کودک از دوست داشتنی‌هایش صورت می‌پذیرد، مثلاً پول توجیبی، تفریح، کاربرد کامپیوتر و .. از او برای فاصله‌ی محدود و کوتاه دریغ شود.

○ گروهی به تهدید کودک روی می‌آورند. اگر او خطایش را تکرار کند با او چنین خواهد شد. تهدید در صورتی مؤثر است که اگر کودک سهل‌انگاری کرد؛ عملی شود^۱ (البته مواردی که کودک به آن تهدید می‌شود، باید سنجیده و درست باشد).

○ از ابزارهای کاربردی دیگر، کشیدن گوش؛ چون عبدالله بن سیر مازنی رضی الله عنه روایت کرده است که مادرم مرا با خوشه‌ی انگوری به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله فرستاد. پیش از این که آن را به ایشان برسانم مقدرای از آن را خوردم هنگامی که به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدم او گوشم را گرفت و فرمود: «يَا غُدْرُ». «ای بی‌وفا!»^۲.

○ هنگامی که کودک مرتکب خطایی می‌شود او را به تخت خوابش نفرست، چون شاید تختخواب و اتاق خواب را در ذهنش از ابزار مجازات تصور کند و این باعث شود که شب‌ها از رفتن به اتاق خوابش ابا ورزد.

○ هنگامی که کودک ناراحت و دردمند است؛ نیکو نیست که دور از پدر و مادرش گریه کند. بهتر است او را برای لحظاتی در کنار خود نگهدارند تا آرام گیرد.

○ حبس کردن کودک در یک اتاق و بستن در به روی او به هیچ عنوان درست نیست، چون اتاق تاریک در بسته کودک را خیلی می‌ترساند و آسیب‌های روانی شدید را

۱- مرسی، محمد سعید، فن تربية الأولاد في الاسلام.

۲- نووی، الأذکار.

در او پدید می‌آورد که گاهی تا سال‌ها در قالب ترس، آشفتگی یا شک و تردید در شخصیتش در او نمایان می‌شود.

○ بهتر است از عقب کشاندن و نگهداشتن جوایز و وسایل به عنوان یک روش تنبیهی زیاد استفاده نشود؛ چون هنگامی که کودک به اسباب بازی‌ها و وسایلش وابسته می‌شود؛ محرومیت از آن او را آزار می‌دهد.

○ اسباب بازی که ارتباطی به خطایش ندارد از او بگیر، چون شاید باعث لجبازی و کینه توزی‌اش گردد؛ ولی اگر در خانه پیش ازین باعث آزار شد، در حالی که مادرش قبلاً به او تذکر داده بود که چنین نکند، می‌شود توپ را از او بگیرد و آن را در جایی بگذارد که آن را ببیند ولی دستش به آن نرسد. مدنظر داشته باش! آنچه از او می‌گیری برای فاصله‌ی زمانی طولانی کودک را از آن محروم مکن، چون چند ساعت نگهداشتن آن کافی است.

○ موظف کردن کودک به انجام کاری که آن را دوست ندارد، به عنوان یک ابزار تنبیه، توصیه نمی‌شود مثل اینکه ظرف‌های آشپزخانه را بشوید یا کف حیاط یا جاهای دیگر را تمیز کند.

این روش معمولاً با روش تنبیهی بعضی مدارس همانندی دارد که مثلاً به دانش آموز تکلیف اضافی می‌دهند یا چون توی کلاس شلوغ کرده است چند صفحه مشق اضافه بنویسد، کارشناسان روانشناسی تربیت این روش را توصیه نمی‌کنند.

○ گروهی بچه را از تماشای برنامه‌های مورد علاقه‌ی تلویزیونی‌اش محروم می‌کنند یا به مدت یک یا دو روز او را از مشاهده‌ی همه‌ی برنامه‌های تلویزیونی باز می‌دارند، ولی قاعده‌ی ترجیحی آن است که مجازات باید همزمان با رفتار خطا باشد، ورنه کودک مجازات را یک امر ظالمانه تصور خواهد کرد.

اما اگر بچه‌ها بر سر اینکه چه برنامه‌ی تلویزیونی را تماشا کنند؛ درگیر شدند و به توافق نرسیدند، آن وقت می‌شود که به خاطر درگیری‌شان تلویزیون را کلاً خاموش کنی

و تا به توافق جدیدی نرسیدند، روشن نکنی! همین روند را در ارتباط باتکلیف مدرسه دنبال کن، اگر بچه مشق شب‌اش را کامل نکرد و خواست هر برنامه‌ی را تماشا کند، پس ابتدا باید تکلیف مدرسه‌اش را به انجام رساند، سپس به او اجازه دهند تا تلویزیون تماشا کند.

اگر احساس کردی بچه خیلی نیازمند مجازات فیزیکی است، کافی است از او بخواهی تا در گوشه‌ای از اتاق روی صندلی بنشیند یا مدتی را در یک زاویه‌ی آن بایستد. بعضی از پدرها در گوشه‌ی اتاق صندلی ویژه‌ای را برای چنین کاربردی می‌گذارند. می‌شود تو به بچه به آرامی ولی با جدیت و قاطعیت بگویی، برود آنجا و بدون هیچگونه حرکتی بنشیند و تا تو به او اجازه ندادی از جایش بلند نشود. کافی است که این نشستن یا ایستادن چند دقیقه‌ای به طول انجامد.

در هنگام کاربرد این روش بچه باید از لابلای نگاه‌هایت بداند و ایمان داشته باشد که تو در کارت جدی هستی. شاید گاهی مردم تعجب کنند که این روش ساده بر رفتار کودک اثر بسزایی دارد. ضمناً بهتر است پس از سپری شدن آن مدت (فاصله‌ی مجازات) امور منزل به حالت طبیعی خود برگردد.^۱

۳- مجازات تحریم یا توقف کوتاه:

در بازی فوتبال (Time-out) یعنی توقف کوتاه بازیکنان از بازی، در اینجا به عنوان یک روش تربیت، کنار گذاشتن کوتاه فعالیت‌هایی که کودک سرگرم آن است. روش اجرا «کنار گذاشتن کوتاه» به این صورت است که کودک به خاطر رفتار ناشایست‌اش، برای مدت کوتاهی از محل تفریح و سرگرمی‌اش که خطا در آن به وقوع پیوسته است، دورنگهداشته شود، طوری که کودک در این فاصله در محل خسته کننده‌ای نگهداری شود که از صداهای شادی‌آور خبری نباشد. بنابراین کودک را پس از بدرفتاری،

۱- دکتر مبیض، مأمون، أولادنا.

به مدت کوتاهی (یک دقیقه به ازای هر سال از عمر کودک) از بازی یا نوازش و یا پاداش محروم می‌کنی. رفتار ناشایست کودک هر چه باشد، مجازات تحریم یا توقف کوتاه به همین منوال اجرا می‌شود.

دکتر لین کلارک، مدعی است «تحریم کوتاه» به عنوان یک مجازات یا تنبیه برای کودکان خطاکار به کار رود. او در کتابش^۱ امتیازات کاربرد این روش را یادآور می‌شود و بر می‌شمارد:

- ۱- کاربرد «تحریم کوتاه» برای پدران آسان است.
- ۲- «تحریم کوتاه» در تربیت کودکان خیلی باعث آزار و عصبانیت نمی‌شود.
- ۳- «تحریم کوتاه» به توقف سریع رفتار زشت کمک می‌کند.
- ۴- اینکه ارتباط میان پدر و فرزند پس از کاربرد «تحریم کوتاه» بسرعت به حالت طبیعی بر می‌گردد.

الف: «تحریم کوتاه» از دید کودک:

بیشتر کودکان از «تحریم کوتاه» خوش شان نمی‌آید، چون هنگامی که در تحریم کوتاه قرار دارند از توجه خانواده‌های شان محروم‌اند و دیگر نمی‌توانند والدین را اذیت و آزار دهند و آنان را عصبانی کنند. آنان در فاصله‌ی اعمال تحریم کوتاه از بازی با اسباب بازی‌های مورد علاقه‌شان هم محروم می‌شوند.

از طرفی چون «تحریم کوتاه» یک روش تربیتی سریع و ناگهانی است، کودکان را راه گریزی از آن نیست.

معمولاً فرزندان نسبت به واکنش پدر حساس خواهند شد، چون پدر آنان را به «تحریم کوتاه» می‌فرستد و معمولاً پس از پایان اعمال تحریم؛ آزار کودکان پایان می‌یابد.

۱- دکتر کلارک، لین، دلیل الآباء في تربية الأبناء، چاپ ۲۰۰۰ میلادی.

ب: کودکان در فاصله‌ی سنی دو تا دوازده سالگی:

چنان که دکتر کلارک می‌گوید: روش تحریم، در فاصله‌ی سنی دو تا دوازده سالگی، با موفقیت انجام می‌شود، ولی بهتر است زمان کاربرد آن از یازده سالگی تجاوز نکند. این نکته حایز اهمیت است که با کودکان بزرگتر می‌شود روش‌های دیگری را عملی کرد و «تحریم کوتاه» راه حل همه‌ی مشکلات رفتاری کودکان نیست.

ج: «تحریم کوتاه» در اصلاح خطاهای زیر استفاده نشود:

- ۱- هنگام هجوم بردن یا اخم کردن کودک.
- ۲- هنگام واکنش سریع و رفتار زشت او.
- ۳- هنگام فراموش کردن یا انجام ندادن وظایف روزانه.
- ۴- هنگام برنداشتن لباس‌ها و وسایل و اسباب بازی‌ها از روی زمین.
- ۵- هنگام عدم انجام تکلیف مدرسه.
- ۶- هنگام ترسیدن.
- ۷- هنگامی که کودک خیلی فعال و پرانرژی است.
- ۸- هنگامی که کودک گوشه‌گیر می‌شود و تنهایی را دوست دارد.
- ۹- هنگامی که هیچ رفتار خطایی از آن دیده نشود.

د: یک یا دو رفتار را هدف قرار ده:

هنگام کاربرد روش «تحریم کوتاه» باید یک یا دو رفتار خطا را برگزید مثل کتک زدن برادرش یا دشنام دادنش. مد نظر داشته باشد که این روش را برای همه‌ی رفتارهای خطا یا غیر منطقی کودک استفاده نشود، چون در آنصورت بیشترین اوقات روز را در «تحریم کوتاه» خواهد بود.

هـ اجرای «تحریم کوتاه»:

قسمتی از خانه را انتخاب کن که دلگیر و خسته کننده باشد؛ ولی از امنیت و نور کافی برخوردار باشد و ترسناک نباشد، هنگام کاربرد روش تحریم، بچه را در آنجا بفرست. شایسته است در صورت نیاز در عرض ۱۰ ثانیه بتوانی خودت را به آنجا برسانی. برای مواظبت و حفاظت از کودکان خردسال ترجیحاً آنان در معرض دید والدین باشند.

خیلی وقت‌ها والدین ترجیح می‌دهند در چنین شرایطی یک صندلی را در گوشه‌ای از اتاق بگذارند تا در هنگام کاربرد روش تحریم کوتاه، کودک روی آن بنشیند. بویژه کودکان سنین ۲-۴ سال که این صندلی برایشان امنیت بیشتری را تأمین می‌کند. به خاطر سلامت کودک باید او را زیر چشمی بپایی و به طور مستقیم به او نگاه نکنی. در فاصله‌ی اجرای «تحریم کوتاه» او باید فکر کند تو به او توجه نداری و نباید او را وادار کنی تا نگاه‌های تو را دنبال کند.

زمان مقرر را دقیقاً کنترل کن و به طور کلی بنا به عمر کودک او را بیشتر از زمان تعیین شده در تحریم نگه ندار! هر گاه کودک دو ساله را در «تحریم کوتاه» قرار دادی، ساعت را روی دو دقیقه تنظیم کن، اما کودک ده ساله را در هر بار ۱۰ دقیقه در تحریم نگهدار. پس از پایان یافتن «تحریم» کودک باید علت در تحریم قرار گرفتن را به تو باز گوید.

هیچگاه در قبال سرزنش کودک، از او عذرخواهی نکن و اگر فراموش کرد؛ چرا در «تحریم» قرار گرفته است، فقط علت را به او یادآوری کن. هر رفتار خطای مورد نظر، رخ داد، روش تحریم استفاده شود.^۱

ما معتقدیم این یک روش تربیتی است و مثل هر روش تربیتی دیگر با برخی کودکان

۱- دکتر کلارک، لین، SOS دلیل الآباء فی تربية الأبناء، ترجمه‌ی دکتر یوسف ابوحمیدان و ...

نتیجه می‌دهد و به موفقیت می‌انجامد؛ ولی با برخی نتیجه‌ی مطلوبی ندارد و انتخاب روش تربیتی مناسب همیشه در اختیار پدران خواهد بود.

۴- شرط مجازات:

یکسری شروط روحی و اخلاقی وجود دارد که مربیان محترم آن را برای مجازات، شرط می‌دانند که مهمترین آن به شرح زیر است:

- ۱- باید پیش از اجرای مجازات، خطاهای رفتاری و مجازات به او یادآوری شود و مجازات از نظر کمی و کیفی با خطای رفتاری تناسب داشته باشد.
- ۲- مجازات باید بلافاصله پس از ارتکاب خطا باشد، اما به تأخیر انداختن آن، مثل به تأخیر انداختن پاداش هیچ سودی ندارد و هدف مورد نظر را برآورده نمی‌کند.
- ۳- لازم است پیش از اعمال مجازات، خطای کودک به او یادآوری شود و به او فرصت دهند تا دست از سبکسری‌اش بردارد و اگر تعهد داد که رفتارش را اصلاح خواهد کرد به او مهلت دهند و در صورت تکرار، مجازات را اعمال کنند.
- ۴- هر قدر می‌توانیم باید از اعمال مجازات بکاهیم. باید به طور تدریجی به مجازات رو آوریم و از کم و سبک شروع کنیم؛ چون بعضی کودکان برای متوجه شدن فقط به یک هشدار یا یک مجازات نیاز دارند!

خدا بیامرزد گوینده‌ی این سخن را:

تا زمانی که صدایم مؤثر باشد از شلاقم استفاده نمی‌کنم و (پیش از آن) تا سکوتم اثرگذار باشد، صدایم را بلند نمی‌کنم.

حقیقت آن است که برای کودکان حساس، سکوت همراه با سرزنش با متانت، مؤثر واقع می‌شود چنانکه عکس آن نیز صادق است، یعنی بسیارند این قبیل کودکان که با شلاق لطمه می‌بینند و نافرمان می‌گردند.

- ۱- هنگامی که مجازات می‌کنیم، باید آرامش داشته و بردبار باشیم و از انتقام‌جویی و تلافی کردن بپرهیزیم.

- ۲- تا می‌توانیم باید از زبان تهدید و هراساندن دوری کنیم، چون تهدید یا باعث هراس و آشفتگی کودک می‌شود یا او مطمئن می‌شود که ما تهدید می‌کنیم ولی اقدامی نمی‌کنیم؛ لذا تهدید در دو حالت خطا است.
- ۳- مجازات کودک نباید به اهانت یا تحقیر شخصیت و کرامت و شرافت او بینجامد؛ چون کرامت یک پدیده‌ی خدادادی است که خداوند آن را به هر انسانی عطا کرده است. در هیچ حالتی نباید سیلی زد.
- ۴- نباید کودک را در مقابل دوستان، رقیبان یا دشمنان او مجازات یا تنبیه کرد^۱.
- ۵- کتک زدن جز به عنوان آخرین راه حل اصلاً توصیه نمی‌شود. پدر باید چند مرتبه با خطای فرزندش با زبان شیرین و گذشت از خطایش برخورد کند و این نکته را مورد تأکید قرار دهد که با توجه به رابطه محترمانه و همراه با عزت میان پدر و فرزند، کریمانه برخورد کردن طبیعی است.
- ۶- پدر باید همواره با پسرش صحبت کند و این نکته را تأکید کند که کارها بهتر خواهد شد و بهبود خواهد یافت؛ ولی اگر وضعیت رفتاری کودک پس از طی این مراحل (حفظ احترام، کرامت و شخصیت کودک، تذکر دلسوزانه و نرم، مهلت دادن، صحبت کردن، ارتباط صمیمانه و...) و گوشزد کردن هشدارها و توافقی‌های تنبیهی، سودی نبخشید آن وقت می‌شود به کتک روی آورد؛ ولی...

۵- توصیه‌هایی در مورد روش مجازات:

- ۱- کودک را به چیزهایی تهدید مکن که توان اجرایش را ندارد؛ چون ادامه‌ی این تهدیدها، اثر آن را از بین می‌برد.
- ۲- مبدا فرزندت را با گفتن این جمله مجازات کنی؛ «من تو را دوست ندارم» یا او را تهدید کنی؛ «از امروز به بعد، دیگر تو را به خاطر فلان رفتارت دوست ندارم».

۱- عدنان السبعی، الصحة النفسية للمراهقين و الشباب.

- ۳- سعی کن با فاصله‌ی اندکی پس از مجازات، کارها و اوضاع را به شرایط قبل از آن برگردانی. او را در آغوش بگیر و نوازش کن و بگو که دوستش داری.
- ۴- نقد پیوسته و مداوم نداشته باش!
- ۵- مادر، (و بالعکس پدر) فرزند را به مجازات پدر تهدید نکند، چون این امر باعث تنفر بچه از پدرش می‌گردد و هنگام بازگشت پدر از سر کارش کودک به او رغبت و علاقه نشان نمی‌دهد.
- ۶- مجازات به تأخیر افتاده‌ی فراموش شده را دنبال و اجرا مکن.
- ۷- مجازات را یک فرایند خوف انگیز جلوه مده. مبدا بچه را با این گفته بترسانی؛ (مثلاً چون تو بچه‌ی نافرمانی هستی) «یکی خواهد آمد و تو را خواهد برد!»
- ۸- صدايت همراه با قاطعیت؛ ولی بدون داد و فریاد باشد.
- ۹- تا می‌توانی آرامش خودت را حفظ کن.
- ۱۰- از احساس گناه و کوتاهی فرزندت بکاه (نگذار فرزندت احساس گناه و کوتاهی کند!)
- ۱۱- بچه‌ات را با دیگران مقایسه مکن، به او نگو: «فلانی را ببین، که همیشه به حرف مامانش گوش می‌دهد» یا «فلانی با اینکه از تو کوچکتر است از تو بهتر کتاب می‌خواند».
- ۱۲- اثر مجازاتی را که برای فرزندت استفاده می‌کنی، کنترل کن و بسنج، چون بعضی از مجازات‌ها رفتار بچه را بدتر می‌کند.^۱

۶- کتک زدن:

چنان که گفتیم، شایسته است که کتک آخرین راه حل باشد. به یادداشته باش که کتک زدن بچه، یک ابزار تربیتی است نه وسیله‌ی مجازات و تلافی جویی؛ لذا تازمانی که

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

همه‌ی روش‌های تربیتی دیگر تجربه نشود؛ کتکی در کار نخواهد بود، ولی رعایت یکسری کارهای مشخص الزامی است:

○ پس از اینکه قول دادی او را کتک نزدی؛ کتکش مزن، چون اعتماد را به تو از دست می‌دهد.

○ اگر خطایش برای اولین بار است، به او فرصت بده تا آن را اصلاح کند.

○ در مقابل کسانی که فرزندت را دوست دارند، او را کتک مزن!

○ رنج آور و شدید او را کتک مزن و از سیلی زدن و کوبیدن به شکم و سینه پرهیز که آزار دهنده است.

○ با کفش یا دمپایی او را مزن.

○ دستهای او را بیش از مقدار لازم بلند نکن تا درد دو چندان نگردد.

○ هنگام ادب کردن، او را دشنام مده، حقیقت آن است که هیچگاه دشنام دادن او زیبنده نخواهد بود.

○ در اثنای کتک زدن و پس از آن، کودک را فرمان مده که «گریه نکن!»

○ کودک را پس از کتک خوردن و پیش از اینکه آرام گیرد، وادار به عذرخواهی مکن، چون این امر به خوار و ذلیل کردن کودک می‌انجامد.

○ به او بفهمان که او را برای مصلحت مجازات کردی. به رویش لبخند بزن و تلاش کن کتک خوردن را از یاد ببرد!

۷- توصیه‌هایی برای کاهش خشم مادر:

دلایل قطعی وجود دارد که میان شخصیت کودک شوخ و بازی‌گوش و مادر عصبی که همیشه هنگام عصبانیت فریاد می‌کشد؛ ارتباط مستقیمی وجود دارد:

۱- هنگامی که فرزندت را می‌بینی که با رفتارش موجب عصبانیت می‌شود؛ چه در

خانه چیزی را بشکند یا برادر و خواهرش را کتک بزند، در هر صورت، همیشه از وسوسه‌ی شیطان به خداوند رحمان پناه ببر.

۲- هنگامی که فرزندت خوابیده است، با دقت و طولانی به او نگاه کن و به معصومیت، درماندگی و ضعفش بنگر و نیک بیندیش و به خود بگو: آیا این طفل معصوم بیچاره، مستحق آن است که او را کتک بزنی یا به رویش داد بکشی و بر او بشوری؟

هنگامی که عصبانی می‌شوی، صورت معصوم او را در حال خواب به یاد آور و بکوش تا این تصویر را در ذهنت محکم کنی، چون این تصویر تو را بر مهار کردن خشمات یاری خواهد کرد.

۳- همیشه به یاد داشته باش که خشمات به ادب و تربیت او هیچ کمکی نخواهد کرد، بلکه شلوغی و سرکشی‌اش را افزایش خواهد داد.

۴- هنگامی که به فرزندت می‌گویی: قطعاً بعداً او را بر خطا یا اهمال کاری‌اش مؤاخذه خواهی کرد، خودت را به کار دیگری سرگرم کن و مثلاً بگو: «میدونم بعد از اینکه غذا را آماده کنم با تو چه کنم!»

این به تأخیر انداختن، در فرو نشانیدن خشم و عصبانیت‌ات به تو کمک خواهد کرد.

فصل دهم:

تربیت یک دقیقه‌ای^۱

پیشگفتار:

مردم در تربیت فرزندانشان دچار حیرت می‌شوند، که چگونه راه درست را به آنان نشان دهند که ابزار تربیتی خطا نباشد، این هم یک پیشنهاد معتدل به نام روش یک دقیقه‌ای که در تربیت فرزندان یک روش نوین است، بنابراین اگر از سرکشی فرزندان رنج می‌بری، یا در تربیت فرزندان، مشکلی را احساس می‌کنی، تلاش کن تا روش تربیت یک دقیقه‌ای را در تربیت فرزندان به کاربری. دقت کن بین این روش با آنان مؤثر است؟

دکتر اسپنسر جانسون پرچمدار تربیت یک دقیقه‌ای در عصر حاضر است. او می‌گوید: پیاده کردن این روش نیازمند آن است که بچه از کردار نادرست و خطای خویش ناراضی باشند؛ ولی از خودشان رضایت داشته باشند. این امر چگونه در یک دقیقه تحقق می‌یابد؟

۱- یک دقیقه سرزنش شان کن:

دکتر اسپنسر جانسون نویسنده کتاب پدر یک دقیقه‌ای^۲ در این کتابش می‌گوید: روش یک دقیقه‌ای یک روش نوین است که در آغاز اجرای آن شاید احساس کنی که این روش ناکارآمد و پیچیده‌ای است؛ ولی پس از اینکه آن را بشناسی و به طور طبیعی آن را اجرا کنی؛ راحت خواهی شد.

ابتدا به فرزندان اطلاع بده که نه تو می‌خواهی بر آنان فرمانروایی کنی و نه آنان می‌خواهند بر تو حکومت کنند و تو قصد نداری در منزل همچون یک دیکتاتور رفتار

۱- این مقاله‌ی ما در مجله‌ی «العربی» شماره‌ی دسامبر ۱۹۹۸ م چاپ شد. (نویسنده).

۲- کتاب‌های «پدر یک دقیقه‌ای»، «مادر یک دقیقه‌ای»، معلم یک دقیقه‌ای در سال‌های ۷۱ به بعد در ایران ترجمه شدند و به چاپ رسیدند.

کنی. به آنان بگو تو با آنان این روش را دنبال خواهی کرد و اینکه در آینده فصل جدیدی از تربیت در پیش خواهد بود. اجازه بده فرزندان از رفتار زشت خویش ناراحت باشند، نه از خودشان.

هنگامی که فرزندان خطایی را مرتکب شد، مستقیماً به چشم‌هایش خیره شود و به طور خلاصه در عرض چند ثانیه کردارش را برایش تکرار کن و پس از آن به او بفهمان که از رفتارش عصبانی هستی. به او اجازه بده تا در نیمه‌ی دوم یک دقیقه او هم همان احساس را داشته باشد که تو در نیمه‌ی اولش با آن درگیر بودی. کافی نیست که دختر یا پسر فقط سرزنش را دریافت کند، بلکه خیلی مهم است که هر یک این سرزنش را احساس کند. به او اجازه بده تا خودش احساس کند رفتارش را دوست ندارد. در این فاصله چه بسا از تو هم متنفر شود؛ چون هیچکس دوست ندارد سرزنش یا نکوهش شود. پس از آن یک نفس عمیق بکش و احساس آرامش کن سپس در نیمه‌ی دوم دقیقه به او نگاه کن، طوری که او احساس کند؛ در کنارش هستی، نه علیه او و اینکه تو او را دوست داری؛ ولی از رفتارش ناراحتی به او بگو: تو بچه‌ی خوبی هستی و من از تو راضی‌ام، ولی از رفتارت ناراحتم و اگر تو را تنبیه و مجازات کردم؛ فقط برای آن است که تو را دوست دارم. او را با فشار به سینه‌ات بچسبان و در آغوش‌ات بفشار تا احساس کند سرزنش و تنبیه پایان یافته است.

پس از مدتی فرزندان احساس خواهند کرد، اولاً: رفتارهای زشت‌شان بدون بازخواست نخواهد ماند؛ ثانیاً: اینکه آنان بچه‌های خوبی هستند، ثالثاً: اینکه پدر و مادرشان آنان را دوست دارند.

فقط کافی نیست که کودک محبوب باشد بلکه نیکو است، فرزندان احساس کنند آدم‌های خوبی هستند و او هنوز محبوبیت دارد و پدر و مادرش فقط از رفتار زشت‌اش ناراضی‌اند!

بدین سان، کودکان می‌آموزند و احساس می‌کنند، باید با پدر و مادرشان صادق باشند؛

به نزدشان آیند و احساسات و عواطف‌شان را نزد آنان ابراز دارند، هنگامی که رفتار زشتی از آنان سرزند، از خودشان ناراحت شوند سپس دوستی شان را نسبت به پدر و مادر ابراز دارند.

اگر پسر دیر به خانه بازگشت، در حالی که طی این هفته تأخیرش تکرار شده است؛ مستقیماً به چشم‌هایش خیره شو و به او بگو: «طی این هفته برای دومین بار دیر بازگشتی» سپس حقیقت حس عصبانیت را ابراز دار و بگو: «فرزندم! من خیلی از تو عصبانی‌ام و خیلی از تو دلگیرم که برای دومین بار این کار را تکرار کردی».

مهمترین نکته در این کار این است که تو در نیمه‌ی اول این دقیقه از او می‌خواهی که او هم همان احساسی را داشته باشد که تو داری؛ زیرا کافی نیست فرزندان ما فقط سرزنش را دریافت دارند، بلکه مهم است؛ آن را احساس کنند. پس از سخن کوتاهت با فرزندت و ابراز صادقانه‌ی احساست نسبت به رفتارش، او هم احساس خواهد کرد؛ از رفتار زشت خود ناراضی و ناراحت است و شاید نسبت به تو هم احساس نفرت کند؛ چون هیچ یک از ما دوست ندارد؛ سرزنش شود. این دقیقاً همان چیزی است که در نیمه اول دقیقه، آن را از فرزندت تقاضا داری: تو از فرزندت می‌خواهی؛ احساس کند راحت نیست!

ولی اگر فرزندت احساس دلتنگی و تنگنا کرد و به دفاع از خودش پرداخت؛ چه می‌کنی؟ زبیده است در این قسمت نیمه‌ی دوم دقیقه، انجام پذیرد، چون کلید موفقیت، فرایند سرزنشی است که تو آن را پیاده کردی؛ آری تو در نیمه اول دقیقه به کودک گفتی: که تو از او عصبانی هستی و برنامه و هدفی برای او با ناکامی مواجه شده است و از رفتار زشتش دلگیر هستی و در نیمه‌ی دوم دقیقه، به صورتش بنگر و به او این احساس را القا کن که تو در کنارش هستی، نه ضدش و سخنانی را به او بگو: که او توقع دارد آن را از تو بشنود؛ به او بگو: تو آدم خوبی هستی و من تو را دوست دارم؛ ولی از رفتار امشب ناراحتم و این امر باعث آزارم می‌شود. سپس او را با احساس در آغوش

بگیر تا به او ثابت کنی سرزنش و نکوهش، پایان یافته است بدون اینکه آن را به زبان آوری!

بدین سان تو در نیمه‌ی اول دقیقه در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه و سریع توانستی کودک را سرزنش کنی و احساس خشم را نسبت به رفتار ابراز داری! اما نیمه‌ی دوم دقیقه، زمان آرامش، محبت و اعتمادسازی است در این فاصله به یادداشته باش که تو رفتار کنونی فرزندت را نپذیرفتی ولی در عین حال او بچه‌ی خوبی است و تو هم او را دوست داری و او را در آغوش می‌گیری و مورد نوازش قرار می‌دهی.

با این روش فرزندت در می‌یابد که تو خلی بیشتر از او از اعمال خشونت و از کتک زدن ناراحت می‌شوی و فرزندان متوجه می‌شوند که رفتارهای زشت‌شان بدون بازخواست نیست؛ ولی با این همه آنان آدم‌های خوبی هستند. نکته‌ی جالب اینکه امام محمد غزالی چندین قرن پیش از او از این روش تربیتی آگاه بوده است؛ چون در اصلاح خطای کودک گفته است: «پسندیده است کودک در مورد خطایش مخفیانه توبیخ شود و بزرگی خطا به او فهمانده شود و به او بگویند: مبدا پس از این دوباره این رفتار را تکرار کنی و کسی تو را با آن رفتار مشاهده کند که در آنصورت میان مردم مفتضح و رسوا می‌شوی! همیشه او را با گفتارت مورد عتاب قرار مده چون شنیدن پیایی ملامت اثر خودداری از خطا را در او کم می‌کند و او به سادگی مرتکب زشتی‌ها می‌شود و کلام در دلش اثر نخواهد کرد»^۱.

۲- یک دقیقه، ستایش شان کن:

به فرزندان اطلاع بده، اگر کاری را درست انجام دهند، آنان را مورد تمجید قرار می‌دهی و می‌ستایی. هنگامی که کار شایسته‌ای انجام می‌دهند، خوب به آنان بنگر.

۱- غزالی؛ امام محمد، إحياء علوم الدین، ج ۴، ۱۰۷.

هنگامی که فرزندت کاری را انجام داد که مستحق تقدیر و ستایش بود، بلافاصله او را تشویق کن و به او احساس خوشبختی هدیه کن، چنان که او را در هنگام ارتکاب کار زشتش توبیخ می‌کردی. هنگامی که فرزندان کار شایسته‌ای را انجام می‌دهند، به آنان بگو: به طور مشخص برایم توصیف کنید چه کار شایسته‌ای انجام دادید؟

در نیم دقیقه‌ی نخست از کار درست‌شان سخن بگو و اینکه این کار باعث سعادت و خوشبختی‌ات گشته است. چند ثانیه پس از آن سکوت کن، چون سکوت باعث رضایت و خوشحالی‌شان خواهد شد. آنگاه به آنان بگو: دوست تان دارم، سپس ستایش را با نوازش (درآغوش گرفتن یا دست کشیدن بر سرشان) به پایان ببر. همه‌ی این کار بیش از یک دقیقه از تو وقت نخواهد گرفت؛ ولی احساس رضایت قلبی از خودشان در طول عمرشان آنان را همراهی خواهد کرد. شاید ستایش یک دقیقه‌ای بهترین هدیه‌ای باشد که پدر و مادر، آن را به فرزندشان تقدیم می‌کنند.

۳- خواندن اهداف یک دقیقه‌ای:

علاقه‌ی بچه‌ها به اصلاح رفتارشان از رضایت درونی از خودشان سرچشمه می‌گیرد و هنگامی که کودک چنین رضایتی را از خود احساس کند؛ علاقه‌اش به تغییر شخصیت و اصلاح رفتارش افزایش می‌یابد.

کسی از ما نیست جز اینکه دوست دارد فرزندان‌ش توانمند باشند، به خداوند توکل کنند و به خودشان اعتماد و توان دنبال کردن و تحقق اهداف‌شان را داشته باشند؛ ولی آیا واقعا در برنامه ریزی برای تغییر شخصیت فرزندانمان ما با آنان مشارکت می‌ورزیم و به آنان کمک می‌کنیم؟

تلاش کن قبل از فرا رسیدن تعطیلات پایان هفته با فرزندان‌ت بنشینی، از آنان بپرس: می‌خواهید این پنجشنبه و جمعه را چگونه سپری کنید؟ به آنان اجازه بده، برنامه‌ای بریزند و در آن اهداف و برنامه‌هایشان را مشخص کنند.

اهداف را جمع آوری کن. به آنان اجازه بده طی یک دقیقه به آن بنگرند سپس هر یک

بنگرد آیا این اهداف با رفتارهایشان سازگار است؟ به طور مثال یکی از آنان برای خودش برنامه‌ای مشخص کند که طی آن روش سخن گفتن‌اش را با دیگران کنترل یا اصلاح کند، لذا با صدای بلند که باعث آزار اطرافیان است؛ سخن نگوید! و دیگری هدفش را اصلاح روش راه رفتنش قرار دهد؛ اگر چنان که روش راه رفتن‌اش در فاصله‌ای معین نامرغوب است و همین طور ...

هر یک از آنان به اهداف مخصوص خودش بپردازد و بنگرد آیا اهدافش با رفتارهایش همخوانی دارد یا خیر؟ این کار بیش از یک دقیقه از او زمان نخواهد برد. بدین ترتیب، فرزندان احساس اعتماد به نفس می‌کنند و می‌توانند زندگی‌شان را اداره کنند و رفته رفته زندگی‌شان نشاط و رونق بیشتری خواهد گرفت.

این روش را تعداد بسیاری از پدران تجربه کردند و در تربیت فرزندان و حل مشکلات‌شان راه کارهای مناسبی یافتند و در وقت اندکی نتایج بهترین، عایدشان گشته است. در حقیقت فرزندان‌شان آموختند، چگونه خودشان را دوست بدارند و برای تغییر شخصیت‌شان و پیمودن راه کمال چگونه بکوشند و لذت زندگی را در خانه‌ای بچشند که خالی از کینه و دشمنی و سرشار از آرامش و محبت است.

۴- توصیه‌های ده‌گانه در تربیت فرزندان:

- ۱- خودت را آنقدر سرگرم تحقق آمال و تعقیب خواسته‌های نکن که از مشکلات فرزندان غفلت ورزی و فراموش کنی.
- ۲- مسئولیت تربیت فرزندان را صرفاً به دوش همسر مگذار و او را به تنهایی مسئول بدان.
- ۳- بکوش تا وقت کافی را با فرزندان سپری کنی، با احساسات‌شان زندگی کن و مشکلات‌شان را دریاب.
- ۴- هنگامی که فرزندت را سرزنش می‌کنی، یادت باشد، حس محبت را از او دریغ مکن، چون تو فقط از رفتارش ناراضی هستی. از طرفی هر قدر فرزندان

خودشان را دوست بدارند، در مسیر تغییر شخصیت خویش و پیمودن راه کمال خواهند کوشید.

۵- پدران باید چگونه گوش دادن به فرزندان را بیاموزند تا فرزندان هم چگونه گوش دادن به پدران را فرا گیرند.

۶- بکوش تا از دوره‌ی خردسالی، احساس موفقیت را در روان فرزندان پرورش دهی. به آنان بیاموز، به رفتارهای شایسته‌ی خویش توجه کنند. هنگامی که درست و سنجیده رفتار می‌کنند آنان را مورد ستایش قرار ده.

۷- بچه‌هایت را بر صداقت با خود تشویق کن.

۸- هنگامی که در منزل هستی سعی کن جز به امور منزل و برنامه و کار فرزندان نیندیشی. در وقت کار هم فقط سرگرم کار باش!

۹- اگر روزی فرزندت را سرکش و نافرمان یافتی، از خودت بپرس، آیا امروز او را در آغوش گرفتی؟

۱۰- در زندگی روش تربیت یک دقیقه‌ای را با فرزندان دنبال کن، لذا سرزنش در یک دقیقه و ستایش هم در یک دقیقه صورت پذیرد، ولی واقعاً این یک دقیقه، مفید و مؤثر است.

امام غزالی می‌گوید: «کودک، امانتی است نزد پدر و مادر، و قلب پاکش یک گوهر گرانمایه‌ی ساده و خالی از هر نقش و تصویر است و آماده‌ی پذیرش هر نقش است و به هر چیزی که فراخوانده شود؛ گرایش می‌یابد؛ لذا اگر به خیر و نیکی پرورش و آموزش یافت؛ به آن عادت کند و بر آن بار آید و در دنیا و آخرت، رستگار گردد و پدر و مادرش و هر مربی و معلمش در اجر و پاداش او سهیم‌اند. اما اگر به بدی پرورش یافت و همچون چهارپایان مورد بی‌توجهی قرار گرفت؛ بدبخت و بیچاره و نابود گشته است و وبال خواهد بود بر گردن سرپرست و ولی خویش»^۱.

۱- المذهب من إحياء علوم الدين، ج ۲، ص ۵۰.

فصل یازدهم:

فرزندم رفتن به رختخواب را دوست ندارد، چه کنم؟

- اولاً به یاد داشته باش! هیچ بچه‌ای به خودی خود، رفتن به رختخواب را دوست ندارد، چون خواب او را از لطف و صفای بازی و سرگرمی محروم می‌کند.
- مادر باید بداند که از رفتن به تخت خواب همچون ابزاری برای مجازات و تهدید استفاده نکند.
- سعی کن زمان رفتن به تختخواب را لحظه‌ای خوش و لذتبخش گردانی به این ترتیب که مثلاً قبل از خواب یک داستان برایش بخوانی یا ...
- در انجام کارهایی که در رخت خوابش انجام می‌دهد، مثل خواندن سوره‌ی حمد و معوذتین یا گذاشتن اسباب بازی مورد علاقه‌اش در تختخواب به او کمک کن.
- اتاقش را به گونه‌ای تزئین و آماده کن که او را به خواب برانگیزد؛ مرتب و زیبا باشد و اسباب بازی‌های مورد علاقه‌اش در آن گذاشته شود.
- مقدار نیازش را بخواب مدنظر داشته باشد، لذا او را خیلی زود به رختخواب نفرست.
- با قدری انعطاف پذیری، بکوش همیشه او را در وقت معین به رختخواب فرستی هرگز به او مگو: چون امروز بچه‌ی خوبی بودی، امشب می‌توانی بیدارمانی! چون این گفته او را به این احساس وامیدارد، که در وقت رفتن به رختخواب، نوعی مجازات است.
- سعی کن تا در وقت مناسب نزدیک شدن زمان خواب را به کودک یادآوری کنی تا از نظر روحی و به طور عملی آماده‌ی خواب شود.
- به عواطف و احساساتش توجه کن مثلاً اگرخواست، اجازه بده تا قدری لامپ روشن یا در باز بماند.
- اگر کودک تخت خواب یا رخت خواب را ترک کرد، سعی کن او را با قدری

لطف و محبت و قاطعیت به محل خوابش برگردانی و اگر تشنه بود، به او آب بده تا به محل بازگردد و اگر ترسیده بود، سعی کن او را آرام کنی و بی‌دلیل بودن ترس را به او بفهمانی.

همیشه تلاش کن کودک را در حالی به رختخواب رود که خوشحال و شادمان است نه که در حال گریه و ناراحتی! حتی سعی کن برای کودک فضایی سرشار از محبت و نوازش را فراهم کنی تا خوابی آرام داشته باشد.

○ با کاربرد خشونت، خواب را به کودک تحمیل مکن، چون ناگزیر تمديد ساعت خواب کودک به انعطاف پذیری نیاز دارد. شکی نیست که اصرار بر خوابیدن در ساعتی معین بدون در نظر داشتن شرایط و وضعیت روحی کودک و بدون همکاری برای شکل گیری عادت منظم در خواب، گاهی باعث پیدایش آسیب‌های جدی در شخصیت کودک می‌گردد.

○ مادر خطای بسیار بزرگی را مرتکب می‌شود؛ هنگامی که کودک را با ترساندن از لولو خورخوره، سگ، غول، جن یا... به خواب وامیدارد و می‌گوید: او بچه‌هایی را می‌خورد که از خوابیدن سرباز می‌زنند. یادمان باشد که این کار، ترس و هراس کودک را می‌افزاید و اضطراب و استرس روانی‌اش را شدت می‌بخشد.^۱

۱- دکتر اسکندر، نجیب و دکتر اسماعیل، محمد عمادالدین، کیف نرپی اطفالنا؟

فصل دوازدهم:

فرزندم از غذا خوردن ابا می‌ورزد، چه کنم؟

خیلی وقت‌ها در سال‌های نخست عمر کودک، مرحله‌ای پیش می‌آید که میان کودک و والدین بر سر غذا خوردن درگیری پدید می‌آید، چون سرباز زدن از خوردن غذا از بیشترین و گسترده‌ترین مشکلات رفتاری کودکان است. خیلی‌ها اندک کودکانی که در این عرصه هیچ مشکلی نداشته باشند.

شایسته است در چنین حالتی ابتدا پزشک از سلامت کودک اطمینان خاطر یابد که منجر به کم‌اشتهایی کودک نشده باشد.

شاید کودک در تلاش باشد برای جلب توجه دیگران، از کش دادن یا دیر کردن در خوردن غذا بهره گیرد.

شاید در اثر از دست دادن احساس خوشبختی از خوردن غذا سربیزی و ابراز بی‌میلی می‌کند، چون بچه‌ی جدیدی به دنیا آمده و عرصه را بر او تنگ کرده است یا برادران دیگرش خیلی ناز می‌کنند و بیشتر از او توجه والدین را به خود معطوف می‌دارند. ...

شاید به خاطر کاربرد خشونت یا سخن نیش‌دار در هنگام غذا؛ لحظه‌ی غذا خوردن برایش به یک لحظه‌ی مرگبار مبدل شده است، چنان‌که مادر گاهی به خاطر رژیم غذایی از خوردن غذا امتناع می‌ورزد، در حالی که به کودکش فشار می‌آورد که غذایش را بخورد. این‌ها و اسباب دیگر باعث ایجاد شک و تردید و تناقض در کودک می‌گردد و از غذا خوردن سرباز می‌زند.^۱

به طور خلاصه در این زمینه می‌شود، توصیه‌هایی را به پدران و مادران تقدیم کرد:

- ۱- مادر گرامی! به یاد داشته باش که فریاد کشیدن و درخواست کردن از کودک مبنی بر فرمانبرداری کردن و تسلیم شدن، خیلی وقت‌ها هیچ سودی ندارد.

۱- دکتر الغبره، محمد نبیه، المشكلات السلوكية عند الأطفال.

- ۲- هنگامی که کودک، سخت غرق بازی نشاط آور و لذت بخشی است، به طور ناگهانی از او نخواه تا بیاید و غذا بخورد، بلکه پیش از آن به او اعلان کن، لحظاتی بعد غذا آماده خواهد شد.
- ۳- در حضور کودک از مشکل غذا نخوردن او با دیگران صحبت مکن.
- ۴- کودک را به خوردن همه‌ی غذاهای پیش رویش وادار مکن و او را به خوردن غذاهایی که دوست ندارد مجبور مکن.
- ۵- در خارج از منزل فرصت بازی و تفریح را برای کودک فراهم آور چون پس از آن با اشتهای خوبی غذا خواهد خورد.
- ۶- از او نخواه که با عجله غذا بخورد. و به او اجازه مده که غذا را دست مالی کند یا آن را بر هم ریزد یا با آن بازی کند و زمان غذا خوردن را به درازا کشد.
- ۷- اگر کودک خواست خودش غذا بخورد، به او این اجازه را بده و برایش این زمینه را مهیا کن، از ریختن و کثیف کردن خانه توسط او شکوه نکنی!
- ۸- اگر کودک از خوردن غذا ابا ورزید، مادر می‌باید به او یادآوری کند که غذایش سرد خواهد شد و لذتش را از دست خواهد داد. اگر احساس کردی که او دیگر غذا نخواهد خورد، پس بدون اظهار نظر، سرزنش یا تهدید بشقابش را با بشقاب خودت بردار.
- ۹- در میان وعده‌های غذایی، سعی نکن به کودک، شیرینی، شکولات، یا مشروبات گازدار یا انواع پفک، چیپس و ... بدهی.
- ۱۰- اگر احساس کردی بچه‌ات گرسنه است یا از بچه‌هایی است که هنگام گرسنگی کم حوصله و ناراحت می‌شوند؛ میوه یا خرمایی به او بده یا قطعه نانی که تا زمان آماده شدن غذا، گرسنگی‌اش را رفع کند یا حداقل مادر غذای بچه را زودتر از غذای بقیه آماده کند.
- ۱۱- برای کودک مقدار کمی غذا بکش تا آن را بخورد و تمام کند. این بهتر از آن

است که معمولاً قدری غذا در بشقاب او باقی بماند.

۱۲- برای اینکه بچه غذایش را کامل بخورد از رشوه دادن پرهیز کن، طوری که بعضی خانم‌ها به بچه می‌گویند: غذایت را بخور تا یک شکولات بهت بدهم! ۱۳- اگر کودک به غذای خاصی بی‌علاقه شد، عرضه‌ی مجدد آن غذا بی‌فایده خواهد بود.

۱۴- وعده‌ی غذا را فرصتی گردان برای دیدار خانواده و سخن مشترک.

۱۵- هنگامی که کودک عصبانی است، او را به خوردن غذا وادار مکن!

۱۶- غذا را طوری به کودک تقدیم کن که اشتها آور و جذاب باشد. سعی کن آن را در لحظاتی که مخصوص کودک است، به او تقدیم کنی.

۱۷- در هنگام غذا خوردن کودک را بر رفتار و کردارش ملامت یا مؤاخذه مکن چون چیزهایی را به او یادآوری می‌کند که باعث دلگیری یا عصبانیت او خواهد شد.

۱۸- در هنگام خوردن غذا، والدین با یکدیگر مشاجره نکنند.

۱۹- در هنگام خوردن غذا در حضور کودک، ابراز لذت کن تا انگیزه‌ی خورن غذای بهداشتی را در او تحریک کنی.^۱

اگر کودک به این نتیجه برسد که با ابا ورزیدن از خوردن غذا نمی‌تواند توجه دیگران را جلب کند، خیلی وقت‌ها به طور ناگهانی به خوردن غذا روی می‌آورد و به طور طبیعی غذایش را می‌خورد.

۱- العویه، محمد رشید، مشکلات تربویة فی حياة طفلك.

فصل سیزدهم:

فرزند کمرو است و خجالت می‌کشد

۱- خجالت و کمرویی طبیعی یا ...

خجالت کشیدن، خیلی وقت‌ها یک حالت طبیعی است، بویژه در دختر بچه‌ها چون بعضی کودکان، هنگام دیدار خویشاوندان و نزدیکان یا بیگانگان ابراز خجالت می‌کنند که خود نوعی اتکا به خانواده است. ولی اگر خجالت و کمرویی خیلی شدت یافت و به مدت شش ماه ادامه یافت، آنگاه می‌شود آن را «آشفته‌گی گریز» نامید.

۲- پدیده‌های خجالت و کمرویی شدید چیست؟

پدیده‌های خجالت شدید بر حسب شدت، ضعفش در کودکان تفاوت دارد، ولی کودک که خیلی از خجالت، رنج می‌برد بیچاره و درمانده است و از اینکه نمی‌تواند در مدرسه یا در جامعه با هم قطاران خود به راحتی ارتباط برقرار کند؛ رنج می‌برد. او همیشه در خود فرو رفته و از دیگران گوشه‌گیری می‌کند و در مناسبت‌ها و صحنه‌های اجتماعی، سعی می‌کند از دید دیگران مخفی شود یا با صدای آهسته با آنان صحبت کند و در او عارضه‌های لرزش صدا یا اندام، رنگ پریدگی یا لکنت زبان به چشم می‌خورد؛ ولی معمولا در هوش‌اش هیچ مشکلی ندارد و اگر مجبور شود در صحنه‌های اجتماعی مشارکت ورزد؛ دچار تنش و حساسیت می‌شود و شاید بگرید یا چیغ بکشد و از مشارکت کناره‌گیری کند و ابا ورزد. او اصرار دارد در کنار خانواده و همیشه همراه آنان باشد.

معمولا ارتباط چنین کودکی با خانواده‌اش یک ارتباط طبیعی است؛ ولی بیشتر متکی است و خواسته‌های شخصی فراوانی دارد.

هنگامی که این علایم را از نظر روانی معاینه می‌کنیم، می‌بینیم بر کودک دشوار است که پدر یا مادرش را ترک کند و لحظه‌ای که در اتاق معاینه می‌نشیند، خود را می‌بازد. او

به اسباب بازی‌ها یا برگه‌های نقاشی نزدیک نمی‌شود. او ترجیح می‌دهد در نقاشی از رنگهای اندکی استفاده کند و معمولاً اشکالی کوچک و در یک زاویه از برگه نقاشی می‌کند و هنگامی که خانه‌ای را نقاشی می‌کند، برایش در و پنجره نمی‌گذارد.

۳- اسباب خجالت و کمرویی چیست؟

خجالت، در دختران بیش از پسران شایع است و در کودکان اسباب فراوانی دارد که مهمترین آن به شرح زیر است:

- ۱- عادت نکردن و خو نگرفتن کودک با دیگران.
- ۲- زیاده‌روی در نوازش دادن طفل.
- ۳- سخت‌گیری در برخورد با کودکان و زیاده‌روی در بازخواست و توبیخ آنها به خاطر چیزهای بی‌ارزش و بیهوده؛ مخصوصاً جلوی دیگران، بطوری که این مسئله سبب می‌شود کودک اعتماد به نفس نداشته باشد و احساس کمبود بکند و این امر نهایتاً به خجالت و کمرویی منجر می‌شود.
- ۴- محروم شدن از نعمت پدر یا مادر یا هر دوی آنها.
- ۵- غربت: کمرویی و خجالت در بین کودکانی که با خانواده‌هایشان در غربت و دور از شهر و دیار زندگی می‌کنند، یا برای بدست آوردن لقمه‌ی نانی دائماً در حال سفر از شهری به شهر دیگر هستند، بیشتر رایج است، چرا که این امکان برای کودکان وجود ندارد تا ارتباط مستمر و پی در پی با دیگران داشته باشند.
- ۶- بیماری‌های جسمی و تغییر شکل‌ها و حالات و اختلالات، همانند ضعف بینایی یا ضعف شنوایی یا فلج جزئی یا تاول‌ها و جوشهای صورت یا چاقی زیاد و غیره.

- ۷- اختلال در کلام و سخن گفتن، همانند لکنت زبان و شکسته صحبت کردن.
- ۸- گاهی خجالت و کمرویی نتیجه‌ی احساس کمبودی است که از مادیات سرچشمه می‌گیرد، مانند کهنه بودن لباس‌های کودک که ناشی از فقر بوده، یا لاغر و نحیف بودن بدن که ناشی از سوء تغذیه باشد یا کمبود پول توجیبی یا کمبود وسایل مدرسه و کتابها.
- ۹- گاهی رنج بردن طفل از صفت کمرویی به خاطر دیدگاه خاصی است که جامعه به او دارد، و به خاطر زیبا نبودن و سر و وضع درست نداشتن یا ضعف توانایی‌های عقلی و تحصیلی در مدرسه، با این دید به او نگاه می‌کنند که کمبود دارد.
- ۱۰- عقب ماندگی تحصیلی در مدرسه نیز یکی از اسباب احساس نقص و کمبود و ضعف اعتماد به نفس می‌باشد که باعث ازدیاد کمرویی و خجالت در فرد می‌گردد، اما این بدین معنی نیست که هر دانش‌آموز کمرو از نظر درسی عقب‌افتاده است، چرا که در بسیاری موارد علت کمرویی آنها، اسباب دیگری است.

۴- کودک خجالتی و کمرو را چگونه درمان می‌کنی؟

- ۱- کودک را به اعتماد بنفس تشویق کن و به این امر اهتمام بورز.
- ۲- کودک را با کسی که از او خوش‌شانس‌تر (و تواناتر) است؛ مقایسه مکن.
- ۳- در حضور دیگران از کودک انتقاد مکن.
- ۴- بکوش سبب ابتلای کودک را به خجالت و کمرویی شناسایی کنی و علل پیدایش آن را بدانی.
- ۵- برای فرزندان جو عاطفی را فراهم کن که در آن احساس آرامش و امنیت کنند.
- ۶- کودک را به انجام کارهایی وادار مکن که از توانایی‌اش بیشتر باشد.

- ۷- شایسته است پدران این اندیشه را از سر بیرون کنند که فرزندانشان را بنا به میل خود در قالبی خاص قرار دهند؛ زیرا کودک قطعه‌ای گل در دست مجسمه ساز و پیکرتراش نیست.
- ۸- فرزندت را مجبور نکن تا روش یا رفتار خاصی را در پیش گیرد که به شکست یا ناکامی انجامد.
- ۹- کودک خجالتی و کمروا را به برقراری روابط دوستانه با همقطاران کودکش تشویق کن و آموزش بده.
- ۱۰- کودک را به پرورش استعدادهای خاصی که دارد یاری کن، مثلاً بازی مخصوص، نقاشی معین یا ... چون مهارتش در انجام هرکار او را به بروز و مشارکت مفتخرانه در میان همقطارانش تشویق خواهد کرد.^۱
- ۱۱- در تعامل با کودک میان نازپروری و سختی میانه روی کن؛ سختی در پیش گیر که در آن خشونت نباشد و نرمی که در آن ضعف نباشد.
- ۱۲- کسیکه از حسادت و زخم چشم نسبت به فرزندانش هراس دارد؛ عوض اینکه آنان را از چشم دیگران پنهان کند؛ برایشان دعا و قرآن بخواند و بگوید: «ما شاء الله لا قوة الا بالله»^۲. به فرزندانش بیاموزد تا صبح و شب و پیش از خواب معوذتین^۳ بخوانند و از خداوند بخواهند که آنان را از هر گزندی حفاظت کند.^۴
- ۱۳- به کودک بفهمان که در محافل اجتماعی قدری پریشانی، تنش و دست پاچگی در خیلی از کودکان، امری است طبیعی؛ لذا مشکل را بزرگ نکن.

۱- دکتر غالب، مصطفی، تغلب علی الخنجل؛ دکتر فهیم کلیر، مشاكل الطفل النفسية.

۲- آنچه خدا بخواهد، همان شود، هیچ قدرت و نیرویی جز با خواست خداوند مؤثر نیست.

۳- معوذتین: سوره‌های ناس و فلق را گویند.

۴- استاد محفوظ، محمد جمال الدین، التربية الإسلامية للطفل والمراهق.

۱۴- اگر زمان خجالت و کمرویی به طول انجامید؛ سعی کن احساسات، افکار و نگرانی‌های کودک را بفهمی!

۱۵- از کاربرد نام‌ها و صفات بی‌فایده مثل کمرو، ترسو، خرگوش، مردنی و... پرهیز کن.

۱۶- کودک را به انجام سرگرمی‌های مفید تشویق کن.

۱۷- کودکت را برای روبرو شدن با محافل اجتماعی و ارتباط و تعامل با کودکان دیگر و بزرگ سالان آموزش بده. شاید این قضیه روزانه پنج تا ده دقیقه از تو وقت بگیرد.

از او بخواه تا در مقابل خانواده یا دیگران قصه بگوید. نحوه‌ی اجرايش را بپذیرد و تحسین کن و در مراحل اولیه‌ی این تمرین‌ها از اظهارنظر و بازگو کردن نقاط ضعف او پرهیز.

۱۸- از ادامه‌ی تلاش‌هایت مأیوس نشو، چون خیلی از این حالت‌ها در مراحل بعدی با بالا گرفتن تجارب و اعتمادبنفس، بهتر می‌شود^۱.

۱- دکتر المالح، حسان، الخوف الاجتماعي (الخجل).

فصل چاردهم:

فرزندم می‌ترسد

۱- ترس طبیعی یا ترس به عنوان یک بیماری:

ترس، حالتی واکنشی و طبیعی است که همه‌ی موجودات زنده از آن برخوردارند و در بعضی شرایط آن را احساس می‌کنند. ترس به میزان معقول، یک استعداد فطری و طبیعی است که خداوند انسان را به آن مجهز کرده است تا خودش را با آن از گزندها حمایت کند و در این دنیا احتیاط لازم را پیشه کند.

شکی نیست که صداهاى بلند ناگهانی، مهمترین و نخستین تحریک کننده‌های ترس در مراحل نخست کودکی است (یعنی در سال اول از عمر کودک)

اما در فاصله‌ی سال‌های دوم تا پنجم از عمر کودک، محرکهای ترس افزایش می‌یابد، چون کودک از جاهای ناآشنا، از بیگانه‌ها، از پرت شدن و افتادن از ارتفاع بلند، از حیواناتی که هنوز با آن آشنا نشده است و از تکرار تجربه‌های دردآور که با آن روبرو شده است، مثل درمان پزشکی و امثال آن می‌ترسد. از مقایسه‌ی ترس‌های کودک با نوع ترس‌های بیشتر کودکان همسن و سالش می‌شود میزان ترس او را بفهمیم؛ لذا خیلی طبیعی است اگر کودک سه ساله از تاریکی بترسد و درخواست کند که لامپ اتاق را برایش روشن کنند، اما اگر از تاریکی آنقدر بترسد که تعادلش را از دست بدهد؛ پس این ترس غیر طبیعی است. اما عکس آن، نبود ترس در کودک به معنای کمی ادراک او است، چنان که بچه‌های ساده چنین حالتی را دارند و جاهای خطرناک را تشخیص نمی‌دهند.

بنابراین ترس عادی و طبیعی، در هر انسان یک احساس طبیعی است اما ترسی که جنبه‌ی بیماری دارد، یک ترس استثنایی و غیرطبیعی و مبالغه آمیز است و معمولاً از چیزهایی است که بیشتر کسانی که در سن او هستند از آن نمی‌ترسند گاهی بعضی پدران برای درمان ترس کودک از تمسخر او به عنوان یک ابزار درمانی استفاده می‌کنند یا گروهی دیگر کودک را به خاطر ترس‌هایش مضحکه قرار میدهند و افراد خانواده را با

آن می‌خندانند. چه بسا برادران کودک، ترس او را وسیله‌ی تفریح و سرگرمی می‌گردانند؛ اقداماتی که هر یک شخصیت کودک را دچار سردرگمی می‌کند و به روابطش با خانواده لطمه می‌زند.

چنان که بعضی پدران یا دبیران و معلمان برای اینکه کودک را به رفتاری شایسته وادارند، به ترساندن کودک مبادرت می‌ورزند و مثلاً به کودکی در کودک سرا است می‌گویند: «او را در اتاق موشها یا لولوخرخره خواهند گذاشت» یا «اگر چنین نکنی، غول تو را خواهد برد» یا «سگ‌ها و گربه تو را خواهند خورد» و جمله‌هایی از این دست. گروهی از پدران و مادران کودک شان را از پزشک، آمپول یا پلیس یا امثال آن می‌ترسانند! به همین دلیل شایسته است پیش از تربیت فرزندان، باید پدران آموزش ببینند (تا نارسایی‌های تربیتی فاجعه نیافریند!).

۲- ترس‌های کودکان چند دسته است؟

معمولاً ترس‌های کودکان حسی و دارای منشأهای حقیقی است و یا ترس‌هایی است عمومی و نامحدود و بیشمار.

شایع‌ترین ترس‌های کودکان، ترس‌های حسی است مثلاً ترس از پزشک، پلیس، مدرسه، یا از حیوانات، تاریکی، رعد و برق و اماکن مرتفع و بلند.

گروهی از کودکان هستند که از مسافرت با قطار، یا شلوغی یا تیراندازی توپ و مسلسل می‌ترسند. گروهی دیگر از چاقو و سربریدن می‌ترسند و معمولاً چنین ترسی وقتی پدید می‌آید که مادر به بچه می‌گوید: چاقو را برندار که دست را می‌برد یا چشم‌هایت آسیب می‌بیند، آنگاه مگر بی‌دست و چشم زندگی کنی! متأسفانه بعضی پدر و مادرها بچه‌هایشان را با این گفته‌ها تهدید می‌کنند؛ «تو را با چاقو خواهیم کشت». یا امثال این جملات. گاهی بعضی‌ها کودک خود را به تماشای صحنه‌ی کشتار گوسفند یا مرغ مجبور می‌کنند تا با مشاهده‌ی خون و کشتن، کودک را بر ترسش غلبه دهند؛ ولی این مجبور کردن برای کودک آسیب‌های روانی جدی را به پی خواهد داشت، در حالی

که شایسته است کودکی را که از سربردن می‌ترسد؛ به او بفهمانیم که این مسئله‌ی ساده‌ای است؛ چون خداوند این حیوانات را آفریده است تا ما آن را ذبح کنیم و بخوریم، سپس او را به حال خود واگذاریم تا زمانی فرا رسد که او دیگر از مشاهده‌ی صحنه کشتن مرغ یا پرند هراسی نداشته و از حضور در محل کشتن ابا نورزد. توصیه می‌شود پدر یا مادر هم در کنارش بایستند و او را به تماشا کردن تشویق کنند و به او احساس امنیت و آرامش دهد.

در چنین صحنه‌ای بهتر است که برادر بزرگتر کودک را بگوییم همراه با پدر مرغ را نگهدارد و در مقابل دیدگان کودک در کشتن مرغ به پدر کمک کند.

اما اگر کودک از دیدن این منظره ابا ورزید و اصرار کرد؛ دلیلی ندارد که او را به تماشای آن وادار کنیم. شایسته است از سرزنش او یا مقایسه کردنش با برادرانش یا ناقص خواندنش پرهیزیم. چنان که لازم است او را در مقابل دیگران یا خویشاوندانش آزرده خاطر یا ناراحت نکنیم. بعدها زمانی خواهد رسید که خود کودک بپذیرد؛ صحنه‌ی کشتن را ببیند بلکه حتی در سر بردن کمک کند.

کودک بیشتر ترس‌هایش را از طریق تقلید یاد می‌گیرد ورنه او هیچگونه تجربه‌ای مستقیم از آن ندارد. مثل ترس از سگ یا ترس از دزدان و امثال آن. گاهی کودک از چیزهایی می‌ترسد که در گذشته از آن ترسی نداشته است؛ ولی این چیزها با صحنه‌های دیگری مرتبط گشته که ترسناک بوده است.

مثل اینکه کودک پزشک را در حالی ببیند که کسی را آمپول می‌زند یا مثلاً غده‌ی یکی از اعضای خانواده را در می‌آورد یا آبسه‌اش را باز می‌کند، بویژه اگر بیمار در چنین شرایطی از درد شدید، شکوه یا ناله کند، لذا این صحنه در ذهن کودک با درد پیوند می‌خورد، بنابراین شاید بعداً از اینکه پزشک، وارد منزل می‌شود، دو باره بترسد.

۳- ترس‌های غیرحسی:

مثال آن کسانی هستند که فرزندان شان را بر خرافات، غول، جادو و لولو پرورش

می‌دهند و متأسفانه کتاب‌ها و مجلات بیشماری را می‌بینیم که ترس‌ها و ذهنیت‌های وهم‌انگیز را در کودکان تحریک می‌کنند.

مصادق آن مطلبی است که در یکی از کتاب‌های درسی دانش آموزان مقطع ابتدایی در یکی از کشورهای عربی آمده است، نام کتاب «شجرة الحیة»^۱ است. در یکی از پاراگراف‌هایش می‌بینیم می‌گوید: «حیرت بر کودک سیطره یافته بود از این تنگنا راه گریزی نیافت جز اینکه نام جن را بر زبان آورد و به قصد کمک خواستن او را صدا بزند تا در بیرون آمدن از این تنگنا و بحران او را یاری دهد ...».

در پاراگراف بعدی آمده است: «ناگهان گربه‌ای غول پیکر را مقابلش دید. گربه با صدایی وحشتناک میومیو می‌کرد. کودک سخت از او ترسیده بود. گربه به او گفت: چگونه جرأت کردی به اینجا بیایی... آیا نمی‌دانی که می‌توانم با یک پنجه بدنت را پاره پاره کنم».

مطالب داستان «علاءالدین و چراغ جادویی» و بسیاری از داستان‌های دیگر شبیه مطالب همین کتاب است.

متأسفانه امثال این تصاویر وحشت‌انگیز که آن را در کتاب‌ها و مجلات به کودکان مان می‌آموزیم؛ بیشترین و بزرگترین آسیب‌های روانی را برای کودک دارد و ترس‌های شدید خرافی را از جن، جادو جنبل و غول و لولو و ... در کودک تحریک می‌کند و پدید می‌آورد.

تا جایی که یکی از پایگاه‌های تلویزیونی عربی برنامه‌ای را برای کودکان تقدیم می‌کند که «جادوگر خردسال» نام دارد... چرا چنین برنامه‌هایی که روان کودکان مان را نابود می‌کند؛ پخش می‌شود؟^۲

۱- درخت زندگی.

۲- دکتر جرجس، ملاک، مشاكل الطفل النفسية.

پس باید به گزینش داستان‌های هدف دار و جذاب برای کودکان مان توجه کنیم داستان‌هایی که از خرافات، توهمات، جادو جنبل، غول و لولو خرخره خالی باشد. چنان که شایسته است در انتخاب برنامه‌های مناسب و مفید برای دوران کودک از قبیل برنامه‌های تلویزیونی، ویدیو، کامپیوتر و سی دی نیک بیندیشیم و اهتمام بورزیم. از مهمترین ترس‌های غیرحسی کودکان، ترس از مرگ و ترس از تاریکی است. بیشتر کودکان از مرگ می‌ترسند بویژه هنگامی که به طور ناگهانی عزیزی را از دست می‌دهند، چون این امر آنان را بیشتر وحشت زده می‌کند و از پدید آمدن آن می‌ترسند. چنان که یکی از اسباب مهم غیرمستقیم در پیدایش ترس کودکان از مرگ، تهدید کودک است به اینکه؛ «اگر خوب غذایش را نخورد» خواهد مرد یا گریه‌ی بسیار و اظهار درد و رنج و ماتم چندین روزه در هنگام فوت یک خویشاوند؛ کودک را بر آن می‌دارد تا منتظر مردم باشد تا جایی که خواب‌های وحشتناک می‌بیند که او را می‌خواهند بکشند. به این دلایل، پسندیده است کودکان از فضای وفات و ماتم دور نگهداشته شوند؛ ولی شایسته نیست خبر مرگ افراد هر قدر هم عزیز باشند از او پنهان شود یا انکار گردد؛ چون این کار حیرت‌شان را می‌افزاید. باید ما فرصت را غنیمت بشماریم و با روشی ساده به کودک بفهمانیم، هر موجود زنده ای که می‌میرد، به نزد خداوند منتقل می‌شود و...

۴- ترس از تاریکی:

ترس از تاریکی تا حدی معقول و طبیعی است. ولی مبالغه در آن، به جهت ربط دادنش به خاطرات یا گفته‌های ترسناک مثل سخن از دیو و دزد و ... یک ترس غیرطبیعی و بیمارگونه است.

بنابراین اگر کودک از تاریکی می‌ترسد، به طور تدریجی او را آموزش بده تا در تاریکی بخوابد. او را بر این کار مجبور نکن. بلکه بکوش به او آرامش دهی که اگر شب از خواب بیدار شد و مثلاً به دستشویی رفت؛ هرگز دچار هیچگونه گزندگی نخواهد شد...

به او بیاموز لامپ اتاق خواب و دستشویی را چگونه روشن و خاموش کند. سعی کن یک لامپ خواب در راهرو و یا در اتاقش روشن بماند.

۵- ترس‌های کودکان را چگونه معالجه می‌کنی؟

○ به ترس‌های فرزندت گوش بده و از ترس‌های خودت هنگامی که در سن او بودی با او سخن بگو.

○ به او بیاموز که ترس در سرشت خدادادی انسان وجود دارد، ولی با توانایی‌هایی که انسان دارد می‌تواند با ترس‌ها مواجه شود و با آن مبارزه کند.

○ فرق میان ترس طبیعی و خوبی را برایش بیان کن. از نشانه‌های ترس طبیعی این است که انسان هنگامی که بخواهد از پلکان بلندی که جلوی دیوار گذاشته‌اند بالا رود؛ دچار تردید شود، اما تردید بالا رفتن از پلکان معمولی داخل منزل یک ترس فوبی و بیماری است.

○ هنگامی که کودک خطایی را مرتکب می‌شود، مادر نباید او را تهدید کند؛ که محبتش را از او باز خواهد داشت، چون علی‌رغم حضور مادر این نوع برخوردها، حس امنیت را از کودک سلب خواهد کرد.

○ پدران و مادران نباید کودکان را جز در امور شایسته بترسانند مثلاً برای حفاظت شان آنان را از کارهای خطرناک و خطرناک‌ساز مثل اینکه آنان را از حوادث و سوانح ماشین سواری و تصادفات، آتش سوزی و امثال آن .. بترسانیم.

○ فرزندت را از همه‌ی چیزهای وحشت‌آور مانند صداهای بلند گوش‌خراش یا منظره‌های وحشت‌انگیز یا فیلم‌های ترسناک تلویزیونی، ویدیویی یا ماهواره‌ای دورنگهدار.

○ ترساندن کودکان از پزشک، پلیس، دیو، هیولا و.... درست نیست. مثل اینکه هرگاه کودک خواست در تاریکی بیرون شود، پدر به او بگوید: گفتار یا مرده خوار می‌آید و تو را می‌خورد.

- والدین باید از این نوع تهدید و هشدارهای دوری کنند؛ به خدا تو را می‌کشم، یا دستت را خورد می‌کنم یا تو را آمپول می‌زنم و...
- مقابل بچه از چیزهای ترسناک صحبت نکن و از هر چه او را می‌ترساند یا ترس را در او تحریک می‌کند و به یادش می‌آورد، پرهیز کن.
- تلاش کن کودک را با گروهی از بچه‌ها بگذاری که چیزهایی با خود ندارد که انگیزه‌ی ترسیدن او باشد (و خود نیز نمی‌ترسند) چون قطعاً پیروی و همراهی آنان ممکن است، پدیده‌ی ترس را در او از بین ببرد.^۱
- امر و نهی و هشدارهایی را کم کن که کودک را محدود و مقید می‌کند.
- پدران و مادران باید از بازگو کردن حکایت‌ها و داستان‌هایی که از افسانه‌ها و حیوانات خرافی دیو و هیولا و جن‌ها صحبت می‌کند؛ خودداری ورزند؛ زیرا بادوام‌ترین ترس‌های کودکان، ترس‌های خیالی است ... عموم داستان‌ها بویژه داستان‌های قبل از خواب کودکان باید داستان‌های ساده‌ای باشد که از فرمانبرداری بچه‌ها از پدران سخن می‌گوید یا داستان خرگوش، مرغ و حیوانات اهلی دیگر باشد.
- میانه روی در تعامل با کودک: چون اگر در حمایت و پشتیبانی از کودک یا در ناز و نوازش کردنش زیاده روی کنی، او متکی (به تو) بار می‌آید که اعتماد بنفس‌اش ضعیف خواهد بود.
- اگر پدر یا مادر از چیز خاصی مثل گربه (موش، سوسک، مارمولک) یا ... می‌ترسد؛ اصلاً زینده نیست این ترس را در حضور کودک ابراز دارند.
- چون خودت دوست داری که بچه‌ات مرد باشد، نقش مردانگی بر کودک خردسالت تحمیل مکن .. مثل بعضی‌ها که به بچه می‌گویند: حالا تو مرد شدی و مردها از خوابیدن در تاریکی نمی‌ترسند، پس تو چرا می‌ترسی؟! پس تو مرد نیستی؟!^۲

۱- دکتر الخضير، خضير السعود، المرشد التربوي لمعلمات رياض الأطفال.

۲- دکتر الطيب محمد عبدالظاهر، طفلي يخاف .. ماذا أفعل؟

هر انسانی به یاد داشته باشد که بزدل ترسو که از سپاهیان می‌ترسد، در میدان جنگ ترسو نشده است بلکه در آغوش مادر، بزدل پرورش یافته است.

فصل پانزدهم: فرزندم در تلفظ کلمات اشتباه می‌کند

۱- بیان مشکل و علتهای وقوع آن:

در دنیا چیزی زیباتر و شیرین‌تر از آواهای کودک نیست که تلاش دارد حرف بزند و خانواده در اطرافش منتظر شنیدن خطاهای لفظی و اشتباهات گفتاری و نغمه‌های کودکانه‌ی او هستند و به طور خاصی لذت می‌برند و نوع گفتار او را تقلید می‌کنند و او را به تکرار دوباره‌ی آن وا می‌دارند.

شاید مادر و اطرافیان کودک در این زمینه معذور باشند؛ ولی اگر ما به مصلحت کودک بیندیشیم و آن را برخواسته‌ها و خوشی‌های آنان ترجیح دهیم؛ ناچار خواهیم شد که از آنان درخواست کنیم؛ این لذت سحرانگیز را به شوخی نگیرند تا از چارچوب معقولش بیرون نشود و کودک را از پیشرفت عملی او باز ندارد، چون اگر اشتباه تلفظ کردن کودک، بعد از چهار سالگی ادامه یابد، والدین باید به تصحیح گویش کودک بپردازند. متخصصان تاکید دارند، از هر پنج کودکی که در تلفظ و گویش آنها خطا وجود دارد، خطای چهارتای از آنها، در اثر نارسایی در شنوایی یا نقص عضو نیست (یعنی صرف خطای یکی از آنها ناشی از اثر نارسایی در شنوایی یا نقص عضو است، و چهارتای دیگر سالم اند). یعنی آنان توان آن را دارند که خطاهای گویشی را اصلاح کنند و تلفظ خود را بهبود ببخشند.

کودکانی هستند که بعضی حروف را جابه‌جا تلفظ می‌کنند و ما باید این کودکان را آموزش دهیم و باید تلفظ خود ما درست باشد نه شکسته! چنان که باید از تأخیر در انجام این امر بپرهیزیم، چون زمان مناسب برای اصلاح گفتار فاصله‌ی چهار تا هفت سالگی است؛ زیرا اگر والدین در این فاصله از اصلاح گفتار فرزندشان غفلت بورزند و این تلفظ‌های خطا در گفتارش بماند. طبیعی است که کودک بعدها؛ زمانی که متوجه این

ضعف خود شود؛ دچار کشمکش درونی و با خودش درگیر خواهد شد و یک بخش از رشد مهارت‌های او به تعویق خواهد افتاد.

۲- چه کنیم؟

- با کودکان تان با کلماتی روشن و بدون نقص صحبت کنید.
- چنان که با یک انسان بزرگ صحبت می‌کنید، با او سخن بگویید.
- مبدا ایرادهای گفتاری او را به قصد تمسخر یا ریشخند تکرار کنید یا به روش او حرف بزنید
- مبدا از فرزندت درخواست کنی و به او اصرار ورزی واژه‌های را که در تلفظش نادرست است، درست تلفظ کند، چون این اصرار امکان دارد کودک را سست کند و او را از پیشرفت باز دارد، در نتیجه شما هم صبرتان را از دست دهید با اینکه مهمترین تکیه گاه انسان برای مواجه شدن با مشکلات صبر است؛ دچار بی‌صبری یا کم‌صبری شوید.
- وقت‌هایی را از روز به کودک اختصاص بده و با او تنها باش و از اصلاح خطاهای او در حضور دیگران حتی برادرانش پرهیز.
- فهرستی از خطاهای گفتاری کودک تهیه کن تا بدانی در چه مواردی نیاز به اصلاح دارد.
- حرکات و شکل ضروری زبان و لب‌ها را در تلفظ صحیح بررسی کن و از آینه استفاده کن.
- کودکانی هستند که پس از آموزش، نحوه‌ی تلفظ آن اصلاح شده است و به صورت طبیعی صحبت می‌کنند؛ ولی به هر دلیل دوباره غفلت کردند و به جای اول بازگشتند. برای حل این مشکل شایسته است شواهد و قراین بیشتری را تقدیم کرد تا والدین روند اصلاح گفتار کودک را با علاقه دنبال کنند. باید به کودک گفت: اگر به صورت درست، حرف بزنی، دیگران صحبت تو را بهتر می‌فهمند و هر قدر درست تر صحبت کنی آنان

تو را بیشتر دوست خواهند داشت و احترامت را حفظ خواهند کرد^۱.

۳- چگونه به پیشبرد زبان و توسعه گفتار فرزندت کمک می کنی؟

- ۱- هر قدر می توانی با او صحبت کن. کارها را برایش توضیح بده. با زبانی ساده، طوری که بفهمد به سؤالاتش جواب بده.
- ۲- به سخنان فرزندت گوش بده. هنگامی که صحبت می کند، عجله مکن و این پیام و حالت را به او مرساں که کار و عجله داری!
- ۳- او را تشویق کن عوض کاربرد اشاره هر قدر می تواند از الفاظ و واژگان استفاده کند.
- ۴- تلاش هایش را در مسیر یادگیری تحسین کن؛ ولی در آن زیاده روی مکن تا انگیزه ی رشد و پیشرفتش تشویق و تحسین تو نباشد.
- ۵- خطاهای گفتاری اش را با محبت اصلاح کن و از این بهره یز که هر بار دهانش را باز کرد تا حرف بزند؛ خطایش را اصلاح کنی، بلکه اگر در یک جمله چندین خطا داشت؛ فقط یکی را اصلاح کن و تلفظ صحیح جایگزین را به او بگو.
- ۶- اگر کند صحبت کرد تو عجله کنان جمله اش را کامل مکن یا کلمه ای را که بر آن توقف کرده است؛ بر زبان نیاور، بلکه قدری منتظر باش تا خودش بگوید.
- ۷- مطالب یا داستان هایی را برایش بخوان، چون هر قدر بخوانید یا صحبت کردن تو گوش فرا دهد گفتارش تقویت خواهد شد و تعداد واژه ها و الفاظی را که دریافت می کند؛ افزایش می یابد.
- ۸- بر او فشار میاور و کاربرد کلمه یا خواندن آن را بر او تحمیل مکن.

۱- السبعی، عدنان، الصحة النفسية لأطفال المدرسة الابتدائية.

۴- فرزندت لکنت زبان دارد، چه می‌کنی؟

با لکنت سخن گفتن یکی از امور شناخته شده و شایع در کودکان است، چون گاهی بچه می‌کوشد تا حرف بزند؛ ولی با تمام تلاشی که دارد، نمی‌تواند کلمه را درست تلفظ کند و گاهی پیش از اینکه کلمه‌ی بعدی را تلفظ کند چند مرتبه آوای تکراری از دهانش بیرون می‌شود.

معمولاً لکنت زبان در اثر اسباب روانی پدید می‌آید. اسباب روانی لکنت در اثر کمبودهای جسمی بیشتر است و به طور ناگهانی و هنگامی در کودک نمایان می‌شود که عوامل روحی روانی بر زندگی او اثر می‌گذارد.

سبب پیدایش لکنت زبان در کودک، ارتباط نادرست او با اطرافیانش است چون هنگامی که او با صحبت کردن از جلب توجه دیگران ناکام می‌ماند؛ نگران می‌شود و احساس می‌کند باید تند حرف بزند ورنه دیگران از اطراف او پراکنده خواهند شد یا توجه شان را از دست خواهد داد. اما اگر کسانی روش حرف زدن او را به تمسخر بگیرند، مشکل لکنت او افزایش می‌یابد.

یکی دیگر از بیشترین اسباب پیدایش لکنت گفتار کودکان، رخدادهای داخل منزل است هنگامی که پدر یا مادر خشمگین می‌شود و در قبال عملکرد کودک با خشونت یا با عصبانیت با او صحبت می‌کند و به او اجازه و فرصت نمی‌دهد تا به آرامی حرفش را بزند، در حالیکه بچه، له‌له‌زنان تلاش دارد حرف بزند و بیگناهی خود را اعلام کند یا حتی ابراز شرمندگی و عذرخواهی کند... همین طور است زمانی که والدین بر بچه فشار می‌آورند تا درمورد قضیه‌ای با عجله صحبت کند.

بنابراین اگر بچه دچار لکنت شد، باید والدین به نوع تعامل خویش با کودک بنگرند و رخدادی را بیابند که سبب پیدایش لکنت زبان کودکشان گشته است.

○ به فرزندت فرصت بده. او را سرپرستی و بر او صبر کن تا از عارضه‌ی لکنت زبان رهایی یابد.

- تلاش نکن تا او را به سریع صحبت کردن وادار کنی. در شنیدن حرف او عجله مکن و به او بگو: هر قدر به وقت نیاز داری اشکالی ندارد، مهم آن است تو حرفت را بزنی!، چون این حالت در او باعث ایجاد آرامش و عدم نگرانی و در نتیجه عدم لرزش صدا و دوری لکنتش می‌گردد.
- سخنانش را با توجه گوش بده و هرگز صریح یا به کنایه به او مگو: که تو از روش صحبت او در مقابل دیگران خجالت می‌کشی یا ناراحت هستی!
- تلاش نکن کلماتی را که در آن دچار لکنت می‌شود؛ کامل گردانی، چون این روند هرگز به درست صحبت کردن او کمک نمی‌کند.
- به او بفهمان که او در زندگی تو بچه‌ی بسیار مهمی است؛ لذا او اجازه دارد برای زدن حرف‌هایش هر قدر نیاز بود وقت تو را بگیرد.
- او را تشویق کن تا گاهی با تو یا با دیگران در گوشی صحبت کند، یا با صدای آهسته حرف بزند، چون بعضی بچه‌ها فقط زمانی دچار لکنت می‌شوند که با صدای بلند صحبت می‌کنند.
- او را تشویق کن تا آیات قرآنی یا صدای آهنگین خوب و زیبا بخواند، چون بسیاری از کسانی که دچار لکنت زبان هستند، هنگام آهنگ خواندن، لکنت ندارند.
- به هیچکس اجازه نده که وی را عصبانی یا مسخره کند؛ نیکو است در این زمینه با حکمت و با روشی شایسته برخورد کنی (تا باعث نگرانی بیشتر بچه‌ات و افزایش لکنت زبان او نگردی، و آن شخص آزرده نگردد).^۱

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

فصل شانزدهم:

فرزندم به مدرسه می‌رود

شکی نیست که هر کودکی از این نقطه‌ی مرحله‌ی تاریخی، یعنی نخستین روز مدرسه در زندگی خویش، خواهد گذشت. به همین دلیل این روز اهمیت زیادی دارد و اگر تو به این روز اهتمام نوری؛ پس کودک هرگز به آن توجه نخواهد کرد و اگر تو با نگرانی زیاد در انتظار این روز هستی؛ قطعاً کودک همچون تو نگران خواهد بود.

متأسفانه بسیاری از پدران را می‌بینیم یک هفته مانده به آغاز سال تحصیلی به طوری افراط آمیز سرگرم تهیه‌ی وسایل تحصیلی مورد نیاز کودک‌اند، در حالی که از کمک کردن به کودک شان برای سازگاری با محیط و چهره‌های جدیدی که در مدرسه با آن مواجه خواهد شد؛ غفلت می‌ورزند.

○ تلاش کن یکی دو نفر از بچه‌هایی که در مدرسه با کودک هم کلاس خواهند بود، دعوت کنی تا با آنان آشنا شود و با آنان درآمیزد.

○ سعی کن پیش از اینکه کودک به سن مدرسه برسد، مثلاً در چهار سالگی، علاقه به مدرسه را در روان او پیروزی.

○ هنگامی که بر صفحه‌ی تلویزیون کودکان یک مدرسه ظاهر می‌شوند و دارند سرود می‌خوانند یا بازی می‌کنند. سعی کن با گفتن جملاتی زیبا و جذاب علاقه‌ی به مدرسه را در کودک پیروزی؛ مثلاً بگو: خوش به حال شان! چقدر لذت می‌برند!». وقتی تو هم بزرگ شوی، می‌توانی مثل آنان بشوی! ...

○ بعضی وسایل تحصیلی را که کودک در مدرسه به آن نیاز دارد برایش تهیه کن و به او بگو: این‌ها را برای این نگر می‌دارم تا وقتی که بخواهی به مدرسه بروی.

○ اگر کودک از تو سؤالاتی کرد که پاسخ دادن به آن به اطلاعاتی نیاز داشت، طوری به سؤالاتش جواب بده که با عمرش تناسب داشته باشد و به او بگو: در این زمینه اطلاعات بیشتری را در مدرسه فرا خواهی گرفت.

○ چند روز پیش از بازگشایی مدارس و به مناسبت نزدیک شدن رفتنش به مدرسه خرید وسایل مورد نیازش را آغاز کن و تا آن روز رفتن‌اش را جشن شادمانی گردان تا علاقه‌اش فزونی گیرد.

○ مادر گرامی در روز اول که بچه‌ات برای اولین روز به مدرسه می‌رود، تو او را همراهی نکن، زیرا شاید با توجه به وابستگی‌اش به تو نتواند از تو جدا شود.

○ روز قبل از آغاز مدرسه با روشی جذاب و هیجان‌انگیز با کودک‌ت از فردا صحبت کن مثلاً به او بگو:

- فردا در این لحظه توی مدرسه خواهی بود و با دوستان جدیدت دیدار خواهی کرد و آشنا خواهی شد.

- فردا در این لحظه پشت می‌آیم تا با همدیگر به خانه بازگردیم.

شایسته است زمانی را که او تعطیل می‌شود با دقت دنبال و کنترل کنی تا زیاد منتظرت نماند؛ زیرا اگر در رفتن به دنبال کودک تأخیر کنی، او می‌ترسد و نگران می‌شود، بویژه که آن لحظه همه‌ی کودکان باید با پدر و مادرشان به منزل شان باز می‌گردند.

○ صبح روز اول، باید به کودک‌ت اطمینان و آرامش بدهی. یکی از دشوارترین لحظاتی که کودک در روز اول مدرسه با آن مواجه خواهد شد، لحظه‌ای است که پدرش او را ترک می‌کند و در مدرسه تنه‌ایش می‌گذارد تا با معلم و لحظه‌ی تاریخی زندگی‌اش را شروع کند. باید این لحظه خیلی زود، بدون تردید و این دست و آن دست کردن از او خداحافظی کنی و به او زیاد توجه نکنی و تأکید کنی که در موعد مقرر به دنبالش خواهی رفت تا او را به مقصد منزل همراهی کنی.

○ پس از بازگشتن از مدرسه از فعالیت‌ها و برنامه‌های امروزش جویا شو. در مسیر بازگشت از چیزهای عادی پیرامونت با او سخن بگو.

○ به کودک‌ت بیاموز که پس از بیرون شدن از مدرسه در کنار دیگران بماند و با غریبه‌ها صحبت نکند و از افراد ناآشنا شیرینی، شوکلات یا خوراکی دریافت نکند و

نپذیرد و با کسی که او را نمی‌شناسد؛ حتی اگر گفت: بابا یا مامان من را فرستاده است، بیرون نرود.

۲- خو گرفتن به مدرسه:

بعضی از کودکان در آغاز سال اول دبستان تا مدتی هر روز صبح گریه می‌کنند و ترس شان ادامه دارد.

○ اگر کودک هر روز صبح گریه کرد، در مقابلش خشم را بروز مده و آرامشت را حفظ کن.

○ از سلامت فرزندت از هرگونه بیماری جسمی اطمینان حاصل کن.

○ به فرزندت اطمینان بده که در موعدی مقرر به مدرسه خواهی رفت و او را به منزل خواهی آورد.

○ فرزندت را تشویق کن تا از امکانات موجود در مدرسه استفاده کند و از بازی با اسباب بازی‌های آن لذت ببرد و در بازی‌ها مشارکت ورزد.^۱

۳- زود به مدرسه رفتن:

بعضی از پدران دوست دارند، کودک شان در مدت زمان کوتاه و با تلاشی اندک، آموزش ببیند، آنگاه افتخار می‌کنند که فرزندشان پیش از سن طبیعی آموزش وارد مدرسه شده است و ... یا گروهی دیگر تلاش می‌کنند پیش از ورود به مدرسه و قبل از سن قانونی‌اش خواندن و نوشتن را به او بیاموزند آنان به این امر افتخار می‌کنند.

حقیقت آن است که این قبیل کارها مغز کودک را خسته می‌کند و در واقع کودک هدفی را دنبال می‌کند که در وقت خود باید به آن می‌رسید. این ماجرا به اسبی می‌ماند که

۱- مرسی، محمد سعید، فن تربية الأولاد في الإسلام؛ خانم دکتر رسمیه، علی خلیل، سنهاولی مدرسه؛ الإرشاد النفسي في مرحلة الحضنة.

صاحبش آن را به کاری بیش از توانش موظف کند، ناگزیر است، به دنبال هدف صاحبش می‌دود.

شایسته است بدانیم که این کار، کودک را از لذت بردن از سال‌های دوران کودکی و شیرین‌ترین زمان زندگی و از پرورش جسم و اخلاقش محروم می‌کند؛ ایامی که او می‌باید در خانه باشد و آموخته‌هایی را به طور طبیعی در خانه فرا گیرد.

۴- یادگیری زبان‌های بیگانه:

یکی از اموری که امروزه خیلی به آن توجه می‌شود و علاقه‌ی شدیدی را به خود جلب کرده؛ یادگیری زبانهای خارجی است. در حقیقت مد روز این است که در مرحله‌ی پیش دبستانی کودک بیش از یک زبان خارجی را آموزش ببیند. آن هم در زمانی که هنوز تلفظ زبان مادری‌اش کامل نگشته است^۱.

حال ببینیم رسول الله ﷺ چگونه و کی از زید بن ثابت رضی الله عنه درخواست کرد تا او زبان عبرانی را که زبان یهود بود یاد بگیرد. آری او در یادگیری زبان عربی؛ خواندن و نوشتن آن به مهارت کافی رسیده بود و مقدار زیادی از قرآن کریم را حفظ کرده بود زید رضی الله عنه خود چنین می‌گوید:

در زمان آمدن پیامبر به مدینه‌ی منوره، مرا به محضر رسول الله ﷺ آوردند و گفتند: یا رسول الله! این نوجوانی است از (قبیله‌ی) بنی نجار و هفده سوره را از آنچه بر تو نازل شده حفظ کرده است. آنگاه من بر رسول الله ﷺ تلاوت کردم سپس او از این امر (خوشحال و) شگفت زده شد و فرمود: ای زید! کتاب یهود را بیاموز، چون به خدا

۱- نویسنده در متن کتاب به هجای «زبان مادری» زبان عربی را نوشته بود؛ ولی چون خوانندگان متن فارسی این کتاب در کنار زبان فارسی به زبان‌های دیگری از جمله کردی، ترکی، بلوچی و حتی عربی تکلم می‌کنند، بنده برای تناسب «زبان مادری» را برگزیدم. (مترجم)

سوگند من آنان را بر کتاب خودم، امین و قابل اعتماد نمی‌دانم. زید گوید: سپس من هم آن را یاد گرفتم. سپس نصف ماه بیشتر نگذشته بود که من آن را به خوبی یاد گرفتم.

فصل هفدهم:

چرا فرزندم دروغ می‌گوید؟

۱- یادگیری از الگو:

اگر تصور کنیم کودک خردسال راست و دروغ را از یکدیگر تشخیص نمی‌دهد به خطا رفتیم، چون کودک با فطرت پاک به دنیا می‌آید؛ ولی رفته رفته دروغ، راست، امانتداری و... را از محیطی که در آن زندگی می‌کند، یاد می‌گیرد. دروغ یک خصلت اکتسابی و معمولاً یک پدیده‌ی ظاهری است که از انگیزه‌های درونی و روانی کودک سرچشمه می‌گیرد.

مثلاً کودکی که پدرش به او می‌گوید: به تلفن بگو: من نیستم، یا مادری که از دخترش می‌خواهد عوض او صحبت کند و به زن همسایه بگوید: مامان خونه نیست؛ تا از آمدن و دیدار همسایه خلاص شود، یادگیری صداقت و پرهیز از دروغ، در آینده برای چنین کودکی، دشوار است. شایسته نیست با ادعای اینکه «دروغ مصلحتی» است؛ در مقابل کودک دروغ بگوییم. در چنین شرایطی، فرموده و رهنمود پیامبر ﷺ را به یاد بیاوریم. عبدالله بن عامر رضی الله عنه می‌گوید: روزی پیامبر ﷺ در منزل ما نشسته بود، مادرم مرا صدا زد و گفت: هان! بیا اینجا تا این را به تو بدهم، رسول الله ﷺ به او فرمود: «چه چیزی را می‌خواستی به او بدهی؟» او گفت: به او خرمایی می‌دهم رسول الله ﷺ به او فرمود: «اما اگر تو چیزی را به او نمی‌دادی، یک دروغ (در پرونده‌ات) ثبت می‌شد»^۱.

۲- چرا بچه‌ها دروغ می‌گویند؟

در آغاز باید این نکته را مورد تأکید قرار دهیم؛ نوعی دروغ وجود دارد که «دروغ خیالی» نام دارد و ما نمی‌توانیم آن را دروغ بنامیم. یکی از نشانه‌های آن حالتی است که مثلاً در خردسال چهار ساله مشاهده می‌شود، اگر او را دیدیم که با استفاده از خیالش

۱- روایت ابوداود.

داستانی غیرواقعی بافته است؛ نباید آن را دروغ فرض کنیم، چون قدرت خیال پردازی کودک منحصر به فرد است و او در این سن، نمی‌تواند واقعیت و خیال را از یکدیگر تشخیص دهد و هر قدر عمرش بالا رود، می‌تواند حقیقت و خیال را از یکدیگر تشخیص دهد و این نوع دروغ رخت بر می‌بندد.

گاهی کودک به خاطر رقابت با والدینش که او را به سختی مجازات می‌کنند؛ دروغ می‌گوید؛ لذا او برای گریز از مجازات، دروغ می‌گوید یا گاهی به قصد دشمنی با برادر کوچکش دروغ می‌گوید، چون او در محبت کردن والدین رقیب او است؛ لذا به او حسادت می‌ورزد و او را به شکستن آینه یا خراب کردن رادیو و یا انداختن وسایل متهم می‌کند. انگیزه‌ی این نوع دروغ گفتن‌ها، تبعیض در رفتار با بچه‌ها است.

گاهی کودک به قصد لطیفه‌گویی و شوخی با دوستانش دروغ می‌گوید. و از این فرموده‌ی رسول الله ﷺ بی‌اطلاع است، رسول الله ﷺ فرمود:

«من خانه‌ای را در وسط بهشت برای کسی ضمانت می‌کنم که دروغ را هر چند به مزاح ترک کند»^۱. و فرمود: «وای بر کسی که برای مردم سخن دروغ می‌گوید، تا آنان را بخنداند، وای بر او باد. وای بر او باد»^۲.

کودکی که دروغ می‌گوید گاهی احساس کمبود می‌کند، لذا دروغ می‌گوید تا مهر و محبت اطرافیانش را به دست آورد. چه بسا ادعا می‌کند که بیمار است چون نمی‌خواهد به مدرسه برود. در چنین مواقعی اطمینان یافتن از این امر، ضروری است، چون امکان دارد واقعا مریض باشد و به معاینه‌ی پزشک نیاز باشد (یا شاید چنین نباشد).

۳- بچه‌ها را چگونه از عادت دروغ رهایی بخشیم؟

ابتدا باید انگیزه‌های پنهان دروغ گفتن را شناسایی کرد؛ لذا اگر کودک زیر چهار سال

۱- روایت بی‌هقی.

۲- روایت ترمذی.

دروغ بگوید، به نرمی با او رفتار کنیم و فرق میان واقعیت و خیال را به او بیاموزیم. اگر بالای چهار سال بود؛ بدون اجبار و فشار با او در مورد صداقت و اهمیت آن صحبت می کنیم و مهر و محبت خود را نسبت به او ابراز می داریم و او را به داشتن اعتماد بنفس تشویق می کنیم و در گفتار و کردارش، اهمیت امانتداری و صداقت را به او نشان می دهیم (و در میان رفتارهایش آن خصلت ها را تشویق می کنیم).

این فرموده ی پیامبر ﷺ را به او می آموزیم، هنگامی که از او پرسیدند: آیا مسلمان، بزدل می شود؟ فرمود: «بله»، (پرسیدند) آیا مسلمان، بخیل می شود؟ فرمود: «بله»، (گفتند: آیا دروغ می گوید؟ فرمود: «خیر!»^(۱)

به او می آموزیم که ایمان و دروغ یکجا جمع نمی شود و کوچک و بزرگ دروغ یکی است و فرقی ندارد. از فرموده های رسول الله ﷺ در مورد صداقت و امانتداری با او صحبت می کنیم؛ اسماء بنت یزید رضی الله عنها گوید: (عرض کردم) یا رسول الله! اگر یکی از ما در مورد چیزی که دوست دارد؛ بگوید: آن را دوست ندارم، آیا این دروغ محسوب می شود؟ فرمود: «یقیناً دروغ، (آنطور که هست، بعنوان) دروغ ثبت می شود، حتی دروغ کوچک (هم بعنوان) دروغ کوچک ثبت می شود»^۲.

آیا جمله ای زیباتر از این حدیث رسول الله ﷺ هست که فرمود:

«پایبند صداقت و راستی باشید، چون صداقت به نیکوکاری می انجامد و نیکوکاری به بهشت ختم می شود و شخص پیوسته راست می گوید و در جستجوی صداقت است، تا اینکه در نزد خداوند راستگو ثبت شود. و از دروغ پرهیزید، چون دروغ به هرزگی و فساد می انجامد و هرزگی و فساد به آتش (جهنم) ختم می شود و شخص پیوسته دروغ می گوید و در جستجوی دروغ است، تا اینکه نزد خداوند دروغگو ثبت شود»^۳.

۱- روایت مالک در الموطأ، بیهقی در شعب الإیمان.

۲- مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۶۲ گوید: روایت احمد و طبرانی در الکبیر.

۳- روایت مسلم.

یکی از کارهای خطرناک این است که کودک نزد ما به خطایش اعتراف کند، سپس ما پس از اعترافش او را مجازات کنیم، در چنین حالتی گویا ما او را بر صداقتش، مؤاخذه و مجازات می‌کنیم و عملاً کودک را به دروغ گفتن وامیداریم.

داستان عبدالله بن عمر رضی الله عنه و نوجوان را برای کودکت تعریف کن:

عبدالله بن عمر رضی الله عنه در مسافرت بود، او نوجوانی را دید که گوسفند می‌چراند، به او گفت: یکی از این گوسفندها را (برایم) می‌فروشی؟ او گفت: این‌ها از من نیست. گفت: به صاحبش بگو: یکی از آن‌ها را گرگ برده است او در جواب گفت: پس خدا کجاست؟ شاید یادآوری داستان چوپان دروغگو هم برای کودک خالی از لطف نباشد، همان چوپانی که در میان آبادی فریاد زد و مردم را جمع کرد و به آنان خبر داد که گرگ به گله‌ی گوسفندانش حمله کرده است، سپس خندید؛ ولی مرتبه بعد که گرگ حمله کرد و چند تا از گوسفندان را خورد هر چند او فریاد کشید، کسی به دادش نرسید، چون هر کس یکبار دروغ بگوید، دیگر کسی حرفش را باور نمی‌کند.

همیشه این فرموده‌ی رسول صلی الله علیه و آله را به یاد داشته باشیم که فرمود:

کسیکه به بچه‌ای بگوید: «بیا (این را) بگیر و (چیزی) به او ندهد، (برایش) یک دروغ ثبت می‌شود»^۱.

فصل هجدهم:

چرا کودکان به زشتی‌ها گرایش می‌یابند؟

تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از وضعیت‌های گرایش به خلاف در کودکان، به رنج‌هایی بر می‌گردد که کودک در دوران‌های نخست کودکی با آن دست و پنجه نرم می‌کرده است.

دکتر احمد عزت راجح، با اشاره به پژوهش که «دکتر بیرت» که مشهورترین پژوهشگران این عرصه است آن را انجام داده است، می‌گوید:

«شایع‌ترین، خطرناک‌ترین و نابود کننده‌ترین عوامل گرایش به خلاف و زشتی کودکان، عواملی است که به زندگی خانواده در دوره‌ی کودکی مربوط است، یعنی خانه‌هایی در اثر اختلاف یا مرگ یکی از والدین یا هر دویشان فرو پاشیدند، همچنین خانواده‌های بزهکار که پستی، شرابخواری و جنایت در آن رواج دارد سپس هشدار همراه با ایراد پدر که مجازات مرگبار یا به تعویق افتادن زیاد را به دنبال دارد یا خشونت و سختگیری در پیش گرفتن، همه و همه خطرناک‌ترین عوامل گرایش به خلاف کاری و زشتی را به پی دارد»^(۱).

۱- فرزندم دزدی می‌کند ... چه کنم؟

معمولاً کودک زیر پنج سال نمی‌تواند وسایل خود و دیگران را از یکدیگر تشخیص دهد، لذا اگر در پنج سال نخست از عمر کودک خیلی ناراحت نمی‌شویم اگر او را ببینیم که چیزی را دزدیده یا برداشته است؛ ولی نمایان گشتن سرقت در بعد از پنج سالگی، رفتاری است بیمار گونه که نیازمند توجه و درمان است.

گاهی علت دزدی، نیازمندی و درماندگی، یا وفات یکی از والدین یا دوری شان به مدت طولانی است، چنانکه گاهی کودک در اثر رشد و پرورش در محیط‌های آلوده که

۱- دکتر احمد عزت راجح، اصول علم النفس.

ارزش‌ها در آن متزلزل است، دزدی می‌کند. گاهی پدران در نگهداری اشیای گران قیمت و ارزان زیاده روی می‌کند و کودک در اثر حس کنجکاوی دوست دارد راز را کشف کند. شایسته است والدین با این مشکل کودک و مخاطره‌های آن به گونه‌ی پسندیده‌ای برخورد کنند و برایش توضیح دهند چرا این رفتار به طور کلی ناپسند است؟ اگر در مدرسه‌ای سرقتی اتفاق افتاد، باید شرایط و وضعیت هر سرقتی به طور جداگانه بررسی شود.

اگر بچه‌ی هفت ساله‌ات را دیدی که به کیف جیبی‌ات دستبرد زند تا مبلغ بالایی را از آن بردارد، و دوستانش را مهمانی بزرگی فراخواند، چه می‌کنی؟ آیا بدون اینکه او را بر کردارش مؤاخذه و سرزنش کنی و بدون بررسی عواملی که او را به این کار واداشته است، از او ابراز نفرت می‌کنی؟ باید بچه بداند که در زندگی هر رفتاری مرز دارد که نباید از آن تجاوز کند. باید یاد بگیرد، اگر خودکار دوستش را بدون اجازه برای خود بردارد، یا بدون آگاهی پدرش چیزی را از اموالش بردارد، این کار دزدی است.

نقل است که دادگاهی، به قطع دست یک سارق حکم داد، چون وقت اجرای حکم فرا رسید او با صدای بلند فریاد زد: پیش از اینکه دست مرا قطع کنید؛ باید زبان مادرم را ببرید، چون اولین بار که از همسایه‌مان تخم مرغی را دزدیدم او مرا سرزنش نکرد و از من نخواست که آن را به همسایه برگردانم، بلکه شادی کنان گفت: خدا را شکر بچه ام مرد شده است بنابراین اگر زبان مادرم از جنایت شادی نمی‌کرد من در جامعه دزد بار نمی‌آمدم^۱.

۱- دکتر سباعی، مصطفی، أخلاقنا الاجتماعية.

اگر بچه‌ات از مدرسه بازگشت و چیزی را همراه داشت که تو متوجه شدی آن را از هم کلاسش برداشته است؛ چه می‌کنی؟

ابتدا باید بدانیم که بچه‌های خردسال در سنین اولیه عمرشان شناخت دقیقی ندارد که چه چیزی از آن‌ها و چه چیزی از دیگران است. با او صبر و بردباری رفتار کن. به او بیاموز که ما دوست نداریم. کسی بیاید و سرمایه و امکانات ما را تصاحب کند و بردارد، لذا نباید به سرمایه و امکانات دیگران دست درازی کنیم.

به او اطلاع بده که تو خبر داری او چیزی را برداشته است که از او نبوده؛ ولی از او ناراحت نیستی و فقط می‌خواهی حقیقت ماجرا را بدانی! هنگامی که ماجرا را به تو بازگفت، سعی نکن برایش اسباب بازی بخری و او را به طمع بیندازی، چون این کار او را تشویق خواهد کرد تا ماجرا را تکرار کند و به هدایای دیگری دست یابد.

اگر احساس کردی او حقیقت را به تو گفته است، می‌شود در آن لحظه او را در آغوش بگیری و صداقتش را تحسین و تشویق کنی.

در پایان ماجرا پولها و اشیا را به مدرسه یا به صاحبانش برگردان البته سنجیده و به گونه‌ای باشد که کودک رسوا نگردد و کارش برملا نشود و مورد تمسخر قرار نگیرد و حتی المقدور ماجرا بین خودتان بماند و کسی از آن باخبر نشود! به یاد داشته باش که پیشگیری از درمان بهتر است؛ لذا پولها و اشیا را به طور پراکنده مگذار تا به آن دست درازی کند.

اگر چیزی را شکسته دیدی که بچه از آن ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت: به او ربطی ندارد، چه می‌کنی؟

مراقب باش جوی را ایجاد نکنی که در آن رعب و وحشت حکمفرما باشد، چون در آنصورت بچه را به پنهان کاری و کتمان حقیقت وادار کردی و او پس از آن از روبرو شدن با حقیقت گریزان و به انحراف کشیده خواهد شد.

همیشه او را به بازگو کردن حقیقت تشویق کن و میزان شادمانی‌ات را از شنیدن حقیقت ماجرا ابراز دار. از بازجویی و پرس و جوی مجدد کودک در مورد صداقت گفته‌هایش بپرهیز؛ چون این ریزبینی و بازجویی، بچه را وادار خواهد کرد تا سخن و داستان‌ش را عوض کند. هنگامی که پس از گفتن حقیقت ماجرا، شبح مجازات بر کودک سایه نیفکند؛ خواهد آموخت که در آینده پایبند صداقت و راستی باشد.^۱

۱- دکتر مبیض، مأمون، أولادنا.

فصل نوزدهم:

کودکت را در راه خدا دستگیری کن

۱- پایه‌ریزی عقیده‌ی درست در کودک:

شکی نیست که پایه‌ریزی عقیده‌ی درست در کودک از خردسالی از اهمیت بالایی برخوردار و کار ساده‌ای است؛ ولی موارد زیر را مدنظر بگذار:

- ۱- به سؤالات دینی کودک متناسب با سن و سطح درک و فهمش پاسخ بده.
- ۲- تفسیر و تحلیل‌های نامتناسب از دین به کودک ارائه مده.
- ۳- در امر و نهی به کودک معتدل باش و کودک را به چیزی بیش از توانش وادار مکن.

۴- در حوادث تلخ و دردناک، نام خدا را به کودک تلقین مکن، چون تجربه‌های ناگوار در به شک انداختن انسان مؤمن و گرایش‌اش به کشش‌های بی‌دینی، اثرگذار است^۱.

۵- تلاش کن در وقت‌های شاد و دوست داشتنی نام خدا را برای کودک به کار ببری، چون کودک از چهار ماهگی که صحنه‌ی بلند کردن دست به قصد نیایش را در بزرگسال مشاهده می‌کند، متوجه می‌شود همین طور هر گاه لباس جدید بپوشد یا بخورد و بنوشد به یاد خدا باشد و از خدا تشکر بکند و بگوید: «خدایی را سپاس که به ما خوراکی و نوشیدنی داد و ما را مسلمان گرداند».

۶- شایسته است کودک را زیاد از عذاب و خشم خدا و آتش جهنم و هول‌انگیز بودن آن نترسانند، بلکه به جای ترساندن به تشویق و ترغیب او بپردازند. بدین سان احساس و شناخت دینی کودک از محبت و امیدواری رشد می‌کند و پرورش می‌یابد.

شایسته است همیشه به کودک نگوییم: «خداوند، انتقام‌گیر و مجازات‌گر است و تو را

۱- روایت ترمذی؛ ابوداود و ابن ماجه.

مجازات و نابود خواهد کرد و تو را به آتش جهنم خواهد افکند» تا بدین ترتیب خداوند را ذاتی آزار دهنده و ترسناک نپندارد. یقیناً محبت خداوند بیش از ترس و مجازات او، همگان را به اطاعت از فرمان‌هایش وا میدارد؛ لذا کودک خود را به راز و نیاز با پروردگارش عادت دهیم تا از نعمت‌هایش سپاسگزاری کند و هنگامی که مرتکب تقصیری شد از او آمرزش بطلبد تا همیشه با پروردگارش ارتباط صمیمانه داشته باشد، همه‌ی این‌ها باید با کلماتی ساده و کوتاه و متناسب با سن‌اش باشد، مثل اینکه بگوید: «خدایا، تو را دوست دارم؛ به پدرم روزی بده، مادرم را شفا بده، مرا خوش اخلاق گردان، توبه کردم پس از من درگذر، خدایا، تو را شکر و سپاس! و...».

حاکم و بیهقی (از امامان حدیث) روایت کنند که جوانی از انصار را ترس از خدا فرا گرفت. هر گاه یادی از جهنم می‌شد می‌گریست آنقدر که این ترس او را خانه نشین کرد. مطلب را با رسول الله ﷺ در میان گذاشتند، او به خانه (اش) آمد، چون پیامبر ﷺ بر او وارد شد؛ او را در آغوش گرفت او بر زمین افتاد و (در دم) جان سپرد، پس پیامبر ﷺ فرمود: «دوستان را (برای دفن) آماده کنید، چون ترس (دلش را ترکاند و) جگرش را پاره کرد»^۱.

لذا مربی باید درمقابل کودکان قضیه‌ی جهنم را ملایم و معتدل مطرح کند و ماهرانه از کنارش بگذرد و روی ترساندن از جهنم ترکیز نکند و تمرکز نوزد.

۷- والدین باید محبت رسول الله ﷺ را در جان و دل کودکان خردسال شان بپرورند.

لذا با استفاده از داستان‌های سیره‌ی مبارکش ﷺ بعضی از خصلت‌های شخصیتی پیامبر ﷺ را به آنان بفهمانیم مثلاً از محبت‌اش با کودکان و خادمان و توجه‌اش به حیوانات سخن بگوییم و وقایع دوست داشتنی زندگی را بیان کنیم.

۱- روایت حاکم با اسناد صحیح؛ بیهقی.

۸- ایمان به قضا و قدر را به او می‌آموزیم، چون عمر انسان محدود و روزی‌اش پیش‌بینی شده است، لذا او جز از خداوند از کسی چیزی نخواهد و جز او از کسی یاری نجوید.^۱

۹- به او می‌آموزیم که خداوند را بر همه‌ی داده‌ها و عطاهاش بستاید. به او می‌آموزیم که سرمایه‌ی ما از خدا است، هر چند او بگوید: نه از فلان جا است از محل کارکرد بابا است. به او می‌آموزیم، شایسته است انسان چگونه کار کند تا خوراک و پوشاک و نیازمندی‌های فرزندانش را تهیه کند.

۱۰- برای فرزندت فرق میان حلال و حرام و آنچه را می‌خواهیم و نمی‌خواهیم توضیح بده. مثلاً اگر خواستیم که او ساعت نه شب بخوابد نباید آن را با مفهوم حرام قاطی کنیم!

به انتظارات و خواسته‌هایت از کودک، رنگ و بوی دینی مده تا آن را بر او تحمیل کنی، چون در حالت تقصیر و کوتاهی کودک خیلی احساس گناه می‌کند و فکر می‌کند چون تخت خوابش را مرتب نکرده است؛ مرتکب عمل حرام شده است.

فرق میان کارهای زشت که تو را آزار می‌دهد و میان زشتی‌های اخلاقی و شرعی را برایش بازگو کن و توضیح بده، چون مثلاً سر و صدا کردن یا در نیاوردن کفش پر گل و رفتن از روی فرش حرام نیست؛ در حالی که تجاوز حقوق کودک دیگر یا برداشتن چیزی که از او نیست از نظر شرعی و اخلاقی همیشه حرام و ناپسند است.

۱۱- خوش اخلاقی را در کودک پروران چون ایمان بدون اخلاق نیک و پسندیده ارزشی ندارد و عبادت بدون داشتن اخلاق نیک حرکات بی‌روح و بی‌ارزش است. پیامبر ﷺ فرمود: «در قیامت هیچ چیزی از اخلاق نیک در میزان (اعمال) بنده، سنگین‌تر (و با ارزش‌تر) نیست».^۲

۱- تربية الأطفال في رحاب الإسلام؛ تربية الأبناء علم له أصول.

۲- روایت ترمذی.

فرزندان از سخنان زشت، دروغ، دشنام، نفرین و... برحذر دار. آنان را از انواع قمار بازی‌ها، بازی شانس و برد و باخت، حتی اگر برای سرگرمی باشد؛ برحذر دار، چون این کار رفته رفته به قمار بازی و دشمنی می‌انجامد و برای مال و وقت شان ضرر دارد.

۱۲- آنان را از مجلات مبتذل، تصاویر برهنه، داستان‌ها و رمانهای پلیسی و جنایی، جنسی و فیلم‌ها و... برحذر دار.

۱۳- به آنان بیاموز که دین، صرفاً لقلقه زبان، شهادت با زبان، مراسم و مناسک نیست، بلکه مازاد بر این‌ها دین، عاطفه و احساسی پاک است که در اعماق وجود هر انسان او را به رفتار شایسته با دیگران وامیدارد و دین، رفتار شایسته است.

۱۴- گرایش به زیبایی و زیبا پسندی را در کودکت با همراهی‌اش به روستا، کنار دریا، کوه، طبیعت و پارک و جاهای دیدنی تغذیه کن. بگذار تا زیبایی طبیعت به اعماق وجودش نفوذ کند و هیبت و عظمت آفریدگار دلش را بکوبد چون این دلهای پاک خیلی زود از محبت خدا سرشار می‌گردد.

۱۵- به آنان بیاموز که فقط از خدا تقاضا کنند و فقط از او یاری بطلبند. فرموده‌ی پیامبر ﷺ را به آنان بیاموز که فرمود: «هرگاه درخواست کردی از خداوند درخواست کن و هرگاه یاری خواستی از خداوند یاری بخواه»^۱.

۱۶- به خاطر داشته باش که تو الگوی فرزندان هستی، لذا چیزی جز آنچه که خدا را خشنود می‌گرداند انجام مده.

۱۷- جز لقمه‌ی حلال خوراک فرزندان مکن. از رشوه خواری، ربا خواری، دزدی، دغلکاری پرهیز که (خوراکی تهیه شده از هر یک از اینها) باعث بدبختی، سرکشی و نافرمانی شان خواهد شد.

۱- روایت ترمذی و احمد.

۱۸- فرزندان را نفرین مکن؛ زیرا گاهی دعای بد هم اجابت می‌شود و چه بسا که این باعث افزایش گمراهی و .. بشود. بهتر است به بچه بگویی: خدا تو را اصلاح کند.^۱

۱۹- خصوصیات دعای مستجاب را خاطرنشان ساز و برای سعادت دنیا و آخرت فرزندان دعا کن. رسول الله ﷺ فرمود:

«مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، أَوْ دَعَا، اسْتُجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلَاتُهُ».

«کسیکه شب بیدار شود (و در بسترش پشت و رو شود) و بگوید: معبودی لایق پرستش جز الله یگانه نیست. او همتایی ندارد. فرمانروایی از آن او و حمد و ستایش زیننده‌ی او است و او به هر چیز توانا است. الله منزّه است حمد زیننده‌ی او است. هیچ معبودی جز خداوند لایق پرستش نیست و خداوند بزرگ است و هیچ قدرت و نیرویی را توانی جز با خواست خداوند نیست سپس بگوید: بار خدایا! مرا بیمارز یا دعا کند، از او پذیرفته شود، اگر وضو گیرد و نماز بخواند، نمازش قبول می‌شود».^۲

۲- آماده‌سازی کودک برای عبادت خدا:

از چهار تا پنج سالگی می‌شود کودک را به وضو گرفتن و نماز خواندن عادت داد و او را به آن علاقمند کرد. ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲] «خانواده‌ات را به نماز خواندن فرمان بده و بر آن صبر کن».

به فرزندان مان می‌آموزیم که ما برای آن نماز می‌خوانیم تا خداوند ما را دوست داشته باشد و پاداش نمازگزاران بهشت است. آداب مسجد رفتن را آموزش می‌دهیم و به آنان

۱- مرسی، محمد سعید، فن تربية الأبناء في الإسلام، عبدالحالقی، حامد، خذي بيد طفلك إلى الله.

۲- صحیح بخاری.

یادآوری می‌کنیم در مسجد فریاد نزنند و آشغال توی مسجد نریزند. پیامبر ﷺ به انس بن مالک، شایسته و درست نماز گزاردن و به اطراف نگاه کردن را در حالی آموزش داد که او هنوز کودک بود. پیامبر ﷺ به او فرمود: «پسرم! مبدا در نماز به اطراف بنگری، چون در نماز به اطراف نگرستن موجب هلاکت است. اگر ناگزیر بودی پس در نماز نفل (می‌توانی بنگری) نه در نماز فرض!»^۱.

هنگامی که کودک آداب رفتن به مسجد را فرا گرفت، پدر او را با خود به مسجد می‌برد.

از امام مالک رحمه الله در مورد کسی سؤال شد که بچه را با خود به مسجد می‌آورد؛ پرسیدند آیا این کار مستحب است؟ او فرمود: اگر ارزش و جایگاه ادب را دانسته و به آن دست یافته است و شوخی ناشایست نکرد؛ اشکال نمی‌بینم؛ ولی اگر کوچک و از ادب ناآگاه و بیخبر باشد و شوخی ناشایست بکند؛ آن را نمی‌پسندم.

مسئولیت و وظیفه‌ی بزرگان آن است که با خردسالان به نرمی، شایستگی و دلسوزی برخورد کنند. چه بسیار بزرگسالانی را دیدیم که با کودکان رفتار نفرت انگیزی داشتند؛ بر آنان فریاد کشیدند یا آنان را از مسجد بیرون کردند و همین رفتارشان در بزرگسالی دوری و نفرت این خردسالان را از مسجد به پی داشته است.

۳- آموزش و حفظ قرآن برای کودکان:

بکوش که کودکت را به آموزش و حفظ قرآن کریم تشویق کنی، چون آموزش دوره‌ی خردسالی بادوامتر و پابرجاتر است و این برای آینده اصل و اساس است. نیکو است آنچه کودک می‌خواند به او فهمانده شود چون بسیاری از گذشتگان امت اسلامی از خردسالی قرآن را با فهم خوبی حفظ کردند، به طور مثال امام شافعی رحمه الله را بین که

۱- روایت ترمذی با سند حسن غریب.

می‌گوید: «من قرآن را در هفت سالگی و کتاب موطای مالک را در ده سالگی حفظ کردم».

شایسته است بخشی از فضایل آموزش، حفظ و تلاوت قرآن به کودک گفته شود، مثلاً «کسی که در یادگیری و حفظ قرآن مهارت دارد با فرشتگان پاک و مقرب خدا در بهشت است و کسیکه قرآن را می‌خواند و در خواندن آن دچار لکنت می‌شود و خواندنش بر او دشوار است؛ دو پاداش دارد و قاری قرآن به ازای هر حرفی که تلاوت می‌کند ده پاداش دارد».

شکی نیست که الگوی نیکو در پذیرش کودک، تأثیر بسزایی دارد؛ لذا کودکی که پدرش را در حال تلاوت و تدبر در مفاهیم قرآن می‌بیند با بزرگداشت و گرامیداشت قرآن پرورش می‌یابد.^۱

خواننده‌ی گرامی و برادر ارجمند! به خاطر داشته باش، بهترین سرمایه‌ای که برای فرزندان به جا می‌گذاری، حفظ کتاب خدا و عمل به آن است، چون پیامبر ﷺ فرمود: «کسیکه قرآن را بخواند و به دستوراتش عمل کند، در قیامت بر سر پدر و مادرش تاجی گذاشته می‌شود که روشنایی‌اش از نور خورشید اگر در خانه‌های دنیا باشد بیشتر است».^۲

شایسته خواهد بود که قرآن کریم را به کودکان مان بیاموزیم و به اندازه‌ی درکش از قرآن آن را برایش تفسیر کنیم؛ ولی خیلی اصرار نوزیم تا از قرآن دلزده نشود، چنان که گروهی از پدران به کودک اجازه نمی‌دهند که قرآن را از دستش زمین گذارد. آنان فکر می‌کنند کار درستی را انجام می‌دهند!

۱- ناصح علوان، عبدالله، تربية الأولاد في الإسلام.

۲- روایت ابوداود، یکی از راویانش زبان بن فائد است که ضعیف است و بدین علت ذهبی می‌گوید: «قوی نیست».

ابن خلدون در مقدمه‌اش به موضوع آموزش قرآن به کودکان در خردسالی اهتمام ورزیده و گفته است: «آموزش دادن قرآن به کودکان، نشانه‌ی ویژه‌ای از نشانه‌های دین اسلام است، ملت مسلمان در گذشته به آن توجه کرده است و در تمام سرزمین‌ها به خاطر گرایش که در دلها ایجاد می‌کند و ایمان و عقاید ایمانی را استحکام می‌بخشد؛ آموزش قرآن را دنبال و آیاتی از قرآن و نصوصی از احادیث را حفظ کردند و قرآن اساس آموزش قرار گرفت که به دنبال آن مهارت‌های علمی دیگر فرا گرفته می‌شد».^۱

نقل است که قاضی پارسا و پرهیزکار عیسی بن مسکین به دختران نوادگانش قرآن می‌آموخت، چون پس از عصر می‌شد دو تن از دخترانش و دختران برادرش را فرا می‌خواند تا به آنان قرآن و علم بیاموزد. همین روال را پیش از او فاتح «صقلیه» اسد بن فرات با دخترش اسما در پیش می‌گرفت، کسیکه از نظر علمی به مقام بلندی دست یافت.

۴- کودک چه چیزی را حفظ کند؟

- ۱- کودک را تشویق کن تا هر قدر توانست، قرآن، احادیث نبوی، دعا‌های مأثور صحیح را حفظ کند.
- ۲- این دعا را به کودک بیاموز تا آن را پس از هر بار حفظ کردن بخواند: «بار خدایا! آنچه را که حفظ کردم به تو سپردم سپس هر گاه به آن نیاز داشتم، آن را به من برگردان!»^۲.
- ۳- او را متوجه ساز که چیزی را یاد گرفته است، امام مالک رحمته الله را دختری بود که دانش او را حفظ می‌کرد. او پشت در می‌ایستاد، چون دانش آموز اشتباه می‌کرد او آهسته به در می‌کوبید، لذا مالک متوجه می‌شد و آن را دوباره بر او می‌خواند.

۱- مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۱۰۳۸

۲- متن عربی دعا: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ مَا حَفِظْتُ، فَرِّدْهُ إِلَيَّ عِنْدَ حَاجَتِي إِلَيْهِ».

- ۴- در قبال حفظ کردن‌ها، به فرزندت پاداش بده، تا او را بر افزایش کسب دانش تشویق کرده باشی. پدر ابراهیم بن ادهم به او می‌گفت: فرزندم! حدیث را فرا بگیر! هرگاه یک حدیث را شنیدی و حفظ کردی، یک درهم (جایزه) داری، ابراهیم گوید: بدین منوال من حدیث را فرا گرفتم.
- حال ما هم می‌توانیم پس از حفظ کردن مثلاً ربع جزء از قرآن کریم یا هر قدر که امکان داشت به او مبلغی را به عنوان پاداش بدهیم و این روند را دنبال کنیم.
- ۵- فرزندت را مجبور نکن تا بدون اینکه فرصتی برای استراحت یا بازی به او بدهی؛ پیوسته حفظ کند.
- ۶- به معلمی که حفظ را به فرزندت می‌آموزد؛ پاداش بده.
- امام ابوحنیفه رحمته را ببین هنگامی که فرزندش حماد سوره‌ی فاتحه را حفظ کرد، مبلغ پانصد درهم به معلمش هدیه کرد که قیمت قوچ در آن زمان یک درهم بود. معلم این سخاوت را زیاد پنداشت، چون او فقط سوره‌ی فاتحه را به بچه‌اش آموخته بود، که امام ابوحنیفه رحمته در جواب گفت: «آنچه را که به بچه ام آموزش دادی کم‌مپندار و من اگر پول بیشتری همراه می‌داشتم به خاطر گرامیداشت قرآن حتماً آن را به تو می‌پرداختم»^(۱).
- بدین سان، تلاش و کوشش معلم مورد تقدیر قرار می‌گیرد، حال ما کجا و امام ابوحنیفه رحمته کجا؟!

۵- ساختمان دینداری را در فرزندت تخریب مکن:

- عواملی وجود دارد که ساختمان دینداری را که دوست داری در دل فرزندانت آباد بماند؛ تخریب می‌کند. مهمترین این عوامل که به فرزندانت صدمه می‌زند:
- ۱- تغییر دادن عبادت‌ها به حرکاتی سمبولیک که از روح و معنا تهی است.
 - ۲- دوگانگی در رفتار: اینکه بچه از والدین آموزه‌ها و فرمان‌هایی را دریافت کند که

۱- از مقدمه‌ی «فتح باب العناية»، تحقیق: علامه عبدالفتاح ابوغده، ص ۱۹.

خود خلاف آن عمل کنند.

۳- اجبار کردن به انجام شعایر دینی: گروهی از مردم هستند که تا نوجوانی از تربیت فرزندان غافل‌اند! آنگاه چون نماز نخواند پدر با کتک او را به نماز وادار می‌کند! این پدر تا حالا کجا بود؟! پس چرا پیش از این فرزندش را به مسجد و نماز علاقمند نکرد؟

۶- تربیت اخلاقی و دینی:

«بستالوتزی» تربیت اخلاقی و دینی را سرآغاز اهداف مربیان قرار می‌دهد و می‌گوید: در این بخش از آموزش با تمام پدیده‌هایش جسم بر روح سیطره می‌یابد، اما جایگاه عنصر مقدس در آن نادیده انگاشته می‌شود، آری یقیناً ابتدا باید کودک نماز بخواند و پس از آن بیندیشد.

برای آموزش اخلاق و رفتار نیکو به کودکان راه‌ها و روش‌های فراوانی است از جمله الف: روش مستقیم: این روش همان نصیحت و راهنمایی است و بازگو کردن فایده‌ها و ضررهای آن.

ب: روش غیر مستقیم: این با زبان کنایه و غیر صریح است مثل اینکه ابیات و اشعار حکمت آمیز و داستان‌های هدفمند و عبرت آموز را به کودک آموزش دهی.

ج: الگوی نیکو: چون کودک برای سخن گفتن با کسانی ارتباط برقرار می‌کند که در گفتار و رفتار با آنان علاقمند است. مادر موفق و شایسته کسی است که به فرزندانش کمک می‌کند و آن‌ها را راهنمایی می‌نماید تا احترام پدرشان را حفظ و به او نیکی کنند، لذا آنان به پذیرش پند و اندرز و فرمانبرداری روی می‌آورند، اما مادر ناموفق و ساده کسی است که فرزندانش را نادانسته سرکش و نافرمان بار می‌آورد.

* اگر فرزندان از تو پرسید، چرا پول‌مان را به مستمندان می‌دهیم؟!

به او می‌گوییم: این مستمند یک انسان است و به پول نیاز دارد تا بخورد و زنده بماند. آنچه ما داریم خداوند آن را به ما عطا کرده است و سرمایه‌ها از خدا است، لذا ما باید

بخشی از آن را به نیازمندان هدیه کنیم! آیا تو می‌پسندی که گرسنه باشی و کسی نباشد که به تو یک لقمه غذا بدهد؟! .. آنگاه باید قدری پول به او بدهی تا آن را به مستمندان تقدیم کند... با تکرار این کار او به صدقه دادن و توجه به نیازمندان عادت خواهد کرد.

* اگر کودکت از تو در مورد خداوند سؤالی کرد:

با سادگی به او بگو: هیچ چیز مثل خدا نیست؛ زیرا خداوند کسی است که همه‌ی موجودات را آفریده است؛ لذا باید با همه‌ی پدیده‌های هستی تفاوت داشته باشد. مثلاً نجار که وسایلی را می‌سازد، با هیچ یک از ساخته‌هایش همانند نیست. خداوند ذاتی است که بشر، جماد و فرشتگان و همه‌ی موجودات را آفریده است، لذا ناگزیر باید با همه‌ی آفریده‌هایش تفاوت داشته باشد.

فصل بیستم: داستان‌های کودکان

۱- تأثیر داستان بر کودک

از زمان‌های کهن داستان سحرانگیز بوده و روانها و دلها را تحت تأثیر قرار می‌داده است. شکی نیست که خواننده و شنونده‌ی داستان گریزی ندارد جز اینکه خودش را در یکی از صحنه‌های داستان تصور کند.

کارشناسان می‌گویند: از زمانی که کودک پا به دو سالگی می‌گذارد معمولاً از شنیدن داستان لذت می‌برد.

هنگامی که کودک چهار ساله می‌شود، به درک بالایی از محیط می‌رسد و به داستان‌های ماجراجویانه علاقمند می‌شود.

در پنج سالگی کودک آماده‌ی فراگیری و آموزش است و به داستان‌هایی که اطلاعاتی را در اختیارش قرار دهد و او را آگاه گرداند، گرایش دارد.

در این مراحل باید از طرح داستان‌های ترسناک و وحشت‌انگیز برای کودک پرهیز کرد و داستان‌هایی مثل جن، دیو، جادو و جادوگری آدم‌های پست و بدطینت را نباید برایش تعریف کرد.

اما کودکان شش و هفت ساله از داستان‌های ملی و مردمی لذت می‌برند. در هشت و نه سالگی کودکان به شناخت گذشته علاقمند می‌شوند و به کتاب‌های زندگینامه و سرنوشت قهرمانان جنگها می‌پردازند اما کودکان ده و یازده ساله به دنبال الگو هستند، لذا به داستان زندگی بزرگان، فراز و نشیب‌ها و جنگها نیازمند هستند.

مشخص کردن آغاز و پایان این مراحل در زندگی کودک امکان‌پذیر نیست، چون امکان دارد از نظر زمانی تداخل یابد، چنان که پسران و دختران با یکدیگر تفاوت دارند^۱.

۱- یحیی، یحیی الحاج، القصة وأثرها على الطفل المسلم.

متأسفانه بازار کتاب پر از داستان‌ها، رمانها و نمایشنامه‌هایی است که با نیاز کودکان ما تناسب ندارد.

به طول مثال داستان‌های دیو و غول با تمام پیچیدگی و وحشت به ذهن کودکان مان راه یافته است در حالی که مطالب بسیاری در آن است که با اعتقادات و باورها و فرهنگ ملی - اسلامی مان همخوانی ندارد.

اما اسطوره‌هایی که خداوند دریا، خداوند رعد و برق، خداوند آتشفشانها و ... سخن می‌گوید که به طور کلی با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی همخوانی ندارد؛ لذا چنان که دکتر نجیب گیلانی می‌گوید: شایسته نیست با خطر دینی و علمی که این اسطوره‌ها دارند، ترجمه یا چکیده‌ای از آن را به کودک مسلمان تقدیم کنی.^۱

شایسته است که به دو گونه از داستان‌ها توجه شود که امکان دارد بر پرورش و بینش کودک اثر منفی بگذارد؛ گونه‌ی اول: داستان‌های برگردان شده مثل ماجراجویی‌های «میکی» و «تاتان» و امثال آن.

گونه‌ی دیگر: داستان‌های ماجراجویانه‌ای که خیلی وقت‌ها مبالغه‌آمیز است، مثل «سوپرمن»، «طرزان»، «رامبو» و... که معمولاً بچه‌های سنین ده و یازده سال جذب آن می‌شوند و متأسفانه بعضی از آن‌ها آرمانهای ناپاکی را دنبال می‌کنند مثلاً حاوی حوادثی است که به بی‌باکی، بی‌پروایی و دزدی و امثال آن تشویق می‌کند، چنان که کودکان می‌آموزند که قهرمانان هر چه بخواهند با اتکا به دست و سلاح پیشرفته شان انجام می‌دهند و به قوانین پایبند نیستند و احترام نمی‌گذارند.

۲- آیا داستان‌های فوق جایگزین دارند؟

بله، خدا را شکر بسیار زیادی از کتاب‌های خوب و هدفمند کودک وجود دارد که به عنوان نمونه تعدادی از آن را یادآور می‌شویم:

۱- دکتر گیلانی، نجیب، أدب الاطفال في ضوء الإسلام.

- * قصص القرآن، محمد موفق سلیمه.
- * قصص الأنبياء، استاد محمد أحمد برانق.
- * أنبياء الله، أحمد بهجت.
- * صور من حياة الصحابة، دكتور عبدالرحمن رأفت الباشا.
- * صور من حياة التابعين، دكتور عبدالرحمن رأفت الباشا.
- * سلسلة أحسن القصص، استاد عبدالفتاح رواس قلعجي.
- * قصص النبيين، استاد ابوالحسن ندوی.
- * السيرة النبوية للأطفال، استاد عبداللطيف عاشور.
- * سلسلة الكنز الخالد، استاد خالد مختار بزره.
- * قصص من الروض النبوي، استاد محمد موفق سلیمه.
- * سلسلة من القصص الإسلامية، استاد علوی طه الصافي^(۱).
- * قصه‌های کليلة و دمنه.
- و غيره که زياد اند.

بسیاری از پدران شکوه دارند و می‌گویند: دهها کتاب شکیل و گرانبه برای فرزندانم خریدم؛ ولی متأسفانه آنان کتاب نمی‌خوانند!

اما باید گفت: مشکل در خرید کتاب، یا خریداری کتاب شکیل و گرانبه نیست؛ ولی باید از خودت بپرسی آیا روزی از روزها در کنار کودکت نشستی و با صدای بلند یک داستان را برایش خواندی؟ یا پس از اینکه کتاب یا داستانی را خواند، آیا از او خواستی تا چند کلمه یا بخشی از داستان را برایت تعریف کند؟ یقیناً کودک به اهتمام و

۱- بعضی از کتب فوق، مانند کتب عبدالرحمن رأفت الباشا و ابوالحسن ندوی به فارسی ترجمه شده، و برخی از آنها در سایت کتابخانه عقیده (www.aqeedeh.com) موجود است. (مُصحح)

توجه تو نیاز دارد. او دوست دارد به دغدغه‌ها و آنچه که دل و خاطرش را آرام می‌کند، پردازی و احساسات و عواطفش را درک کنی.^۱

بنابراین عادت دادن کودک به کتابخوانی از این طریق به دست می‌آید نه با خرید کتاب‌های شکیل و گرانبه:

۱- داستان‌هایی را انتخاب کن که فواید اخلاقی، علمی و ادبی داشته باشد و از داستان‌هایی از جن، عفریت و تخیلات و توهّمات صحبت می‌کند، دوری کن و بپرهیز.

۲- سعی کن در هنگام خواندن یا بازگو کردن داستان به تناسب صحنه‌ها و صداهای مورد نیاز صدايت را تغییر بدهی.

۳- شایسته است گاهی داستان، علیرغم اینکه رویکرد اخلاقی دارد؛ خنده دار و طنز آمیز باشد.

۴- شایسته است شخصیت‌های خوب و مثبت داستان و سجایای اخلاقی آنان مورد تمجید قرار گیرد و در آن بخش سخن به درازا کشد.

۵- سعی کن داستان را پیشاپیش آماده کنی و داستان مناسب را در وقت مناسب برگزینی مانند سخن گفتن از صداقت همزمان با طرح سخن از آسیب‌های دروغ باشد و ...

۶- کودکت را با شنیدن داستانی که دوست ندارد، یا در وقتی که نمی‌پسندد وادار مکن.

۷- در هنگام طرح داستان به فرزندان اجازه بده تا مشارکت کنند.

۸- در هر بخش از داستان خیلی کوتاه به درس یا پندی که می‌شود از آن گرفت؛ توجه کن.

۱- شارونی، یعقوب، تنمية عادة القراءة عند الأطفال.

۹- در پایان داستان از آنان بپرس؛ از این داستان چه بهره‌ای بردیم و به چه نتایجی رسیدیم؟

۱۰- داستان جذابی را در دسترس کودکان قرار ده. آن‌ها را به یک کتابخانه یا کتابفروشی بزرگ ببر تا خودشان از نزدیک با داستان‌ها آشنا شوند و داستان‌های مفید و مورد علاقه‌شان را انتخاب کنند. شایسته است که در این اثنا ما هم آنان را راهنمایی کنیم ...، چون کودک زود خسته می‌شود و در انتخاب داستان‌ها بسیار تنوع طلب است.

۱۱- ابتدا داستان‌های ساده‌ای را برایش بیاور. به او کمک کن تا زبان گفتار و اندیشه‌اش را رشد و رونق بخشد.

۱۲- کتاب‌ها و دانستنی‌های علمی ساده و فراوانی وجود دارد که خیلی از کودکان برای کسب اطلاعات بیشتر جذب آن می‌شوند (آن‌ها را غنیمت شمار و آن را برای کودکان تهیه کن).

۱۳- در کتابخوانی الگوی فرزندان باش، مثلاً اگر تو در خانه کتاب نمی‌خوانی و مطالعه نمی‌کنی؛ چگونه از آنان توقع داری که دنبال دانش و شناخت باشند؟! کسانی که فکر می‌کنند، تلویزین وسیله‌ای است کافی برای کسب فرهنگ و دانش؛ سخت اشتباه می‌کنند.

۱۴- سعی کن کودک را از گزارش‌ها و اطلاعاتی که به آن گوش فرا می‌دهی، آگاه گردانی آن‌ها را با زبان ساده و قابل به آنان توضیح بده. از وقتی که در خانه یا ماشین با فرزندان هستی استفاده کن، با آنان حرف بزن و به گفته‌هایشان گوش بده.

۱۵- کتاب‌های مسابقات فرهنگی وجود دارد، آنان را تشویق تا سؤالات را از یکدیگر بپرسند و خودشان به آن جواب بدهند!

۳- از این گونه داستان‌ها بر حذر باش:

- ۱- از داستان‌های ترس و وحشت و بزهکاریها دوری کن که باعث ترس و بزدلی کودک می‌گردد.
- ۲- از داستان‌های عشقی و جنسی پرهیز، چون بسیار اشتباه فاحشی است؛ اگر چنین داستان‌هایی را برایشان پخش یا تعریف کنی.
- ۳- از داستان‌هایی پرهیز که به رذالت و پستی فرا می‌خواند و انسان را به خوبی و خوبان، نیکی و نیکان فرا نمی‌خواند.
- ۴- از داستان‌های تخیلی علمی پرهیز که کودک را دچار ناکامی و ناتوانی می‌کند، لذا شایسته است از داستان‌های «گراندایزر، سوپرمن، نینجا، علاءالدین و چراغ جادویی و امثال آن» بر حذر باشی، چون علاءالدین و چراغ جادویی، گونه‌ای از تخیل است که با عقیده‌ی اسلامی تضاد دارد و به کودک می‌آموزد؛ هر کس به جن پناه ببرد، جن به او کمک می‌کند. این داستان‌ها این را می‌آموزد؛ که گاهی انسان با انگشت از خطرها نجات می‌یابد.

۴- داستان قبل از خواب:

- شکی نیست که داستان قبل از خواب از دید کودک خیلی مهم است چون این داستان در اثنای خواب در ذهن کودک، استوار و پایدار می‌شود لذا مادر باید به پایان خوش و شیرین داستان اهتمام ورزد و پایبند باشد و از تعریف کردن داستان‌های خشونت آمیز یا خرافی پرهیزد؛ زیرا شکل ترسناک آن در ذهن نقش می‌بندد و باعث بد خوابی یا بی‌خوابی او می‌شود.
- روانشناسان از مادران درخواست کردند؛ خودشان را عادت دهند پیش از خواب کودک یک داستان ساده و آموزنده به کودک بگویند و مادر با صدای دل انگیزش آن را تعریف کند. این بهتر است از این که بر برنامه‌های تلویزیون، سی دی یا ویدیو اعتماد

کنند، زیرا حضور مادر در کنار تخت خواب کودکش ارتباطش را با او می‌افزاید و او را از ترس و کابوس خواب رهایی می‌بخشد.^۱

۱- دکتر یسری عبدالمحسن، کیف تعامل مع طفلك؛ دکتر شحاته، حسن، قراءات الأطفال.

فصل بیست و یکم: به فرزندان تان ارزش‌ها را آموزش دهید

۱- اخلاق رسول الله ﷺ

شریعت اسلامی آمد تا مردم را به بهترین و درست‌ترین راه‌ها راهنمایی کند و آنان به صراط مستقیم رهنمون سازد که رسیدن به آن آنان را به سعادت دنیا و آخرت نایل می‌گرداند. اخلاقی که قرآن آن را یادآور شده یا به آن اشاره کرده است بیش از شمارش است. در حقیقت خداوند، بنده و پیامبرش ﷺ را با این فرموده توصیف کرده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝﴾ [القلم: ۴] «یقیناً تو به طور قطع از اخلاقی سترگ برخوردار هستی».

هیچ پیامبری جز سیدنا محمد ﷺ اینگونه توصیف نشده است، چون قرآن بعضی آنان را پارسا، دیگری را مؤمن راستین یا بردبار یا بسیار خداجو و یا بسیار شکرگزار خوانده است؛ ولی هیچ یک از آنان اینگونه توصیف نکرد: «یقیناً تو به طور قطع از اخلاقی سترگ برخوردار هستی».

از حکمت‌های روشن خداوندی است که محمد ﷺ خاتم پیامبرانش را به این جایگاه بلند عظمت اخلاقی اینگونه توصیف کند و این مقام انحصاری را فقط به او عطا کند؛ اخلاق پسندیده و نیکو ثمره‌ی ایمان به خدا، ایمان به زنده شدن پس از مرگ و قیامت است و این نکته‌ای است فرموده‌ی آن را تفسیر کرده است؛ «من صرفاً برای آن به پیامبری مبعوث شدم تا اخلاق نیک را به اتمام برسانم»^۱.

اگر اخلاق نیکو این قدر خصلت و صفت والایی است که خداوند (جل جلاله) پیامبرش ﷺ را به آن اختصاص داده است، پس به عنوان پدر و مادر باید اخلاق نیکو را در فرزندان مان بارور سازیم و آنان را بر آن پروریم و در هر لحظه معلم الگوی نیکوی آنان باشیم، چون هیچ خیر و نیکویی ندارد کسی که اخلاق پسندیده را آموزش می‌دهد؛

۱- روایت احمد؛ ابن سعد و الخرائطی در مورد مکارم الأخلاق. به نقل از ابوهیرة رحمه الله.

ولی خودش در زندگی عملی از آن به دور است. بارور کردن این فضایل در رفتار فرزندان مان امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه این فضایل را به واقعیت‌های عملی تبدیل کنیم.

ریچارد آیر، کتاب «علموا أولادکم القیم» (به فرزندان‌تان ارزش‌ها را آموزش دهید) را تألیف کرد و روانشناس بزرگ دوست و برادرم محمد عدنان سبئی و محمد بشار بيطار آن را به عربی برگرداندند و شواهدی را از ارزش‌های خدایی بزرگ (آیات و احادیث) را به آن افزودند، ارزش‌هایی که اسلام ما را بر آن پرورانده است. آن دو به نیکی از عهده‌ی کار برآمدند و کار را به نحو پسندیده به اتمام رساندند، خداوند به آنان پاداش نیک دهد. در این فصل ما چکیده‌ای را از آنچه در این کتاب آمده است؛ برگزیدیم.

۲- امانت‌داری:

- پدر باید با فرزندانش صادق باشد و در کمال سادگی و صداقت به سؤالات آنان پاسخ دهد.
- فرزندان را به صداقت تشویق کن از پیش گرفتن خشونت با آنان بپرهیز که صدق و کذب را با هم نیامیزند.
- هنگام مشاهده کردن صحنه‌ی، نیرنگ، دغل و دزدی، آنان را از عواقب آن برحذر دار و نتایج قابل پیش‌بینی را به آنان گوشزد کن و برایشان توضیح بده.
- اگر یکی از فرزندان ظرفی را در خانه شکست، با لحن تند و خشن از او بپرس: «کی این کار را کرد؟» زیرا لحن خشن خردسال را دروغ گفتن وامیدارد. بهترین رفتار آن است که بگویی: برایم روشن خواهد شد؛ چه کسی ظرف را شکسته است؟ و من خوشحال خواهم شد اگر کسی حرف حق را بگوید.
- به فرزندان بگو: پیامبر ﷺ فرموده است: «کسی که امانت دار نیست؛ ایمان ندارد»

و کسی که با وفا نیست، دین ندارد»^۱. و فرمود: «به کسی که به تو اعتماد کرده است، امانت را به او برگردان و کسیکه به تو خیانت کرد؛ به او خیانت مکن»^۲.

۳- شجاعت:

○ هر تلاش جسورانه‌ی ناگهانی فرزندان را مورد ستایش قرار دهد. به کمترین تلاش شجاعانه‌ی فرزندان حتی در سنین اولیه عمرشان پاداش بده.

○ در مقابل فرزندان ابراز شجاعت کن و از آن سخن بگو. شخصیت تو باید برایشان نمونه باشد. شایسته است به سادگی و پاکی با فرزندان در مورد سختی‌هایی که در زندگی با آن مواجه شده‌ای بدون بزرگ نمایی و تکبر سخن بگویی تا بدانند زندگی سختی‌هایی دارد حتی برای انسان‌های بزرگ

○ به آنان بیاموز شجاعت آن است که کاری انجام دهی که درست و ضروری است ... به یاری دیگران بشتاب ... اینکه قبل از رو به رو شدن با یک قضیه، در مورد آن تصمیم درستی بگیری ... و پیش از آغاز هر کار از خداوند یاری بخواهی.

۴- رفتار شایسته پیشه کنید:

○ این اصل قرآن را به فرزندان یادآور شو: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴] «با روشی که نیکوتر است روبرو شو، چون در آنصورت کسی میان تو و او دشمنی است (چنان می‌شود که) گویا دوست صمیمی است».

○ به آنان بیاموز اگر مردم از این روش پیروی کنند؛ هیچگونه درگیری، دشمنی، زد و خورد و محاکمه‌ای در کار نبود.

۱- روایت طبرانی.

۲- روایت ابوداود.

○ به آنان بیاموز که تعامل با مردم نیازمند تواضع، آرامش، حوصله، خودداری و... است و تواضع نیرویی است که نمی‌شود آن را دست کم گرفت و رسول الله ﷺ ما را فرمان داده است که بدون ذلت‌پذیری و سرکشی تواضع پیشه کنیم، او فرمود: «خداوند به من وحی کرد که با یکدیگر متواضع باشید و بعضی از شما بر دیگران نشورند و سرکشی نکنند»^۱.

دیگر اینکه ما باید در همه‌ی کارها خوش رفتار و ملایم باشیم، پیامبر ﷺ فرمود: «یقیناً خداوند رحیم و مهربان است و ملاطفت و مهربانی را دوست دارد و با ملایمت و مهربانی چیزهایی را می‌دهد که با خشونت و غیر آن نمی‌دهد»^۲.

آرامش و خودداری، از خصلت‌های بزرگ است، پیامبر ﷺ فرمود: «آیا به شما نگویم: آتش جهنم بر چه کسی حرام است؟» گفتند: بله ای رسول خدا!، فرمود: «آتش جهنم بر کسی (حرام است که آسانگیر، راحت، انعطاف‌پذیر و باگذشت باشد»^۳.

مسلمان، صمیمی، وفادار و خوگیرنده و دوستدار است^۴.

مطلب دیگر اینکه انسان مسلمان، بی‌رحم، سنگدل و تندخو نیست، چون خداوند فرمود: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹] «اگر بی‌رحم و سنگدل بودی، حتماً آنان از پیرامونت پراکنده می‌شدند».

○ از کوچکی به آنان بیاموز که رفتار شایسته و پسندیده، یک کار عملی و واقعی است؛ لذا اگر بچه‌ای در مقابلت داد و فریاد کشید یا هنگام درخواست چیزی، صدایش را بلند کرد، ابتدا از او بخواه که آرام باشد مبدا تسلیم خشم و عصبانیت اش شوی. خودت را کنترل و آرامشت را حفظ کن سپس او را کمی آنطرف‌تر ببر و بر مبل (کوچ) یا

۱- روایت ابوداود؛ ابن ماجه.

۲- روایت مسلم.

۳- روایت ترمذی؛ ابن حبان.

۴- روایت احمد.

صندلی بنشان اگر مطمئن شدی که خشم‌اش فروکش کرده است؛ چیزی را می‌خواست به او بده، در حالی که به او می‌فهمانی که رفتار شایسته و مسالمت‌آمیز بود که به او کمک کرد؛ به خواسته‌اش برسد؛ نه داد و فریاد، بنابراین داد و فریاد برایت هیچ فایده و نتیجه‌ای ندارد.

۵- اعتماد بنفس:

○ به فرزندان بیاموز که در کارشان بکوشند و تلاش کنند، چون خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُلِ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ [التوبة: ۱۰۵] «بگو کار کنید و بکوشید، چون خداوند، پیامبرش و مؤمنان کار و تلاش تان را خواهند دید».

رسول الله ﷺ فرمود: «هیچگاه و هرگز کسی غذایی نخورد که از دسترنج خودش بهتر باشد»^۱.

بچه‌ها باید در تحصیل خود فعال و بانشاط باشند و بکوشند تا در بزرگسالی بتوانند به خودشان متکی باشند و از دسترنج خودشان بخورند.

برای دیگران الگو باش و به آنان بفهمان که همیشه در جهت بهتر و پیشرفته تر شدن کار و زندگی‌ات تلاش می‌کنی.

○ فرزندان را بررسی و شناسایی کن. استعدادهایشان را بشناس و به آنان کمک کن تا خودشان را بشناسند و کشف کنند، چون یک حقیقت وجود دارد که مربیان آن را قبول دارند و آن اینکه:

«کودکان خمیر نرم و انعطاف پذیری نیستند که ما به دلخواه خود آن را قالب ریزی کنیم» بلکه باید گفت: آنان همچون نهال کوچکی هستند که ویژگی‌ها و خصوصیت‌های شخصی خود را دارد؛ لذا ما نمی‌توانیم نهال بلوط به درخت گلابی تبدیل کنیم، ولی باید

۱- روایت بخاری.

بکوشیم و کمک کنیم تا هر نهال و درختی به شکل و قالب ویژه‌ی خود رشد و پرورش یابد.

○ اجازه بده به جای اینکه فرزندان با دیگران مقایسه شوند، رکورد نمره‌های خود را در هم شکنند، (حایز بلندترین نمره‌ها گردند) تشویق شان کن تا در مقایسه با سال گذشته امسال در مدرسه به جایگاه بهتر و بالاتری دست یابند.

○ هرتلاش شان را مورد تقدیر و ستایش قرار ده و به آنان بیاموز آنگاه که ناتوان شدند، بگویند: من این کار و آن کار را نمی‌توانم انجام دهم؛ ولی در عوض می‌توانم این و آن کار را انجام دهم.

○ هر قدر می‌توانی پیشنهادات را برای فرزندان بیشتر از فرمان‌هایت باشد و عوض اینکه کمکت را بر آنان تحمیل کنی، از آنان بپرس آیا کسی از شما نیاز به کمک دارد؟

○ بکوش تا از حجم فرمان‌ها و تصمیمات تحمیلی به همان مقدار بکاهی که بر حجم تشویق‌ها و پیشنهادات می‌افزایی تا استعدادهایشان شکوفا شود. در آغاز به او مگو: چه کار باید بکند، بلکه اجازه بده خودش یاد بگیرد چه کار باید بکند، به او یادآوری کن چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد، چون یادآوری می‌تواند مفید واقع شود.

○ از کودکت بپرس بزرگتر نقطه‌ی ضعفش چیست؟ به نظر او بزرگترین مشکلش چه می‌توان باشد؟ راه حلی قطعی دارد، خداوند فرمود: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ﴾ [الشرح: ۵ - ۶] یقیناً همراه هر سختی یک آسانی است، به طور قطع هر دشواری یک آسانی دارد.

۶- میانه‌روی و انضباط:

خداوند، امت اسلامی را ملت میانه توصیف کرده و فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [البقرة: ۱۴۳] «بدین سان شما را ملتی میانه گردانیدیم تا

اینکه گواه بر مردمان باشید».

در خوراک، پوشاک، حرف زدن، ورزش، خرج کردن و... اعتدال کارساز است. به آنان پیاموز که مرز جسم و عقل را بفهمند و از زیاده روی دوری کنند و همیشه توازن و تعادل را رعایت کنند. به آنان بگو:

- زیاده روی در خوردن باعث چاقی ات می شود.
- زیاده روی در بازی چه بسا تو را خسته کند.
- زیاده روی در تماشای تلویزیون تو را از موفقیت در تحصیل باز می دارد ضمن اینکه آسیب ها و ضررهای دیگری هم دارد.
- به فرزندان پیاموز، میانه روی و اعتدال در هر کاری پسندیده است.
- اجازه بده فرزندان از پول مخصوص خود برای خودشان خرج کنند.
- فرزندان را تشویق کن تا در صدی از پول خود را به مستمندان و تنگ دستان اختصاص و صدقه دهند.

۷- عفت و اخلاص:

خداوند در کتاب گرانقدرش، خودداری ورزیدن از غوطه ور شدن در حرام (یعنی همان عفت) را از صفات مؤمنان برشمرده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَفِظُونَ﴾ [المؤمنون: ۵-۶] «و آنها که شرمگاه شان را حفظ می کنند. جز بر همسران شان یا (بر) کنیزان شان، پس بی گمان اینان (در بهره گیری از آنان) ملامت نمی شوند». لذا پدران پاکدامن شریف، فرزندان پاکدامن و با شرافت همچون خودشان را به جا می گذارند جوانان باید بدانید، بهترین و گرانمایه ترین هدیه ای که به زفاف تقدیم می کنی، عفتی است که پیش از ازدواج آن را پیشه کردی و آن را همراه داری و دلبستگی صادقانه ای است که پس از آن به شریک زندگی و همسرت داری.

علی رغم اینکه بعضی پدران در جوانی شان از عفت و پاکی چیزی نمی دانستند؛ ولی

حال، آنان را می‌بینی که در عصر وحشت انگیز و مرگبار ایدز، صادقانه و بی‌ریا مشتاق و امیدوارند که فرزندان‌شان از شهوت پرستی و هرزگی فاصله بگیرند و سربلند بمانند. پس ای پدرگرامی! در عفت و پاکی الگوی فرزندان‌ت باش». از یاد مبر که برایشان بیان داری، عفت مؤده سعادت کسانی است که پاکی‌شان را حفظ و خودشان را تا ازدواج کنترل کنند.

شکی نیست که اظهارات تو در مورد برنامه‌های تلویزیونی یا خواندن کتاب‌ها و مقالات باید کارشناسانه باشد و زیبایی فروتنی، عزت‌پایندی به دین و ثمرات چنگ زدن به اخلاق شایسته را باید بتوانی بدون تکلف به آنان نشان بدهی و مورد تأکید قرار دهی؛ در آن صورت انسان ابتدا به رضایت خداوند دست می‌یابد سپس سلامت و بهداشت خود را حفظ کرده و به سعادت دنیا و آخرت دست یافته است.

مهار عفت، چنان که هوسبازان می‌پندارند برای نابودی و در هم کوبیدن آزادی انسان نیست، بلکه ابزاری است برای بهره‌برداری و راهنمایی درست بشر

۸- وفا به عهد و پیمان:

همیشه این اصل قرآن را به فرزندان‌ت یادآوری کن، خداوند فرمود: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴] «به عهد و پیمان وفا کنید. یقیناً (در مورد) عهد و پیمان بازخواست می‌شود».

به خود و دیگران ثابت کن که تو مرد بانضباطی هستی و به پیمان‌هایت وفا می‌کنی و شایسته‌ی اعتماد هستی و اگر بخواهی مورد اعتماد باشی؛ باید از ساده‌ترین کارها شروع کنی، گفته‌هایت را مشخص کن؛ مثلاً به جای اینکه طی قولی نامشخص بگویی: «شب به تو سر می‌زنم»؛ به او وعده بده، ساعت هفت شب به دیدنت خواهیم آمد».

عوض اینکه به فرزندت بگویی: یادم بینداز، چون تصمیم دارم در جشن مدرسه‌ات شرکت کنم؛ به او بگو: «هر قدر درگیر و سرگرم کارهایم باشم، چون دوست دارم در

جشن مدرسه ات همراهت باشم و حضور داشته باشم؛ حتما شرکت خواهم کرد». هنگامی که فرزندان صبح زود به مدرسه می روند و زمانی که به مقررات پایبنداند، از آنان تشکر کن.

۹- احترام:

رسول الله ﷺ فرمود: «از امت من نیست کسی که به بزرگ ما احترام نگذارد و به کوچک رحم نکند و حق (و قدر) دانشمند ما را نداند»^۱. و فرمود: «هیچ جوانی، پیرمردی را به خاطر سن اش گرامی نداشت؛ مگر اینکه خداوند در همان سن کسی را برایش آماده ساخت تا او را گرامی بدارد»^۲.

اگر می خواهیم فرزندان ما در احترام گذاشتن به مردم توانا باشند باید خودمان با آنان محترمانه رفتار کنیم، محترمانه حرف بزنیم و کاری کنیم که کلاً احساس احترام کنند. بسیاری از پدران متأسفانه طوری با خردسالان شان رفتار می کنند، گویا آنان اشیانده نه اشخاص. آنان می گویند: «مادام که بچه ها خردسال اند، بگذار خردسال بمانند». خیلی وقت ها پدر را می بینی با این تصور که بچه ها چیزی نمی فهمند؛ به فرزندش توضیح نمی دهد، چرا باید چنین بکند یا چنان نکند، در حالی که حقیقت آن است آنان خیلی بیشتر از تصور ما می دانند، مثلاً پدر را می بینی به فرزندش می گوید: من به تو گفتم: باید اینطوری کنی و من پدرت هستم، فهمیدی؟

به فرزندان بیاموز، احترام گذاشتن به دیگران، یعنی رفتار دوستانه و مهربانانه در پیش گرفتن و با صمیمیت سخن گفتن و با کوشش برای جلب خشنودی خدا، تلاش برای کسب رضایت مردم.

۱۰- دوست داشتن:

۱- روایت احمد؛ حاکم؛ الطبرانی با سند حسن.

۲- روایت ترمذی.

پدر گرامی! باید به فرزندان توضیح دهی، که خشمات بر رفتار زشت آنان مانع نخواهد شد که آنان را صمیمانه دوست بداری، این مطلب را بارها و به هر مناسبتی بگو و مورد تأکید قرار ده و به آنان اطمینان بده که بدون هیچ شرطی آن را دوست داری؛ در عین حال دوستی‌ات هم مانع نخواهد شد که فرد متخلف، آزاردهنده و اهمال کننده را مجازات کنی و بلکه مجازات متوجه رفتار زشت او خواهد بود نه متوجه شخصیت او یا به خاطر دوست نداشتن او.

۱۱- ایثار:

معنی دقیق این فرموده‌ی رسول الله ﷺ را به فرزندان بیاموز که فرمود: «هیچ یک از شما مؤمن نمی‌شود تا زمانی که چیزی را که برای خود می‌پسندد برای برادرش (هم همان را) بپسندد»^۱.

برای فرزندان یادآوری کن که در دنیای جدید و قدیم، مردان مدینه‌ی منوره استادان گذشت و ایثار بودند، آنگاه که مهاجران مکه را پناه و یاری دادند و کل دارایی شان را با آنان تقسیم کردند، طوری که خدا را پسند آمد و در وصف شان آیه‌ای را نازل فرمود که تا قیامت تلاوت شود: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» [الحشر: ۹]

«و (نیز برای) کسانی که پیش از آنان در دیار خود (مدینه دار الاسلام) جای گرفتند و (نیز) ایمان آورده بودند، کسانی را که به سوی‌شان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل‌های خود از آنچه (به مهاجران) داده شده احساس حسد (و نیازی) نمی‌کنند، و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند».

به آنان بیاموز که نیازهای دیگران را درک کنند و اینکه سعادت‌مندی انسان در این است

۱- روایت بخاری و مسلم.

که در سعادت دیگران سهیم باشد^۱.

۱۲- خوش بر خورد بودن:

هر از چند گاهی به فرزندان تان یادآوری کن که انسان صمیمی فرهیخته از دید مردم تو دل بروتر و در دست یافتن به دوستی و محبت شان توانا تر است. حدیث رسول الله ﷺ را به آنان یادآور شود، هنگامی که مسلمان را اینگونه توصیف کرد: «مؤمن دوستدار و دوست داشتنی است و کسی که (دیگران را) دوست ندارد و (دیگران) او را دوست ندارند، خیری در او نیست»^۲. و با اینکه پیامبر ﷺ صاحب اخلاق سترگ بود، خداوند او را چنین خطاب کرد: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ [آل عمران: ۱۵۹] «اگر تندخو و سنگ دل باشی، حتماً آنان از پیرامونت پراکنده خواهند شد پس از (لغزش و خطای) آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه».

سعی کن با همه از جمله فرزندان خودت، صمیم و مهربان باشی و الفاظ تقدیر و تشکر و ابراز محبت و پوزش خواهی را زیاد استفاده کن؛ «تشکر می‌کنم»، «لطفاً»، «خواهش می‌کنم»، «بخشید» و... و در رفتار و کردارت باهوش، ماهر و تیزباش.

۱۳- عدالت:

با همه‌ی فرزندان تان به عدالت رفتار کن، طوری که همگان دریابند که در همه چیز یکسان هستند، لذا یکی پاداش دریافت نمی‌کند در حالی دیگری فراموش شود، یکی مجازات نمی‌شود که دیگری رها شود.

خلاصه: به راستی بارور کردن این بذرها در کودکان به یکباره امکان پذیر نیست، بلکه باید اندک اندک و همیشه پایبند این روند در فرزندان باشی تا این خصلت‌ها با

۱- خود نویسنده، أسعد نفسك وأسعد الآخرين، چاپ دارالقلم، دمشق و دارالبشیر، جدة.

۲- روایت احمد و بزار.

رشد آنان پرورش یابد و همیشه در زندگی همراه آنان باشد و هر یک از آنها فرزندی شایسته و صالح گردد که در همین دنیا و حتی پس از مرگ پدرش او را خوشبخت و راضی گرداند^۱.

۱- القاضی، احمد، أضواء علی التریبة فی الإسلام؛ دکتر احمد، محمد عبدالقادر، طرق تعلیم التریبة الإسلامية؛ خانم دکتر سعاد، ابراهیم صالح، علاقة الآباء بالأبناء فی الشریعة الإسلامية.

فصل بیست و دوم: فرزندان تان را ادب کنید

۱- آموزش ادب با الگو:

باید این نکته را نیک بدانیم، امکان ندارد فرزندان با مردم مؤدبانه رفتار کند، مگر اینکه ما با همسایه‌ها، مهمانان، خویشاوندان و هر وقت با همه‌ی مردم در کوچه بازار مؤدب باشیم.

اگر ما می‌خواهیم آنان با این آداب پرورش یابند، باید خودمان این آداب را رعایت کنیم.

یقیناً کودک ما وقتی با مردم مؤدب خواهد شد که یکی از ما را ببیند به احترام یک فرد مسن از صندلی خود در آن واحد بلند می‌شویم یا ما را ببیند که در سخن گفتن با مردم راست می‌گوییم و از کسی غیبت نمی‌کنیم و پس از خوش و بش کردن با کسی از او ایراد نمی‌گیریم و از لغزش و خطای دیگران چشم پوشی می‌کنیم و با هر انسان؛ صرف نظر از دیانت، عمر و جنسیتش به نیکی رفتار می‌کنیم.

باید بکوشیم برای فرزندان مان دوستانی سالم و صالح برگزینیم و خیلی نصیحت شان نکنیم تا خسته نشوند. شاید گاهی سخن اندک یا یک نگاه، یا اشاره تأثیری بیشتر از یک سخنرانی داشته باشد.

کاربرد کلمات فرهنگ اجتماعی را به فرزندان بیاموز، مثل اینکه به دوستش بگوید: لطفاً، خدا خیرت بدهد، متأسفم، متشکرم، اجازه بده، و ... چون این جمله‌ها و کلمات در ایجاد محبت و گذشت از لغزشها خیلی اثرگذار است، چنان که عبدالله بن مبارک رحمه الله گوید:

«یقیناً ما به ادب اندک، بیش از دانش بسیار، نیازمندیم».

۲- راز داری:

- فرزندان بویژه دختران را عادت بده از بازگوی هر چیزی که دیدند، یا شنیدند یا انجام دادند پرهیزند، مگر اینکه مطلب مربوط به خودشان باشد یا از آنان درخواست شود.
- آنان را عادت بده از منزل دیگران هیچ چیز حتی یک مداد را بر ندارند.
- فرزندان را در منزل دیگران هر قدر نشستند هیچ چیز بسته‌ای را باز نکنند، در باشد یا یخچال، کتاب باشد یا دفتر، مگر اینکه به آنان اجازه دهند یا از آنان بخواهند که چنین کنند.
- اگر در مجلس آدم بزرگی بود، به احترامش برایش جا باز کنند و او را در صدر بنشانند، جر و بحث نکنند و صدایش را بر او بلند نکنند.
- به فرزندان بیاموز با لباس و وسایلش بر هم قطارانش فخر فروشی یا برتری جویی نکند .. ثمره و مفهوم فرموده‌ی رسول الله ﷺ را به آنان بیاموز که فرمود: «کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد پس سخن نیک بگوید یا سکوت کند»^۱.

۳- فرزندان را عادت بده، خوش سلیقه باشند!

- هیچگاه سخن کسی را قطع نکنند.
- بدون اجازه از جیب کسی چیزی برندارند.
- کسی را تمسخر نکنند.
- به روی کسانی که جلویستند بویژه بر کسانی که از او بزرگتراند صدایش را بلند نکند.
- در داخل وسایل نقلیه به احترام آدم بزرگ از روی صندلی خود بلند شوند.
- صدای رادیو و تلویزیون را هرگز بلند نکند.
- اگر با تلفن صحبت کرد، بیش از سه دقیقه حرف نزند.

۱- روایت بخاری و مسلم.

- خیلی زود از خطا و لغزش خود پوزش بخواهد.
 - در مقابل مادر و پدرش پاهایش را دراز نکند.
 - در مقابل والدین یا مهمانان به طور زننده‌ای تکیه ندهد یا نخوابد.
 - مقابل کسی عمداً یا به تکلف آروغ نزند.
 - هنگام عطسه زدن یا خمیازه کشیدن دستش را روی دهانش قرار دهد.
 - هنگامی لباس‌هایش را در می‌آورد آن را بیاویزد و در هر جا آن را نیندازد.
 - پیش از باز کردن درِ کمد، کثو یا کیف برادر یا خواهرش، از آن‌ها اجازه بگیرد.
 - از جلوی خودش بخورد. هنگام خوردن ملج ملوچ نکند لقمه‌های بزرگ بر ندارد.
- با عجله و صدا دار نخورد و
- از حضور در سر وعده، یا محل قرار هرگز تأخیر نکند^۱.

۴- کاربرد تلفن:

- فرزندان مجازند با رعایت نکات زیر از تلفن استفاده کنند:
- پسر یا دختر شماره تلفن منزل را جز پس از آشنایی خوب و با اطلاع والدین به کسی ندهند.
 - اینکه مکالمه‌ی تلفنی برای هر سطح سنی از پنج دقیقه بیشتر نشود.
 - در یک روز مکالمات تلفنی نهایش از دو بار بیشتر نشود.
 - استفاده از تلفن با هم آهنگی و اجازه‌ی والدین صورت پذیرد.
 - مادری که مکالمات تلفنی‌اش به درازا می‌کشد، باید بداند که خردسالانش بازی گرفتن و هدر دادن وقت را می‌آموزند.

۱- مرسی، محمد سعید، فن تربية الأولاد في الإسلام.

۵- آداب اسلامی غذا خوردن را به فرزندان بیاموز:

- تا وقتی که دستهایش را نشسته است؛ غذا نخورد؛ چنان که پس از غذا دستهایش را بشوید.
 - پیش از خوردن و نوشیدن «بسم الله» بگوید.
 - با دست راست و از مقابل خود بخورد.
 - به اندازه‌ی نیاز غذا بخورد و در ظرف غذا چیزی را باقی نگذارد یا بعبارتی غذا به اندازه بکشد.
 - از غذا ایراد نگیرد. در غذای گرم و آب فوت نکند.
 - در ظرف نوشیدن آب نفس نکشد.
 - در پایان غذا خداوند را ستایش کند.
- این‌ها مواردی بودند که رسول الله ﷺ آن را رعایت می‌کردند چه زیبا است که ما هم فرزندان مان را بر این روش نبوی بی‌روبریم و واقعا چه روش زیبا و ارزشمندی است.

۶- به آنان بیاموز با شخصیت‌های علمی چگونه تعامل کنند؟

- به فرزندان بیاموز به شخصیت‌های علمی، فرهنگی و دینی احترام بگذارد و در معاشرت و برخورد با آنان به نرمی و ادب رفتار کند و به خدمت شان بشتابد، چون پیامبر ﷺ فرمود: «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند!».
- یحیی بن معاذ گوید: دانشمندان (و شخصیت‌های دینی) از پدر و مادر برای امت محمد ﷺ دلسوزتراند، گفتند: این چگونه امکان دارد؟ زیرا پدر و مادرشان (آحاد امت) آن‌ها را از آتش دنیا حفاظت می‌کنند و دانشمندان (دلسوز و شخصیت‌های دینی صادق و خیرخواه) هم آنان را از آتش آخرت حفاظت خواهند کرد.

فصل بیست و سوم: تربیت جنسی

۱- مسئولیت والدین در تربیت جنسی:

پدر و مادر گرامی!

به خاطر داشته باشد که آگاه سازی فرزندان از رشد جسمانی و جنسی شان بویژه هنگامی که آنان به سن بلوغ (جنسی) می‌رسند؛ مسئولیت پدر و مادر است چون اهمال آن باعث می‌شود، بچه شکار اطلاعات نادرست و پیریشان کننده شوند. یا در معرض اوهام و خرافاتی قرار می‌گیرند که آن را از اینجا و آنجا به دست می‌آورد.

هرگز به فرزندت میاموز که پدیده‌های رشد جنسی از کارهای زشت است، چون خطا است که بچه فکر کند قطعه‌ای از بدنش، چیز زشت و ناپسندی است.

به او بیاموز که خودش و جسمش را بپذیرد و به طور همزمان خودش را به عفت، خودداری و حجاب و حیا و دیگر آموزه‌های اسلامی آراسته کند.

ناگزیر باید تغییراتی را که بر جسم هر یک از پسر و دختر عارض خواهد شد به آنان آموزش داد، از برجسته شدن و رشد پستانها و عادت ماهانه برای دختر و روییدن موی زیر ناف و احتلام شبانه برای پسر سخن گفت. بکوش تا به روشی ساده و بدون برتری جویی به سؤالات بچه از موضوعات جنسی پاسخ بدهی؛ چون شاید بچه به طور ناگهانی از مادرش بپرسد؛ چطوری بچه‌ها را به دنیا می‌آوری؟ و چطوری آن‌ها را توی شکمت مخفی می‌کنی؟

سؤالی شایع که هر پدر و مادر با آن روبرو است، لذا باید با روشی ساده که متناسب کودک است، سؤالش را پاسخ داد، مثلاً به او بگوییم: فرزندم! به گیاه توی باغ نگاه کن. در آغاز یک دانه بذر بود که با سرپرستی و مراقبت کشاورز رشد و پرورش یافت، تو هم در آغاز همچون بذر در شکم مادر بودی و او از تو مراقبت کرد تا رشد کردی و کودک به دنیا آمدی.

در سن بالاتر می‌شود به او بگوییم: وقتی که خداوند جهان هستی را آفرید، نصف بذر بچه‌ها را در پشت مردان و نصف دیگران آن را در شکم زنان قرار داد و پس از اینکه مرد توان کارکردن می‌یابد، هر یک از دو نصف بذر تلاش می‌کند، نصف دیگر را پیدا کند، آنگاه زن توان اداره‌ی منزل را می‌یابد و پس از اینکه دو نیمه‌ی بذر یکدیگر را می‌یابند در شکم زن شروع به رشد می‌کند تا به دنیا بیاید.^۱

اگر کودک از تو پرسید، بچه چطور وارد شکم مادرش می‌شود؟ به او بگو: پیش از اینکه آن‌ها آفریده شوند؛ کوچکتر از یک ذره‌ی غبار وجود داشتند، هر یک بذری بود سپس بذر مثل دانه‌ی عدس یا گندم توی ظرف مخصوص رشد کرد و پرورش یافت و بزرگ شد سپس بگو خداوند بذر انسان‌ها را همچون بذر گیاهان آفرید و رشد داد.

۲- بازی‌های جنسی میان کودکان:

شکی نیست بهترین درمان این پدیده، پیشگیری از آن است. از سنین اولیه به کودکت بیاموز که بدنش فقط ملک خود او است، لذا هیچ کس جز خودش یا والدین‌اش در هنگام حمام کردن یا تمیز کردن یا لباس پوشیدن حق ندارد بدنش را لمس کند یا دست بزند.

به او بیاموز اگر کسی خواست بدنش را لمس کند یا لباس‌اش را درآورد، به او اجازه ندهد و سرباز زند.

همچون پدر، هنگامی که بچه‌ها بازی می‌کنند بویژه لحظه‌ای بچه‌های بزرگتر حضور دارند، بدون اینکه شک برانگیزی یا بی دلیل نگرانی ایجاد کنی، مواظب شان باش و هنگامی که بچه‌ها برای بازی به جای دوری می‌روند و از جمع گوشه‌گیری می‌کنند؛ آنان

۱- دکتر دیوانی، خلیل مصطفی، صحة الطفل وأخطاء الأهل.

را صدا بزن تا بیایند و در جایی نزدیک بازی کنند که قابل دست رسی و مراقبت باشند. این کار باید به گونه‌ای ماهرانه انجام دهی که باعث ایجاد شک و نگرانی نشوی.^۱

۱- ناصح علوان، عبدالله، *تربیه الأولاد في الإسلام*، فصل التربية الجنسية؛ این کتاب با نام «چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم» ترجمه و توسط نشر احسان چاپ شده است.

فصل بیست و چهارم: نوجوانی... چگونه با آن رفتار می‌کنی؟

۱- پدیده‌های جسمی و روانی نوجوانی و مسئولیت پدران در قبال آن:

دوره‌ی بلوغ یا نوجوانی در پسران و دختران (۱۱- ۱۸ سال) دگرگونی‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارد که طی آن انسان از دوره‌ی کودکی به دنیای پختگی و جوانی راه می‌یابد. بدن شخص بالغ با دگرگونی‌های بسیاری مواجه می‌شود، در وزنش، حجمش، شکلش، بافت‌ها، سیستم‌های داخلی و در هیکل ظاهری بدن و اندامهای بیرونی‌اش کاملاً تغییر پدید می‌آید.

در دوره‌ی بلوغ یا نوجوانی، شخص دگرگونی‌های اندامی سریع و پیاپی را پشت سر می‌گذارد، قضیه‌ای که بزرگان آگاه از آن در شگفت‌اند؛ هنگامی که کودک خردسال را می‌بینند، طی مدتی کوتاه قد کشیده و قوی بنیه گشته است.

بعضی از پدران و مادران، از پسران و دختران شان به تغییرات ظاهری جسم و قیافه شان ایراد می‌گیرند و گاهی این ایراد گرفتن‌ها را اظهارات یا شوخی‌های آمیخته به تعجب همراهی می‌کند و گاهی هم تمسخر و ریشخند.

شخص نوجوان نوبالغ را می‌بینی که در این مرحله بر سر قضایایی با والدین و معلمان، مشاجره می‌کند. در حالی که جر و بحث می‌کند که در دوره‌ی کودکی تسلیم و فرمانبردار بود. او به استقلال خواهی و استقلال طلبی کشش دارد و در تصمیمات فردی عمل می‌کند و گاهی به سادگی دیدگاه دیگران را نمی‌پذیرد و چه بسا که رهنمودها و نصیحت شان را رد کند.

موارد فوق را واکنش‌هایی معین همراهی می‌کند چون نوجوان گاهی از خود و آینده‌اش بیمناک است و از احتمال ناکامی یا موفقیت می‌ترسد. از خود می‌پرسد آینده‌اش چه خواهد شد؟ با سختی‌های زندگی چگونه روبرو شود؟

گاهی نمی‌تواند واکنش‌هایی را کنترل و مدیریت کند، چون اگر دوست بدارد، افراط و

زیاده روی می‌کند. کسی را دوست ندارد، به او دلبسته و دلباخته می‌شود و برایش می‌میرد و اگر از کسی خوش‌اش آید، همه‌ی مردم گرداگرد جمع می‌کند و در توصیف و تمجیدش زیاده روی می‌کند؛ لذا باید گفت: نوجوانان وقتی کسی را دوست ندارند در دوستی‌اش اغراق می‌کنند و چون با کسی دشمنی کنند؛ در ابراز تنفر از او مبالغه می‌کنند. نوجوان را می‌بینیم که در نقد دیگران حساسیت زایدالوصفی دارد. برای آن زجر می‌کشد و رنج می‌برد و حسرتها و رنج‌هایش از دیگران او را می‌آزارد. گاهی فکر می‌کند دیگران او را درک نمی‌کنند از احساسات و عواطفش بی‌خبرند، بنابراین گاهی نوجوان را می‌بینی که از پدر و مادرش و از مردم به دل می‌گیرد، از آنان متنفر می‌شود و برایشان دردسر ایجاد می‌کند. او مرتب می‌گوید: «کسی مرا درک نمی‌کند». «من وضع خودم را بهتر می‌فهمم»، «فقط دوستانم هستند که مرا درک می‌کنند». گاهی نوجوان از جامعه فاصله می‌گیرد و به گوشه‌گیری و تنهایی روی می‌آورد.

او خود را کاملاً مثل بزرگترها بویژه والدین‌اش نمی‌پندارد و نمی‌بیند بویژه که از نظر سنی خیلی با او فرق دارند. او در نوع پوشش، روش زندگی، و موضوعات مهم و سرگرمی‌هایش، به مدها و روش‌های مختلفی روی می‌آورد. اگر با بزرگترها مقایسه شود؛ خیلی حساس است و اساساً او دیدگاهی خاص دارد که بسیاری از بزرگترها از آن غافل‌اند.

شخص نوجوان نوبالغ دوست دارد خودش را اثبات کند؛ ولی بسیاری از پدران، مادران، دبیران و برادران خواهرهای بزرگتر نوجوان، متأسفانه به احساس نوجوان در ابراز شخصیتش توجه نمی‌کنند؛ اعتنا ندارند که او با بهره‌برداری از توانمندی‌هایش و دریافت مسئولیت‌هایی (در خانه یا ...) و با انجام کارهای مناسب خود، می‌خواهد خودش را اثبات کند و شخصیتش را بقبولاند؛ ولی بعضی از بزرگترها به پسران و دختران نوجوان و مسئولیت‌هایی که به آنان سپرده می‌شود؛ اعتماد نمی‌کنند، آنان این بی‌اعتمادی را به طور

مستقیم یا غیرمستقیم به نوجوانان ابراز می‌دارند، هیچ مسئولیتی را به آنان واگذار نمی‌کنند و فقط کارهای حاشیه‌ای را به آنان می‌سپارند.

بسیاری از خانواده‌ها فرزندان را راهنمایی و تشویق به ادامه‌ی تحصیل می‌کنند و وقتشان را با این اهداف خالی می‌کنند و کار یا مسئولیتی به آنان نمی‌سپارند تا احساس هویت، مسئولیت و استقلال کنند، شخصیت شان تبلور یابد و توانایی‌های اجتماعی شان رشد کنند و پیراسته گردد.

ولی متأسفانه جوامع ما مدت دوره‌ی خردسالی و متکی بودن به دیگران را طولانی می‌کنند تا جایی مثلاً شخص تا سن بیست و سه سالگی از دانشگاه متفرغ نمی‌شود، در حالی که در همه‌ی این مراحل از نظر مالی، فرهنگی و اجتماعی دنباله رو و بار جامعه است و جز استقبال از مهمانان کاری ندارد.

بدین سان جامعه با خواسته و نیازهای طبیعی این مرحله روبرو می‌شود چیزی که شاید در زندگی نوجوان به انحراف، سردرگمی یا ترس او بینجامد یا حداقل در بهترین حالت ممکن توانایی‌هایش به هدر می‌رود، در حالی می‌بینیم اسلام در سن بلوغ مسئولیت‌های شرعی انسان را به خودش سپرده است و مسئولیت‌اش را در عبادت‌ها، معاملات و عملکردهای مختلف به دوش خودش گذاشته است.^۱

هنگامی که با فرزندت در سن بلوغ می‌خواهی صحبت کنی، بهتر است که سخنان را به گونه‌ای متفاوت با زمانی که او کوچکتر بود؛ شروع کنی لذا مثلاً به او بگو: «بله دیدگاهت شایسته است، ولی من قضیه را اینگونه می‌بینم»، «اشکالی ندارد هر یک از ما در این مورد دیدگاه خاص خود را داشته باشد»، «یقیناً من به این قضیه همچون تو فکر نمی‌کنم؛ ولی حق تو است که به گونه‌ای دیگر فکر کنی....».

۱- دکتر النغمشی، عبدالعزیز، المراهقون.

نوجوان در دوره‌ی بلوغ هویتش را کشف می‌کند و وسایلی را خواهد یافت که با آن استقلال خود را ثابت کند، چنان که راه‌های جدیدی را برای تعامل با دیگران کشف خواهد کرد.

گاهی نوجوان ناگهان آدمی ایده‌آل و آرمان‌گرا می‌شود و از بزرگتر از خودش و اوضاع پیرامونش انتقاد می‌کند. گاهی سرکش می‌شود و بر عرفها و آداب و رسوم طغیان می‌کند و می‌شورد.

عکس آن گاهی همه چیز پیرامونش را به تمسخر و ریشخند می‌گیرد و کار به جایی می‌رسد که گاهی افکار و اندیشه‌های پدر و خانواده‌اش را به مسخره می‌گیرد.

در مقابل سلطه و مباحثه‌ی مقابل، نوجوان به مخالفت و رقابت می‌پردازد و دیدگاه و موضع مخالف خود با تو را ابراز می‌دارد. در این مرحله نوجوان به مظهر و شکل و قیافه‌اش در مقابل دیگران اهمیت می‌دهد؛ لذا او را می‌بینی که خیلی مقابل آینه می‌ایستد و خودش را نگاه می‌کند او گاهی به خاطر مظهر و قیافه‌اش بویژه هنگام حضور در جمع جوانان احساس نگرانی می‌کند.

نوجوان گاهی شدیداً احساس خجالت می‌کند و به گوشه‌گیری و عزلت روی می‌آورد، لذا سعی کن او را به انجام کارهایی وادار نکنی که دوست ندارد یا از انجام آن راضی و راحتی نیست. مبدا فکر کند که تو این حالت او را عیب و ایراد می‌دانی، بلکه بکوش ثابت کنی که به او و توانایی‌ها و مهارت‌هایش ایمان و اعتماد داری.

سعی کن به فرزند نوجوانت ثابت کنی که حق‌اش است مستقل باشد چنان که حق‌اش است انتخاب کند، پس از آن ملاحظه خواهی کرد که قدری از لجبازی، جبهه‌گیری و مخالفتش کاسته خواهد شد.

باید بدانی که او دوست دارد تو تکیه‌گاه و منشأ امنیت و تشویق او باشی و دوست ندارد؛ همیشه بر سرش چمباتمه بزنی.

چنان که از راه کارها و رهنمودهای خوش‌اش می‌آید؛ اما دوست ندارد؛ او را به انجام بعضی کارها مجبور کنی:

- مگذار فکر کند؛ زندگی تو به او وابسته است.
 - به او اجازه بده، در وقتی که مناسب او است کاری را انجام دهد.
 - در کارهای خانه، عوض اینکه او را به کاری امر کنی؛ از او کمک بخواه.
 - در روش اجرا، قدری به او آزادی بده.
 - شایسته است مجازات، با کار ارتباط داشته باشد.
- بنابراین اگر نوجوان لباس‌های کثیفش را در ظرف لباس‌های شستنی نگذاشت، کافی است که فقط لباس‌هایش اصلاً شسته نشود و اگر لباس‌هایش را روی زمین گذاشت، در آن صورت لباس‌ها روی زمین خواهد ماند، تا خودش آن را بردارد.
- به خاطر داشته باش، نوجوان در این مرحله احساس می‌کند به یک جای مستقل و اختصاصی نیاز دارد تا هر طور خواست آنجا را مرتب کند^۱.
- هنگامی که خانواده‌ها شکوه دارند؛ فرزندان شان مثل گذشته از آنان فرمانبرداری ندارند؛ به احتمال زیاد این خانواده‌ها از نیاز فرزندان نوجوان شان به مستقل بودن ناآگاه‌اند، چنان که بی‌خبراند از اینکه باید آنان تغییر کنند و کافی نیست که فقط فرزندان شان تغییر کنند.
- تا می‌توانی سعی کن از سقف خواسته‌ها و اوامر بکاهی و خواسته‌ها و اوامرت را با اطمینان مطرح کن و آماده‌ی پاسخگویی باش!
 - از روش استبدادی، بی‌عاطفگی و سنگدلی پرهیز و این فرموده‌ی خداوند را به یاد داشته باش: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹] «اگر با خشونت و سنگدل بودی، حتماً آنان از گرداگردت پراکنده می‌شدند».

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

- پیش از اینکه اجرای خواسته‌هایت را از او درخواست کنی، توجه‌اش را جلب کن و حتی الامکان علت‌ها را برایش توضیح بده.
- خواسته‌هایت باید مثبت باشد، منفی نباشد، مثلاً نگو: «نکن»، بلکه بگو: «بکن».
- عوض اینکه بگویی: «وقت را هدر مده»، به او بگو: «مواظب وقت باش».
- از موضعگیری مردد بپرهیز مثلاً امروز او را از کاری بازنداری که تا دیروز در مورد آن سهل انگار بودی و امروز در کار، سهل انگاری نکن که تا دیروز برایش جدی بودی و بر آن تأکید می‌کردی!
- خواسته‌هایت را با فرمان‌های خداوند منضبط و منطبق گردان.

۲- نوجوان... نیازمند دوستان است:

مصاحبت و دوستی یک ارتباط اجتماعی است که تقریباً تاریخ زندگی بشر از آن خالی نیست. مصاحبت و هم نشینی در زندگی روحی - روانی، اجتماعی و فرهنگی شخص تأثیر بسزایی دارد. از جمله مثالهای برجسته تأثیر مصاحبت و رفاقت، مصاحبت و رفاقت سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه با رسول الله صلی الله علیه و آله است و ارتباط روانی سرنوشت سازی که این مصاحبت و رفاقت را پایه ریزی و ایجاب کرد.

نوجوانان به همقطاران و همکلاسی‌هایی که از نظر سنی به آنان نزدیک‌اند، روی می‌آورند تا با آنان دوستی یکپارچه و منسجمی را پایه ریزی و ایجاد کند که در خیلی از چیزها مشترکاتی دارند، از جمله: شباهت در تغییرات جسمی، روانی، عقلی و امثال آن. خیلی وقت‌ها شباهت میان همقطاران به دل بستگی به مصاحبت و رفاقت می‌انجامد؛ طوری که نوجوان هیچکس را بر او مقدم نمی‌دارد به میزانی سرنوشت خود را به آن گره خورده و دیدگاه خود را به آن وابسته می‌یابد. مهر و محبت میان دوستان گاهی به درجه‌ی صمیمیت، همدلی می‌رسد، تا جایی که این دوست صمیمی بدون حضور و نظر آن یکی هیچ تصمیمی نمی‌گیرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «شخص به کیش دوست صمیمی و

همدل خویش است، لذا باید هر یک از شما بنگرد با چه کسی دوستی می‌کند؟^۱. و فرمود: «هر شخص با کسی همراه می‌شود که او را دوست دارد»^۲.

دوست صمیم یا رفیق همدم بر عقیده و باورهای فکری‌اش اثر می‌گذارد و این اثرگذاری از عمق‌ترین تأثیراتی است که بسیاری از پدران و مادران و مربیان جز پس از گذشت زمان و از دست رفتن فرصت به آن توجه ندارند.

به جهت تأثیر عمیقی که دوستان بر جا می‌گذارند، مربیان هر شخص را از طریق دوستانش می‌شناسند. آنان با شناخت دوستان انسان او را ارزیابی می‌کنند و در اثر است که از دوست بد دور باش چون تو را با او می‌شناسند.

شاعر گوید:

تو اول بگو با کیان زیستی! پس آنکه بگویم که تو کیستی!

و دیگری گوید:

ای برادر می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند

و گوید:

کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز^۳

ولی همراه و مرتبط ساختن نوجوان با دوستان سالم و شایسته چگونه امکان پذیر است و دوستانش چگونه بتوانند در شکل‌گیری شخصیت سالم و مثبت او سهیم باشند و آثار و تبعات خطرهای اجتماعی را از او دور کنند و به طور کلی برایش مفید و مؤثر باشند؟

۱- روایت ابوداود و ترمذی.

۲- متفق علیه.

۳- این شعرها جایگزین شعر عربی نویسنده شد که مفهوم آن با مفاهیم این اشعار همخوانی داشت.

- مربی (و خانواده) باید اهمیت و خطر دوستان را بر نوجوان دریابند آنان باید پیش از اینکه بچه به سن بلوغ برسد، آمادگی لازم را داشته باشند شایسته است پیش از فرا رسیدن بلوغ بچه را آماده کرد و اطلاعات، پندها و تجربه های لازم را به او عرضه کرد؛ مطالبی که او را از اهمیت دوست شایسته و اثر نیک او آگاه گرداند و از سرانجام همراهی دوستان بد و خطر همنشینی با آنان مطلع سازد.
- برای سکونت، محلی را انتخاب کن، خانواده‌هایی در همسایگی‌اش باشند که به پاکی، شایستگی و استقامت فرزندان شان اهتمام ورزند، چون خیلی وقت‌ها نوجوان دوستان خود را از فرزندان همسایگان یا همسن و سالان محله‌اش بر می‌گزیند.
- مدرسه و آموزشگاهی را برای فرزندان انتخاب کن که دانش آموزان، مربیان و کادر آموزشی - اداری شایسته و موفق داشته باشد.
- سعی کن نوجوانت را با فعالیت‌های جدی و هدفمند، مرتبط سازی مثل کتابخانه‌ها، کلاس‌های علمی مؤسسات و مساجد یا برنامه‌های آموزشی فصلی مراکز آموزشی تابستانی، فعالیت‌های حفظ قرآن در تعطیلات.
- یاری جستن از دانشمندان و کارشناسان از دبیران، مشاوران (آموزشی، تربیتی و خانوادگی) مربیان، دعوت‌گران و دانشجویان.
- کنترل، نظارت و مراقبت نوجوان؛ باید به صورت غیرمستقیم و بدون اطلاع و از طریق دوست‌ها و دوستانش باشد، چون نوجوان معمولاً کنترل و مراقبت مستقیم را رد می‌کند و از نظارت نفرت دارد.
- دوستان شایسته‌ی فرزندت را گرامی بدار و او را تشویق کن تا آنان را در مناسبت‌ها دعوت کند، با آنان صحبت کن و با آنان درآمیز!
- نوجوان به علت ناآگاهی و کم تجربه گی، خیلی وقت‌ها در انتخاب کردن به خطا می‌رود؛ بنابراین او نیازمند راهنمایی بزرگترها است؛ نه دخالت شان.
- پدر و مادر باید بدانند، چه کسانی با فرزندان شان دوست‌اند، چون چنان که گفته

اند: کند همجنس با همجنس پرواز!

○ خیلی کم اتفاق می‌افتد که خود نوجوان با شراب، دخانیات و مواد مخدر آشنایی و سروکار داشته باشد، اما آشنایی‌اش و رفاقتش با معتادان یا سروکار دارندگان با شراب، دود و مواد مخدر زمینه را فراهم می‌کند که این نکبت‌ها را با چشم سر آن را در دسترس خود ببیند. دشوارترین و تلخ‌ترین صحنه‌ای که یک پدر در زندگی با آن مواجه می‌شود و ناگوارترین و دردناک‌ترین چیزی که شرافت و شعور او را به آن مبتلا می‌شود: این است که به او بگویند: «بیا و بچه‌ات را در پشت میله‌های زندان ببین، چون با مواد مخدر یا امثال آن سروکار داشته است».

وقتی که خانواده دانست یکی از دوستان بچه‌اش بد سابقه است؛ باید حکیمانه او را از فرزندش دور کند. بهتر آن است که مستقیم وارد عمل نشود، تا جوان آن را مستمسک قرار ندهد یا در وقتی در غیاب خانواده با او تماس بگیرد و ... اما گفتگوی روزانه و مباحثه‌ی آرام و مشارکت جوان در بررسی و تعیین نقاط خوب و بد رفتارهای اجتماعی و مردم، بهترین ابزار دور کردن دوستان ناباب از گرداگرد او است.

اگر بخواهیم فرزندان، دوستانی سالم داشته باشند، پس باید ارتباط مان را با خانواده‌های خوب و شایسته برقرار کنیم تا ارتباط فرزندان شان با فرزندان ما میسر و مقدور باشد^۱.

۳- نوجوان ... نیازمند امنیت است:

○ سعی کن در ارتباط با نوجوان بویژه هنگام صحبت از دغدغه‌ها و نگرانی‌هایش روح امنیت و آرامش را در او بدمی.

۱- عدنان السبئی، الصحة النفسية للمراهقين والشباب.

- از تمسخر کردن و زشت شمردن وضع نوجوان و شکل، قیافه، هیکل و منظرش جدا بپرهیز، چون این باعث خواهد شد در تماس با دیگران، احساس حقارت کند.
- سعی کن به احساسات نوجوان؛ مردد و نگران شدن از حضور در صحنه‌های اجتماعی، مناسبت‌ها، گفتگو، سخنرانی و ... احترام بگذاری. شاید چیزی از دستش بیفتد، یا نشانه‌های ترس از یک صحنه در او نمودار شود مثلاً رنگ صورتش ببرد، صورتش سرخ شود، عرق بر پیشانی‌اش بنشیند یا روبرو شدن با صحنه‌ای را رد کند یا از آن طفره رود یا از حضور در جشن‌ها، مراسم و مناسبت‌ها دوری کند، در همه‌ی این موارد احساس و تصمیم او را محترم دانست.
- شایسته است گفتگو، مباحثه و تبادل نظر را به آنان آموزش داد و آنان را به اظهار نظرات و دیدگاه‌های شان تشویق کرد.
- به خاطر داشته باش در تربیت همیشه ساکت کردن کودکان و نوجوانان، کتمان کردن تنفس شان و بی‌خردانه دانستن رؤیاهای شان هیچگاه مفید نیست، چنان که در غیر جای خود عادت دادن شان به حیا ناپسند و غیر مفید است، چون این مانعی خواهد شد برای حضور و مشارکت شان در مناسبت‌ها و مراسم اجتماعی.
- از انتقاد کردن از نوجوان بپرهیز. به خاطر ناکامی‌اش در صحنه‌های اجتماعی یا لغزیدنش به علت ترسیدنش، تردید یا طفره رفتن‌اش از حضور در مناسبت‌ها به او برچسب مزین و لقب مده، چون این روش، مشکل را حل نمی‌کند؛ بلکه بر پیچیدگی‌اش می‌افزاید و آن را طاقت فرسا می‌کند.
- ناگزیر باید نوجوان را به صراحت لهجه و بی‌پرده حرف زدن، عادت داد، چنان که باید او را به همکاری در حل مشکلاتش آگاهی داد و تشویق کرد.

۴- نوجوان... نیازمند خداپرستی است:

خیلی وقت‌ها، در حالات مختلف، نوجوان به دینداری روی می‌آورد، او به تفکر و تأمل، بسیار گرایش دارد چون عواطفش جوشان و احساساتش سرشار است. او زیاد

می‌ترسد، زود احساس گناه و ضعف می‌کند. گاهی به مسجد روی می‌آورد و به فرایض و نوافل پایبندی می‌کند ذکر و دعا می‌کند؛ همه‌ی اینها از گرایش جدی نوجوان به دینداری و خداپرستی حکایت دارد.

بنابراین لازم است از این آمادگی و گرایش نوجوان درست بهره برداری کرد و آن را به گونه‌ای درست راهنمایی کرد و جهت داد.

۵- دینداری را چگونه در نوجوان بارور و تقویت می‌کنی؟

○ سعی کن نوجوان را هر قدر امکان داشت به روش‌های غیرمستقیم و برنامه ریزی نشده به این سمت، هدایت و تشویق کنی؛ زیرا نوجوانان نسبت به روش دیکته‌ای مستقیم حساس‌اند، امتیازشان این است که خودشان آماده می‌شوند، البته گاهی هم لجبازی می‌کنند.

○ عقل، عواطف و احساسات نوجوان را با سخنانی عاقلانه و حکیمانه که آمیخته به تحریک عاطفه و احساس باشد، مورد خطاب قرار ده.

○ صحبت در این زمینه و جهت دادن بایسته است که زود آغاز شود، چون پند و اندرز خواستن از بزرگترها و جهت یافتن در سنین اولیه‌ی نوجوانی؛ سیزده تا پانزده سالگی، مفیدتر است؛ ولی پس از آن پذیرش کاهش و استقلال طلبی افزایش می‌یابد.

○ از شرایط تنگنا، سختی‌ها و مصیبت‌ها بهره داری کن و قدرت خداوند را توضیح بده و ضرورت پناه بردن به خداوند را در دشواری‌ها و سختی‌ها یادآوری کن.

○ به فرزند نوجوانت یادآوری کن که خداوند متعال از او باخبر است و او از جانب خداوند به طور دایم تحت نظر و مراقبت است. این فرموده‌ی خداوند را به او یادآوری کن: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۝۱۹﴾ [غافر: ۱۹] «خداوند چشم‌های خائن و پنهانها درون را می‌داند».

○ فرزندان را به کنترل نگاه عادت بده و این فرموده‌ی خداوند را به او یادآوری کن: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾ [النور: ۳۰] «ای پیامبر!»

به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نا محرم) فرو گیرند، و شرمگاه‌شان را حفظ کنند، این (کار) برای آن‌ها پاکیزه‌تر است». این فرموده‌ی پیامبر ﷺ را هم به او یادآوری کن، رسول الله ﷺ بر سیدنا علی رضی الله عنه فرمود: «ای علی! دنبال مکن نگاه (اول) را با نگاه (دوم)؛ زیرا اولی برای تو است و دیگری برای تو نیست»^۱.

و فرمود: «هیچ مسلمانی نیست که به محاسن زنی برای اولین بار چشم‌اش بیفتد؛ سپس او نگاهش را فرو بندد، مگر اینکه خداوند به تلافی آن عبادتی را به عوض می‌دهد، که حلاوت آن را می‌یابد (و می‌چشد)»^۲.

و فرمود: «نگاه تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است، کسیکه آن را از ترس من رها کند، در عوض به او ایمانی می‌دهم که حلاوت آن را در دلش می‌یابد (و احساس می‌کند)»^۳.

○ او را عادت بده تا از شنیدنی‌های زشت، از گفته‌های گمراه کننده که پستی و امیدارد، دوری کند.

این فرموده‌ی خداوند را به او یادآور شو که فرمود: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴾ [القصص: ۵۵] «زمانی که (سخن) پوچ و بیهوده بشنوند، از آن روی بگیرند و گویند: (ثمره ی) کردار ما از آن ما است و (ثمره ی) کردار شما از خودتان است. سلام بر شما باد. ما سبکسران و نادانان را نمی‌جوییم».

○ هنر و ادب اجازه خواستن را به او بیاموز تا بویژه هنگامی که خواست گوش دهد، یا نگاه کند و یا بپرسد؛ اجازه بگیرد، چون این نهایت کنترل حس کنجکاوی است، خداوند فرمود: ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَضِئُوا كَمَا اسْتَضَدَّتِ الذِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

۱- روایت ابوداود و ترمذی.

۲- روایت احمد.

۳- روایت طبرانی و حاکم.

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾ [النور: ۵۹] «و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند؛ باید اجازه بگیرند، همانند کسانی که پیش از آن‌ها بودند، اجازه می‌گرفتند، این گونه الله آیاتش را برای شما بیان می‌کند و الله دانای حکیم است».

لذا زمانی که کودک به رشد (که همان نوجوانی است) رسید، در هر حال هنگام ورودش به منازل یا اتاق دیگران یا هر نوع محل‌های خصوصی، باید اجازه بگیرد تا دیگران را غافلگیر نکند، و خصوصیات و اسرار شان برای وی آشکار نگردد و چشم‌اش بر چیزی نیفتد که دیدنش برای وی درست نیست^۱.

پیامبر ﷺ فرمود: «اگر کسی بدون اجازه بر تو اطلاع یافت، سپس سنگریزه‌ای را به سمتش پرتاب کردی و در اثر آن چشم‌اش را درآوردی؛ ایرادی بر تو نیست»^۲.

۶- نوجوان و مسایل جنسی:

در یک گفتگوی آرام پیرامون احتمالاتی با دخترانت صحبت کن؛ به آنان بگو: شاید روزی برادرت تنها باشد و با دختری مواجه شود که چیزی از او نمی‌داند، ممکن است آن دختر در کمین برادرت باشد و عفت و پاک‌اش را نابود کند یا ایدز را به او منتقل کند. به سادگی در مرد خطرهای این تجربه و آنچه که ممکن است خدای نخواستہ باعث پشیمانی‌اش گردد؛ صحبت کن در گفتگوی مسایل عقلانی، بهداشتی جسمی و سلامت دینی را مورد توجه قرار ده؛ اینکه خلوت کردن مرد با زن غریبه حرام است، چون پیامبر ﷺ فرمود: هیچ مردی با هیچ زنی خلوت نکند، چون سومین شان شیطان (وسوسه‌ها و اغواهای او) خواهد بود^۳.

۱- دکتر النعیمشی، عبدالعزیز، المراهقون.

۲- روایت بخاری.

۳- روایت نسائی.

به دخترانت یادآوری کن که خداوند در قرآن عظیم الشأن فرمود: «زنا نکنید!» بلکه چیزی را فرمود که برای سلامت انسان از زنا از آن هم محتاطانه تر و سخت تر است، چون فرمود: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَى﴾ [الإسراء: ۳۲] «به زنا نزدیک نشوید...». زیرا عمل شرم‌آور زنا عمل ترکیبی است که مقدمات و نتایج پیوسته‌ای دارد و یک کار یکباره و آنی نیست. مهمترین مقدمات آن عبارت است از:

۱- نگاه کردن به نامحرمان.

۲- همراهی و همنشینی با دوستان ناباب و نا اهل.

۳- شرابخواری و مصرف مواد مخدر

و مهمترین نتایج آن: در معرض خطرهای عقلی، اجتماعی و بهداشتی قرار گرفتن است.^۱

به دخترانت نیز یادآور شو، دختری که خودش را مخاطره می‌اندازد و با یک جوان در بیرون از محدوده‌ی دانشگاه ارتباط برقرار می‌کند، ریسک و ماجراجویی می‌کند و قضیه‌ی ازدواجش را در آینده به خطر می‌اندازد. شاید طبق دیدگاه دختر ارتباطش با پسر یک ارتباط صاف و پاک و دور از انحراف است؛ اما چشم و زبان و پاییدن مردم فقط به دیدن بسنده نمی‌کنند؛ بلکه آنچه را که مشاهده می‌کنند به اینجا و آنجا بازگو می‌کنند، آنگاه حرف و حدیث مردم را می‌بینی راه خود را در پیش می‌گیری و از یک خانه به خانه‌ی دیگر راه می‌یابی، آن وقت یک کلمه یا یک جمله کافی است تا مانع ازدواج گردد، اضافه بر اینکه با ارتباط و درآمیختن با مرد غریبه، از فرمان خداوند سرپیچی کرده و باعث خشم او گشته است.

هر دختر و دوشیزه بداند؛ جوانانی که آزاد اندیش و راحت‌اند، عشق را ابزار پر کردن و گذراندن وقت خالی خود می‌دانند، هر دختر ساده‌ای که تحت تأثیر افکار عاشقانه قرار می‌گیرد و قول و قرارهای سری ازدواج را باور می‌کند و می‌پذیرد، برحذر باشد و بداند؛

۱- السبعی، محمد عدنان و بیطار، محمد بشار، علموا أولادکم القیم.

محال است یک جوان با دختری سابقه دار بپیوندد و ازدواج کند. به خاطر داشته باشد که این آدم رذل پست به محض اینکه شکارش را درید آن را برای سگ‌های گرسنه جا می‌گذارد و می‌رود و همه‌ی آن قول و قرارها، وعده‌ها و سخنان عاشقانه را فراموش می‌کند.^۱

۷- مسئولیت‌پذیری را به او بیاموز:

شکی نیست که نوجوان از نوع رفتاری که از جانب پدر و مادر می‌بیند؛ متأثر می‌شود، لذا این رفتارها یا او را به پیشی گرفتن و هدیه دادن وامیدارد یا او را آدمی منفی و گوشه‌گیر بار می‌آورد که هیچ دیدگاهی ندارد.

○ هنگام طرح دیدگاه‌ها و نظرات در محافل و هنگام ارزیابی رخدادها، اندیشه‌ها و شخصیت‌ها از گفتگو و مباحثه با جوانان استفاده کن.

○ در مناسبت‌های مربوط به خانواده و مدرسه و امثال آن مثل اردوها، مسافرت‌ها و نوع و رشته‌ی تحصیلی، خرید یا اجاره‌ی خانه یا خرید ماشین و .. از مشورت و نظر جمعی استفاده کن.

○ هنگامی که از او اجرای کاری را درخواست کردی، او را به تصمیم‌گیری تشویق کن و عادت بده.

○ او را به عهده دار شدن بعضی مسئولیت‌ها تشویق کن و نظارت بر خانواده و انجام بعضی از کارهای آن را به ویژه هنگام نبودن خودتان (پدر و مادر) به او بسپار.

○ او را به استقلال مالی عادت بده، این کار را می‌توانی با در نظر گرفتن پول تو جیبی هفته وار یا ماهیانه، عملی کنی.

○ برنامه‌ریزی را به او بیاموز. او باید در رویکرد تحصیلی، شغلی، و امثال آن نقش اساسی داشته باشد.

○ منزلت را به کتابخانه‌ای کامل مجهز گردان که محتویات، نظم و ترتیب و جاذبه‌ی آن خوب و دلکش باشد. ناگزیر باید کتابخانه، مشتمل بر موادی باشد که به مسایل نوجوان و بلوغ پرداخته باشد، از جمله:

- ۱- گزیده‌ای از (ترجمه‌ی) تفاسیر، احادیث، فقه و فتواها.
 - ۲- کتاب‌های اکتشافات علمی.
 - ۳- زندگینامه‌ها و سیرت پیامبر ﷺ.
 - ۴- کتاب‌های پرسش و پاسخ در زمینه‌های مختلف بویژه، مسایل شرعی، بهداشتی، اجتماعی و روانی و ...
 - ۵- داستان‌های آموزنده و هدفدار.
 - ۶- کاست‌های صوتی مطالب آموزنده، داستانی، سخنرانی‌هایی با موضوعات متنوع.
- باید تعداد اقداماتی که نوجوان را به مطالعه کردن جذب می‌کند؛ رعایت کنی، از جمله:
- ۱- اینکه خود نوجوان اقدام به خرید تعدادی کتاب و کاست کند و کتابخانه را به این محصولات فرهنگی تجهیز کند.
 - ۲- اینکه در حد ممکن مرتب کردن کتابخانه و نظارت بر آن به او سپرده شود.
 - ۳- اینکه مربی (یا خانواده) از سلامت و درستی مواد کتابخانه (کتابها، جزوه‌ها کاست‌ها، سی‌دی‌ها و ..) مطمئن باشد.
 - ۴- اینکه گزینش مطالعه‌ی کتاب‌ها به نوجوان تحمیل نشود، بلکه در انتخاب ماده‌ی مورد علاقه‌اش به او آزادی عمل داده شود^۱.
 - ۵- کتابخانه به کامپیوتر و سی‌دی‌های حاوی اطلاعات یا بازی‌های مناسب مجهز باشد.

۱- محفوظ، محمد جمال، التریبۃ الإسلامیة للطفل المراهق.

۸- نوجوان در کشورهای ما و کشورهای غربی:

به لطف خدا هنوز خانواده‌های ما از امتیاز ارتباط وابستگی خانوادگی برخوردار است، محبت و دوستی عشق و علاقه از پدران به فرزندان انتقال می‌یابد، در حالی که زندگی در غرب بر دوری و جدایی میان نسلها برپا است و نوجوانی در این کشورها - غالباً - یعنی تمرد و سرکشی

دکتر De Besse متخصص روانشناسی تربیت در کتابش «المراهقة» می‌نویسد:

«در کشورهای ما وقتی که کودکان، بزرگ می‌شوند به طور قطعی پدیده‌ی تمرد و سرکشی در آنها نمود دارد و پدران و مادران می‌باید متوجه این بخش باشند و می‌باید با فرزندان شان بر اساس پذیرش آنان رفتار کنند، چون رشد یعنی تمرد»^۱.

اما ارتباط میان پدران و فرزندان در خانواده‌های ما، غالباً بر پایه‌ی نیکوکاری به پدر و مادر برپا است. حتی براساس توصیه‌ی رسول الله ﷺ در نیکوکاری مادر را به پدر ترجیح می‌دهیم، رسول الله ﷺ فرمود: «(به) مادرت (خدمت کن) سپس به مادرت سپس به مادرت سپس به پدرت»^۲.

جوان نوبالغ ما بر خانواده‌اش یا بر ارزش‌های آن خیلی کم می‌شورد یا آن را کم نادیده می‌گیرد، بویژه زمانی که خانواده به اخلاق و شریعت متعهد باشد بنابراین نوجوان ما مرحله‌ی «تکلیف» را پشت سر می‌گذارد نه مرحله «سرکشی» و «تمرد» و نادیده انگاشتن خوبی‌ها را. نوجوان در این مرحله و در این سن با وفاداری و محبتی روبرو است که پدر و مادرش به او تقدیم کردند.

برخلاف این طیف از نوجوانان، اندکی از بچه‌ها رامی بینیم که از قید و بند وفاداری به پدران شان رهااند و به نادیده انگاشتن خوبی‌هایی که خانواده‌هایشان نسبت به آنان انجام داده‌اند، خو کرده‌اند، گروهی از این فراریان (از خانه) غالباً با باندهای ضد اخلاق،

۱- dr De Besse، المراهقون.

۲- روایت مسلم.

ضد قانون و ضد دین آشنا شده‌اند و فکر کردند با همراهی این باندها جایگاهی بهتر از جایگاهش در میان خانواده خواهد داشت. در چنین حالاتی همیشه خانواده مسئول سرنوشت این بچه‌ها خواهد بود. چون در خردسالی به قدر کافی به آنان نیکی نکردند یا براساس احترام گذاشتن و محبت کردن با آنان ارتباط برقرار نکردند.

خیلی تأسفناک است که در اطراف‌مان پدرانی فاضل و شایسته را می‌بینیم که حتی از نظر دین و دانش هم ممتاز و عالی‌اند. فرزندانی را به دنیا آوردند که سرکش و بی‌دین شدند. خیلی وقت‌ها این پدران علیرغم جایگاه علمی که داشتند، علت این بی‌دینی و سرکشی را نفهمیدند و ندانستند که یکی از وظایف و مسئولیت‌های پدران است که هم سطح کودکان شان کودکی کنند و چون با آنان دوستانه رفتار نکردند، پیروان شیطان آنان را به دام انداختند و به سوی سرکشی و بی‌بند و باری کشاندند.^۱

۹- فرزند نوجوانم صبح به سادگی بیدار نمی‌شود:

صبح او را یکمرتبه صدا بزن و مطمئن شود که صدایت را شنیده است و واقعا بیدار است. پس از آن کار بلند شدن از رخت خواب را به خودش بسپار. وقتی که دیر بلند شود؛ دیر به مدرسه می‌رسد، قطعاً با توجه به هشدار مدرسه او خیلی زود خواهد فهمید از خواب چگونه بیدار شود. سخن خانم یا آقای دبیر به مراتب از صدا زدن پیاپی تو بهتر خواهد بود. پس از صدا زدن به او بگو: اگر این خواسته‌ی تو است، پس خودت دانی؛ لذا باید عواقبش را نیز بپذیری!

۱۰- بازگشت نوجوان در شب:

از کارهایی که میان نوجوان و والدین‌اش پدید می‌آید قضیه‌ی مشخص کردن ساعت بازگشت او در شب به منزل است. و نه صرفاً ساعت بازگشتش به منزل. بلکه اینکه دراین فاصله او کجا و با کی است؛ نیز اهمیت دارد.

۱- السبعی، عدنان، الصحة النفسية للمراهقين.

- همیشه به او تاکید کن که میدانی او به کجا می‌رود؛ ولی قبل از بیرون شدن و پس از بازگشتن‌اش به منزل او را مورد بازجویی و بازپرسی قرار مده.
- به او پیاموز که با تو راحت و صریح باشد، دلش را برایت باز کند و در هر زمینه هر چه خواست بگوید.
- پیش از صحبت کردن با او، مواظب کلماتی باش که او را با آن مورد خطاب قرار می‌دهی.
- مثلا به جای اینکه به او بگویی: تو کجا می‌روی؟ به او بگو: «امروز به جایی لذتبخش می‌روی؟». و عوض اینکه بپرسی: امروز چه کار کردید؟ از او بپرس: آیا از وقت تان لذت کافی بردید؟ و عوض اینکه بگویی: با چه کسی خواهد رفت؟ می‌شود بگویی: آیا دوست علی هم خواهد رفت؟
- در مورد زمان بازگشت به منزل با او به توافق برسی و سعی نما تا وقت مناسبی را برگزینی که مورد توافق و رضایت هر دو تان باشد.
- کاملا به او توضیح بده که چگونه و چقدر به او اعتماد و از او توقع داری؛ به این توافق پایبند باشد.
- اگر روزی دیر کرد؛ در آغاز به حرفش گوش بده، چون شاید اسباب موجهی وجود داشته باشد؛ ولی به او پیاموز که می‌توانست از تلفن منزل دوستش استفاده کند و تأخیرش را به تو اطلاع دهد، بدین سان خیال تو هم که منتظرش هستی راحت خواهد شد.
- به او یادآوری کن که به طور کلی همه‌ی خانواده‌ها نگران فرزندان هستند.
- اگر به توافق پایبند نماند، به او بگو: در صورت تکرار تأخیر در بازگشت، به مدت یک هفته شب از خانه بیرون نخواهد رفت^۱.

۱- دکتر مبیض، مأمون، اولادنا.

۱۱- اگر چشمات به کار خاصی از کارهای فرزندان افتاد، که او دوست نداشت تو از آن اطلاع یابی، چه می‌کنی؟

اولاً به یاد داشته باش که اتاق بچه، اتاق ویژه‌ی او است و این را نیز به خاطر داشته باش؛ اگر آنچه را دید مصادره و نابود کنی، قطعاً این رفتار، فرزندان را از ادامه‌ی این کار باز نخواهد داشت؛ ولی او از این تجربه خواهد آموخت، در پنهان کاری بیشتر مراقبت باشد و نیازهای خاص خود را در جایی دور از چشم و مراقبت تو نگهداری کند.

از خودت بپرس: آیا این کار برایش ضرر دارد یا خیر؟ اگر ضرر نداشت بهتراست آن را در جای خود بگذاری، اما اگر احساس کردی این کار، خطر و ضرر دارد، هر قدر موضوع سخت بود، بهتراست با او وارد مذاکره شوی، ولی سعی کن موضوع را وارد مرحله‌ی تقابل و زور آزمایی نکنی و مثلاً به او نگویی: با من بیا می‌خواهم در مورد جریان‌ی خطرناک با تو صحبت کنم، یا الله در را ببند و مقابلم بنشین. بین امروز توی اتاق چه یافتیم! واقعاً این کار خجالت دارد، چقدر تو بچه‌ای نافرمان و آزاردهنده هستی...!

۱۲- فرزندم شانزده ساله است ... دوست دارد رانندگی کند:

خیلی وقت بچه‌ها در این سن یا حتی زودتر از آن از پدر درخواست می‌کنند، به آنان اجازه دهد تا برای نخستین بار رانندگی کنند.

پدر زرنگ پاسخ می‌دهد: مطمئناً هیچ مانعی نیست، چون به مهارت در رانندگی ایمان دارم و در حقیقت خودم رانندگی را به تو آموزش دادم؛ ولی با این همه می‌دانی که مقررات راهنمایی و رانندگی به هیجده ساله اجازه‌ی رانندگی می‌دهد. از طرفی دیگر یک توصیه هم هست که فکر کنم نیاز به یادآوری نباشد چون تو آگاه‌تر از این حرف‌هایی و آن اینکه هیچ جوش و خروش، سبکسری و شتابی در کار نیست، چون ما از قماش

جوانان بی‌پروا و ماجراجو نیستیم لذا هنگامی که ماشین را می‌رانی، من درماشین خواهم ماند؛ زیرا علیرغم اعتمادی که من به تو دارم، مقررات به همسن و سال‌های تو اجازه چنین کاری را نمی‌دهد^۱.

۱۳- توصیه‌هایی به والدین:

شایسته است والدین موارد زیر را رعایت کنند:

- ۱- مقابل کودکان یا نوجوانان مشاجره و درگیری نداشته باشند.
- ۲- هر گونه اختلافی حتی اختلافات مالی دور از چشم کودکان حل شود و هیچگونه درگیری و مجادله‌ای در مقابل فرزندان با صدای بلند صورت نپذیرد.
- ۳- والدین در کار و زندگی نوجوان مداخله نکنند. راهکارها و رهنمودها قالبهای آمرانه نداشته باشد.
- ۴- والدین، نوجوان را به استقلال و اعتماد بنفس تشویق نمایند.
- ۵- هنگامی که به خاطر چیزهای بی‌ارزش خشمگین می‌شود، توجه‌اش را جلب کنند و بی‌ارزشی آن چیزها را یادآور شوند.
- ۶- در جنبه‌ی مالی بر او سختگیری نکنند، چون برای کسب پول منحرف خواهد شد یا احساس حقارت خواهد کرد و از آن طرف در دادن پول زیاده روی هم نکنند که باز سبب انحراف خواهد شد.
- ۷- اگر برایت روشن شد که دوستان فرزندت منحرف‌اند یا در میان شان افراد منحرف وجود دارند، شایسته و درست نخواهد بود که به طور ناگهانی فرزند را از همراهی آن مجموعه بازداری.
- ولی سعی کن فرصت‌هایی را که با افراد ناباب دیدار دارد، کاهش دهی و او را به همراهی افرادی دارای گرایش‌ها و رویکردهای سالم‌اند؛ تشویق کنی و فرصت دیدار با

۱- السبيعي، عدنان، الصحة النفسية للمراهقين والشباب.

افراد شایسته‌ای را فراهم آور که در گرایش‌ها و رویکردها با او شباهت دارند.
۸- او را تشویق کن تا آنچه را می‌بیند و می‌شنود؛ نقد کند و نقد عاقلانه را همیشه مدنظر قرار دهد.

۹- کشش‌های خیرخواهانه و خدمت به دیگران را در او تحریک و تقویت کن این حدیث نبوی ﷺ را برایش خاطر نشان ساز که فرمود:

«کسیکه بار (غم) از دوش مؤمنی بردارد و غصه، نگرانی و دلهره‌ای را از غصه‌ها، نگرانی‌ها و دلهره‌های دنیا را دور کند؛ خداوند در قیامت غصه و عذابی را از او برخواهد داشت و کسیکه بر تنگدستی آسانگیری کند، خداوند درد دنیا و آخرت بر او آسانگیری نماید و کسیکه (عیب) مسلمانی را بپوشاند؛ خداوند در دنیا و آخرت (عیوبش) را بپوشاند. خداوند یاریگر بنده است، مادامی که او یاور برادرش باشد. کسیکه راهی را بپیماید که در آن دانشی را بجوید، خداوند برایش راهی را به سوی بهشت مهیا و میسر خواهد ساخت. هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا جمع نشدند تا کتاب خدا را تلاوت و آن را با یکدیگر مدارس و بررسی کنند، مگر اینکه آرامش بر آنان فرود آید و رحمت (خدا) آنان را فرا گیرد و فرشتگان آنان را احاطه کنند و خداوند آنان را در میان کسانی که نزد اویند (در محفل ملکوتیان) یاد کند و کسیکه کردارش او را به تأخیر اندازد و معطل کند؛ نسبش (او را به جایی نرساند و) به سرعتش نیفزاید»^۱.

۱۰- او را به موفقیت در زمینه‌های تحصیلی و کسب مهارت‌ها تشویق کن.

۱۱- به دیدگاه‌هایش احترام بگذار و به او اجازه بده کارهایش را خودش انجام دهد. خودش برنامه ریزی کند و تصمیماتش را خودش بگیرد.

۱۲- احساس شکست و ناکامی را از او دور کن. کمبودها و نقص‌هایش را بر او ایراد مگیر. شکست، تجدید و مردودی‌اش را به رخس مکش.

۱- روایت صحیح مسلم.

۱۳- همیشه احساس محبویت را در او تقویت کن و این را یادآوری کن که او غالباً در کارش موفق است و از خطاهای اندکش درس می‌آموزد.^۱

۱- دکتر محروس، شحاته، أبنائنا في مرحلة البلوغ و مابعدھا.